

پیشگفتار:.....	۳
بخش اول: بیانیه ها، پروگرام کار و تشکیلات سیمینار.....	۱۱
قسمت اول: بیانیه ها.....	۱۱
قسمت دوم ترکیب کمیسیون ها و پروگرام کار.....	۵۰
بخش دوم: توضیح به استهداآت جزائی و امنیت عامه.....	۶۳
بخش سوم: توضیح به استهداآت مدنی، تجارتی، حقوق عامه و احوال شخصیه.....	۱۱۹
بخش چهارم: توضیح به استهداآت امور وثایق.....	۱۶۴
بخش پنجم: توضیح به استهداآت مربوط به اداره قضائی و مسایل متفرق.....	۱۸۷
بخش ششم: مقررہ ها، قواعد، طرز العمل ها و رهنمودها.....	۲۰۰
قطع نامه سیمینار.....	۲۹۵
مصوبه شورای عالی ستره محکمه.....	۳۰۰

ارناد و مصوبات

سیمینار عالی روسای محاکم

تعمیم قانونیت - تامین عدالت

۱۲-۱۷ عقرب ۱۳۸۶

با پیام رئیس جمهور اسلامی افغانستان سیمینار عالی رؤسای محاکم تحت شعار (تعمیم قانونیت - تامین عدالت) قبل از ظهر روز (۱۲) عقرب ۱۳۸۶ از جانب ستره محکمه در هوتل انترکانتی نتال گشایش یافت.

در محفل افتتاحیه جلالتمآب پوهاند عبدالسلام «عظیمی» قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه، وزیر عدلیه، رئیس عمومی امنیت ملی، عده یی از مقامات بلند پایه دولتی، قضاات، سفرای برخی از کشور های دوست مقیم کابل و مسؤولین بعضی از سازمان ها، موسسات و پروژه عدلی و قضائی (USAID) اشتراک به عمل آورده بودند.

محفل با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید توسط قاری استاد برکت الله سلیم آغاز و سپس پیام رئیس جمهوری اسلامی افغانستان توسط دوکتور عبدالملک «کاموی» آمر عمومی اداری قوه قضائیه قرائت گردید.

بعداً جلالتمآب قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه بیانیه اساسی سیمینار را که اهداف سیمینار و اجمال کارکرد های قوه قضائیه را احتوا می کرد ارائه فرمود، متعاقباً جناب محترم محمد سرور «دانش» وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان ضمن صحبت در مورد جایگاه و شأن قضاء در پرتو احکام شریعت روشنی انداخته، چنین توضیح نمود که قضاء از جمله وظایف انبیاء بوده و قضاات جانشین پیامبران در تامین عدالت اند. موصوف عوامل مهم رسالت قضائی را

تشریح نموده، آرزو کرد تا با تدویر چنین سیمینار ها فرصت های بیشتری برای پیشرفت و ارزیابی امور عدلی و قضائی فراهم شود.

سپس جناب محترم «گری پتر» مشاور بخش حاکمیت قانون سفارت امریکا مقیم کابل ضمن صحبتی تدویر سیمینار را گام مثبت در حل مشکلات قضائی و تامین مرکزیت خواند و اضافه نمود که بر اساس سروی انجام شده در سال جاری عیسوی (۲۰۰۷) علاقمندی مراجعه مردم به خاطر حل قضایای شان به محاکم تزیید قابل ملاحظه کسب نموده و به دو چند افزایش یافته است که نمایانگر اعتماد آنها نسبت به قوه قضائیه می باشد و بردوام کمک های دولت متبوعش نسبت به نظام قضائی افغانستان کماکان تاکید بعمل آورد.

در ختم محفل افتتاحیه، جناب محترم محمد عمر «بیرکزی» عضو ستره محکمه پلان کاری سیمینار را که طی یک هفته اعتبار از (۱۲الی ۱۸) عقرب در چوکات کمیسیون های مشخص تنظیم شده و مرکب از اعضای ستره محکمه، مستشاران قضائی، قضاات نظامی، رؤسای ادارات مرکزی و محاکم استیناف ولایات بودند به شاملین توضیح نمود و کار های مقدماتی را که توسط کمیسیون ها در بخش های مربوط انجام یافته بود، مثبت ارزیابی نمود.

هدف از تدویر سیمینار مراتب ذیل را تشکیل می داد:

۱- رسیدگی به استهدآت محاکم در عرصه های جزائی، امنیت عامه، مدنی، تجارتی، حقوق عامه و احوال شخصیه، امور وثایق و معضلات اداری.

۲- تدوین مقرره ها، قواعد توضیحی، طرز العمل ها و رهنمودها به خاطر انتظام هرچه بهتر اجراءات محاکم.

۳- صحبت های جدی و مسوولانه با قضات به خاطر ارتقاء مسوولیت و تعهد کاری در قبال رسالت قضائی و اصحاب دعوی به منظور تسریع روند کاری محاکم جهت تعمیم قانونیت و تامین عدالت قضائی.

سمینار کارش را از طریق پنج کمیسیون کاری که ریاست هر کمیسیون را یکی از اعضای شورای عالی به عهده داشت، تنظیم نمود.

کمیسیون ها کارشان را بعد از ظهر روز (۱۲) عقرب آغاز نموده به ارتباط استهداآت واصله که ارقام عمومی آن به (۳۱۸) موضوع می رسید، از طریق تبادل تجارب در پرتو احکام شریعت و قوانین نافذه غور و بحث به عمل آورده پاسخ ها و توضیحات لازم را در مقابل هر بخش تهیه نمودند که در جلسه عمومی سمینار به تصویب رسید.

ارقام اجراءات کمیسیون ها طور ذیل گزارش شده است:

- کمیسیون بررسی بر استهداآت جزائی و امنیت عامه بالای (۱۵۰) موضوع غور و بحث نموده بعد از تحلیل دقیق و حذف بخش های تکراری و همگون بر (۶۱) موضوع نظر مشخص ارائه کرده است.

- کمیسیون مدنی، تجارتی، حقوق عامه و احوال شخصیه بالای (۱۰۰) موضوع غور و بحث انجام داده و پس از دقت کافی در مورد (۴۳) موضوع نظریات مشخص توضیحی ارائه نموده است.

همچنان (۱۶) موضوع بنابر اهمیت آن ایجاب غور و بحث مزید را می نمود که طبق تجویز شورای عالی ستره محکمه تدقیق آن بآینده موکول گردید و تعداد (۱۰) موضوع که به ارزش و اعتبار اسناد و طرز العمل اخذ

محصول ارتباط می گرفت از فهرست کار کمیسیون مدنی حذف و توضیحاتی که از طریق این کمیسیون تهیه شده بود ضم توضیحات کمیسیون امور وثایق گردید. بقیه استهداآت و توضیحاتی که در مورد آن تهیه شده بود، چون موضوعات همگون و تکراری را تشکیل میداد، طبق مصوبه شورای عالی ستره محکمه از فهرست نشر حذف گردید.

- کمیسیون بررسی امور وثایق در مورد (۴۰) موضوع غور و بحث بعمل آورده که بشمول ده موضوع ارجاعیه کمیسیون مدنی (۵۰) موضوع را تشکیل میدهد. که از آن جمله (۸) موضوع آن از حیث ارتباط موضوع به توضیحات کمیسیون مدنی مدغم گردیده، (۳۲) موضوع آن به طور مشخص در مورد وثایق تنظیم و ارائه شده است و بقیه نسبت همگون و تکراری بودن از فهرست کار کمیسیون حذف گردید.

- کمیسیون اداره قضائی و امور متفرق با مطالعه بیش از یکصد موضوع واصله پس از تفکیک و ردیف بندی مسایل مشخصاً به ارتباط (۲۵) موضوع غور و بحث نموده راه حل هایی ارائه داشته است.

- در کمیسیون تدوین مقرره ها، قواعد، طرز العمل ها و رهنمود ها، (۲) مقرره (۲) قاعده توضیحی (۴) طرز العمل و (۵) رهنمود بعد از غور، بحث و تدقیق لازم، تنظیم و تأیید شده است.

قبل از ظهر روز (۱۶) عقرب ۱۳۸۶ جناب قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه در جلسه عمومی سمینار عالی رؤسای محاکم اشتراک نمود، در آغاز این جلسه روسای کمیسیون های پنج گانه در مورد نتایج کار کمیسیون های شان بحضور قاضی القضاات گزارش دادند

که مورد ارزیابی مثبت قرار گرفت. سپس جناب قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه ضمن تأیید نتایج و دست آوردهای سیمینار در مورد وضعیت محاکم و مشکلات آن ها تماس گرفته نظریات مضمولین را مطالبه و استماع کرد.

در اخیر این جلسه قضاوتپوه عبدالجبار غفاری رئیس محکمه استیناف ولایت جوزجان به نمایندگی از روسای محاکم استیناف و اعضای سیمینار، ضمن امتنان و سپاس از سخنان رهنمودی رئیس ستره محکمه، چنین تجدید تعهد بعمل آورد.

« حرمت قضاء را که مسند انبیاء است جریحه دار نمی سازیم.

- حیثیت و اعتبار قوه قضائیه را که در رهبری آن جناب شما قرار دارید و به پاکی تمثیل می شود، در انظار جامعه ارتقا داده پرستیژ آن را حفظ خواهیم کرد.

- ما می خواهیم عدالت قضائی را هرچه بیشتر رعایت نموده اطمینان و اعتماد مردم را بدست آوریم.

- اطمینان می دهیم که قضاء را فرض کفایی دانسته و من حیث یک عبادت نسبت به این رسالت خطیر عمل نمائیم.»

در جلسه بعد از ظهر همین روز که تحت ریاست جناب بهاء الدین (بهاء) رئیس دیوان جزای عمومی ستره محکمه دایر گردید، مصوبات کمیسیون ها توسط منشی هر کمیسیون به جلسه عمومی ارائه شد و مورد تأیید قرار گرفت.

کار سیمینار قبل از ظهر (۱۷) عقرب با بیانیه اختتامیه جلالتمآب پوهاند عبدالسلام عظیمی قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه پایان یافت.

محفل اختتامیه با قرائت آیاتی از کلام الله مجید توسط محترم قاضی عبدالرحیم "عینی" رئیس محکمه استیناف سرپل آغاز گردید، سپس نتایج و دست آوردهای کاری سیمینار توسط جلالتمآب محترم بهاء الدین (بهاء) عضو شواریعالی و رئیس دیوان جزای عمومی ستره محکمه مورد ارزیابی مثبت قرا گرفت.

متعاقباً جلالتمآب قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه طی صحبتی گفت:

« هنوز مسئله مشکل که عبارت از مرحله تطبیق تصاویب سیمینار است، در پیشرو قرار دارد و از خداوند متعال توفیق می خواهیم تا زمینه تطبیق تصاویب را که منجر به تأمین بیشتر عدالت گردیده و تأمین امنیت را ضمانت می نماید اعطاء فرماید و ما را به اهداف وظیفوی مان هرچه بیشتر نزدیک سازد.»

همچنان جناب قاضی القضاات از رؤسای محاکم خواست تا بعد از بازگشت به ولایات مربوطه شان سیمینار های یک روزه یا دو روزه را به منسوبین شان تدویر نمایند و نتایج حاصله کاری سیمینار عالی رؤسای محاکم را به آگاهی شان برسانند.

بعداً جناب محترم دکتور عبدالملک «کاموی» آمر عمومی اداری قوه قضائیه قطعنامه سیمینار را که در (۱۰) ماده از جانب دارالانشاء تهیه شده بود، به خوانش گرفت که از جانب اعضای سیمینار تأیید شد.

در قطع نامه از تصاویب جلسه عمومی سیمینار و تطبیق بلا انحراف آنها بعد از طی مراحل اصولی، اقدامات انجام یافته قوه قضائیه در خلال سال گذشته، برنامه ها و تدابیر بعدی اصلاحی به منظور ثبات

نظام قضائی، رعایت و تطبیق یکسان قوانین و تامین عدالت قضائی با توجه به استقلال قضاء به منظور ارتقای پرستیژ قوه قضائیه در جامعه حمایت به عمل آمده است.

در اخیر محفل، تصدیق نامه هایی که از قبل آماده شده بود از جانب محترم قاضی القضاة و اعضای شورایعالی ستره محکمه به اعضای سیمینار توزیع گردید.

جلسه اختتامیه با دعائیه مولوی محمد صدیق مسلم رئیس عمومی دارالافتاء ستره محکمه پایان پذیرفتند.

روز شنبه (۱۹) عقرب ۱۳۸۶ جلالتمآب حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، اعضای سیمینار را در مقر ریاست جمهوری به حضور پذیرفت.

محفل با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید توسط قاری عبد الرحیم «عینی» رئیس محکمه ولایت سرپل آغاز و سپس جناب محترم بهاء الدین (بهاء) رئیس دیوان جزای عمومی ستره محکمه گزارش کاری سیمینار را بحضور جلالتمآب رئیس جمهور ارائه نمود و متعاقب آن الحاج مولوی عبدالغفار صائم رئیس محکمه استیناف ولایت هرات به نمایندگی از روسای محاکم ولایات بیانیه ئی را ایراد کرد که طی آن خواسته های روسای محاکم انعکاس یافت و به انجام وظایف و جایی که مسئولیت های قضاة را تشکیل میدهد تجدید تعهد صورت گرفت.

در اخیر جناب جلالتمآب رئیس جمهور، ضمن صحبتی از نتایج و دست آورد های سیمینار اظهار خرسندی بعمل آورد و قضاة را به وظائف سنگینی که به عهده دارند متوجه و برای شان اطمینان داد که

در مورد رفع مشکلات و کمبودی های محاکم توجه خاصی مبذول می دارد، و چنین ارشاد فرمودند:

« مردم افغانستان خواستار تامین هرچه بیشتر امنیت و عدالت اند که تحقق خواست آنها بعهده قضاة و محاکم کشور است، زیرا مردم آرزو دارند که وقتی به دروازه های محاکم می رسند کمال عدالت در مقابل خواست آنها مراعات گردد.

بناءً اکمال ضروریات محاکم وظیفه من و تامین عدالت وظیفه شما است».

محفل با اخذ فوتو های یادگاری در صحن ریاست جمهوری پایان پذیرفت.

به اساس تجویز مقام عالی شورایعالی ستره محکمه، دارالانشاء سیمینار وظیفه گرفت تا اسناد و مصوبات سیمینار عالی روسای محاکم را توحید و تنظیم نموده آماده نشر سازند.

دارالانشاء بعد از ختم کار سیمینار مدت (پنج) هفته بکار ادامه داد و اسناد و مصوبات مورد بحث را توحید و تنظیم نموده آماده نشر گردانید.

ریاست عمومی تدقیق و مطالعات ستره محکمه ج.ا.ا. مسرت دارد که با ارائه گزارش مختصر فوق، اسناد و مصوبات سیمینار را جهت استفاده محاکم و علاقمندان پیشکش می نماید.

و من الله توفیق

بخش اول

بیانیه ها ، پروگرام کاروتشکیلات

قسمت اول

بیانیه ها

- ۱- پیام جلالتمآب محترم رئیس جمهوری اسلامی افغانستان..... ۱۲
- ۲- بیانیه جلالتمآب قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه ۱۵
- ۳- صحبت رهنمودی قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه..... ۲۸
- ۴- بیانیه شفاهی قاضی القضاات در جلسه اختتامیه سیمینار..... ۳۲
- ۵- ارزیابی کار سیمینار توسط جلالتمآب (بهاء)عضو شورای ستره محکمه..... ۳۸
- ۶- بیانیه الحاج مولوی عبدالغفار صائم رئیس محکمه استیناف ولایت هرات..... ۴۵

پیام

رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

بمناسبت تدویر سیمینار ر عالی روسای محاکم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خاتم النبيين

اعضای محترم ستره محکمه، اشتراک کننده گان

سیمینار و مهمانان گرامی!

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

به منظور تبادل نظر ، تجارب و اندوخته هاو تعمیم دست آوردهای متخصصان رشته های گونه گون علوم ، تدویر کنفرانسها ، سیمینار هاو همایشهای علمی و کاری ارزشمندی خاص دارد. ازین طریق گونه های تاریک موضوعات روشن می گردد و ناگفته ها گفته میشوند.

باتوجه باروابط ارگانیک میان علوم ، فهم و درک علوم قضایی که مبنای اساس آن را شریعت مقدس اسلام تشکیل میدهد نیز مستلزم مطالعه دقیق علمی و عملی بوده ، زمانیکه مطابقت احکام قوانین با منابع شریعت حین اعمال رسالت قضایی مطرح میشود ایجاب تامل و غور بیشتر را مینماید.

قضات که مثل تامین عدالت در اجتماع اند باید با ورود ، وقوف و احاطه لازم بر قوانین و منابع و مآخذ شرعی مربوط به آنها، توانایی صدور احکام بلا انحراف شرعی و قانونی راه در رسیده گی به قضایا داشته باشند، نباید عدم درک از قوانین ، یا برداشت و تفسیر نادرست از آن، تامین عدالت میان خصمین را صدمه برساند.

قوه قضائیه کشور تاجایی که سوابق نشان میدهد از تدویر و دعوت سیمینارهای قضایی در مقطع های مشخص زمانی من حیث یک عرف معقول و به جا استفاده نموده ، از آرای جمعی قضات متجرب در حل غامض ترین مسایل و استهداآت قانونی محاکم، سود جسته و استفاده برده است.

من از اقداماتی که از سوی رهبری ستره محکمه در عرصه های مختلف قضایی در چوکات اصلاحات به میان آمده و ادامه دارد، به خوبی آگاهی دارم و مطمئنم که قوه قضائیه کشور بارهبری مدبرانه مسوولین آن در مسیری حرکت می نماید تا قانونیت به گونه یکسان تطبیق ، عدالت به بهترین وجه ممکن تامین و پرستیژ قوه قضائیه از طریق احقاق حق مظلومین ارتقاء یابد.

من در حالیکه از تمامی اقدامات اصلاحی بالاخص در مبارزه علیه فساد اداری که دستگیری یکعده عوامل آن از میان قوه قضائیه باعث پاکیزه گی صفوف قضائی گردیده، قاطعانه حمایت می نمایم . از سیمینار حاضر قضایی توقع دارم تا کارش را در زمینه غور روی استهداآت واصله قانونی به صورت دقیق و به نحو مطلوب ایفا نموده ، با اتخاذ تصامیم مدلل شرعی و قانونی گرهی از مشکلات محاکم را بگشایند و راه هگشای راه آنها گردند.

در فرجام به اشتراک کننده گان سیمینار موفقیت مزید از بارگاه خداوند متعال آرزو مینمایم.

ومن الله التوفیق

حامد کرزی

رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء
والمرسلين ، سيدنا ومولانا محمد المصطفى صلى الله عليه وسلم وعلى
آله وصحبه اجمعين وبعد!

اعضای محترم ستره محکمه، مستشاران قضایی، روسای محترم
محاكم مرکز و ولايات، مهمانان گرامی و حضار محترم
سيمینار عالی روسای محاکم!
السلام عليكم ورحمة الله وبركاته :

مسرورم ازاینکه در سیمینار باشکوه کنونی تشریف آوری همه
شما را خوش آمدید میگویم و موفقیت مزیدی در کار سیمینار آرزومی
نمایم .

درست در حدود یکسال قبل از امروز در مطابقت با قانون
اساسی جمهوری اسلامی افغانستان ستره محکمه جدید تشکیل،
واعضای آن بر مبنای حکم مقام عالی ریاست جمهوری پس از تأیید
پارلمان کشور مسئولیت خطیری را در راستای احقاق حقوق مردم
رنج دیده ، تامین یکسان قوانین و عدالت قضایی متقبل شدند، و با تلاش
شباروزی وجدیت کامل در طول مدت یکسال، بیشتر از پنجهزار دوسیه
در سطح ستره محکمه تحت رسیدگی و انفصال قرارداد شده و نیز به
منظور تنظیم و بهبود امور اداره، مطالعاتی صورت گرفت و یگانه راه
حل طرح و تنظیم برنامه های ریفورم قضایی بود که می توانست با

بیانیه

پوهاند عبدالسلام « عظیمی »

قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه

جمهوری اسلامی افغانستان

در جلسه افتتاحیه

سیمینار عالی روسای محاکم

۱۲-۱۷ عقرب ۱۳۸۶

انجام اجراءات ، کاستی ها را برشمرده و راه های برون رفت را مشخص نماید .

در نخستین اقدام، شورای عالی ستره محکمه آنچه را که در سطح شورای عالی تراکم نموده بود وازیک جلسه به جلسه دیگری موکول می شد و تعداد آن به دو هزار موضوع میرسید، مورد رسیده گی جدی قرار دادو به حل آنها اقدام کرد . بعداً بخاطر رسیده گی سریع بر دوسیه های متراکم در سطح دیوان های ستره محکمه که در آن زمان بیش از پنجهزار دوسیه را تشکیل میداد پلان های مشخصی رویدست گرفته شد واین توفیق حاصل گشت که الی ختم سال گذشته دوسیه های متراکم گذشته تماماً رسیده گی شود و سرعت عمل در رسیده گی دوسیه های واصله بعدی نیز حفظ گردد . در بررسی دوسیه های جزایی حق اولیت به دوسیه هایی داده شد که شاملین آن در محبس قرار داشتند همین طور به تمامی محاکم مرکز و ولایات هدایات صریح صادر گردید تا سرعت عمل را در رسیده گی دوسیه ها به میان آورده وآنعه دوسیه های جزایی را که مشمولین آن در محبس اند در اولویت آجندای کاری شان قرار دهند، و نیز از ریاست محابس وزارت عدلیه خواسته شد تا لست چنین دوسیه ها را به ستره محکمه بسپارد، در همین راستا ایجاد هفت کمیته اختصاصی قضایی به منظور بررسی حدود دوهزار جلد دوسیه متراکم در دیوان امنیت عامه استیناف مرکز موفقیتی بود که نتایج آن نیز مطلوب و قناعت بخش میباشد .

در تدوام اتخاذ اقدامات اصلاحی ، تمام محاکم ولایات به هشت زون قضایی تقسیم گردید که هر زون تحت قیمومیت یکی از

اعضای ستره محکمه قرار داشته و مسوولین زون ها با سفر های منظم، چگونگی اجراءات قضایی - اداری ، توانمندی ها و ظرفیت های کاری ، میزان رضائیت اصحاب عرض و دعوی از این محاکم ، انتظام گزارشدهی و تامین روابط این محاکم با مرکز را نظارت کرده رهنمایی های مثمر و مفیدی را به منسوبین و کارکنان محاکم مبدول و گزارشات بررسی شان را به جلسات شورای عالی ارائه می نمایند . اخیراً مقام ستره محکمه به منظور موثریت هرچه بهتر زونهای قضایی روسای محاکم استیناف هشت ولایت درجه اول را به صفت معاونین زونهای مربوط تعیین نمود که رسیده گی به اهداف متوقعه را در تفاهم با روسای زون ها تسریع بخشیده گزارش کار شان را به مقام ستره محکمه ارائه مینمایند .

همین اکنون، فعالیت جریان دارد تا روابط میان این زون های قضایی با مرکز از طریق انترنت که شبکه آن چندماه قبل در مرکز ستره محکمه تاسیس گردید، تامین گردد .

در زمینه مبارزه با فساد اداری نیز فعال بوده ایم . فساد اداری و در راس آن رشوه زیر نظر مداوم قرار داشته و به اثر توجه و تلاش ریاست تفتیش و اداره مراقبت و کنترل قضایی ۲۰ تن از منسوبین شامل ۱۴ قاضی و ۶ محرر در جریان اخذ رشوه بالفعل گرفتار شده اند . پنج تن آنان از جانب محکمه عالی قضات به حبس های یک الی سه سال ، طرد مسلک و جریمه معادل رشوه محکوم گردیده اند . تلاش در جهت تدوین یک ستراتیژی ملی مبارزه با فساد اداری و اصلاح اداره به سطح دولت که اینجانب ریاست آنرا به عهده دارم

رو به اختتام است امید وارم این سند فرا گیر در مجموع ، اقدامات دولت را در زمینه مبارزه با این پدیده مهلك منسجم نماید .

در عرصه توسعه مناسبات بین المللی قضا ، نیز توجهات زیادی صورت گرفته است. در مدت سپری شده توسط اینجانب با اضافه از یکصد نهاد و موسسه مربوط به کشور های خارجی از طریق نماینده گان آن ها ملاقات و مذاکرات صورت گرفته، در رابطه به موقف قضا و طرح استراتژی پنج ساله ستره محکمه که در چوکات استراتژی ملی افغانستان تدوین یافته به آنها معلومات داده شده است. در صورتیکه منابع مالی این طرح طوریکه در متن آن تذکر بعمل آمده تدارک و دریافت گردد. طی پنج سال آینده یک دگرگونی مثبت وعظیمی را در ساختار و حل مشکلات مربوط به قضاء ایجاد خواهد کرد. مذاکرات و گفتگو با سفیر کشور جاپان منجر به توافق و تعهد کشور متبوعش در جهت اعمار ساختمان جدید ستره محکمه که قرار است در ساحه سی جریب زمین ملکیت ستره محکمه در ساحه دارالامان صورت گیرد ، گردیده و کمیته مشترکی از سفارت جاپان ، ستره محکمه و وزارت شهر سازی بر آورد این ساختمان عظیم را تکمیل نمودند که عنقریب از مجاری دیپلماتیک به مقامات کشور جاپان تسلیم داده خواهد شد .

در پروسه تحکیم روابط قوه قضائیه در جهان خارج شخصاً اینجانب در کنفرانس بین المللی صلح منعقد شده شهر لکنهوی هندوستان و کنفرانس جهان اسلام در زیر سایه جهانی شدن در کشور عربی مصر و همینطور در کنفرانس بین المللی منعقد روم (پایتخت کشور ایتالیا) راجع به افغانستان و سکتور عدلی - قضایی آن اشتراک بعمل

آورده و حمایت آنها را نسبت به ساختار نظام قضایی ورشد ظرفیت های کاری و کادری آن جلب نموده ام ونسبت به وعده های داده شده خوش بینی احساس مینمایم . دیدار اینجانب از کشور فرانسه که وعده هایی در جهت کمک در بخشهای آموزش قضایی و تریننگ قضات افغان در مکتب عالی قضات آن کشور دریافت شده نیز دست آورد خوبی محسوب شده میتواند.

هیچنان اشتراک هیات عالی رتبه ستره محکمه در کنفرانس بین المللی تعلیمات قضائی ، منعقد شده کشور اسپانیه ، که دست آورد قابل ملاحظه در سطح بین المللی برای قوه قضائیه داشت قابل تذکر میباشد.

به همین ترتیب اشتراک هیئت های نمایندگی ستره محکمه با ترکیب اعضای شورای عالی ، مستشاران قضائی و بعضی از روسای ادارات مرکزی به کشورهای عربستان سعودی ، مصر ، فلیپین و هند به منظور سفرهای رسمی معرف خوبی از توسعه مناسبات بین المللی قوه قضائیه می باشد.

حل معضله کادری نیز از جمله اولویت های کاری بود که در مدت گذشته تغییر ، تبدیل و تقرر بیش از صد تن از روسای محاکم مرکز و ولایات، روسای محاکم حوزه یی شهر کابل و سایر قضات محاکم پس از مطالعه کرکتر سٹیک آنها از جانب کمیسیون با صلاحیت کادری که اعضای شورای عالی در ترکیب آن حضور دارند صورت گرفته است . به یقین میتوان گفت که در تغییر و تحول کادری اصل شایستگی ، تعهد و تخصص مدنظر بوده ، ضوابط بر روابط رجحان داشته است.

تصویب مقرر طرز سلوک قضایی قضات که در آن مسئولیت ها و نیز طرز سلوک آنها در مقابل اصحاب دعوی تسجیل گردیده مهمترین سندیست که پس از آداب القاضی رهنمون راه قضات گردیده و رعایت آن، مقام و حیثیت قضا را حفظ و شفافیت کاری منسوبین قضایی را تضمین مینماید. و کار روی غنای بیشتر آن ادامه دارد. این درحالیست که ستره محکمه تشکیل محاکم حوزه یی شهر کابل و برخی از ولایات را که هر محکمه دارای دیوانهای متعدد است عملاً فعال نمود که سهولت های زیادی را در عرصه رسیده گی به دوسیه ها و مطالبات اصحاب عرض و دعوی ایجاد کرده است.

در پهلوی تدابیری که در سیمینار های سال های قبل بمنظور تنظیم امور اداری و ساده سازی اسناد محاکم، صورت گرفته بود، در زمینه طرح طرز العمل اداری محاکم به همکاری اداره پروژه عدلی و قضایی توجه زیادی مبذول گردید و در نتیجه طرز العمل سیستم اداری محاکم تنظیم و مورد غور شور و رایعاً لی ستره محکمه قرار گرفت و باتائید کارهای اجراء شده درین مورد تجویز شد تا بعد از ملاحظه و تائید سیمینار حاضر مورد تطبیق قرار گیرد.

یقین داریم که با تطبیق این سند تقنینی مشکلات اداری محاکم تا اندازه زیادی مرفوع خواهد شد.

در عرصه آموزشهای قضایی که در ارتقای آگاهی مسلکی قضات جوان و قضات با تجربه از ارزش به سزایی برخوردار است نیز کارهای زیادی صورت گرفته است، برای اولین بار از فارغان پوهنخی های شرعیات و حقوق پوهنتون های افغانستان، و به استندرد

های اکادمیک امتحان کانکور گرفته شد و از جمله (۷۰۰) تن از متقاضیان امتحان، (۲۰۰) تن آنان که بلند ترین نمره را گرفته بودند، جذب گردیدند که (۱۷) تن آنان را قشر اناث تشکیل میدهد. پروگرام درسی این دوره در تماس، مفاهمه و هماهنگی سازمانهای عدلی- قضایی علاقمند به قضا مانند (سازمان بین المللی انکشاف حقوق - ایدلو و پروژه عدلی - قضایی USAID، انستیتوت ماکس پلانگ و مکتب قضایی فرانسه) در مرکز ملی آموزش حقوقی ج.ا.ا واقع پوهنتون کابل تنظیم گردید و دروس آنان به وسیله استادان مختلطی که متشکل از قضات با تجربه و استادان پوهنتون کابل اند به پیش برده میشود.

بخاطر هماهنگی نصاب تعلیمی ستاژیران و پوهنخی های حقوق و شرعیات پوهنتون های کشور در جهت تدوین یک نصاب تعلیمی مطلوب که بیانگر تجانس سویه تحصیلی محصلین باشد جلساتی با روسای آن پوهنخی ها و وزیر محترم تحصیلات عالی دایر گردیده و تبادل افکار بعمل آمده است.

همینطور به اثر پروتوکول هائی که میان این پروژه ها و ستره محکمه به امضاء رسیده برنامه های مختلف قصیر المدت تریننگ قضایی برای ۲۰۰ تن از قضات مرکز و ولایات فراهم آمده و با کشورهای مختلف دنیا بخاطر اعطای بورسهای تحصیلی و مشاهداتی قضایی، تماس حاصل گردیده است و وعده و تفاهم مشخص نهاد های مسئول در کشورهای مصر و فرانسه در ایجاد سهولت ها از طریق اعطای بورسها در چوکات پروگرام های فیلوشیپ و اسکالرشب قابل یاد آوری میباشد. توجه به غنای نشرات

قضایی نیز در جهت بلند بردن درک و فهم مسلکی منسوبین قضایی مهم و با ارزش بوده و ستره محکمه مجموع این برنامه هارا در چوکات مقررہ معارف قضایی پیش بینی و تنظیم نموده که کار روی تحقق آن از جانب کمیته عالی تعلیمات قضایی جریان دارد. همین اکنون با همکاری رادیو تلویزیون ملی افغانستان از طریق برنامه معارف اسلامی د رهرپانزده روز مصاحبه های قضایی سازمان دهی گردیده که تا اکنون در رابطه به ساختار قوه قضا ئیه ، مقررہ معارف قضایی ، مقررہ طرز سلوک قضایی برای قضات ، و سایر موارد مصاحبه هایی اجرا گردیده که دران عده یی از اعضای محترم ستره محکمه ، آمرعمومی اداری قوه قضا ئیه و قضات برجسته سهم گرفته اند .

بخاطر حل سایر مشکلات در بخشهای ساختمانی ، ترانسپورتی و توجه به مشکل معاش قضات نیز اقدامات معین و مشخصی بعمل آمده است. به کمک منابع ملی و بین المللی و با استفاده از امکانات محدود بودجوی درمـدت سپری شده ساختمانهای مربوط به محاکم خوست ، بامیان ، شغنان ، بدخشان ، دوشی بغلان و محکمه سرپل اعمار گردیده هـکذا دریک عده از ولایات ، مراکز فرهنگی قوه قضا ئیه ایجاد شده که با سهولت های کتابخانه ، کمپیوتر، سالون کنفرانس و سایر تسهیلات غرض براه اندازی محافل قضایی مجهز اند. قرار است امسال در شش ولایت دیگر نیز چنین مراکز اعمار شوند که همکاری موسسه (UNODC) درین زمینه قابل یاد آوری میباشد.

به منظور حل مشکلات ترانسپورتی محاکم نیز اقداماتی بعمل آمده، خرید پنجاه عراده واسطه نقلیه تیز رفتار جدید از بودجه

ستره محکمه که قسمت اعظم آن به اختیار محاکم ولایات قرار داده خواهد شد اقدام عملی است که مراحل آن کاملاً طی گردیده و عنقریب بدسترس قرار می گیرد.

توجه به حل مشکل کمی معاش قضات نیز از مسایلی بود که با جدیت تعقیب میگردد ، طرح ستره محکمه در زمینه به وزارت محترم مالیه ارسال شد و برویت آن از طریق وزارت مالیه وعدلیه قانون معاشات تدوین واز جانب شورای وزیران مورد تصویب قرار گرفت که قانون مذکور فعلاً زیر غور ومذاقه پارلمان کشور می باشد. امید است در مدت کمی جامه عمل بپوشد وبه این معضله نیز پایان داده شود .

لازم به تذکر است که ستره محکمه در پهلوی توجه به اجراءات قضایی واداری ، اقدامات لازم در زمینه تامین تفاهم و هماهنگی با سایر ارگانها و پروژه های همکار در عرصه های حقوقی وقضائی را نیز مدنظر داشته وطی جلسات متعدد روی تحکیم این روابط ومناسبات تاکید نموده وفضای مطلوبی را در روابط بین ارگانها ایجاد کرده است.

ستره محکمه بخاطر ادای حق نسبت کمک ها و مساعدت های کشورهای دوست که از طریق نمایندگان دیپلماتی آنها مبذول گردیده و دیگر موسسات و پروژه های همکار در راستای استحکام قوه قضائیه وبالاخص از نقش ناتو ، تیم های (PRT) وسازمان ملل متحد که در اعطاء وانتظام این کمک هانقش بس ارزنده ای را ایفا کرده اند ، صمیمانه اظهار امتنان وتشکر مینماید واز این حمایت های حقوقی کماکان حمایت کرده و آنها را بخاطر رسیدن به اهداف مطروحه که

متضمن ثبات یک نظام ارزشمند قضائی باشد مهم وارزنده تلقی می نماید.

طی ماه گذشته بر مبنای تصویب شورای عالی ستره محکمه کمیسیون هماهنگی ارگانهای حراست قانون تحت ریاست محترم «بهاء» عضو ستره محکمه وبا شرکت نماینده گان محترم لوی خارنوالی، وزارت عدلیه، وزارت داخله و ریاست عمومی امنیت ملی ایجاد گردیده که بر مشکلات و معضلات موجود میان ارگانهای فوق رسیده گی نموده وتفاهم و هماهنگی کاری را درچوکات قانون بین آنها ایجاد می نماید .

حضور گرامی!

چیزی را که میتوان به جرئت اظهارکرد این است که رهبری ستره محکمه تمامی اقدامات را بخاطر ارتقای مقام وحیثیت قضا درجامعه به کار بسته ،آبرو وعزت قضا را، آبرو وعزت خویش تلقی مینمایند ماهمچنانی که میخواهیم تا قوه قضا ئیه مظهر تطبیق یکسان قوانین و تامین عدالت قضایی درکشور باشد موازی به آن مواظب هستیم تا صفوف قضایی با درک بهتر رسالت خطیر قضایی، درحفظ پرستیژ قوه قضائیه بیشتر از پیش بکوشند، زیرا قضا پس ازاین تحمل اهمال و بی مبالاتی در وظیفه به وسیله منسوبین خویش و تحمل پشت سر گویی و ارائه نظریات وملاحظات غیر مستدل وبدون مدرک بر علیه قضا رابه وسیله هر شخص ویاهر مرجعی که باشد ندارد و چنین موارد را با دقت تام مطالعه کرده وواکنش لازم قانونی را نشان خواهد داد. ما طی سال گذشته چندین تبصره غیر مستند مراجع بیرونی را برعلیه کارکرد های قوه قضا ئیه از طریق انتشارات

قضایی پاسخ گفته ایم و چند مرجع دیگر را به منظور ارائه جواب لازم و مستدل به جلسه شورای عالی ستره محکمه فرا خوانده ایم وچنین پالیسی را بخاطر حفظ استقلال،حرمت ووقار قضا تعقیب خواهیم کرد .

اشتراک کننده گان محترم سیمینار!

آنچه انجام یافته یقیناً مکفی و قانع کننده نیست اما با آنها نمایانگر تلاش، تعهد واحساس ما درجهت اعتلای نظام قضایی کشوربوده میتواند. تدویر سیمینار های سراسری محاکم اکنون به یک فرهنگ قضایی مبدل گردیده و درآن مجمعی از قضات باتجربه و آگاه از مسایل فقهی و قانونی به منظور بحث روی مسایل مطروحه قضایی گردهم می آیند وتصامیم آنها در ارتقای سطح فعالیت و مسئولیت قضایی بسا ارزنده وقابل حساب است .

این بارنیز با استفاده از فرصت به منظورمشوره و دریافت راه حل های شرعی و قانونی درمقابل استهدآآت واصله وتصویب برخی ازرهنمود ها ، طرز العمل ها ومقررات ضروری که محاکم بدان ها نیاز مبرم دارند و تبادل افکار روی مشکلات عایده گردهم آمده ایم تا آراء و نظریات جمعی قانونی را درحل این معضلات باهم شریک بسازیم . ستره محکمه با درک این ضرورت تدویر این سیمینار را تجویز کرد و سپس هدایت لازم به منظورایجاد دارالانشاء سیمینارونیز کمیته های فرعی کاری با ترکیب اعضای آنها صادر نمود که کمیته ها به گونه مقدماتی روی موضوعات مطروحه کار نموده و نتایج را بعد ازغور نهائی کمیسیون های معینه سیمینار، به جلسه عمومی گزارش خواهند داد .

من متیقن هستم که مسوولین تدویر سیمینار از تجربه، خبرت و آگاهی کامل برخوردار بوده و مطالب قابل بحث در سیمینار را درست تنظیم و ترتیب نموده اند، طوریکه آجندا را ملاحظه کردم مسایل مورد نظر خوب چوکات بندی شده و انشاء الله که در مدت کار سیمینار روی همه غور و مذاقه صورت میگیرد و نتایج متوقعه بدست خواهد آمد.

در خاتمه در حالیکه یکبار دیگر تشریف آوری همه را درین سیمینار خیر مقدم میگویم از تمامی ذواتی که در مدت چهل روز گذشته با کار مداوم و تلاش مسوولانه تمام امور مربوط به سیمینار را چه از لحاظ علمی و چه از لحاظ شکلی در کتگوری های، جزائی و امنیت عامه، مدنی، حقوق عامه، احوال شخصیه، وثایق، امور اداری و طرح و تدوین مقرر ها، قواعد، طرز العمل ها و رهنمود ها و سایر امور تشریفاتی ترتیب و تنظیم نموده و زمینه تدویر این سیمینار عالی را فراهم ساخته اند ابراز امتنان مینمایم و از خداوند متعال برای آنها و اعضای محترم سیمینار توفیق میخو ا هم تا کار های شان را موفقانه و سربلندا نه ایفا و اجراء نمایند.

الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات.

صحبت رهنمودی

جلالتمآب قاضی القضاات ورئیس ستره محکمه ج.ا.ا.
با اشتراک کننده گان سیمینار عالی روسای محاکم
۱۶ عقرب ۱۳۸۶

جلالتمآب قاضی القضاات ورئیس ستره محکمه قبل از ظهر
شانزدهم عقرب در حالیکه کار کمیسیون های معینه سیمینار به پایان
رسیده بود ضمن استماع گزارش کاری آن ها که بوسیله روسای
آنها ارائه شد بیانیه رهنمودی خطاب به روسای محاکم ایراد فرمود
که نکات مهم آن انتشار می یابد.

نتایج ودست آورد های سیمینار عالی روسای محاکم واقعاً مهم و به نفع مردم و محاکم است ولی اجازه بفرومائید موقع را مغنم شمرده صحبت دوستانه و صمیمانه ای باشما داشته باشم.

بدون شک قوه قضائیه رکنی از قوای ثلاثه دولت بوده و اگر دولت به کدام مشکلی در اجتماع مواجه میگردد نقش وسهم قضات در حل این مشکلات از همه بیشتر است زیرا کشور در مرحله خطیر وحساس قرار داشته، فداکاری و از خود گذری را از فرد فرد این وطن میخواهد. قضات باید رسالت تاریخی شان را من حیث اساس وتهاداب جامعه درک نمایند که جلب اطمینان مردم درین پروسه نسبت به هر چیز دیگری مربوط به حرکت خود ماست که چی می کنیم و چی خدمتی را نه تنها به حرف و ادعای محض بلکه در عمل به آنها عرضه می نمائیم .

فرو گذاشت وسهل انگاری در ایفای رسالت درهمه عرصه ها مهم ولی درساحه قضا مهم تر از آن است. مایوسی مردم از قضا مهمتر از مایوسی آنها از سایر نهاد های دولتی است زیرا از قضاتی که به احکام شرع ، قرآن ، احادیث نبوی وقوانین آگاه اند، نمیتوان چنین توقعی را انتظار برد . با تاسف مواردی که در کمیسیون مبارزه با فساد اداری و اصلاح اداره مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته اند بعضاً جدی ترو کمر شکن تر از پدیده های رشوه و فساد اداره اند ولی از آنجاییکه این دو پدیده شوم اخیر الذکر تعامل ومعامله بامردم است بناءً زمینه فاصله میان مردم را ایجاد می نماید. ما مردم قدر دان وقدر شناس داریم که قلبهای شان را فقط بالطف خوش ، روش

نیک و اخلاق نیکو میتوان تسخیر کرد. اساس هر اداره بخصوص قضا، کسب رضائیت مردم است و حصول رضائیت مردم حصول رضای خداوند (ج) است و کسی که رضای خداوند بزرگ با اوست همه چیز با اوست بناءً وظایف ما از لحاظ شرعی ، سیاسی و مردمی بسیار سنگین وقابل تأمل است. فقط قضات اند که باسلوک قضایی مطلوب واجراآت قانونی و به موقع در قبال قضایا مانع ابراز نظرهای غیر مستدل وغیر موجه افراد فرصت طلب نسبت به قضا می گردند.

وقتی از پرستیژ قضا حرف میزنیم از دو بُعد میتوانیم برین مسئله بنگریم یکی ظواهر مادی اند که (خانه ، موتر، معاش ، امتیازات و تامین سایر ضروریات زنده گی قاضی) رادربرمی گیرد که مادرین راستا گامهایی برداشته ایم ومنتظر نتایج آنیم ولی بُعد دیگر وابسته به عملکرد خود قاضی است که باسلوک نیک میتواند آن را کسب نماید. این دیگر چی عیبی خواهد داشت اگر یک قاضی شخصی را که بیسواد است و چگونگی طی مراحل عرضش رانمی داند بالطف خوش ومهربانی کمک ورهنمائی کند وهرگاه لازم افتد باوی یکجا به دفاتر مربوطش برود وتکلیفش را حل نماید یقیناً تاثیرات عملی این نوع برخورد ها به مراتب بالاتراز تبلیغات ما دراخبار، مجله ، جریده ، رادیو وتلوویزیون است .

قهرمانانی که نامهای شان ثبت تاریخ اند کارهای مهمی را در شرایط دشوار انجام داده اند که با کار ساده ودر شرایط عادی نمیتوان چنین عنوان ونشان را کسب کرد، بناءً باید باوجود مشکلات، نظام بسازیم ودر ساختار نظام نسل جدید را تربیه کنیم زیرا درسه دهه گذشته بیشترین صدمه برقوای بشری وارد آمده وجبران آن وقت گیر است لذا باید در تجهیز کادرهای موجود از طریق پیشبرد برنامه های

متعدد تعلیمات قضایی توجه کنیم و تاحد مقدور ضروریات مسلکی را مرفوع نمائیم .

اساس زنده گی رابطه انسان با انسان است ممکن یک عالم خوب ، کار خوبی را انجام دهد ولی برخورد و سلوک وی بادیگران معقول نباشد بناءً خلق خوش بهتر و مهمتر است هر زمانی که میخواهید اجرای کار کسی را به فردا موکول کنید، خود را در موقعیت وی قرار دهید و بیاندیشید که آیا چنین رویه ای برای شما قابل قبول است ؟ پس بیائید به مردم وعده دهیم که هرگاه به دروازه مابخاطر اجرای کارشان مراجعه کنند در خدمت شان باشیم و دل شانرا بدست آریم .

خلق خوش خلق را شکار کند آدمی بیش ازین چی کار کند قضات محترم ! بسیار محتاط باشید تا در فیصله های تان عدالت را مراعات کنید. حق وجیه است و باید با قضاوت عالمانه حق را به حقداران ولو که دشمن باشد سپرد. و اگر اولاد ما صاحب این حق نباشند باید از نزدشان گرفته شود لذا ضیاع حق به گونه قصدی و عمدی گناه عظیم است و باید از آن پرهیز کرد .

ما باید هر شب عمل روزانه خود را در محکمه وجدان محاکمه کنیم که چی کاری را برای مردم انجام داده ایم. باید به این مفکوره نباشیم که افغانستان برای ماچی داده بلکه باید طوری بیاندیشیم که ما به افغانستان چی داده ایم. وقتی در محاکم قضاوت می کنیم رابطه ما فقط با خدا (ج) و مردم است و باید فیصله های ما بر بنای حق و رعایت بیطرفی کامل استوار باشد .

بیانیه شفا هی

پوهاند عبد السلام «عظیمی»

قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه ج.ا.ا.

در محفل اختتامیه

سیمینار عالی روسای محاکم

۱۷ عقرب ۱۳۸۶

بسم الله الرحمن الرحيم!

اعضاء محترم ستره محکمه، روسای محترم محاکم ولایات، مستشاران محترم قضائی، قضات محترم، خانم ها و آقایان!
السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

جای بساخوشی است که مادر پایان موفقیت آمیز سیمینار عالی روسای محاکم قرارداریم وواقعاً افتخار آفرین است که ما توانستیم به نتایج مفید، مثمر و رهنمود های روشن و واضح دست یابیم. درینجا از جلالتمآب محترم بهاء صاحب ممنونم که مرا در جریان فعالیت رضائیت بخش کمیسیون های کاری سیمینار قرار دادند و بجاست تا از فرد شاملین سیمینار بخاطر اشتراک، زحمت، مطالعه و مناقشه خوب شان در کار کمیسیون ها، از رسانه ها بخاطر حضور همیشگی شان، از کمک کننده گان مالی سیمینار و بالاخره از همکاری تمامی کسانی که در این راستا سعی و مجاهدت بعمل آورده اند اظهار امتنان و تشکر نمایم. سیمینار با کار و فعالیت یک هفته ای توانست تا مستدل ترین توضیحات و تصاویر را در قبال استهداآت واصله قانونی از محاکم در پرتو احکام شرعی و قوانین نافذه تنظیم نموده، مقرر ها، طرز العمل ها، قاعده های مهم توضیحی و رهنمود ها را برای انتظام کاری محاکم به تصویب برساند. که کار بلاوقفه، تلاش خستگی ناپذیر، فضای مطلوب و هماهنگی لازم میان آرای سیمینار قابل تقدیر است، امیدوارم تا شورایعالی ستره محکمه بتواند با تصاویر نهائی این اسناد گام مهمی در حل استهداآت محاکم بر دارد و خدمتی را در راستای تعمیم قانونیت و تامین عدالت که غایه

و هدف این سیمینار را تشکیل میدهد انجام دهد. ما امروز دستاوردهایی از سیمینار داریم ولی باید فراموش نکنیم که حصول این دستاوردها انجام کار نه بلکه مطلقاً و یقیناً آغاز کار است زیرا در تاریخ بشریت و انسانیت طرح قوانین، لوایح و مقررات هیچگاهی انجام کار نبوده، بلکه آغاز کار اند بنابران مادر حقیقت مسوولیت و خط مشی جدیدی انتخاب کردیم و تعهدی را از نو به امضاء رسانیدیم. بناءً تعهد ما سنگین تر و مسوولیت ما بیشتر گردیده است و باید هر لحظه، هر روز و هر ماه نظارت نماییم که از تعهدات و تصاویر اتخاذ شده چقدر آنرا عملی و تطبیق نموده ایم و چقدر آن بدرد جامعه، مردم، نظام، محاکم، و بدرد تامین عدالت و تامین امنیت در کشور می خورد. توقع این است تا قضات محترم خواست نظام، زمانه و مقتضای عصر را با توجه به احکام الهی و احادیث نبوی (ص) که از ما چه میخواهد بهتر درک نموده و به کسانی که میخواهند قصداً و عمدتاً اساسات بنیادی نظام قضائی را خساره مند بسازند مجالی ندهند.

اینکه باتدویر این سیمینار عالی توانستیم خطوط اساسی کار خود را در آینده ترسیم نماییم کار خوبی انجام داده ایم ولی سوال کارآیی و بکارگیری این اساسات به نفع مردم و جامعه جداً مطرح است که باتلاشهای مسوولانه و دلسوزانه انشاء الله موفق خواهیم شد.

طوری که جناب محترم «بهاء» صاحب درارز یابی شان فرمودند سالی که نیکو است از بهارش پیدا است.

تعهد، تضامن و پشت کاری که در بین اشتراک کننده های سیمینار دیده شد امید است ضمانتی باشد برای تطبیق مصوبات سیمینار و من یقین دارم که انشاء الله دنبال خواهد شد. ما در اینجا برای نام، برای

چوکی و برای کسب امتیازات نیامده ایم بل یگانه هدف ما این است که باید نمونه خوبی برای تامین عدالت در بین جامعه و مردم خود باشیم و تامین عدالت که نهایتاً به تامین امنیت منجر میشود، یک هدایه و یک آغاز خوب است و ما منتظر انجام خوب آن هم هستیم، ما امیدواریم که سال های آینده درخشان تر، روشن تر و واضح تر باشد و به همین مقصد طوریکه عهد کردیم و تصمیم گرفتیم انشاء الله عمل نیز خواهیم کرد.

ارگان ما حیثیت یک فامیل را دارد و هر افتخاری که نصیب فامیل میشود یقیناً محصول کار همه اعضای فامیل است هیچ وقت ما به تنهایی نمی توانیم کاری را از پیش ببریم مگر اینکه همکاری فرد فرد شما در میان باشد. پس کار تنها نزد رئیس محکمه، نزد رئیس ستره محکمه و نزد اعضای ستره محکمه نیست بلکه نزد هر منسوب قوه قضائیه است و همه در اجرای آن مسوول اند، وقتی یک محرر فیصله ای را به وقت وزمانش تحریر و آماده نمی کند چه پیش می آید؟ طبیعی است که سکتگی و ضیاع زحمات. لهذا یک جامعه و اعضای یک فامیل هیچ وقت نباید طوری فکر کنند که اجرای کار محصول فعالیت انفرادی است. بلکه موفقیت در کار جمعی و اشتراک مساعی است زیرا نیک نامی ما نیک نامی مشترک و خدا نخواستہ بدنای ما بدنای مشترک است. در حال حاضر مملکت به تربیه کادر مسلکی به مثابه مشکل ترین، پرقیمت ترین و مهمترین عنصر پیشرفت و ارتقا جامعه جداً نیاز مند است.

لهذا وظیفه همه ما و شما است تا به تربیه کادر ها بسیار متوجه باشیم و کوشش کنیم که از اعتماد کامل و هماهنگی لازم ذات البینی

برخوردار باشیم. از جمله نتایج بسیار مهم و عمده سیمینار امروزی شناخت خودی، شناخت اداره و رهبری آن بود و مابه این متیقن شدیم که در اداره و در سیستمی که بالای آن کار می کنیم انشاء الله شفافیت وجود دارد.

برای حفظ مقام و اعتبار قضاء باید همه ما مسوولیت خود را بدانیم و مشترکاً کوشش کنیم. بسیار متوجه باید بود که کسانی ممکن در صدد بدنای نظام قضائی باشند و شایعاتی را عمداً یا قصداً پخش نمایند. بناءً روسای محاکم محترم استیناف ولایات کوشش کنند تا هر مشکلی در چنین موارد را با ستره محکمه در میان گذارند، تا در رفع آن اقدام شود. امروز کسانی هستند که حتی شایعات پخش می کنند و می خواهند از چیز های بسیار کثیف استفاده کنند و آوازه بیاندازند. صدای ثبت شده و اسنادی وجود دارد که شخصی در محبس با محبوس و قوماندان محبس جر و بحث می کند و برای وی می گوید که باید این مقدار پول در این قضیه داده شود برای اینکه این پول تنها از من نیست و سوگند یاد می کند که از این پول صرف پنج هزار برایش باقی مانده و دیگر کل اش در بالاها مصرف شده است.

ستره محکمه وقتی در ساحه خود می بیند موضوع را تحقیق می کند «یا ایها الذین آمنوا إن جئکم فاسق بنیا فقیئوا» این اصل قرآنی است تبیین و تحقیق در موضوعات، این درد هارا شفا می دهد و بسیار مسایل را روشن می سازد و سوء ظن و اشتباه را از بین می برد ولی با وجود همه در قبال این مسایل و توطئه های سازماندهی شده باید محتاط و هوشیار باشیم و رسالت قضائی خویش را صادقانه و مسولانه انجام

دهیم و در مسیر قانونیت و عدالت با شفافیت کاری قدم های متین
و استوار برداریم.

با اغتنام فرصت از تعهد مستشاران قضائی و روسای محاکم در بذل
سرعت عمل در اجراآت قضائی، بلند بردن ظرفیت کاری، احقاق
حق مظلومین، حفظ پرستیژ و وقار قوه قضائیه و مبارزه با فساد اداری
اظهار امتنان نموده و از خداوند متعال به همه قضات در تحقق اهداف
والای و وظیفوی شان موفقیت مزید مسئلت کرده و از تمامی روسای
محترم محاکم استیناف می خواهم که در برگشت به ولایات مربوط
اهداف و مقاصد این سیمینار عالی را از طریق تدویر سیمینار های
یکروزه یا دو روزه به آگاهی قضات محترم شان برسانند. زمانه و مردم
از ما عدالت و قانونیت می خواهد تا بنیاد یک جامعه مرفه و عادلانه
طوریکه همه انتظار آن را دارند، گذاشته شود.
ومن الله التوفیق

ارزیابی از نتایج و دست آورد های

سیمینار عالی روسای محاکم

توسط جناب عالیقدر بهاء الدین (بهاء) عضو شورای عالی و

رئیس دیوان جزای عمومی ستره محکمه ج.ا.ا.

۱۷ عقرب ۱۳۸۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به اجازه جلالتمآب محترم پوهاند عبدالسلام عظیمی

قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه، اعضای محترم ستره محکمه،
مستشاران محترم قضائی، روسای محترم محاکم استیناف مرکز
وولایات و اشتراک کننده گان سیمینار عالی روسای محاکم.

نخست از همه پایان موفقیت آمیز سیمینار عالی روسای محاکم را
که زیر شعار (تعمیم قانونیت، تامین عدالت) با زحمات و تلاش های
صادقانه شما قضات گرامی به نقطه اختتامش راه یافت تبریک
و تهنیت عرض می دارم و ثانیاً از اعتماد بی پایان شورای عالی
ستره محکمه در رأس دانشمندان محترم قاضی القضاات و رئیس
ستره محکمه که ارزیابی از نتایج کاری این سیمینار عالی را به من
محول فرمودند اظهار امتنان و سپاس می نمایم.

حضرار گرامی!

چه خوش گفته اند: سالیکه نیکوست از بهارش پیداست. و بناءً
ارزیابی مثبت و واقعینانه از کار این سیمینار عالی که از آغاز تا ایندم
با کمال رغبت، مسئولیت پذیری و جدیت اعضای آن طی طریق نمود
ناگفته پیداست. و نمی توان جز از این، ارزیابی ایرا خدمت شما ارائه
کرد.

گرچه بنده در جریان سیمینار مسئولیت کمیسیون غور بر
استهدآآت جزائی و امنیت عامه را به عهده داشتم ولی در تماس با
دارالانشاء محترم سیمینار بریاست جناب محترم دوکتور عبدالمک
«کاموی» آمر عمومی اداری قوه قضائیه که تنظیم کننده امور سیمینار

و هماهنگ کننده موضوعات کاری کمیسیون های معینه آن بود،
نیک آگاه بودم که همه کمیسیون ها با شوق و علاقه فراوان بخاطر
ایفای تعهد شان در اجرای رسالت محوله، همه تلاش ها و فهم
مسلکی شانرا بخاطر دریافت وجستجوی راه حل های قانونی و مناسب
در قبال استهدآآت وارده بکار بستند و خسته گی را به خویش راه
ندادند.

از آنجائیکه ادای حق دیگران یک وجیه است لهذا ضرور می
شمارم تا درین ارزیابی روی فعالیت ها و اجراآت کاری کمیسیون
های محترم که ریاست هر کدام آنرا یکی از اعضای محترم
ستره محکمه به عهده داشتند کوتاه مکشی داشته باشند.

اگر درین جا از فعالیت کمیسیون غور بر استهدآآت جزائی
و امنیت عامه آغاز می نمایم یقیناً منظورم از تلاش و زحمت بی حد
و حصر اعضای محترم کمیسیون به همکاری جناب محترم مولوی
محمد قاسم «دوست» می باشد که در مدت کم ولی با عزم قوی در
روشنی احکام شرعی و قوانین نافذه بر (۱۵۰) استهدای واصله
رسیده گی نموده بعد از غور و فحوض همه جا نبه روی () موضوع
پاسخ لازم و معقول توضیحی را تنظیم کردند. کار این کمیسیون نه
تنها از لحاظ کمیت استهدآآت بل از لحاظ دقت و جر و بحث های
منطقی ایکه پیرامون مسائل مطروحه صورت می گرفت بسیار جدی
بود. ابراز رای آزاد اعضای کمیسیون، تلفیق نظریات و بعد جمع بندی
آراء در اتخاذ یک تصمیم مناسب قانونی در باره مسائل مطروحه از
جمله خصوصیات بارز این کمیسیون به شمار می آید که هم آهنگی
آراء عمومی درین کمیسیون را می توان بسیار خوب ارزیابی نمود.

کمیسیون محترم غور بر استهداآت مدنی، تجارتی، حقوق عامه واحوال شخصیه به (۱۰۰) استهدا واصله غور نموده ودر راه وصول به مطلوب (توضیح قانونی) برا استهداآت تلاش زیادی را به خرج دادند ودر مراجعه به قوانین نافذه واحکام فقهی توضیحات مستدل وموجه قانونی را در ارتباط استهداآت مورد بحث تهیه نمودند. قضات محترم بهتر می دانند که رسیده گی به استهداآت مدنی، تجارتی، حقوق عامه ، واحوال شخصیه کاریست دشوار وپیچیده وقضاتی می توانند بهتر در زمینه کار نمایند که در کود مدنی وقواعد فقهی که دایره وسیعی را احتوا می نمایند احاطه ووقوف کافی داشته باشند تا آنجا که واضح است وجناب محترم نسیمی رئیس این کمیسیون اظهار داشتند قضات محترم این کمیسیون از چنین خبرت وتوانائی برخوردار بوده وتوانسته اند غامض ترین استهداآت را به بررسی بگیرند وراه حل آنها را پیشینی نمایند بناءً کار درین بخش نیز آنچنانیکه گزارش شده به سطح بلندی انجام یافته است.

کمیسیون محترم غور بر استهداآت امور وثایق بریاست جناب محترم بهسودی عضو ستره محکمه وهمکاری اعضای محترم آن پس از غور وخوض همه جانبه نظریات جامع وعملی را در قبال (۴۰) استهدای واصله تهیه نموده واز آنجائیکه این بخش نیز روابط وعلاقه جدی باکود مدنی دارد بنا برآن یقیناً زحمت اعضای آن در تهیه جواب ومراجعه آنها به منابع وماخذ مهم شرعی وقانون مشهود است وفعالیت شان انصافاً مثبت وپر بار تلقی می شود.

درین جا سخن از فعالیت کمیسیون غور برمقرره ها، قواعد، طرز العمل ها ورهنمودهاست که بریاست جناب محترم عبدالرشید

«راشد» وهمکاری جناب محترم محمد عمر «برکزی» اعضای محترم ستره محکمه وسایر اعضای محترم کمیسیون فعالیت های ارزشمندی انجام یافته است. اگر از زاویه علمی بر کارکرد های این کمیسیون نگاه کنیم در می یابیم که ذوات محترم در واقع یک تلاش تقنینی را در راستای تدوین مقرره ها، قواعد ، طرزالعمل هاو رهنمود ها که می تواند پس از تصویب شورایعالی ستره محکمه ملاک عمل محاکم قرار گیرد، انجام داده اند. جزئیات کاری این کمیسیون مستلزم دقت کامل از لحاظ اینکه اسناد مدونه شان در تعارض وتصادم با قوانین نافذه قرار نگیرد، بوده است که واقعاً چنین دقتی رعایت گردیده وکمیسیون با بذل مساعی وزحمات زیاد(۲) مقرره (۲) قاعده توضیحی، (۴) طرزالعمل و (۵) رهنمود را تنظیم نموده اند که از جانب جلسه عمومی سیمینار هم به تصویب رسید که موفقیت این کمیسیون به حساب می آید.

کمیسیون محترم غور بر مسائل مطروحه در ساحات اداری بریاست جناب محترم غلام نبی نوائی عضو ستره محکمه نیز کار های مفیدی را به انجام رسانیده است. این کمیسیون حدود یک صد معضل ومشکل در ساحات اداری را مطالعه وتوحید نموده، از لحاظ روابط ذات البینی شان منسجم ، وتحت (۲۵) معضل اساسی به دریافت راه حل آنها پرداخته است. گزارش فعالیت این کمیسیون محترم نشان میدهد که بخاطر دستیابی به یک راه حل در مقابل مشکلات متعدد مالی، اداری، کادری، تعمیراتی، امنیتی، مداخلوی، هماهنگی، تجهیزاتی وسایر موارد در این ساحه، طرح وتطبیق اقدامات معقول پیشینی گردیده ونشان داده شده است که انشاء الله پس از تصویب

آن توسط شورای عالی ستره محکمه در حل این مشکلات تدابیر عملی روی دست گرفته خواهد شد و من در این بخش از کار این کمیسیون ارزیابی مثبت ارائه می نمایم.

در این پروسه که ارزیابی نتایج کار کمیسیون های محترم کاری مطرح بحث است، یادآوری از فعالیت پیگیرانه دارالانشاء محترم سیمینار و کمیسیون های محترم اسناد و ارتباط و تشریفات که از جمله کمیسیون های خدمت گذار سیمینار می باشند و حجم کار آنها به همه واضح و روشن است نیز امر لازمی و ضروری پنداشته می شود. آنچه که در چوکات این کمیسیون ها صورت گرفته و بخصوص تب و تلاش مسئولانه وجدی محترم محمد قاسم حلیمی رئیس مالی واداری و همکاران شان در راستای انتظام این مجلس و سهم پروژه محترم عدلی و قضائی چکی در تمویل مصارف این سیمینار و مساعی ریاست عمومی تدقیق و مطالعات در تنظیم متن و مقدمات کار سیمینار برجسته و مشهود بوده و قابل امتنان می باشد.

اشتراک کننده گان محترم سیمینار عالی روسای محاکم!

اگر از کار هایی که انجام شده در مجموع یک ارزیابی مثبت را ارائه نمودم، ناشیانه و عاطفی عمل نکرده ام. در مجموع رسیده گی وغور روی (۳۱۸) استهداء کار ساده و آسانی نبود و قضات سابقه و گرامی که از سیمینار های قبلی ستره محکمه خاطراتی دارند نیک می دانند که کار بس عظیم و سترگی انجام یافته و اگر به نشر این تصاویر پس از تصویب شورای محترم عالی ستره محکمه اقدام سریع بعمل آید، محاکم مجموعه قطوری ازین تصاویر را بدست

خواهند آورد که تا حال بدست نیاورده اند و گره گشای مشکلات قضائی آنان خواهد بود.

پس از این ارزیابی مختصر اجازه دهید یاد آوری کنم که پیام جلالتمآب رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در حمایت از این سیمینار و بیانیه اساسی ارائه شده توسط جلالتمآب قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه که بیانگر دست آورد های کاری ستره محکمه در عرصه های مختلف بود این امید را در دل ها زنده کرد که قضاء منحیث یک ارگان متحرک و فعال بسوی ترقی و تعالی در حرکت بوده از حیثیت، وقار و پرستیژ آن قاطعانه دفاع صورت میگیرد و شرکت کننده گان محترم سیمینار هم با دلگرمی و نگریستن به فردا های تابناک با تعهد پذیری بخاطر انجام بهتر رسالت قضائی، انرژی بیشتری را در پیشبرد کار سیمینار بخرچ دادند که نتیجه آن طوریکه گفتم روشن است و بدین وسیله به نماینده گی از ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان به همه توفیقات مزید و صحت مندی از بارگاه خداوند متعال مسئلت می نمایم.

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا ومولانا محمداً
صلى الله عليه وسلم وعلى آله واصحابه اجمعين وبعد!

به اجازه جلالتمآب محترم حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان، پوهاند عبدالسلام عظیمی قاضی القضاات و رئیس
ستره محکمه، اعضای ستره محکمه، روسای محاکم ولایات و اعضای
سیمینار!

اینجانب عبدالغفار صائم رئیس محکمه استیناف ولایت هرات قبل
از همه از لطف و مهربانی جناب عالی که با وجود مصروفیت های
جدی، شاملین سیمینار عالی را به حضور پذیرفتند تشکر مینمایم و به
نماینده گی از روسای محاکم استیناف ولایات نکاتی چند را حضور
جلالتمآبی به عرض میرسانم.

سیمینار عالی ستره محکمه به منظور تعمیم قانونیت و تأمین عدالت
بنا بر تجویز ستره محکمه از تاریخ ۱۲ الی ۱۷ عقرب ۱۳۸۶ از جانب
ستره محکمه در هتل انتر کانتیننتال دایر گردید و با صدور قطعنامه ای
موفقانه به پایان رسید. درین سیمینار بیش از (۳۱۸) استهداء محاکم
مورد غور و بحث قرار گرفت و در نتیجه تبادل افکار راه های مناسب
جستجو و توضیحات لازم تهیه و ارائه گردید که بعد از تصویب
شورای عالی ستره محکمه مورد استفاده محاکم قرار خواهد گرفت.

تأجائیکه به ملاحظه می رسد ستره محکمه ج.ا.ا از یکسال بدین
طرف اقدامات مفید و موثر را در جهت حفظ حیثیت و وقار قضاء

بیانیه

الحاج مولوی
رئیس محکمه استیناف
ولایت هرات

و اصلاح سیستم قضائی افغانستان اتخاذ نموده است که تدویر سیمینار عالی روسای محاکم به منظور تعمیم قانونیت و تامین عدالت یکی از همین اقدامات بجا و موثر می باشد و نتایج آن بدون شک در اصلاح سیستم و ارتقای سطح دانش قضات حایز اهمیت خاص است.

ما یقین کامل داریم که تدویر سیمینار ها همان گونه که در پیام جلالتمآب رئیس جمهوری اسلامی افغانستان تذکر یافته بود به منظور حل غامض ترین مسایل قضائی نقش مفید و ارزنده داشته و جز فرهنگ قضائی به شمار میاید .

روسای محاکم در حالیکه توجه و اهتمام مقام ریاست جمهوری و مقام عالی ستره محکمه را در راه اصلاح سیستم قضائی و ارتقای سطح دانش مسلکی قضات مورد تائید قرار میدهد پاره از مشکلات محاکم را که بی گمان در امور عدالت قضائی بی تاثیر نمی باشد به عرض میرساند .

۱- ما روسای محاکم کشور متعهد ایم تا پالیسی رهبری ستره محکمه در قسمت تسریع رسیده گی قضایا به وقت وزمانش، قانونیت، شفافیت در اجراآت، مبارزه علیه فساد اداری و ارتشا را بطور جدی تعقیب نمائیم تا از این طریق بتوانیم در راه تامین عدالت مصدر خدمت گردیم.

۲- تا جائیکه امکانات میسر است مساعی به خرچ میدهیم تا قضات زیر دست خویش را به ارتباط مواد و احکام قانون رهنمائی لازم نموده و در ارتقای سطح علمی و قضائی آنها طوریکه پالیسی ستره محکمه واضح است، سهم فعال گیریم.

۳- به نماینده گی از روسای محاکم استیناف ولایات تعهد می سپاریم که با مراجعین برخورد نیک و شفاف داشته در حل و فصل قضایا حق و عدالت را در نظر گیریم.

۴- موضوع تامین امنیت: طوریکه مبرهن است قضات از جمله اشخاص غیر نظامی بوده و در شرایط سخت و درنقاط دوردست اجرای وظیفه مینمایند تا جائیکه به ملاحظه می رسد علت کمبود قضات محاکم و مشکلات مردم از ناحیه عدم دسترسی قضاء ، موضوع امنیت است. تا وقتیکه امنیت قاضی و امنیت محل سکونت قضات تامین نباشد، مسلم است که مشکل کمبود قاضی کماکان در میان خواهد بود.

۵- موضوع کمی معاش قضات آنهم در محلات دور دست مشکل عمده دیگر است که گذاره شباروزی آنها رابه مشکل مواجه می سازد.

گرچه به توجه مقام ریاست جمهوری و به پیشنهاد ستره محکمه قانون معاشات مقامات دولت که قضات نیز جزء آن است از جانب ستره محکمه به همکاری وزارت مالیه تنظیم و پس از تائید مجلس عالی وزراء غرض تصویب به ولسی جرگه محول شده است اما تا وقتی که این قانون طی مراحل می نماید، مدتی زیادی را در بر خواهد گرفت، لهذا اگر جهت رفع مشکل، معاش منطوقی برای قضات منظور شود تا حدی از مشکل کاسته خواهد شد.

۶- مطابق به سوابق تاریخی و با رعایت قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان قوه قضائیه رکن مستقل دولت بوده، وظایف خود را در ردیف قوه اجرائیه و قوه تقنینیه اجرا مینماید . به این ترتیب در مورد حفظ مقام رئیس محکمه استیناف در ولایت و رئیس محکمه

ولسوالی در ولسوالی در معادلت با والی و ولسوال اقدام لازم و مقتضی صورت گیرد تا حیثیت قانونی و وقار قاضی مدنظر گرفته شود.

۷- با آنکه مقام ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان به خصوص به اثر توجه جلالتمآب قاضی القضاة و سایر مقامات رهبری قوه قضائیه در مورد اعمار تعمیرات محاکم توجه لازم مبذول داشته ولی از آن جا که در جنگ های تحمیلی تعمیرات محاکم و منازل رهائشی قضاة از میان رفته است، لذا ایجاب مینماید تا از جانب دولت بودجه بیشتری در اختیار قوه قضائیه قرار داده شود تا در اعمار تعمیرات محاکم و اعمار منازل رهائشی قضاة در ولایات و ولسوالی ها اقدام لازم و مقتضی صورت گیرد و این معضله هرچه زود تر حل گردد.

۸- والی در ولایت و ولسوال در ولسوالی نه تنها دارای یک موتر بوده بلکه بر علاوه موتر خویش از وسایط ترانسپورتی تعقیبیه و اضافی نیز استفاده مینماید. در حالیکه برای روسای محاکم و ولسوالی اصلاً موتر در تشکیل مدنظر گرفته نشده است.

اقدام مقام عالی ستره محکمه در مورد تهیه موتر برای روسای محاکم که اقدامات درین زمینه روی دست میباشد، مفید و ارزشمند است و امید میرود تا هرچه زود تر این معضله در خصوص روسای محاکم استیناف حل گردد. ولی توجه مقام عالی در مورد اعطای یک عراده موتر برای هر رئیس محکمه و ولسوالی معطوف میگردد.

در خاتمه به نمایندگی از روسای محاکم استیناف ولایات و سایر اعضای سیمینار عالی روسای محاکم منعقد ۱۲ - ۱۷ عقرب ۱۳۸۶ از توجهاتی که جلالتمآب رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در امر تقویه قوه قضائیه کشور مبذول میدارند، ابراز امتنان و شکران مینمایم.

ومن الله التوفیق

قسمت دوم

پروگرام کار و تشکیلات سیمینار

- ۱- کمیسیون جزائی و امنیت عامه.
- ۲- کمیسیون مدنی، تجارتی، حقوق عامه و احوال شخصیه.
- ۳- کمیسیون امور وثایق.
- ۴- کمیسیون اداره قضائی و مسایل متفرق.
- ۵- کمیسیون تنظیم و تدقیق مقرره ها، طرز العمل ها و رهنمودها.

کمیسیون توضیح بر استهداآت جزائی وامنیت عامه

پروگرام کار: غور و بحث روی استهداآت واصله در ارتباط موضوعات جزائی وامنیت عامه وتنظیم پاسخ ها وتوضیحات قانونی در مورد آن.

ترکیب:

رئیس کمیسیون: محترم بهاء الدین (بهاء) عضو شورایعالی ورئیس دیوان جزای عمومی ستره محکمه به همکاری الحاج مولوی محمد قاسم دوست عضو ستره محکمه.

منشی ها:

۱- محترم عبدالودود جوهری مستشار دیوان امنیت عامه ستره محکمه

۲- محترم حضرت گل حسامی عضو مسلکی ریاست تدقیق ومطالعات

اعضا:

۱- محترم مظفر الدین تجلی مستشار دیوان جزا عمومی ستره محکمه

۲- محترم محمد زمان سنگری مستشار دیوان جزا عمومی ستره محکمه

۳- محترم ضیاء الحق دینار خیل مستشار دیوان جزاء عمومی ستره محکمه

۴- محترم حمیده مستشار دیوان جزا عمومی ستره محکمه

۵- محترم سید امین الله مستشار دیوان جزا عمومی ستره محکمه

۶- محترم گللالی مستشار دیوان امنیت عامه ستره محکمه

۷- محترم مهرو حمید مستشار دیوان امنیت عامه ستره محکمه

۸- محترم محمد علیم مستشار دیوان امنیت عامه ستره محکمه

- ۹- محترم جنرال غلام سخی مستشار نظامی ستره محکمه
- ۱۰- محترم جنرال عبدالروف طیب رئیس عمومی محاکم نظامی
- ۱۱- محترم میرعبدالله رئیس محکمه استیناف ولایت پروان
- ۱۲- محترم فضل وهاب رئیس محکمه استیناف ولایت بلخ
- ۱۳- محترم عبدالغفار صایم رئیس محکمه استیناف ولایت هرات
- ۱۴- محترم محمد رحیم رئیس محکمه استیناف ولایت بادغیس
- ۱۵- محترم محراب علی رئیس محکمه استیناف ولایت بامیان
- ۱۶- محترم سید مراد شریفی رئیس محکمه استیناف ولایت ننگرهار
- ۱۷- محترم (عبدالجلیل) رئیس محکمه استیناف ولایت کندهار
- ۱۸- محترم عبدالباسط بختیاری رئیس محکمه ابتدائیه حوزه چهارم شهر کابل

۱۹- محترم انیسہ رسولی رئیسہ دیوان اطفال محکمه استیناف کابل

۲۰- محترمہ هما علی زوی رئیس محکمه ابتدائیه اطفال

۲۱- محترمہ مکرمہ رئیس محکمه ابتدائیه مواد مخدر

۲۲- محترم نجیب الله رحمانی رئیس محکمه استیناف مواد مخدر

۲۳- محترم محمد کاظم رشید رئیس دیوان امنیت عامه محکمه

استیناف کابل

۲۴- محترم عبدالشکور رئیس دیوان جزاء محکمه استیناف کابل

۲۵- محترم عبدالقادر حبیب مدقق قضائی ستره محکمه

۲۶- محترم محمد عیسی احمدی مفتش قضائی ستره محکمه

۲۷- محترم محبوب الهی مفتش قضائی ستره محکمه

۲۸- محترم مولوی عبدالبصیر عضو ریاست افتاء

۲۹- محترم مولوی مصطفی عضو ریاست افتاء

کمیسیون توضیح بر استهداآت مدنی، حقوق عامه، تجارتی و احوال شخصیه

پروگرام کار: غور و بحث بر استهداآت واصله به ارتباط مسائل مدنی، حقوق عامه، تجارتی و احوال شخصیه و تهیه پاسخ ها و توضیحات قانونی درین موارد.

ترکیب:

رئیس کمیسیون: محترم محمد علیم نسیمی عضو شورای عالی و
رئیس دیوان مدنی و حقوق عامه ستره محکمه :

منشی ها:

- ۱- محترم محمد علی امینی مستشار دیوان مدنی ستره محکمه
- ۲- محترم برات علی متین مستشار دیوان مدنی ستره محکمه

اعضاء :

- ۱- محترم عبدالخلیل مستشار دیوان مدنی و حقوق عامه ستره محکمه
- ۲- محترم عبدالجلیل مستشار دیوان مدنی و حقوق عامه ستره محکمه
- ۳- محترم فیض محمد وجدان مستشار دیوان مدنی و حقوق عامه ستره محکمه
- ۴- محترم عبدالحنان مستشار دیوان تجارتی ستره محکمه
- ۵- محترم عبدالمومن مستشار دیوان تجارتی ستره محکمه
- ۶- محترم نثار احمد مستشار دیوان تجارتی ستره محکمه
- ۷- محترم شمس الرحمن مستشار دیوان امنیت عامه ستره محکمه
- ۸- محترم جنرال محمد حلیم عمادی مستشار نظامی ستره محکمه
- ۹- محترم جنرال زلمی پاینده مستشار نظامی ستره محکمه

- ۱۰- محترم عبدالسلام قاضی زاده رئیس محکمه استیناف ولایت کابل
- ۱۱- محترم عبدالوراء قیومی معاون رئیس محکمه استیناف ولایت پنجشیر
- ۱۲- محمد عبدالجبار رئیس محکمه استیناف ولایت غزنی
- ۱۳- محترم ولی احمد عاصم رئیس محکمه استیناف ولایت کاپیسا
- ۱۴- محترم مراد علی مراد رئیس محکمه استیناف ولایت کندز
- ۱۵- محترم عبدالواحد رئیس محکمه استیناف ولایت زابل
- ۱۶- محترم عطاء الله رئیس محکمه استیناف ولایت دایکندی
- ۱۷- محترم سمیع الله رئیس محکمه استیناف ولایت سمنگان
- ۱۸- محترم محمد امین نبیل رئیس محکمه تجارتی مرکز کابل
- ۱۹- محترمه فوزیه ورکزی رئیس محکمه فامیلی شهر کابل
- ۲۰- محترم محمد عامر کاموی رئیس دیوان مدنی و احوال شخصیه محکمه استیناف کابل.
- ۲۱- محترم عبدالرب رئیس دیوان تجارتی محکمه استیناف کابل
- ۲۲- محترم عبدالغنی رئیس دیوان حقوق عامه محکمه استیناف کابل
- ۲۳- محترم عبدالکریم قانت رئیس محکمه حوزه دوم شهر کابل
- ۲۴- محترم عبدالبصیر فائز مدقق قضائی ستره محکمه
- ۲۵- محترم انور الحق اعظمی مدقق قضائی ستره محکمه
- ۲۶- محترم نجیب الله قادری مدقق قضائی
- ۲۷- محترم محمد قسیم مفتش قضائی ستره محکمه
- ۲۸- محترم محمد فاروق مفتش قضائی ستره محکمه
- ۲۹- محترم غلام محمد مفتش قضائی ستره محکمه
- ۳۰- محترم مولوی ابن یمین عضو ریاست عمومی افتاء
- ۳۱- محترم مولوی عبید الله عضو ریاست عمومی افتاء

کمیسیون غور بر استهداآت امور وثایق

پروگرام کار: غور و بحث روی استهداآت مربوط به امور وثایق و محصول وثایق و مصارف در محاکم و تهیه پاسخ ها و توضیحات مقتضی درین زمینه ها.

ترکیب:

رئیس کمیسیون: ضامن علی بهسودی عضو ستره محکمه

منشی ها:

- ۱- محترم عبدالقیوم کریمی رئیس عمومی وثایق و ثبت اسنادستره محکمه.
- ۲- محترم نذیر گل تقوی معاون ریاست دارالانشاء ستره محکمه

اعضاء:

- ۱- محترم نور الله غضنفر مستشار دیوان جزاء عمومی ستره محکمه
- ۲- عزیزالله مستشار دیوان مدنی و حقوق عامه ستره محکمه
- ۳- محترم عبدالله مستشار دیوان جزاء عمومی ستره محکمه
- ۴- محترمه آصفه کاکر مستشار دیوان امنیت عامه ستره محکمه
- ۵- محترم محمد جان رئیس محکمه استیناف ولایت اروزگان
- ۶- محترم عبدالرحیم عینی رئیس محکمه استیناف ولایت سرپل
- ۷- محترم محمد معصوم رئیس محکمه استیناف ولایت تخار
- ۸- محترم عبدالمنان عطا زاده رئیس محکمه استیناف ولایت پکتیکا
- ۹- محترم عزت الله رئیس محکمه استیناف ولایت پکتیا
- ۱۰- محترم عبدالتواب رئیس محکمه استیناف ولایت کنرها
- ۱۱- محترم عبدالرحیم رحیمی آمر وثایق محکمه حوزه چهارم کابل

۱۲- محترم عبدالکریم نایاب آمر وثایق محکمه حوزه سوم کابل

۱۳- محترم محمد اصغر آمر وثایق حوزه دوم شهر کابل

۱۴- محترم علی محمد جالب آمر وثایق حوزه اول شهر کابل

۱۵- محترم ایوب شاه سرپرست مخزن ولایت کابل

۱۶- محترم سید حسین رئیس محکمه ابتدائیه حوزه اول شهر کابل

۱۷- محترم جنرال صابر رئیس دیوان عساکر محکمه استیناف نظامی

۱۸- محترم جنرال سراج الدین رئیس دیوان جرایم افسران ستره محکمه

۱۹- محترم جنرال عبدالقیوم رئیس محکمه قوای سرحدی

۲۰- محترم جنرال غلام سخی مستشار نظامی ستره محکمه

۲۱- محترم محمد یعقوب زرین خیل رئیس امور ذاتیه ستره محکمه

۲۲- محترم ضیاء الحق مجددی مدقق قضائی ستره محکمه

۲۳- محترم محمد اختر اکبری مدقق قضائی ستره محکمه

۲۴- محترم عبدالمقیم عطارد مفتش قضائی ستره محکمه

۲۵- محترم بابہ کلان ناهض مفتش قضائی ستره محکمه

۲۶- محترم احمد شاه سلیم عضو مسلکی ریاست نشرات

۲۷- محترم پیر محمد روحانی عضو ریاست افتاء

۲۸- محترم احمد زبیر ساعی عضو پروژه عدلی و قضائی

۲۹- محترم عبدالفرید سلطانی عضو پروژه عدلی و قضائی

۳۰- محترم عبدالله آمر کتابخانه ستره محکمه

۳۱- محترمه فتانه مدیر احصائیه قضائی ریاست عمومی تدقیق و مطالعات

۳۲- محترم احمد فرید شریفی آمر سوانح ریاست امور ذاتیه ستره محکمه

کمیسیون تنظیم و تدقیق مقررہ ہا، طرز العمل ہا ورہنمود ہا

پروگرام کار: غور و تدقیق مقررہ ہا، قواعد توضیحی، طرز العمل ہا ورہنمود ہا.

ترکیب:

رئیس کمیسیون: عبدالرشید «راشد» عضو شورای عالی و رئیس دیوان امنیت عامہ سترہ محکمہ بہ همکاری محمد عمر «ببرکزی» عضو سترہ محکمہ.

منشی ہا:

- ۱- محترم عتیق اللہ «روفی» رئیس دارالانشاء شورای عالی سترہ محکمہ
- ۲- محترم فیض الرحمن «وثیق» عضو مسلکی ریاست تدقیق و مطالعات

اعضاء:

- ۱- محترم عبدالبصیر مستشار دیوان جزای عمومی سترہ محکمہ
- ۲- محترم ملا محمد مستشار دیوان مدنی و حقوق عامہ سترہ محکمہ
- ۳- محترم امراللہ ابدالی رئیس محکمہ استیناف ولایت میدان وردک
- ۴- محترم بہاء الدین سرپرست محکمہ استیناف ولایت غور
- ۵- محترم سید غلام فاروق رئیس محکمہ استیناف ولایت نیمروز
- ۶- محترم ظاہر الدین رئیس محکمہ استیناف ولایت نورستان
- ۷- محترم محمد جورہ رئیس محکمہ استیناف ولایت بغلان
- ۸- محترم عبید اللہ رئیس محکمہ ابتدائہ حوزہ سوم شہر کابل
- ۹- محترم جنرال عبدالخالق حلیم رئیس محکمہ استیناف نظامی
- ۱۰- محترم جنرال محمد احسان رئیس دیوان جرایم افسران محکمہ استیناف

- ۱۱- محترم محمد عثمان ژوبل رئیس عمومی تدقیق و مطالعات سترہ محکمہ
- ۱۲- محترم مولوی محمد صدیق مسلم رئیس دارالافتاء سترہ محکمہ
- ۱۳- محترم عبدالبصیر مستغفر رئیس دفتر آمریت عمومی اداری قوہ قضائہ
- ۱۴- محترم محمد حکیم کنری مدقق قضائی سترہ محکمہ
- ۱۵- محترم عبدالسلیم مدقق قضائی سترہ محکمہ
- ۱۶- محترم خواجہ غلام صادق مدقق قضائی سترہ محکمہ
- ۱۷- محترم عبدالباری غیرت مدقق قضائی سترہ محکمہ
- ۱۸- محترم نور الحق نور مفتش قضائی سترہ محکمہ
- ۱۹- محترم عبدالحسیب مفتش قضائی سترہ محکمہ
- ۲۰- محترمہ نظیفہ عضو مسلکی ریاست نشرات
- ۲۱- محترم مولوی عبدالرحیم عضو مسلکی دارالافتاء
- ۲۲- محترم مولوی رمضان عضو ریاست دارالافتاء
- ۲۳- محترم مولوی خلیل اللہ عضو ریاست عمومی دارالافتاء
- ۲۴- محترم داکتر محمد عارف مشاور ارشد پروژہ عدلی و قضائی
- ۲۵- محترم داکتر جانباز مشاور ارشد پروژہ عدلی و قضائی
- ۲۶- محترم عبدالصبور شمس آمر ارتباط خارجہ
- ۲۷- محترم حسین احمد عضو مسلکی دارالانشاء شورای عالی
- ۲۸- محترم قاضی محمد خان مفتش قضائی سترہ محکمہ

کمیسیون حل استهداآت مربوط به اداره قضائی ومسایل متفرق

پروگرام کار: غور به استهداآت مربوط به اداره قضائی ومسائل متفرق
وتهیه پاسخ ها در این موارد.

ترکیب:

رئیس کمیسیون: محترم غلام نبی نوائی عضو شورای عالی و رئیس
دیوان تجارتی ستره محکمه

منشی:

۱- محترم محمد عمر مومند رئیس تفتیش قضائی

۲- محترم محمد صدیق ژوبل مدیر مسوول جریده میزان

اعضا:

۱- محترم ذکر الله مستشار دیوان جزای عمومی ستره محکمه

۲- محترم عبدالرحمن مستشار دیوان مدنی وحقوق عامه ستره محکمه

۳- محترم صدیق الله حقیق رئیس محکمه استیناف ولایت لوگر

۴- محترم عبدالمتین رئیس محکمه استیناف ولایت لغمان

۵- محترم عبدالشکور رئیس محکمه استیناف ولایت بدخشان

۶- محترم محمد عالم ثابت رئیس محکمه استیناف ولایت فراه

۷- محترم محمد اکبر رئیس محکمه استیناف ولایت فاریاب

۸- محترم سید محمد رئیس محکمه استیناف ولایت خوست

۹- محترم عبدالستار رئیس محکمه استیناف ولایت جوزجان

۱۰- محترم جنرال سید حسن رئیس محکمه وزارت داخله

۱۱- محترم عبدالوکیل عمری رئیس نشرات ستره محکمه

۱۲- محترم مولوی محمد قاسم حلیمی رئیس مالی واداری ستره محکمه

۱۳- محترم محمد سعید خسروی آمر عمومی خدمات ستره محکمه

۱۴- محترم محمد موسی رضوی رئیس مساعدت های حقوقی ستره محکمه

۱۵- محترم محمد اسماعیل عابد رئیس تحریرات ستره محکمه

۱۶- محترم محمد عمر کامران معاون ریاست امور ذاتیه

۱۷- محترم عبدالرزاق نسیمی مدقق قضائی ستره محکمه

۱۸- محترم محمد انور داودزی مدقق قضائی ستره محکمه

۱۹- محترم لعل آقا پتوال مفتش قضائی ستره محکمه

۲۰- محترم عبدالباقی مولوی زاده مفتش قضائی ستره محکمه

۲۱- محترم حفیظ الله مفتش قضائی ستره محکمه

۲۲- محترم مولوی محمد عبدالصبور عضو مسلکی ریاست

نشرات ستره محکمه

۲۳- محترم عزیز الرحمن ممنون عضو مسلکی ریاست نشرات ستره محکمه

۲۴- محترم مولوی محمد غوث عضو مسلکی ریاست دارالافتاء

۲۵- محترم خواجه عتیق الله آمر تعلیمات قضائی ریاست

عمومی تدقیق ومطالعات

۲۶- محترم محمد اکبر مجاهد آمر تحریرات ریاست دارالانشاء

شورایعالی ستره محکمه

۲۷- محترم غلام جیلانی سروری معاون ریاست تفتیش قضائی

پروگرام: اجرای کلیه امور سکرتریت و تنظیم دارالانشاء سیمینار.

ترکیب:

رئیس کمیسیون: دوکتور عبدالملک "کاموی" آمر عمومی اداری قوه

قضائیه.

اعضاء:

- ۱- عبدالودود جوهری مستشار دیوان امنیت عامه ستره محکمه
- ۲- محترم محمد علی امینی مستشار دیوان مدنی و حقوق عامه ستره محکمه
- ۳- محترم برات علی متین مستشار دیوان مدنی ستره محکمه
- ۴- عتیق الله روفی رئیس دارالانشاء شورایعالی ستره محکمه
- ۵- محمد عثمان ژوبل رئیس عمومی تدقیق و مطالعات ستره محکمه
- ۶- داکتر نجیب الله جانباز مشاور ارشد پروژه عدلی وقضائی

پروگرام کار: تنظیم و اجرای امور اسناد و ارتباط سیمینار تحت نظر

مستقیم دارالانشاء سیمینار.

ترکیب:

مسئول بخش: قضاوت وال فاطمه ملکپور آمر تحریرات ریاست

عمومی تدقیق و مطالعات

اعضاء:

- ۱- محترم محمد عمر کریمی مدیر تحلیل و ارقام
- ۲- محترمه پشتنه بنائی مدیر راپور های قضائی
- ۳- محترمه قضاوت وال ذکيه هروی مدیر استخدام ریاست ذاتیه
- ۴- محترمه قضاوت مند فوزیه کارمند ریاست امور ذاتیه
- ۵- محترمه مریم کارمند ریاست تدقیق و مطالعات
- ۶- محترم وحید الله اسد یار مدیر عمومی فرهنگی ریاست نشرات
- ۷- محترم غلام رسول عبادی مدیر عمومی طباعتی ریاست نشرات
- ۸- محترم عبدالبصیر ملک زی عضو پروژه عدلی وقضائی
- ۹- محترم محمد حارث کمپیوتر آپریتر
- ۱۰- محترم مصطفی عمر صورتگر کمپیوتر آپریتر
- ۱۱- محترم ننگیالی کمپیوتر آپریتر
- ۱۲- محترم نصرت کارمند ریاست ذاتیه
- ۱۳- محترم شیر آغا آپریتر فوتوکاپی

۱- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سمنگان:

مطابق ماده اول قانون جزاء، این قانون جرایم و جزاء های تعزیری را تنظیم مینماید. اما در این قانون ترمرد منحث جرم پیشیني نگردیده ومطابق هدایت ماده دوم وسوم قانون مذکور از مشروعیت جرم ومجازات بحث نموده واكثرأ موضوع ترمرد در مقابل سرکشي محکوم علیه در خصوص تطبیق فیصله های نهائی محاکم مطرح میگردد که موجبات تعقیب عدلي محکوم علیه را فراهم مینماید موضوع ایجاب اتخاذ تجویز مقتضي را در روشني احکام قانون مینماید.

توضیح:

واقعاً در قانون جزاء از جرم ترمرد بحث نگردیده وجزای آن تعیین وپیش بینی نشده است بخاطر تکمیل این خلا با در نظر داشت قانونیت جرم وجزاء فرمان تقنینی (۳۳۷) ۱۳۷۳/۱۱/۱ رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان در باره جرم ترمرد منتشره جریده رسمی (۷۷۳) مورخ ۷۴/۱/۳۱ ریاست دولت وجود دارد که در آن ترمرد جرم قبول و اندازه جزای آن تعیین وقانونیت جرم وجزاء تامین گردیده بناءً مشکلی در مورد وجود ندارد محاکم ومراجع مربوط تا زمانیکه جزای متمرد در برابر احکام قطعی محاکم ویا اوامر قانونی موظفین خدمات عامه درکود جزاء تنظیم میگردد مطابق فرمان متذکره اجراآت نمایند.*

*- فرمان تقنین رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان در باره جرم ترمرد.

شماره (۳۳۷) تاریخ ۱۳۷۳/۱۱/۱

بمنظور تحکیم مزید نظم شرعی وحقوقی در کشور واجرای بلانحراف اساسات عدلی وجزائی وتطبیق موثر احکام جزائی بر متخلفین، تطبیق بموقع فرامین، احکام وهدایات رئیس جمهور د.ا.ا، احکام نهائی وتنفیدی محاکم د.ا.ا، قرار های قانونی لوی خانونالی د.ا.ا اوامر شرعی وقانونی رئیس حکومت مراتب آتی منظور است:

ماده اول:

بخش دوم

توضیح به استهداآت جزائی وامنیت عامه

۲- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت کاپیسا.

دیت مجازات است یا جبران خساره؟ عده معتقد اند که دیت کیفر جنائی است. این گروه رأی خود را به این اصل استوار میکنند که شریعت اسلام در قضایای قتل و جرح در شبه عمد و خطاء دیت را کیفر اصلی قرار داده است. طوریکه از ماده اول قانون جزاء بر می آید مرتکب جرایم حدود، قصاص و دیت مطابق به احکام فقه حنفی شریعت اسلام مجازات میگردد، دیت را مجازات دانسته است در صورتیکه دیت مجازات باشد آیا علاوه بر دیت بر جبران خساره نیز حکم شده میتواند یا خیر در مقابل عده دیگر معتقد اند که دیت فاقد وصف کیفری یا جزائی است و چنین استدلال میکنند.

۱- طبق عرف قانونگزاری مجازاتی که در قانون تعیین شده کم و یا زیاد نمیگردد و در اسلام هم این قاعده مسلم و اصل اساسی است مثلاً حد زنا، سرقت و غیره طوریکه تعیین شده است کم و زیاد شده نمیتواند در حالیکه دیت به تراضی طرفین کم یا زیاد شده میتواند.

شخصیکه در مقابل فرامین و احکام شرعی رئیس جمهور فیصله های نهائی و تنفیذی محاکم، قرار های قانونی لوی څارنوالی ۱.۱.د، اوامر شرعی و قانونی رئیس حکومت بدون عذر موجه تمرد نماید حسب احوال به حبس قصیر محکوم میگردد.

ماده دوم:

در صورت تکرار و دوام تمرد، متمرّد به حبس متوسط محکوم میگردد.

ماده سوم:

این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و به جریده رسمی نشر گردد.

۲- جزاء های نقدی به نفع دولت وصول میشود نه به سود اشخاص در صورتیکه حق صاحب خون و متضرر است و به او پرداخته میشود نه به خزانه دولت.

۳- اگر ولی دم چیزی دریافت نکند مجرم را عفو کند ابراری به وی نیست و به نفع بیت المال هم وجهی از مرتکب دریافت نمیشود در صورتیکه دیت مجازات میبود عفو شاکی بی اثر بود بنابراین آیا در صورتیکه دیت را جبران خساره بدانیم آیا توام به آن میشود که مرتکب را علاوه بر دیت به مجازات تعزیری حبس نیز محکوم کنیم یا خیر.

اگر شخصی به قصد قتل دیگری تیری را به طرف او بیاندازد ولی تیر به خطا رفته و به دیگری اصابت و موجب فوت او شود آیا متهم به عنوان قتل عمد تحت تعقیب قرار خواهد گرفت؟ قانون جزای افغانستان چنین حالت را قتل عمدی دانسته و جزای قتل عمد را بالای مرتکب قابل تطبیق می داند چنانچه قانون جزاء افغانستان در ماده (۳۴) خود قصد جرمی را چنین تعریف نموده است « به نحوی که منجر به وقوع جرم مورد نظریا وقوع نتیجه جرم دیگر شود.» در حالیکه مثال فوق در فقه اسلامی قتل خطاء دانسته شده و قصاص از مرتکب ساقط می گردد.

توضیح:

در رابطه به پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت کاپیسا باید گفت که:

جزای اصلی قتل شبه عمد و جرح در شریعت اسلام دیت است و دیت عبارت از اندازه معین مال است که به مجنی علیه و یا به ولی آن تعلق می گیرد نه به خزانه دولت لهذا دیت جزای محض نبوده بلکه علاوه

بر جزاء، حیثیت تعویض را که جزای مدنی است نه جنائی نیز دارا بوده هم مجازات وهم تعویض می باشد. (تشریح جنائی اسلامی وقوانین وضعی)

دیت در اصطلاح فقهای کرام (رح): مالیست که در مقابل قتل، جرح ونقص عضو از طرف جانی به مجنی علیه یا ورثه او داده می شود. (ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی)

ویادیت کیفر نقدی است که در سه مورد ذیل از مجرم برای مجنی علیه ویا قایم مقام قانونی او گرفته می شود .

۱- در صورت توافق وتراضی «مجنی علیه ویا قایم مقام قانونی آن» بجای قصاص به دیت.

۲- در صورتیکه رعایت شباهت مجازات با جرم مقدور نباشد.

۳- در مورد یک قانون به دیت حکم کند مانند قتل فرزند از طرف پدر.

مقدار دیت هزار دینار طلا ویا ده هزار درهم نقره است. (ترمینولوژی حقوق) دیت مالی است که عوض نفس لازم میگردد وارث مالیست که در مأدون النفس لازم می شود. ماده (۷۶۷) تمسک القضاة.

موارد، انواع واحکام دیات در فصل هشتم از ماده (۷۶۷) الی ماده (۸۵۴) ماده وار به تفصیل توضیح شده نیازمندان می توانند بامراجعه و مطالعه آن در کلیه موارد وجزئیات آن آگاهی حاصل وحل مطلب نمایند.

۳- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سرپل !

حکم قطعی باید در فیصله های محاکم تحتانی و اصطلاح حکم نهائی در فیصله های مقام ستره محکمه بکار برده شود.

توضیح:

با مراجعه با متن ماده ۱۰ قانون جزاء کشور حل مطلب می گردد.

ماده (۱۰) چنین مشعر است:

حکم قطعی به مقصد این قانون عبارت از حکمی است که نهائی شده باشد یا موارد استیناف یا تمیز طلبی برای آن موجود نباشد ویا میعاد های استیناف و تمیز طلبی آن قانوناً منقضی شده باشد.

۴- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سمنگان:

در ارتباط ماده (۲۹) قانون جزاء که از شروع بجرم بحث نموده فقره اول آن شروع بجرم را تعریف نموده ومطابق فقره دوم مجرد تصمیم به ارتکاب جرم یا اجرای اعمال مقدماتی شروع بجرم تلقی نمیشود موضوع ایجاب توضیح را مینماید چه در تعبیراعمال مقدماتی اکثراً مرتکب اشتباه گردیده اجرای اعمال مقدماتی را شروع بجرم تلقی و خارنوال باساس آن اقامه دعوی و محکمه به همین دلیل، اغلب متهم را محکوم به مجازات مینماید طور مثال چند نفر از طرف شب در یک سرای واقع شهر ایبک در یک موتر جابجا وبا وسایل سرقت از قبیل سلاح وبوکس پنجه وسایر آلاتیکه دکان را سوراخ نمایند مجهز میباشند اما قبل از اینکه به اعمال مقدماتی از قبیل سوراخ نمودن دکان ویا منزل آغاز نمایند دستگیر میشوند آیا این قضیه شروع بجرم بوده قابل تعقیب عدلی دانسته میشود ویا اینکه مطابق فقره دوم ماده مذکور جرم پنداشته نشده واشخاص مذکور قابل تعقیب عدلی نمیباشند؟ موضوع قابل توضیح دیده میشود.

توضیح:

طبق حکم فقره (۱) ماده (۲۹) قانون جزاء شرایط تحقق شروع به جرم عبارت اند از:

۱- آغاز به اجرای عمل به قصد ارتکاب جنایت یا جنحه.

۲- متوقف یا خنثی شدن آثار آن به اسباب خارج از اراده فاعل.

با تحقق حالات فوق عمل مذکور شروع به جرم تلقی گردیده مرتکب مستوجب مجازات می باشد در مثالی که از طرف محکمه استیناف ولایت سمنگان داده شده است جمع شدن چند نفر در یک موتر و تهیه وسایل سرقت تا زمانی که عملاً به سوراخ نمودن دکان و یا خانه و یا بالا شدن به دیوار خانه جهت داخل شدن به حویلی به خاطر سرقت به میان نیاید عمل مذکور شروع به جرم نبوده طبق احکام قانون قابل مجازات نمی باشد و معیار در تشخیص اعمال مقدماتی شروع به جرم تحقق شرایط متذکره می باشد.

تشخیص محکمه در اعمال مقدماتی و تفکیک آن از عمل شروع به جرم تابع ظروف و حالات قضیه مورد بحث و رسیدگی می باشد. در مثال فوق اگر حمل و نگهداشت وسایل تهیه شده قانوناً جرم بوده باشد از لحاظ دیگر مرتکب مجازات می گردد نه از لحاظ ارتکاب جرم سرقت.

۱- اعمال مقدماتی، مثال: خرید سلاح یا کارد برای قتل احمد.

۲- تصمیم مجرم، مثال: شخصی دردل خودنیت اختطاف پسر کسی را می کند.

۵- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سمنگان!

مطابق هدایت ماده ۷۲ قانون جزاء طفلی که سن هفت سالگی را تکمیل ننموده باشد دعوی جزائی علیه او اقامه شده نمیتواند اما مطابق فقره اول ماده پنجم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال شخصیکه سن ۱۲ سالگی را تکمیل ننموده باشد در صورت ارتکاب جرم مسولیت جزائی به او راجع نمیشود که در حقیقت پنج سال سن مسولیت جزائی بلند برده شده این ماده ایجاب تعدیل را نموده باید سن مسولیت تکمیل سن ده سالگی قرار گیرد. موضوع قابل توضیح می باشد.

توضیح:

چون طبق حکم فقره (۱) ماده (۵) قانون رسیدگی به تخلفات اطفال مسولیت جزائی به طفل که سن (۱۲) سالگی را تکمیل نکرده باشد راجع نمیگردد لهذا ضرورت تعدیل ماده مذکور بارعایه کلیه جهات و حالات و ظرفیت های خورده سال در سنین مختلف تعیین و تثبیت گردیده و تنزیل آن به ده سالگی موجه به نظر نرسیده است، بعقیده ما طبق حکم قانون مذکور که قانون خاص و آخرین قانون نافذ در مورد است، اجراآت گردد.

۶- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت کندهار!

ماده (۸۶) قانون جزاء چنین مشعر است: هرگاه همراه مرتکب جرم شود و هنگام صدور حکم سن (۱۸) سالگی را تکمیل نماید مانند همراه با او معامله میشود.

در صورتیکه یک شخص در سن (۱۷) سالگی مرتکب جرم قتل گردد و موصوف فرار نماید و بعد از گذشت چهار سال دستگیر میگردد یعنی در زمان دستگیری شخص مذکور در سن (۲۱) سالگی قرار دارد در همچو حالت آیا در مورد مذکور حسب هدایت ماده فوق قانون جزاء معامله شود و یا چطور.

توضیح:

فقره (۱) ماده (۸۵) قانون جزاء سن حین ارتکاب جرم را مدار اعتبار قرار داده و محاکم حین محاکمه و تعیین مجازات، آن را در نظر می گیرند. فقره (۱) ماده (۸۵) قانون جزاء در مورد چنین صراحت دارد: سن صغیر و همراه در وقت ارتکاب جرم اساس تعیین مسولیت شناخته میشود.

علاوۀاً ضمیمه مقررات مربوط به محاکمه تادیبی خوردسالان که ذریعه متحدالمال شماره (۵۰الی ۱۶۵) مورخ ۱۳۵۴/۱/۲۳ شورایعالی قضاء وقت بعموم محاکم ابلاغ شده دارای چنین صراحت می باشد: خوردسالیکه در دوران صغارت مرتکب جرم گردیده و اتهام منسوب بوی در کبارت طرف رسیده گی محکمه قرار میگیرد محکمه با در نظر گرفتن زمان ارتکاب جرم مقررات تعزیری را بالای آن تطبیق نماید که زمان ارتکاب جرم تطبیق چنان مقررات را ایجاب می کرد. لذا موضوع واضح بوده محاکم طبق صراحت قانون و متحد المال متذکره در فوق اجراآت نماید.

۷- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت فاریاب!

در فقره (۲) ماده صدم و فقره (۲) ماده یکصدویکم قانون جزاء پنج سال حبس شامل هر دو کتگوری های جزاء گردیده است حداقل حبس طویل هم پنج سال حبس و حد اکثر حبس متوسط نیز پنج سال حبس معین گردیده است.

همچنان در فقره (۲) ماده یکصدویکم و فقره (۲) ماده یکصدو دوم قانون جزاء یک سال حبس شامل هر دو کتگوری های جزاء گردیده است یعنی حداقل حبس متوسط و حد اکثر حبس قصیر تعیین گردیده است. همانطوریکه در ماده (۹۹) قانون جزاء حد اقل جزاء حبس دوام شانزده سال و در ماده صدم قانون جزاء حد اکثر جزای حبس طویل پانزده سال معین گردیده است. بهتر بود که پنج سال حبس و یک سال حبس معینه مواد (۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲) نیز شامل یکی از کتگوری های جزاء میگردید تا فهمیده شده میتوانست که متهم بکدام کتگوری مجازات گردیده است.

توضیح:

در رابطه باین مطلب که حد اکثر حبس قصیر و حداقل حبس متوسط، حداکثر حبس متوسط و حد اقل حبس طویل، حداکثر حبس طویل و حداقل حبس دوام بارعایت اعداد (یکسال، پنج سال پانزده سال و شانزده سال) هر کدام شامل دو کته گوری های جزاء گردیده ظاهراً حدود و مرز های مشترک دارند که تفکیک آن نزد مرجع استهداء کننده سوال ایجاد نموده لهذا قابل تذکر است که هرگاه فقرات (۲) مواد (۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲) قانون جزاء که در آن ها چنین آمده (مدت حبس طویل از پنج سال کمتر و از پانزده سال بیشتر نمی باشد. مدت حبس متوسط از یکسال کمتر و از پنج سال بیشتر نمی باشد. مدت حبس قصیر از (۲۴) ساعت کمتر و از یکسال بیشتر نمی باشد) بدقت ملاحظه شود صراحت و منطق کلمات (کمتر و بیشتر) مندرج فقرات متذکره بیانگر این است که تکمیل یک سال، پنج سال و پانزده سال حد اکثر مجازات حبس قصیر، متوسط، حبس طویل میباشد مثلاً گذشت ساعتی به سنوات متذکره که آغاز سال دوم سال ششم و سال شانزدهم اند حد اقل حبس متوسط حبس طویل و حبس دوام می باشد. که بدینترتیب مرز و حد مشترک بین حد اکثر حبس قصیر و حد اقل حبس متوسط و هکذا بین حبس متوسط و حبس طویل وجود نداشته حدود هر کدام در قانون مشخص است مثلاً تکمیل یک سال، پنج سال، پانزده سال حبس قصیر حبس متوسط و حبس طویل بوده متجاوز از آن حداقل حبس متوسط حبس طویل و حبس دوام می باشد.

۸- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت بادغیس!

در ماده ۱۱۳ قانون جزاء چنین آمده است: شخصیکه به حبس دوام یا حبس بیش از ده سال محکوم گردد از حقوق و امتیازات آتی نیز محروم میگردد.

(۱) ماموریت دولت (۲) خدمت در اردو (۳) عضویت پارلمان، شاروالی ها، جرگه های ولایتی و محلی (۴) سهم گیری در انتخابات بحیث رای دهنده (۵) استعمال عناوین و تعلیق نشانهای دولتی اعم از

داخلی و خارجی (۶) عضویت در هیات مدیره شرکتها و بانکها (۷) وصایت قیمومیت و وکالت در معاملات دعاوی (۸) شهادت در عقود و معاملات در مدت محکومیت (۹) عقد قرار داد با دوائر دولتی و یا کسب امتیاز از طرف دولت (۱۰) صاحب امتیاز مدیر مسئول، ریاست هیئات تحریر مجلات و روز نامه ها (۱۱) اداره اموال و املاک در مدت محکومیت، به استثنای وقف و وصیت. در سراسر مملکت عزیز ما افغانستان دهها و صد ها نفر محکوم علیه بالاتر از ده سال داریم بعد سپری نمودن حبس میعادی محکوم بهای بالاتر از ده سال را با عفو و تخفیف، مجازات مدت محکوم بهای خود را در محابس سپری نموده اند و از حبس رها شده اند اما قبل از اینکه مطابق به احکام قانون از محکمه تقاضای اعاده حیثیت را نموده باشند در حالیکه حق استفاده از یازده مورد فوق الذکر را بحکم قانون ندارد استفاده میدارند و هیچ مرجعی متوجه احکام جزای های تبعی قانونی بالاتر از ده سال نمی باشد و هیچ نوع مراقبت فیزیکی و عملی در سطح افغانستان و عامل باز دارنده وجود ندارد. آیا نقض قانون محسوب نمیشود؟ خائنوالی پولیس عدلی و قضائی درین راستا چه نوع طرز العمل دارند.

توضیح:

قسمیکه ملاحظه می شود در استهدائیه محکمه کدام مشکل از ناحیه موجودیت اجمال، ابهام یا تضاد در حکم قانون مطرح نشده بلکه مرجع استهدا کننده بعد از نقل نمودن ماده (۱۱۳) قانون جزا در متن استهدائیه می نویسد (در سر تاسر مملکت عزیز ده ها و صد ها نفر محکوم علیه بالاتر از ده سال حبس داریم که بعد از سپری نمودن مدت حبس محکوم بها یا عفو تخفیف مجازات از حبس رها شده اند

اما قبل از اینکه مطابق احکام قانون تقاضای اعاده حیثیت نمایند و اجراءات قانونی در مورد اعاده حیثیت شان بعمل آید مخالف احکام قانون از حقوق یازده گانه مندرج ماده فوق الذکر استفاده می نماید و هیچ مرجعی متوجه احکام جزای های، تبعی و قانونی بالاتر از ده سال حبس نمی باشد و در فرجام عمل متذکره را نقض قانون خوانده، تقاضای توضیح چگونگی طرز العمل خائنوالی پولیس عدلی و قضائی را در مورد نموده است.

در رابطه بموضوع مورد بحث باید متذکر شد که در باب نهم قانون اجراءات جزائی تحت عنوان اعاده حیثیت از ماده (۴۶۹) الی ماده (۴۸۷) قانون مذکور در مورد اعاده حیثیت، حکم اعاده حیثیت، شرایط اعاده حیثیت، الغای حکم اعاده حیثیت اعاده حیثیت، به حکم قانون و غیره احکام واضح و روشنی پیشینی و تنظیم گردیده مشکل قانونی در زمینه وجود ندارد محکوم علیهم، پولیس، خائنوال و محاکم مکلف اند وظایف و صلاحیت های شانرا در روشنی احکام مواد مندرجه باب نهم قانون اجراءات جزائی در مورد اعاده حیثیت قضائی و قانونی اجرا کنند و عملی سازند تا باشد بیش از این احکام قانون نافذ به شکل متروک در روی صفحات کاغذ باقی نمانده اصل حاکمیت قانون رعایت گردد.

۹- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سرپل:

مطابق ماده (۱۱۷) قانون جزاء نشر حکم از جمله مجازات تکمیلی بوده و حسب ماده (۱۲۰) قانون مذکور نشر حکم باید در فیصله تصریح و قبل از قطعی شدن نشر آن جواز ندارد اما بدون در نظر داشت ماده (۲۵) قانون اساسی و ماده (۱۲۰) قانون جزاء حکم ذریعه رسانه های خبری نشر میگردد. موضوع قابل توضیح است.

ماده (۲۵) قانون اساسی و ماده (۱۲۰) قانون جزاء می رساند که نشر حکم قبل از قطعی شدن آن جواز ندارد.

۱۰- پرسش ریاست محکمه استیناف مواد مخدر!

در مورد فیصله های محکمه استیناف مواد مخدر بر مجرمینی که قبل از نفاذ قانون جدید مواد مخدر مرتکب این جرایم شده اند اکثراً مقام عالی دیوان امنیت عامه ستره محکمه فیصله های این محکمه را نسبت خطا در تطبیق قانون و رعایت مواد (۱۴۳/۱۴۵) قانون جزاء نقض و مینگارند که نظر با پالیسی دولت تخفیف مجازات رأفت قضائی سهولت در مورد مجرمین مواد مخدر نباید رعایت گردد و متهم باید به اشد مجازات محکوم گردد زیرا که قانون جدید مبارزه علیه مواد مخدر تخفیف مجازات و رأفت را در مورد، منع قرار داده است در حالیکه قاعده قانونی هدایت میدهد که قانون بما قبل رجعت نمیکند. بناءً محکمه در مورد اگر تشدید مجازات را حکم نماید مخالفت باصل عدم رجعت قوانین بما قبل خواهند بود.

با رعایت قاعده عدم رجعت قانون بما قبل و تطبیق قانون انفع واصلح للمتهم در قضایای قاچاق مواد مخدر که قبل از نفاذ قانون جدید مبارزه علیه مواد مخدر بوقوع پیوسته با تحقق حالات و شرایط قانونی مندرج فصل پنجم (معاذیر قانونی و احوال مخففه قضائی) قانون جزاء در استفاده از صلاحیت مفوضه قانونی محکمه ممانعت وجود ندارد اما در تمام حالاتیکه محکمه طبق مواد (۱۴۳/۱۴۴/۱۴۵ و ۱۴۶) قانون جزاء به تخفیف جزاء حکم می نماید مکلف است وفق حکم ماده

(۱۴۷) قانون مذکور معاذیر و احوالی را که بموجب آن جزاء را تخفیف میدهد در اسباب حکم خود تصریح نماید. در مورد پالیسی دولت مندرج استهدائیه محکمه استیناف مواد مخدر باید متذکر شد که سیاست و پالیسی دولت را در هر ساحه و بخش قانون تعیین می کند و هرگز نمی توان به عمل مخالف صراحت و منطق قانون پالیسی نام نهاد و صلاحیت قانونی محکمه و حق متهم را اخلال کرد.

۱۱- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت تخار:

در یک جرم مجرم بدو سال حبس محکوم میگردد آیا قاضی میتواند یکسال آن را تنفیذ و یک سال دیگر آنرا تعلیق حکم نماید و آیا حکم محکمه قابل تقسیم است.

طبق حکم ماده (۱۶۱) قانون جزاء با رعایت مصوبه شماره (۶۳۸) مورخ ۲۵ / ۸ / ۱۳۸۵ شورایعالی ستره محکمه که ذریعه متحد المال شماره (۱۳۳۲) الی (۱۳۵۹) مورخ ۱۲ / ۹ / ۱۳۸۵ به محاکم ابلاغ گردیده است، در جرایمی که جزای آن تا دو سال حبس باشد با تحقق اسباب تعلیق و انعکاس آن در فیصله محکمه می تواند به تعلیق و تنفیذ حکم تصمیم اتخاذ نماید.

در صورتیکه متهم قبل از صدور حکم تعلیقی تحت توقیف نباشد نیازی به تجزیه حکم به تنفیذ و تعلیق محسوس نبوده کلیه حبس محکوم بها تعلیق میگردد.

هرگاه قبل از صدور حکم تعلیق، متهم مدتی را در محبس سپری نموده باشد اینجاست که به تنفیذ حبس گذشته و تعلیق مدت باقیمانده تصمیم اتخاذ و روی ضرورت مسئله تجزیه مطرح می شود.

در صورتیکه شخص با استعمال مواد مخدر در حالت زوال عقل مرتکب قتل شود این قتل چه نوع قتل است؟
توضیح:

موضوع در ماده (۶۹) قانون جزاء صراحت دارد.

با آنهم این موضوع مربوط به تشخیص قاضی است که قاتل به کدام انگیزه، با استفاده از کدام نوع آله، با در نظر داشت شخصیت مجنی علیه مرتکب قتل گردیده است، قاتل شخص معتاد است یا نه؟

بعضاً دوسیه ها در ارتباط نگهداشت اسلحه و مواد انفلاقیه بالاثر ادعای خارنوال موظف غرض فیصله شرعی باین محکمه مواصلت میوزرد و خارنوال موظف مجازات پیشبینی شده مواد (۲۱۳) قانون جزاء را برای متهمین قضیه مطالبه مینماید طوریکه مواد مذکور قانون جزاء مورد مطالعه قرار گرفت جزای مذکور قطعاً در ارتباط قضیه مصداق ندارد بنابراین از اینکه در رابطه بموضوع حین بررسی دچار مشکلات میباشیم در قانون جزاء وقانون جرایم عسکری کدام مجازات مشخص پیشبینی نگردیده در زمینه طالب هدایت میباشیم.

توضیح:

هرگاه در نتیجه تحقیقات ثابت شود که اسلحه و مواد منفلقه نگهداری شده بخاطر در اختیار گذاشتن جنایتکاران مندرج ماده (۲۱۳) قانون جزاء تهیه گردیده حکم آن در ماده (۲۱۴) قانون مذکور بیان گردیده است.

واگر بمنظور بدست آوردن منفعت مادی ویا معنوی مواد متذکره در دسترس قوای دشمن قرار داده میشود حکم آن تحت عنوان مساعدت به قوای دشمن در ماده (۲۳) قانون جرایم علیه امنیت داخلی وخارجی توضیح گردیده است.

واگر اسلحه و مواد منفلقه مورد بحث بخاطر فروش تهیه شده باشد حکم آن در تعدیل ماده (۱۳) قانون انسداد قاچاق روشن می باشد. بناءً مراجع مربوط ومحکمه وظیفه دارند با در نظر داشت هدف تهیه که در تحقیقات روشن گردیده بموضوع رسیده گی نمایند.

ماده (۲۶۰) قانون جزاء تصریح میدارد «هرگاه در جرم سرقت هیچ یکی از احوال مشدده مندرج این فصل موجود نگردد یا قیمت مال مسروقه نا چیز باشد مرتکب حسب احوال به حبس قصیری که از سه ماه کمتر یا حبس متوسط که از دوسال بیشتر نباشد محکوم میگردد» ولی کمیت مال نا چیز در ماده مذکور وضاحت ندارد ومعین نگردیده موضوع قابل توضیح وتفسیر می باشد.

توضیح:

از آنجا که ناچیز بودن مال مسروقه به زمان ومکان، اوضاع واحوال اقتصادی واجتماعی افراد فرق می کند قانونگذار تقدیر آنرا به رأی قاضی گذاشته است ولی بهر حال باید قیمت مال مسروقه باندازه ای باشد که فیصله محکمه ابتدائی در آن قانوناً قطعی قبول شده است.

در قانون جزاء بین کلمه غدر واختلاس وخیانت صراحت تام وجود ندارد که اختلاس شامل کدام اشخاص وغدر شامل کدام اشخاص

میباشد در مورد خیانت نیز توضیح و تفصیلات موجود نیست. اگر چه در سیمینار سال ۱۳۶۱ یک اندازه بحث شده آنها قناعت بخش نمیباشد.

توضیح:

به ملاحظه فصل چهارم تحت عنوان اختلاس و غدر از ماده (۲۶۸) الی ماده (۲۷۳) قانون جزاء احکام مربوط به عنوان فوق تنظیم شده است که به مطالعه آن میتوان مصداق اختلاس را از غدر تفکیک نمود مثلاً فقره (۱) و (۲) ماده (۲۶۸) بوضوح مصداق اختلاس راحتوا می کند اما فقره (۱) ماده (۲۷۰) قانون جزاء موارد غدر را بیان داشته است بنابراین حصول منفعت موظفین خدمات عامه برای خود یا برای شخص دیگری ناشی از انجام عقود و اعمال به نیابت از دولت در املاک و دارائی دولتی مظهر غدر را تشکیل میدهد اصطلاح خیانت اصولاً در برابر امانت استعمال میگردد و شامل این بحث نمی باشد.

۱۶- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سمنگان:

در ارتباط ماده ۲۷۹ قانون جزاء متهم مرتکب جرم ماده مذکور به رد مال غصب شده و یا به پرداخت قیمت آن اگر عین موجود نباشد محکوم میگردد صدور حکم در زمینه مطابق دعوی خائنوال صورت گیرد و یا مدعی حق العبدی و همچنان عین مشکل در تطبیق ماده ۴۶۳ قانون مذکور در حصه رد مال مسروقه و یا قیمت آن نیز محسوس است که قابل بحث میباشد.

توضیح:

در مواردیکه مطابق احکام قانون جزاء جواز قانونی به رد مال متعلق به مجنی علیه و متضرر وجود داشته عارض یا متضرر در جریان تحقیق

بصفت مدعی حق العبد شناخته شده باشد طبق حکم ماده (۲۴۶) قانون اجراآت جزائی قبل از اینکه رسیده گی بدعوی جزائی انجام یابد می تواند دعوی حق العبدی خود را در محکمه ایکه به قضیه جزائی رسیده گی می نماید اقامه کند اما بعد از اینکه بخش جزائی قضیه مرحله ابتدائی را طی کرد نمی تواند در محکمه استیناف دعوی حق العبدی خود را اقامه کند و بوی موقع داده می شود تا دعوی حق العبدی خود را بعد از صدور حکم جزائی در محکمه حقوقی اقامه نماید.

اصولاً حکم به رد عین و یا قیمت مال باساس مطالبه مدعی حق العبد صورت می گیرد نه ضمن دعوی خائنوال در ذیل فیصله جزائی بدون مطالبه مدعی حق العبد.

۱۷- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت ننگرهار:

مواد (۳۹۵) و (۳۹۶) قانون جزاء جزای قتل با احوال مشدده راپیشینی کرده درمورد قتل فاقد احوال مشدده ماده قانون وجودندارد. محکمه به کدام ماده درمورد مجازات تمسک نماید.

توضیح:

به ملاحظه متن و محتوای مواد (۳۹۶، ۳۹۵) قانون جزاء جمله یا کلمه احوال مشدده به نظر نمی رسد بلکه با رعایت اصل تعیین مجازات به تناسب جرم برای حالات جداگانه وقوع قتل عمدی پیشینی گردیده اند هرگاه جرم قتل عمدی بداخل احکام مندرج مواد (۳۹۶، ۳۹۵) قانون جزاء واقع گردیده باشد همان مجازات (اعدام یا حبس دوام) تطبیق میگردد اگر قتل خارج از احوال مندرج مواد (۳۹۶، ۳۹۵) قانون

جزاء انجام شده باشد احکام مربوط به آن مانند قتل مندرج ماده (۳۹۹) و غیره قابل تطبیق خواهد بود.

۱۸- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت جوزجان!

فقره ۳ ماده ۳۹۷ قانون جزاء در مورد شروع به جرم انتحار را قابل مجازات نمیداند، قابل توضیح است.

توضیح:

طبق حکم فقره (۳) ماده (۳۹۷) قانون جزاء شروع کننده به انتحار مجازات نمیگردد.

یعنی اجرای هرگونه اعمال برضد نفس شروع کننده به انتحار از طرف خودش مسئولیت جزائی را بار نمی آورد.

مثلاً اگر شروع کننده به انتحار به اعمالی دست زند که اعمال مذکور منجر به مجروحیت یا معلولیت وی گردد چون اعمال مذکور شامل حالت شروع به انتحار است اما بدلیل اینکه همین مجروحیت یا معلولیت که توسط خود معلول و یا مجروح ارتکاب و به انتحار منتهی نگردیده مرتکب من حیث شروع کننده به انتحار قابل مجازات نمی باشد.

۱۹- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت هرات، محکمه

استیناف ولایت سمنگان و محکمه استیناف مواد مخدر!

طوری که معلوم است. قانون مبارزه علیه مواد مخدر، موافق و متناسب به اوضاع و احوال کشور مانبوده و جزایهای پیش بینی شده در آن، نهایت شدید و سنگین است. خصوصاً جزایهای نقدی آن خیلی بالاتر از توان مالی اکثر افراد جامعه ماست. و تعیین و تنفیذ جزای نقدی آن اشکالاتی عمده را وارد می نماید. ایجاب می کند تا در مورد آن تجدید نظر کلی صورت بگیرد.

توضیح:

ریاست محکمه استیناف ولایت هرات جزایهای پیش بینی شده در قانون مبارزه علیه مواد مخدر را خیلی ها شدید و سنگین خصوصاً مجازات نقدی آنرا بالاتر از توان مالی افراد جامعه خوانده خواهان تجدید نظر کلی بر قانون مذکور شده است.

ریاست محکمه ولایت سمنگان مجازات حبس و جریمه نقدی مندرج در قانون مبارزه علیه مواد مخدر را نهایت سنگین، شدید و غیر منصفانه تلقی و تقاضای تعدیل آنرا نموده است. همچنان ریاست محکمه ولایت سمنگان ضمن اینکه مجازات پیشبینی شده در قانون مبارزه علیه مواد مخدر را سنگین خوانده تقاضای تعدیل آنرا نموده طور خاص تعدیل فقره (۲) ماده (۳۱) قانون مذکور را که بموجب آن تعلیق مجازات، رافت قضائی و رهائی مشروط در قسمت متهمین جرایم قاچاق مواد مخدر ممنوع ساخته شده خواهان تعدیل آن می باشد.

هکذا ریاست محکمه استیناف مواد مخدر طی شرح مفصلی مجازات مندرج قانون مبارزه علیه مواد مخدر را غیر مناسب به شرایط جامعه افغانی خوانده می نویسند که یک جرم دو مجازات را در بر دارد مجازات حبس الی دوام و مجازات نقدی تا چند ملیون افغانی هکذا از مسئله محدودیت صلاحیت محاکم در زمینه عدم رعایت تخفیف و رأفت در قسمت متهمین جرایم قاچاق مواد مخدر بحث و دادن صلاحیت اخذ سمپل و امحای مواد مخدر بدست آمده را به پولیس قطعه (۳۳۳) مندرج بند (۴) ماده (۳۹) قانون مذکور ابراز نظر نموده اند که بمنظور جلوگیری از سوء استفاده اگر یک مقدار مواد مذکور

بخاطر گرفتن سمپل های دوم محافظه و بعداً به حکم محکمه ضبط و مصادره گردد بهتر خواهد بود همچنان در قسمت نام گذاری محکمه ابتدائیه و استیناف مواد مخدر مطالبی را متذکر و در رابطه به کمیسیون مندرج ماده (۳۳) قانون مذکور تقاضا نموده اند که نماینده ستره محکمه باید از کمیسیون مذکور ریاست نماید. که همه مطالب مندرج پیشنهاد محکمه استیناف مواد مخدر نیاز مند تعدیل قانون می باشد.

با توجه به پیشنهاد های مراجع متذکره که فشرده آن فوقاً ارقام یافت و با رعایت اینکه قانون باید جنبه عملی و تطبیقی داشته باشد و با در نظر داشت طرز ونحو جاری مبارزه که مزدوران و فقیران اجیر و نادار گرفتار و قاچاقبران اصلی به ندرت گرفتار و تعقیب می شوند بناءً جزا های معینه قانون مبارزه علیه مواد مخدر واقعاً سنگین بوده خصوصاً بخش جریمه های نقدی آن بارعایت وضع مالی و اقتصادی افراد جامعه غیر عملی بوده و حکم طور عبث روی کاغذ باقی مانده و از فروش کلیه دارائی منقول و غیر منقول متهمین که آنهم تابع قوانین و طرز العمل خاص است اقلاً صدم حصه پول محکوم بها بدست نمی آید بناءً در قسمت قاچاقبران اصلی اگر گرفتار شوند جزای معینه قانونی خیلی ها ناچیز بوده لازم است در پهلوی مجازات بدنی کلیه دارائی های شان که از مدرک سیاه بدست آورده اند ضبط و مصادره گردد. اما در مورد متهمین و گرفتار شدگان اجیر و مزدوران کلینر و درایور که بعضاً از فرط ناداری و بیچارگی دچار معصیت شده اند جزای مالی (جریمه نقدی) مندرج قانون مذکور نهایت سنگین بوده اصلاً جنبه عملی و تطبیق نداشته معادل تباهی و بدتر از مرگ کلیه

اعضای فامیل متهم گرفتار شده می باشد بناءً کمیسیون به تأیید تقاضا های مراجع متذکره پیشنهاد کننده طرفدار جدی تجدید نظر و تعدیل بخش جزائی خصوصاً قسمت مجازات نقدی قانون مبارزه علیه مواد مخدر می باشد.

۲۰- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سمنگان!

در ماده (۱۳۴) قانون اساسی کشف جرم از صلاحیت پولیس و تحقیق جرایم مربوط صلاحیت خارنوالی دانسته شده اما حدود و ثغور صلاحیت پولیس که مرحله کشف را به عهده دارد تعیین و مشخص نمیباشد بمنظور آنکه اجراءات پولیس به بطلان مواجه نشود باید مراحل کشف مشخص شود.

توضیح:

طوریکه به همگان هویدا است قانون اساسی یک کشور منحصراً قانون مادر عمومیت و کلیات را بیان و احتوا مینماید و توضیح احکام موارد خاص را به قوانین خاص حواله میدهد چنانچه در مورد کشف جرم قوانین خاص منجمله قانون پولیس و قانون کشف و تحقیق احکام روشن دارد در صورتیکه به فقره (۳) ماده (۲) قانون کشف و تحقیق و فقره (۴) ماده (۵) قانون پولیس مراجعه شود حل مطلب می گردد.

۲۱- پرسش ریاست محکمه خورد سالان!

جریمه نقدی که خود یک نوع مجازات است و در قانون جدید مواد مخدر مرتکبین قضایای مواد مخدر بر علاوه جزای حبس به جزای جریمه نقدی نیز محکوم میگردند، در حالیکه به اساس پرنسیپ

مشروعیت جرایم و جزاء جرم عمل شخصی است بناءً اثرات آن طبق احکام مواد (۲۵-۶۵) قانون جزاء بالای دیگران سرایت نمی کند. بناءً در ارتباط به اطفالیکه مرتکب چنین تخلفات میگردند سرمایه شخصی ندارند چگونه میتوان مسوولین حق العبدی (ولی، وصی) آنها را محکوم به جزاء (جریمه نقدی) نمود در حالیکه مسوول حق العبد فقد مسوولیت پرداخت جبران خساره اطفال را دارند نه مسوولیت جزای آنها را. در زمینه طالب هدایت میباشیم.

توضیح:

مجازات پیش بینی شده در قانون مبارزه علیه مواد مخدر بشمول جزای نقدی مندرج آن بر مجرمینی قابل تطبیق است که دارای سنین بیشتر از (۱۸) سال باشد و بر اطفال متخلف از قانون محل تطبیق ندارد، چه در خصوص اطفال «قانون رسیده گی به تخلفات اطفال» قابل تطبیق است، چنانچه ماده سوم آن صراحت دارد: «طفلیکه مورد اتهام قرار گیرد، مرتکب تخلف از قانون شود یا اعمال غیر عادی را از خود نشان دهد و یا اینکه نیاز مند مراقبت و حفاظت باشد، مطابق احکام این قانون با وی برخورد صورت می گیرد.»

بنابراین، از اینکه در قانون رسیده گی به تخلفات اطفال مجازات نقدی برای طفل پیش بینی نشده، به همین لحاظ برای پرسش فوق محکمه اطفال نیز محلی باقی نمی ماند.

۲۲- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت جوزجان !

بین فقره (۱) ماده ۵ و ماده ۲۰ قانون رسیده گی به تخلفات اطفال تناقض دیده میشود. زیرا که در ماده ۵ به طفل ۱۲ ساله مسوولیت جنائی واقع نمی شود. در فقره (۱) ماده (۲۰) در جرم جنحه و جنایت

تحقیقات جنائی را متوجه طفل می سازد که این خود تناقض را نشان میدهد که قابل توضیح میباشد.

توضیح:

در فقره (۱) ماده (۵) قانون رسیده گی به تخلفات اطفال به شخصیکه سن دوازده سالگی را تکمیل ننموده باشد در صورت ارتکاب جرم مسوولیت جزائی را راجع ننموده و فقره دوم ماده متذکره در صورتیکه حرم ارتکابی که موجب ضرر مادی گردیده ناشی از غفلت والدین بوده باشد والدین را به جبران ضرر مادی عاید شده مکلف گردانیده است.

وفقره (۱) ماده (۲۰) قانون مذکور هم تحت حجز قرار دادن طفل صاحب عقل و درایت را که سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد در صورت ارتکاب جرم جنحه و جنایت ممنوع قرار داده صرف سپردن وی را به ممثل قانونی یا اقاربش بارعایت درجات بعد از اخذ ضمانت به خارنوالی اجازه میدهد.

بناءً هرکدام از مواد متذکره بیانگر حالت خاص بوده مفهوم هردو ماده مورد بحث خورد سال را قبل از تکمیل سن دوازده سالگی بری از مسوولیت جزائی میدانند که بدین ترتیب فیما بین مواد متذکره تناقض وجود ندارد.

۲۳- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت میدان وردک:

به اساس ماده بیست و دوم قانون رسیده گی به تخلفات اطفال، طفل حق دارد که در تمام مراحل تحقیق و محاکمه وکیل مدافع و ترجمان داشته باشد.

اگر در ماده مذکور غور شود تعیین وکیل مدافع از طرف طفل که فاقد اهلیت حقوقی بوده درست و موجه نخواهد بود بناءً غرض روشن شدن موضوع پیشنهاد میگردد تا صلاحیت تعیین وکیل مدافع از طرف اشخاص ویا مراجع دیگر تثبیت و توضیح گردد.

توضیح:

هرگاه مندرجات فقره (۱) ماده (۲۲) قانون رسیده گی به تخلفات اطفال که استهداء محکمه استیناف ولایت میدان وردک مبتنی بر آن تنظیم گردیده بدقت ملاحظه شود اندیشه مرجع استهداء کننده در متن و منطوق آن اینطور توضیح و حل گردیده:

(طفل در تمام مراحل تحقیق و محاکمه حق داشتن وکیل مدافع و مطالبه ترجمان را دارد)

در صورت عدم توانائی مالی والدین ویا ممثل قانونی طفل مبنی بر استخدام وکیل مدافع و مطالبه ترجمان محکمه اختصاصی اطفال وکیل مدافع یا ترجمان را به مصرف دولت برای طفل موظف می نماید) که بدین ترتیب اولاً تعیین وکیل مدافع از صلاحیت والدین یا ممثل قانونی آن بوده و در صورت عدم توانائی مالی شان به محکمه صلاحیت ووظیفه سپرده شده که بمصرف دولت وکیل مدافع ویا ترجمان را، برای طفل موظف سازد.

۲۴- پرسش ریاست محکمه خورد سالان !

نسبت عدم موجودیت محکمه اختصاصی استینافی اطفال هرگاه قضایای مواد مخدر یکه :

الف- هیروئین و مشتقات آن دو یا بیشتر از دو کیلو گرام باشد.

ب - مقدار تریاک ده یا بیشتر از ده کیلو گرام باشد.

ج - مقدار چرس و سایر مواد کیمیای پنجاه کیلو یا بیشتر از پنجاه کیلو گرام باشد.

در صورتیکه مقدار مواد مخدر بالاتر از مقدار فوق الذکر باشد آیا صلاحیت رسیدگی همچو قضایا را محکمه استیناف امنیت عامه دارد یا از صلاحیت های محکمه اختصاصی استیناف مواد مخدر میباشد.

توضیح:

چون مطابق فرمان (۱۶۸۴) ۸۴/۵/۳ مقام محترم ریاست جمهوری صلاحیت رسیده گی (۲) و بیشتر از (۲) کیلوگرام هیروئین و مشتقات آن ده و بیشتر از ده کیلوگرام تریاک، ۵۰ و بیشتر از پنجا کیلوگرام چرس به محکمه اختصاصی مواد مخدر تفویض گردیده چون مرحله ابتدائی قضیه مورد بحث بعلت خورد سال بودن متهم در محکمه اختصاصی اطفال بررسی و فیصله گردیده بناءً صلاحیت رسیدگی استینافی همچو قضایا را نیز محکمه اختصاصی استینافی اطفال دارا می باشد.

۲۵- پرسش ریاست محکمه خورد سالان !

در ارتباط به اطفال معروض به خطر قابل یاد آوری میدانم :
زمانیکه بعد از حکم محکمه ، اطفال معروض به خطر و یا اطفال نیازمند مراقبت و حفاظت به پروشگاه و یا سایر موسسات خیریه دولتی مربوط وزارت کار و امور اجتماعی اعزام میگردند موسسات مذکور به دلیل اینکه آنها متخلف از قانون هستند و بالایی روحیه اطفال عادی موسسات مذکور تاثیر منفی میگذارند از پذیرش آنها اباء میورزند.

بناءً پیشنهاد می‌گردد تا با وزارت کار و امور اجتماعی در زمینه پروتوکولی در مورد پذیرش اطفال معروض به خطر و اطفال نیازمند مراقبت و حفاظت عقد گردد تا مشکل محکمه از این ناحیه مرفوع گردد.

توضیح:

گرچه در قانون رسیده گی به تخلفات اطفال تحت عنوان اتخاذ تدابیر موقت حفاظتی محل نگهداری اطفالیکه سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده و اطفالیکه سن دوازده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نکرده اند طی ماده نهم و فقرات ششگانه ماده بیستم قانون مذکور مکلفیت قانونی مراجع مربوط توضیح گردیده که طبق آن مراجع و مراکز اصلاح و ترتیب اطفال موسسات پرورشی و آزمایشی و موسسات اختصاصی خدمات اجتماعی قانوناً وظیفه دارند اطفال مورد بحث را طبق تجویز محکمه تسلیم و حفاظت نمایند.

باآنها اگر این مکلفیت قانونی مراجع مربوط در مرکز بین وزارت محترم کار و امور اجتماعی و ریاست عمومی محکمه استیناف کابل و در ولایات بین نمایندگی های محترم ولایات وزارت متذکره و محکمه محترم استیناف ولایت مربوط طی پروتوکول تنظیم و تأیید گردد بهتر خواهد بود.

۲۶- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت فاریاب !

اختطاف وقتی مطرح شده میتواند که زن یا دختر به اکراه برده شده باشد. اما دیده شده که زن یا دختر برضاً خود با فرد اجنبی از خانه شوهر یا ولی اش فرار نموده است. درین مورد در قانون جزاء کدام صراحت موجود نمیشد تا به اساس آن مجازات گردد چنانچه در

صفحات ۴۶ الی ۵۰ جلد ۶ سیمینار روسای محاکم سال ۱۳۶۱ نیز بکدام نتیجه نرسیده اند تا بااساس آن مجازات میگردید.

توضیح:

هرگاه زن یا دختر بدون اکراه و فریب برضای خودش با شخص اجنبی از خانه شوهر و یا ولی خارج گردد چون در ترک منزل شوهر و یا ولی عناصر کره یا فریب و خدعه وجود ندارد بناءً قضیه اختطاف مطرح نمی باشد اما از اینکه زن و یا دختر مذکور با خارج شدن از منزل شوهر و یا پدر و رفتن با شخص اجنبی همچنان اجنبی که زن یا دختر نا محرم را باخود برده مرتکب معصیت شده اند مطابق حکم ماده (۱۳۰) قانون اساسی قابل مجازات تعزیری می باشد.

۲۷- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت ننگرهار:

درمورد ورود غیرقانونی افراد اجنبی (ماده جزائی) وجود ندارد اجراءات محاکم درمورد مجازات متفاوت است گفته میشود که در قانون پاسپورت رد مرز پیشینی شده و مجازات وجود ندارد ولی عده محاکم حتی مجازات اضافه از یکسال راهم حسب هدایت ماده (۱۳۰) قانون اساسی تجویز مینماید برای ایجاد رویه واحد تجویز چه است.

توضیح:

واقعاً در ورود غیر قانونی کدام مویده جزائی که مرتکب بموجب آن مجازات گردد وجود ندارد.

از اینکه در شرایط فعلی هدف اکثر عبور کنندگان بدون مجوز از سرحد را دیدن اقارب و وابسته گان و یا کار و غریبی بخاطر تامین معیشت تشکیل میدهد بناءً بعقیده کمیسیون تا زمانیکه سوء نیت وارد

شونده بدون مجوز متکی بدلائل واضح ثابت نگردد بهتر است به اخراج ورد مرز اکتفاء و از ترتیب دوسیه ضخیم که موجب ضیاع وقت میگردد جلوگیری بعمل آید.

۲۸- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سرپل !

در فصل پنجم این قانون از پولیس عدلی و صلاحیت آن بحث شده که به هدایت ماده (۱۳۴) قانون اساسی کشور کشف جرایم توسط پولیس گفته شده و از پولیس عدلی نام برده نشده در تضاد بوده و از جانبی در تشکیل وزارت امور داخله یا وزارت عدلیه که در تشکیل بنام پولیس عدلی وجود ندارد باید کلمه پولیس عدلی بنام پولیس تعدیل شود.

توضیح:

قسمیکه در استهدائیه توضیح شده در قانون اساسی کلمه پولیس تذکار یافته که پولیس اسم جنس بوده در برگیرند انواع پولیس از قبیل جنائی، امنی، عدلی و غیره می باشد بناءً موجودیت کلمه عدلی در قانون اجراءات جزائی موقت در مخالفت ماده متذکره قانون اساسی قرار نمیگیرد بلکه قابل توفیق است.

۲۹- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت ننگرهار:

در ماده (۱۳۴) قانون اساسی کشور صلاحیت تحقیق جرایم وظیفه خارنوال است ولی ماده (۳۱) قانون اجراءات جزائی صلاحیت استنطاق را برای پولیس نیز داده است و پولیس از این صلاحیت استفاده و دوسیه را ترتیب میدهد و خارنوال نیز همین استنطاق پولیس را مورد تمسک قرار میدهد متهم ماده (۷) قانون اجراءات جزائی را تمسک و آنرا قابل استناد نمی داند و مطابق این ماده محکمه هم

نمیتواند برآن اتکا نماید در صورتیکه این ماده تعدیل نگردیده باشد راه بیرون رفت چیست؟

توضیح:

متکی بحکم ماده (۱۳۴) قانون اساسی کشف جرایم توسط پولیس و تحقیق جرایم واقامه دعوی علیه متهم از طرف خارنوالی صورت میگیرد.

هدف و مراد از کلمات استنطاق و باز جوئی مندرج فقره (۱) ماده (۳۱) قانون اجراءات جزائی موقت پرسش های ابتدائی و مقدماتی مرحله ای کشف می باشد که بخاطر ابلاغ دلایل گرفتاری و تثبیت هویت مظنون بعمل می آید چه تحقیق مصطلح و متعارف در قوانین در حد اکثر (۲۴) ساعت اصولاً عملی نیست و از جانبی هم اگر اندکی تعمق شود. فقره (۲) ماده متذکره مفسر و بیانگر فقره اول آن بوده به پولیس عدلی وظیفه میدهد بعد از انسجام استنطاق راپور اجراءات خود را به خارنوالی ابتدائیه مربوط ارسال و مظنون را غرض باز جوئی و استنطاق بعدی بوی تسلیم نماید هرگاه هدف از استنطاق و بازجوئی فقره اول تحقیقات می بود به اعزام مظنون غرض بازجوئی و استنطاق به خارنوالی مورد باقی نمی ماند.

گذشته از تعبیر و توجیه توفیقی فوق که از اثر عدم مشخص ساختن مرز کشف و تحقیق در قوانین ناشی گردیده و بعضاً سبب مداخله مسوولین کشف به صلاحیت مسوولین تحقیق میگردد با توجه به این مطلب که قوانین فرعی در پرتو قانون اساسی تنظیم گردیده اصولاً در مخالفت آن قرار نمی گیرد و قانونی که مخالف قانون اساسی نافذ گردیده باشد بادر نظر داشت قوت و ضعف که در تعارض تساوی

حجتین در قوت وضعف شرط می باشد اصلاً معارض قانون اساسی قرار نگرفته و خود بخود ملغی می باشد بناءً به پیروی از حاکمیت قانون، تحقیق جرایم و تعقیب آن وظیفه خارنوالی بوده مشکلی در زمینه وجود ندارد و تحقیقاتیکه توسط پولیس بعمل آمده طبق حکم ماده (۱۳۴) قانونی اساسی مواجه به بطلان است محکمه در روشنی حکم ماده (۷) قانون اجراءات جزائی موقت، اجراءات قانونی را مرعی دارد.

۳۰- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت جوزجان!

با توجه به فقره ۸ ماده ۲۴ قانون تشکیل وصلاحیت محاکم قوه قضائیه ج.ا.ا چون در تخلفات جنائی و انتظامی قضات، شورایعالی ستره محکمه بطور یک مرحله و به سویه خیلی عالی تصمیم اتخاذ و فیصله صادر میکند به تناسب محکمه آن باید کشف و تحقیق اتهام قضات مربوطه توسط پولیس و خارنوالی خاص صورت بگیرد نه ذریعه پولیس و خارنوال عادی، محل حوزه قضائی آن.

توضیح:

مامول مرجع استهدا کننده در مواد (۹۱، ۹۴، ۹۵) طرح قانون تشکیل وصلاحیت محاکم که تحت غور پارلمان قرار دارد بر آورده شده بعد از تصویب قانون مذکور مشکلی در مورد باقی نمی ماند. علاوه بران در تشکیل لوی خارنوالی، خارنوالی قضات نیز وجود دارد.

۳۱- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت کندهار!

اوراق و دوسیه جزائی برای متهمین ازجانب مامورین ضبط قضائی ترتیب و بررسی گردیده محول محکمه ابتدائیه میگردد محکمه ابتدائیه به برائت متهمین حکم میکند و موضوع به دیوان مرافعه می آید دیوان جزاء نیز به برائت متهمین حکم میکند و موضوع شان به

دیوان جزاء ستره محکمه میرود ستره محکمه به نسبت نواقص جزئی فیصله دیوان جزاء محاکم ولایت را نقض و غرض فیصله مجدد ارسال میدارد دیوان جزاء محاکم ولایت فیصله سابقه را تأیید مینماید ریاست دیوان جزاء ستره محکمه بار دوم فیصله دیوان جزاء ولایت را بار دوم نقض و غرض فیصله مجدد ارسال مینماید بعداً دیوان جزاء ریاست محکمه استیناف ولایت در فیصله مذکور غور کرده دلائل برائت متهمین را مجدداً به دلائل معقول دریافت میدارد ولی اگر بار سوم نظر به دلائل مجدد حکم به برائت متهمین مینماید قرار دیوان جزاء مقام ستره محکمه طبق هدایت ماده بند (۲- ماده ۲۷ و ماده ۲۸) قانون تشکیل وصلاحیت محاکم که واجب التعمیل است مقید به آن نبوده و اگر به جزاء و حبس آن حکم گردد مسئولیت نداشته عندالله مسئول خواهیم بود در این رابطه طالب هدایت میاشیم.

توضیح:

طبق حکم فقره (۱) ماده (۲۶) قانون تشکیل وصلاحیت محاکم هرگاه دیوان های ستره محکمه حین رسیده گی فیصله مورد اعتراض در یابند که فیصله محکمه تحتانی در مخالفت با قانون یا خطا در تطبیق یا تاویل قانون صادر گردیده فیصله را نقض نموده غرض صدور حکم به محکمه تحتانی ارجاع میدارد.

همچنان دیوانهای مذکور صلاحیت دارند که فیصله مورد اعتراض را به سبب بطلان در حکم یا بطلان در اجراءات اساسی موثر در حکم نقض نموده با ذکر دلایل واضح دوسیه را بمحکمه مربوط ارجاع دارند.

هرگاه بر حکم صادره محکمه ای که دعوی (دوسیه) بآن ارجاع گردیده بار دوم اعتراض صورت گیرد و محکمه مرجوع الیه حکم قبلی را که از طرف دیوان ستره محکمه نقض گردیده بود باهمان دلایل اولی حکم نموده باشد ستره محکمه مطابق ماده (۲۷) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم فیصله مورد اعتراض را تحت غور و بررسی قرار میدهد در صورتیکه فیصله متذکره به اکثریت آراء از طرف ستره محکمه نقض گردد رسیده گی و اصدار حکم در موضوع توسط محکمه ئی صورت می گیرد که حکم منقوضه به آن ارجاع گردیده است.

درین صورت محکمه مرجوع الیه مکلف به رعایت مفاد قرار رهنمودی ستره محکمه بوده حکم صادره آن قطعی می باشد. قسمت اخیر بند (۲) ماده (۲۷) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم که محکمه مرجوع الیه را مکلف به رعایت مفاد قرار رهنمودی ستره محکمه ساخته و همچنان ماده (۲۸) قانون مذکور که احکام و قرار های محکمه فوقانی را در مورد رسیده گی مجدد قضایا بر محاکم تحتانی واجب التعمیل دانسته نزد ریاست محکمه استیناف کندهار که بزعم خود شان دلایل الزام متهم را کافی ندانسته قرار نقض ستره محکمه را غیر موجه تلقی و اصدار حکم سومی دیوان جزای محکمه استیناف را مبنی برائت متهم عادلانه می دانند تشویش و سوال ایجاد نموده متذکر شده اند که پیروی از احکام مواد متذکره مستلزم اینست که مثلاً شخص بی گناه مجازات شود.

در رابطه باندیشه و تشویش استهدا کننده مذکور باید خاطر نشان کرد که مکلفیت محکمه مرجوع الیه به رعایت مفاد قرار رهنمودی ستره محکمه در فقره (۲) ماده (۴۸) طرح جدید قانون تشکیلات

و صلاحیت محاکم که تحت غور پارلمان قرار دارد حل گردیده و در آن چنین آمده:

«۲- هرگاه حکم صادره جدید بازهم مورد اعتراض قرار گیرد و دیوان ستره محکمه آنرا وارد تشخیص دهد حکم را نقض نموده و موضوع را با رهنمود کامل غرض رسیده گی مجدد به محکمه مماثل ارجاع می نماید حکم محکمه مماثل نهائی می باشد.» در قسمت ماده (۲۸) قانون قابل تذکر است که ماده متذکره صرف دوران مجدد قضیه را بر محاکم تحتانی واجب نموده است، هدایت متنی که عدالت را مختل و استقلال قاضی را جریحه دار سازد در آن وجود ندارد.

۳۲- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت کاپیسا:

راجع به قضیه کتمان جرم بین محاکم عادی و دیوان های امنیت عامه در مورد صلاحیت تنازع صلاحیت صورت می گیرد موضوع قابل توضیح است.

توضیح:

رسیده گی به جرایم کتمان جرم و اخفای مجرمین طبق حکم فقره یک ماده (۵۱) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم و با در نظر داشت متحد المال شماره (۵۷۴) الی (۴۱۹) ۱۳۵۹/۱۲/۱۴ ستره محکمه که به تائید متحد المال (۸۰۷) الی (۸۵۸) ۱۳۵۸/۹/۱۳ صادر شده است از صلاحیت محاکمی دانسته میشود که رسیده گی اصل جرم قانوناً از صلاحیت آن محاکم باشد.

۳۳- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سمنگان!

در فقرات ۷ و ۶ ماده پنجم قانون اجراءات جزائی برای مظنون و متهم حق سکوت داده شده و سکوت در معاملات حقوقی انکار تعبیر

میشود در موضوع جزائی سکوت متهم چه تعبیر گردد موضوع قابل توضیح می‌باشد.

توضیح:

حق سکوت از جمله حقوق اساسی متهم می‌باشد.

مراد از سکوت در فقره (۶) ماده (۵) ق، ا، ج این بوده که متهم را هیچ مرجع به جبر واکراه مجبور به اقرار و اعتراف کرده نمی‌تواند. در مورد اثبات جرم از شواهد، دلایل و مدارک اثباتیه جرمی استفاده بعمل آید. در قضایای جزائی سکوت مفهوم اقرار و انکار را افاده نمی‌کند.

سکوت متهم نه دلیل بر اقرار و نه دلیل بر انکار وی محسوب می‌شود بلکه طبق این قاعده: «لاینتسب لساکت قول» به ساکت هیچ قول (از اقرار یا انکار) منسوب نمی‌گردد.

۳۴- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سرپل!

ماده (۸) قانون اجرای جزائی موقت به ماده (۵۳) قانون تشکیلات و صلاحیت‌های محاکم قوه قضائیه در تضاد است.

توضیح:

بین ماده (۸) قانون اجرای جزائی موقت و ماده (۵۳) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم اصلاً تضاد وجود ندارد چه در ماده (۵۳) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم عموم موارد قطعیت حکم محکمه ابتدائیه بیان شده اما در ماده (۸) قانون اجرای جزائی موقت صرف یک حالت قطعیت حکم محکمه ابتدائیه مبنی بر اینکه در مدت تعیین شده به مرافعه خواهی آن اقدام نشده باشد، ذکر شده است.

۳۵- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سمنگان!

در ماده ۱۴ قانون اجرای جزائی موقت از تفریق و یکجا سازی قضایا بحث شده و در فقره دوم ماده مذکور برای خارنوال و محکمه ابتدائیه اختیار داده شده یعنی کلمه (میتواند) استعمال شده که قضایای مختلف را از هم تفکیک و تفریق نماید.

و مطابق پاراگراف دوم فقره دوم ماده یادشده در حالیکه ارتکاب جرم توسط بزرگ سالان و اطفال هم صورت گرفته باشد هر دو صلاحیت برای شان تفویض شده در حالیکه در این صورت خارنوال و محکمه مکلفیت دارند که این قضیه را تفکیک نموده قضیه خورد سال را علیحده و قضیه کلان سال را جداگانه بررسی نماید موضوع قابل توضیح دیده میشود.

توضیح:

طوری‌که عنوان در رابطه به ماده (۱۴) قانون اجرای ج.م مطالعه میگردد دو حالت را تفریق و یکجا سازی قضایا احتواء می‌کند که یکجا نمودن قضایا در اجزاء (۲۱ و) ماده (۱۴) قانون اجرای ج.م بیان گردیده است که حاکی از جرایم متعدد مشتمل مواد (۱۵۸)، (۱۵۶) قانون جزاء بوده است و تفریق سازی قضایا در اجزاء (۱) و (۲) فقره (۲) ماده (۱۴) قانون اجرای ج.م بیان شده است چون قضایای مندرج بند (۲) فقره (۲) ماده (۱۴) قانون اجرای ج.م به اساس قانون خاص تخلفات اطفال بنابر موجودیت محکمه اختصاصی مقید می‌باشد لهذا کلمه (میتواند) بحال خود باقی نمانده است بلکه قسمت دوسیه خوردسالان به محکمه اختصاصی اطفال قابل رجعت می‌باشد.

۳۶- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت جوزجان!

در فقره ۲ ماده ۲۶ قانون اجراءات جزائی موقت قصد ارتکاب جرم را (جرم تلقی نموده) در حالیکه قصد یک امر باطنی است عناصر مادی مکنونه جرم عرض وجود نمیکند. قانون جزاء که قانونیت جرم و جزاء در آن مشخص گردیده قصد ارتکاب را جرم نمیداند بنابراین ماده مذکور قابل توجیه و توضیح دیده میشود.

توضیح:

اگر به فصل چهارم قانون اجراءات جزائی موقت مراجعه شود فصل متذکره صلاحیت محاکم را در حل و فصل قضایای مطروحه پیش بینی نموده است. متن کامل فقره (۲) ماده (۲۶) چنین مشعر است: «در صورت قصد ارتکاب جرم، صلاحیت رسیده گی قضیه را محکمه ای دارد که آخرین عمل ارتکاب یافته به جرم در آن محل تکمیل شده باشد.» در فقره فوق صلاحیت حوزوی محاکم در مورد جرمیکه از قصد ارتکاب شروع و آخرین عمل ارتکاب یافته با جرم در آن محل تکمیل شده باشد مطمح نظر است اگر متوجه شویم اینجا محض قصد ارتکاب جرم مطرح نیست بلکه جرم تکمیل شده مدنظر است در باره ماده (۲۶) قانون اجراءات ج.م مبنی بر شاخص محکمه ذیصلاح حوزه وی وضاحت دارد.

۳۷- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سرپل!

مواد (۳۲) الی (۳۷) قانون ا.ج.م در مورد تلاشی منازل یا ماده (۳۸) قانون اساسی مطابقت ندارد.

توضیح:

تضاد بین مواد (۳۲ و ۳۷) قانون اجراءات جزائی موقت و ماده (۳۸) قانون اساسی در مورد تلاشی منزل وجود ندارد بلکه قانون اساسی

وقوانین فرعی هر دو تحت حالات خاص و معین با اجازه ساکن و قرار محکمه اجازه تلاشی منزل را میدهد و در جرم مشهود که مامور مسوول بدون اجازه قبلی محکمه داخل منزل شده تلاشی می کند مکلف است طبق حکم فقره (۲) ماده (۳۲) قانون اجراءات جزائی موقت بلا فاصله راپور اجراءات مربوط را به خارنوال ابتدائیه ارائه نماید.

۳۸- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت میدان وردک:

در بند سوم ماده (۳۷) ق.ا.ج.م وسایل اثباتیه عبارت از: شهود (۲) مقابله شهود. ۳- لاین آپ- ۴- تفتیش محل ۵- تلاشی ، ضبط اشیاء ، ارزیابی و معاینات تخصصی استنتاج بوده و از اقرار مظنون کدام اثری وجود ندارد در حالیکه وسایل متذکره در شرایط کنونی نسبت عدم موجودیت متخصصین آلات و ابزار تثبیت جرم جنائی نمیتواند جوابگوی مسئله بوده و جرم را قانوناً تثبیت نماید و محاکم از این ناحیه که اکثراً تحقیقات به اقرار مظنون و متهم صورت گرفته و اتهام علیه آن به اساس اقرار وارد گردیده است درین صورت محاکم اگر به اقرار متهم استناد نماید مخالفت از صراحت قانون بوده و اگر اقرار را نادیده بگیرند متهم باید رها گردد. در این مورد طالب هدایت بوده و می باشیم.

توضیح:

عطف به فقره (۳) ماده (۳۷) قانون اجراءات ج-م که حاکی از وسایل و مدارک اثباتیه مبنی بر الزامیت متهم میباشد اقرار متهم را که عاری از هر نوع اجمال، ابهام متناسب به عمل جرمی و ظاهر الحال مکذب

آن نباشد و در نسبت آن به متهم کدام اشکالی قانونی موجود نباشد
نفی نکرده است چه تنصیص به یک امر، نفی ماعدار را نمی کند.

۳۹- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سرپل!

اقرار از جمله مدارک اثباتیه اساسی جرم است. در ماده (۳۷) ا.ج.م
قانون اقرار صریح در جمله مدارک اثباتیه افزوده شود و در نزدیک
ترین محکمه محل درج وثیقه شرعی شود.

توضیح:

ماده (۳۷) قانون اجرای جزائی موقت وظایف خارنوال را در بر
شمردن وسایل اثباتیه جرم تنظیم کرده و اقرار امر متعلق به متهم
است و گنجاندن آن در ماده مذکور ایجاب نمیکند واز موثریت
وارزش حقوقی آن که مربوط متهم است نمی کاهد.

۴۰- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت جوزجان!

در مورد فقره ۳ ماده ۵۳ قانون اجرای جزائی موقت برای محاکم
چنین ذکر گردیده است در صورتیکه متهم تحت توقیف باشد
محکمه مکلف است فوراً قضیه را رسیده گی نماید که آیا توقیف
قانونی است یا خیر؟ الزامیت و برائت وی در فیصله ظهور میکند در
آینده احضار وی به محکمه چگونه تضمین گردد.

توضیح:

در روشنی حکم جز (۲) فقره (۵۳) قانون اجرای جزائی موقت در
صورتیکه متهم تحت توقیف باشد محکمه مکلف است فوراً قضیه را
رسیده گی نماید که آیا توقیف قانونی است یا خیر؟ در صورتیکه
توقیف او را غیر قانونی و غیر ضروری تشخیص دهد برهائی متهم
حکم می نماید دوام توقیف وی باندیشه اینکه در صورت ضرورت

احضار آن در محاکم فوقانی سبب مشکل نگردد با موازین عدالت
سازگاری نداشته منطق قانونی ندارد هرگاه به احضار متهم در
محاکم فوقانی ضرورت احساس گردد مطابق مقررات مربوط، به
جلب و احضار وی اقدام گردد. در صورتیکه با اجرای همه مساعی
حاضر نگردد محکمه در پرتو هدایت ماده (۴۷) قانون اجرای
جزائی موقت اجرای مقتضی را مرعی دارد.

۴۱- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سرپل!

در بسا موارد قانون ا.ج.م تذکر رفته که مجنی علیه، خارنوال و متهم
میتوانند بالایی فیصله های محاکم تحتانی اعتراض نمایند در حالیکه
در قضایای جزائی این حق برای خارنوال و متهم مختص میباشد.
توضیح:

مطابق فقره (۱) ماده (۶۳) قانون ا-ج-م خارنوال ابتدائی و متهم می
توانند بالایی فیصله محکمه ابتدائی اعتراض نمایند این امر مانع
اعتراض مجنی علیه یا متضرر در صفحه حق العبدی شده نمیتواند چه
مدعی حق العبدی یا مجنی علیه هم میتواند بالایی فیصله محکمه
ابتدائی در قسمت حق العبدی اعتراض نماید.

۴۲- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سمنگان!

در ماده ۳۲ قانون ا.ج.م از مامورین ضبط قضائی بحث شده اما
مامورین ضبط قضائی تعریف نشده ایجاب توضیح را مینماید. آیا به
تعریف ماده ۱۴ تعدیل قانون اجرای جزائی قبلی اکتفاء شود.

توضیح:

صلاحیت ها و وظایف مامورین ضبط قضائی در ماده (۳۲) قانون
اجراآت ج- م بیان شده است و مامورین ضبط قضائی در ماده (۱۴)

تعدیل قانون اجرای جزائی معرفی گردیده است به ملاحظه آن حل
مطلب گردد.

۴۳- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت بادغیس!

در ماده ۳۶ قانون اجرای جزائی موقت میگوید اگر خارنوال در
ظرف ۱۵ روز از تاریخ گرفتاری صورت دعوی را بمحکمه تقدیم
نماید متهم رها میگردد مگر اینکه باثر در خواست بموقع خارنوال
مدت توقیف برای ۱۵ روز دیگر تمدید شود.

اولاً توضیح نگردیده که درخواست برای تمدید توقیفی از کدام
مرجع میباشد خارنوال فوقانی با تصمیم خودش در حالیکه نامی از
محکمه برده نه شده ودر حالیکه تمامی تمدید توقیفی ها در جریان
پروسه تحقیق از محاکم اخذ میشود و محکمه میتواند صلاحیت دارد
که امر تمدید توقیفی متهم تحت تحقیق را صادر بدارد چنین حکمی
در قانون اجرای جزائی موقت وجود ندارد ثانیاً در ماده ۶ نقش
محکمه کمرنگ نشان داده شده است در عین حال بعد سپری شدن ۲
ماه صلاحیت ابتدائیه و ۲ ماه صلاحیت استیناف یا مرافعه و ۵ ماه
صلاحیت ستره محکمه، اگر خوف فرار متهم در بین بوده و یا متهم
سکونت ثابت و معین در افغانستان نداشته باشد تکلیف محکمه چه
میباشد آیا در حین اصدار حکم بمشکل مواجه نمی شود، رهائی
همچو متهمی تحت چه شرایط میتواند باشد.

توضیح:

هرگاه مندرجات ماده (۳۶) ق، ا، ج، م ملاحظه گردد خارنوالی بعد
از اكمال صلاحیت پانزده روزه اش در توقیف متهم موظف است
توقیف پانزده روز دیگر متهم را از محکمه ذیصلاح مطالبه نماید ودر

پاراگراف (۲) ماده (۶) قانون مذکور مواعید صلاحیت محکمه
ابتدائیه استیناف و ستره محکمه در تعیین سرنوشت متهم احکام روشن
دارد و کدام اجمال و ابهام نیازمند توضیح در آن دیده نمیشود.

۴۴- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سرپل!

در فقره (۲) ماده (۳۹) قانون اجرای جزائی موقت متصل مجنی علیه
جمله مدعی حق العبد یا مسئول حق العبد ایزاد گردیده و لفظ
محکمه مربوط به محکمه فوقانی تعدیل شود.

توضیح:

۱- هرگاه اندکی دقت شود مجنی علیه و مدعی حق العبد الفاظ
مترادف بوده مراد از مجنی علیه در فقره (۲) ماده (۳۹) قانون
اجرای جزائی موقت همانا مدعی حق العبد می باشد لهذا افاده
کامل بوده ایجاب ایزاد (مدعی حق العبدی) را نمی نماید.

۲- از اینکه فقره اول ماده مورد بحث قانون مذکور صلاحیت
خارنوال موظف را در ختم تحقیقات مبني بر حفظ دوسیه نسبت عدم
موجودیت دلایل الزام بیان داشته و قضیه هنوز در مرحله و صفحه
ابتدائی قرار دارد پس طبعاً اعتراض خارنوال مافوق و یا مجنی علیه
بالای تصمیم خارنوال مذکور به محکمه ابتدائیه مربوط صورت می
گیرد نه به محکمه فوقانی .

۴۵- ریاست محکمه استیناف ولایت کندهار!

در دوسیه های جزائی باوجود نواقص، محکمه ابتدائیه حکم علیه
متهمین مینماید موضوع به دیوان جزاء می آید آیا دیوان جزاء به
دوسیه ناقص حکم کند و یا نواقص دوسیه را بقرار قضائی برملا
نموده به نقض فیصله تحتانی حکم نماید تا خارنوال خلاها و نواقص

دوسیه را گرفته بعداً غرض فیصله مجدد به محکمه ابتدائیه ارسال دارد و یابدون نقض فیصله تحتانی به خارنوال ارسال کند تا نواقص را اخذ نموده بعداً به دیوان جزاء ارسال دارد.

توضیح:

هرگاه فصل هشتم قانون اجراءات جزائی موقت که وظایف و صلاحیت های محکمه بعد از اقامه دعوی خارنوال و احاله دوسیه بمحکمه از ماده (۴۲) الی ماده (۶۳) در آن تنظیم گردیده بدقت ملاحظه شود. در هیچ ماده و بخش آن مطلبی مبنی بر استرداد دوسیه جهت تکمیل نواقص وجود ندارد بلکه بعد از احاله دوسیه به محکمه کلیه اجراءات قضیه، مربوط به محکمه ذیصلاح میباشد یعنی اگر محکمه حین بررسی قضیه متوجه شود که زوایای تاریک در تحقیقات وجود دارد و یا در جمع آوری نظریات اهل خبره و تهیه مدارک اثباتیه اقدامات مقتضی صورت نگرفته است، می تواند توسط خارنوال موظف خلاهای تحقیقاتی را تکمیل و یا نظر اهل خبره را در مورد اخذ نماید. همچنان اگر حین محاکمه استنتاج شود که جرایم اضافی و یا حقایقی که منجر به حالات مشدده گردیده در قضیه وجود دارد اما در صورت دعوی خارنوال از آن ذکری در میان نیست و هرگاه تشخیص دهد که وصف جرمی است متفاوت از جرمی که در ادعانامه وجود دارد، میتواند به اثر تقاضای خارنوال موضوع را به متهم و وکیل مدافع وی ابلاغ و وقت کافی برای دفاع به آنها بدهد لهذا لازم است حتی الامکان محکمه از استرداد دوسیه به منظور تکمیل نواقص خودداری نموده متکی به صلاحیت قانونی خود به تکمیل نواقص توسط خارنوالی و مراجع مربوط اقدام کند و فیصله

صحیحه قانونی خود را بداخل میعاد معینه قانونی صادر و سرنوشت متهم و یا متهمین را روشن سازد.

۴۶- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت جوزجان!

در این اواخر متحد المال (۲۴۳۶) ۸۵/۱۲/۲۱ به محاکم واصل و چنین هدایت میدهد: دوسیه های که بدون متهم از طرف خارنوالی ها راجع میگردد تسلیم و بعداً به جلب آن ها از طریق قوماندانی امنیه اقدام می شود، با وجود جلب های اشخاص مظنون و متهم را حاضر ننموده دوسیه ها بدیوان های جزاء و امنیت عامه و محاکم ابتدائیه لاینحل باقی میماند و قانون اجراءات جزائی موقت فیصله را در مورد حضور متهم حکم مینماید که باید متهم از خود دفاعیه ترتیب و قرائت نماید و در اصولنامه اداری محاکم در ماده ۱۹۰ توضیح شده که دوسیه بدون متهم گرفته نشود تا بزودی حل و فصل گردیده باشد و هم اگر از طریق رادیو احضار متهم مطالبه شود ریاست تلویزیون حق الاشاعه آنها را از محاکم مطالبه مینمایند و کدام تخصیص در مورد وجود نداشته اجراءات و فیصله های محاکم به تعویق می افتد.

توضیح:

در مورد احکام غیابی مواد (۴۶، ۴۱، ۴۷) قانون اجراءات ج.م قبل از احاله دوسیه به محکمه در صفحه تحقیق یا تعقیب و بعد از احاله دوسیه به محکمه صراحت دارد متحد المال (۲۴۳۶) ۸۵/۱۲/۲۱ به تاسی از حکم ماده (۴۲) قانون ج.م صدور یافته است که دوسیه جزائی را بعد از احاله به محکمه قابل ارسال به خارنوالی یاد دیگر مراجع لازم ندانسته اند بلکه محکمه باید داخل اقدام گردیده و در

روشنی حکم ماده (۵۳) قانون اجرای ج.م به صدور فیصله عادلانه مبادرت ورزند.

در رابطه به تسلیمی دوسیه های قضایای ارسالی مراجع حقوقی به محاکم ماده (۱۷) اصول محاکمات مدنی وضاحت دارد مطابق آن اجراءات صورت گیرد هرگاه محاکم مدنی در رسیده گی به قضایای مدنی به مرحله غیابی رو برو گردد در زمینه مواد (۱۶۳، ۱۶۲، ۱۸۵) قانون اصول محاکمات مدنی با تعیین وکیل از طرف مدعی علیه غائب میتواند اجراءات نمایند.

۴۷- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت زابل!

اگر کدام دوسیه در دیوان جزاء استیناف فیصله گردد واز ریاست محترم دیوان جزاء مقام ستره محکمه به منظور تکمیل قسمتی از نواقص مثل نه بودن یکی از مشمولین عمده قضیه که فیصله به آن ارتباط مستقیم داشته باشد مسترد شود و از جانب دیگر یکی از متهمین محبوس باشد و داد و فغان نماید که من به فیصله نهائی بی سرنوشت مانده ام و از طرف دیگر شخص مذکور شامل قضیه که در خارج و یا داخل کشور باشد هر اندازه که جلب شود حاضر نه می شود مدت طولانی بالای آن گذشته و می گذرد از یک جانب قرار محاکم فوقانی واجب التعمیل است از طرف دیگر متهم محبوس بی سرنوشت مانده محکمه چه کرده می تواند طالب هدایت می باشد.

توضیح:

هرگاه با تحقق شرایط مندرج ماده (۴۷) قانون اجرای جزائی موقت اصدار حکم غیابی در داخل میعاد معینه قانونی عملاً میسر گردد در مورد متهم حاضر و غایب رسیده گی صورت گیرد در غیر آن بمنظور

تأمین عدالت و تعیین سرنوشت در مورد متهم حاضر فیصله صادر گردد و در قسمت متهم غایب عند الاحضار فیصله جداگانه صورت گیرد.

عدم حضور یکی از متهمین سبب تاخیر صدور حکم در مورد متهم غایب شده نمیتواند.

۴۸- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت جوزجان!

مطابق ماده ۵۰ قانون اجرای جزائی موقت شهود یکه سن ۱۴ سالگی را تکمیل کرده باشد مکلف به ادای سوگند میشوند آیا ادای سوگند نزد مامورین ضبط قضائی باشد یا عندالقضاء قابل توضیح میباشد.

توضیح:

طبق حکم فقره (۱) ماده (۵۰) قانون اجرای جزائی موقت شهودیکه سن (۱۴) سالگی را تکمیل کرده باشند مکلف اند قبل از ادای شهادت بنام خداوند (ج) سوگند یاد کنند که جز حقیقت چیز دیگر را بیان نکرده در شهادت خود صادق می باشند.

ادای سوگند عندالمحکمه در جلسه قضائی صورت میگیرد.

۴۹- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سرپل!

فقره (۴) ماده (۵۳) (قانون اجرای جزائی موقت) به ماده (۱۳۴) قانون اساسی در تضاد قرارداد، باید کلمه تحقیق به کشف تصحیح شود.

توضیح:

بملاحظه ماده (۱۳۴) قانون اساسی کشف جرایم توسط پولیس و تحقیق جرایم واقعه دعوی علیه متهم توسط خائرنوالی صورت می گیرد بناءً بادر نظر داشت اینکه هیچ قانون فرعی نمیتواند منافی قانون

اساسی باشد فلذا در این جا تعارض وجود ندارد احکام قانون اساسی نافذ و مرعی الاجرا است.

۵۰- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت جوزجان!

ماده ۵۵ قانون اجرای جزائی شهادت شهود در جریان تحقیق را اساس در محاکمه میداند این ماده با ماده ۳۰ قانون اساسی مطابقت ندارد قابل تفسیر و توضیح می باشد.

توضیح:

عنوان ماده (۵۵) قانون اجرای جزائی موقت چنین است: ارزش دلایل در اجرای تحقیق: و متن ماده مذکور اشعار میدارد که: اوراق شهادت شهود و معاینات تخصصی اهل خبره که در جریان تحقیق جمع آوری گردیده است میتواند اساس تصمیم را تشکیل دهد.

مشروط بر اینکه نتایج نشان دهد که متهم و وکیل مدافع منتخب اش در هنگام جریان تحقیق حاضر بوده و در موقفی قرار داشته باشند که بتوانند سوال و یا اعتراض خویش را ارائه بدارند، در غیر آن اسناد فوق صرف جنبه قرینه را دارا می باشد:

باتوجه به متن و محتوای ماده متذکره علی الرغم اینکه مشروط بحضور وکیل مدافع پیش بینی شده است بازهم به انتفاء شرط مذکور دلایل جمع آوری شده در جریان تحقیق به حیث قرینه دال به الزامیت متهم شده میتواند چه در مجازات تعزیری قرینه نیز دلیل الزام تلقی میگردد ماده متذکره حاکی از شهادت و دیگر دلائل مندرج صفحه تحقیق بوده است و ماده (۳۰) قانون اساسی حاکی از اقرار در محکمه می باشد با ماده (۵۵) قانون اجرای ج.م کدام تناقض دیده نمی شود هرگاه آثار مادی جرم در صفحه تحقیق و استنطاق جمع

آوری شده باشد بدون اقرار در محکمه دلیل الزام در مجازات تعزیری پنداشته میشود.

۵۱- ریاست محکمه استیناف ولایت بادغیس!

ماده (۶۰) قانون اجرای جزائی موقت میگوید در صورتیکه محکمه متهم را به بیش از ۳ سال محکوم نماید در متن حکم خویش میتواند امر گرفتاری وی را صادر نماید.

از کلمه (میتواند) در ماده مذکور چنین استنباط میشود که اگر متهم را بحبس کمتر از ۳ سال محکوم نماید نمیتواند امر تنفیذ حکم خود را صادر نماید حبس های قصیر چه میشود. آیا کلمه میتواند در اصدار حکم تنفیذی قاضی را مقید نمی سازد؟

توضیح:

از ملاحظه فقرات (۵،۴) ماده (۹۵) قانون اجرای جزائی موقت بر می آید که ماده (۶۰) قانون مذکور نیز از اصدار فیصله غیابی بحث می نماید یعنی در صورتیکه محکمه متهم غائب را به بیش از سه سال حبس محکوم نماید، می تواند در متن حکم امر گرفتاری وی را نیز صادر نماید پس اندیشه استهداء کننده ناشی از مفهوم مخالف کلمه (میتواند) مبنی بر اینکه محکمه چنین صلاحیت را در حبس کمتر از سه سال نداشته باشد غیر موجه به نظر می رسد. چه در همچو موارد مفهوم مخالف اصولاً حجت نمی باشد.

۵۲- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سرپل!

در فقره (۲) ماده (۷۹) قانون اجرای جزائی موقت لفظ حین اجراء به حین ارجاع تصحیح شود.

توضیح:

بملاحظه متن پشتو فقره (۲) ماده (۷۹) قانون اجرای جزائی موقت موضوع متذکره حل گردیده (ارجاع تحریر گردیده) با مراجعه به ماده مذکور حل مطلب نماید یعنی منظور اجرا نیست بلکه ارجاع است. کلمه اجراء غلطی طباعتی میباشد در اصل نسخه قانون منتشره جریده رسمی در متن دري کلمه اجراء درج گردیده در چاپ های بعدی به ارجاع اصلاح شود.

۵۳- پرسش ریاست ریاست محکمه استیناف ولایت سرپل!

مطابق هدایت ماده (۷۱) قانون اجرای جزائی موقت محکوم علیه، متضرر یا خارنوالی استیناف میتواند علیه فیصله محکمه استیناف به پیشگاه ستره محکمه فرجام خواهی نماید و مطابق ماده (۸۰) و هدایت ماده (۱۲۹) قانون اساسی و هدایت ماده دهم قانون تشکیل و صلاحیت محاکم فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است و متکی به هدایت ماده (۳۵) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم فیصله ها و قرار های محاکم استیناف در تمام قضایای شامل صلاحیت قطعی می باشد. آیا بالای فیصله قطعی هم اعتراض مجاز است؟

توضیح:

ستره محکمه قضایای واصله از محاکم استیناف را صرف بمنظور اطمینان از تطبیق صحیح قانون مورد رسیده گی قرار می دهد مگر اینکه قانون در حالت خاص صلاحیت رسیده گی قضیه را از لحاظ کیفیت و کمیت به آن تفویض نموده باشد.

با اینکه طبق حکم ماده (۳۵) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم فیصله ها و قرار های محاکم استیناف در تمام قضایای شامل صلاحیت قطعی می باشد اما فقره (۲) ماده (۶) و مواد (۲۶ و ۲۷) همین قانون صلاحیت غور و رسیده گی به فیصله های قطعی صادره محاکم استیناف را که

مورد اعتراض خارنوال یا متهم قرار می گیرد به دیوان های ستره محکمه داده است پس معلوم است که قطعیت حکم مانع اعتراض بر قانونیت نمیگردد.

با آنهم در طرح جدید قانون تشکیل و صلاحیت محاکم که تحت غور پارلمان قرار دارد کلیه فیصله ها و قرار های محاکم استیناف قطعی نبوده و موارد قطعیت آن در ماده (۵۵) قانون مذکور توضیح گردیده است.

۵۴- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت بادغیس!

درخصوص حبس تنفیذی و تعلیقی در قانون جزاء توضیحات وجود دارد اما درخصوص بدیل حبس که در ماده ۸۶ قانون اجرای جزائی موقت از آن نامبرده شده کدام دستور العمل وجود ندارد که در چه شرایطی و از چه نوع محکوم علیه میتواند بدیل حبس را تجویز نماید قانون گذار این مطلب را مسکوت عنه گذاشته و بدیل حبس تابحال در محاکم عملی نمی شود.

توضیح:

نحوه استفاده از بدیل حبس در مواد (۴۱۶-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۶۰-۴۶۲) و غیره مواد قانون اجرای جزائی تنظیم و تعیین گردیده بملاحظه آن حل مطلب گردد.

۵۵- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت جوزجان!

ماده ۸۸ قانون اجرای جزائی که امر مصادره اشیاء و دارائی محکوم علیه را به پولیس صادر میکند مخالف ماده ۴۰ قانون اساسی بوده قابل تفسیر از مراجع ذیصلاح میباشد.

توضیح:

اگر در عنوان ماده (۸۸) قانون اجرای جزائی موقت دقت شود در آن تحریر یافته که: «تطبیق فیصله مبنی بر مصادره اشیاء: فقره (۱) آن

اشعار میدارد که خارنوال امر مصادره اشیا و دارائی محکوم علیه را به آمر پولیس محل که اشیا و دارائی در آن موقعیت دارد صادر مینماید و فقره (۲) تصریح مینماید که: حکم مصادره اشیا و دارائی توسط پولیس تطبیق می گردد.»

در این هیچ جای شک نیست که ملکیت از تعرض مصئون و مطابق هدایت ماده (۴۰) قانون اساسی، ملکیت هیچ شخص بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت مصادره نمیشود و ارتباط پرسش مطروحه باید گفت حینیکه به حکم محکمه با صلاحیت به مصادره یک ملکیت حکم شد و حکم قطعیت حاصل نمود، مطابق هدایت ماده (۷۵) قانون اساسی تعمیم فیصله های قطعی محاکم از جمله وظایف حکومت بوده چون مطابق ماده (۱۳۴) قانون اساسی خارنوالی جزء قوه اجرائیه میباشد لذا به همکاری پولیس احکام قطعی محاکم منجمله حکم مصادره اشیا و دارائی را توسط پولیس تطبیق مینماید.

و فقره (۲) ماده (۷۳) قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوه قضائیه نیز بدان صراحت داده است. لذا بین ماده (۴۰) قانون اساسی و ماده (۸۸) قانون اجراءات جزائی موقت تناقض وجود ندارد.

۵۶- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سرپل!

در قانون جزای کشور از حبس دوام بحث شده نه حبس ابد ایجاب میکند در فقره اول ماده (۹۱) این قانون کلمه حبس ابد به حبس دوام که بیشتر مائوس است تعدیل شود و نیز ابهاماتی که در متن ماده مذکور محسوس است رفع گردد.

توضیح:

در تصحیح منتشره جریده رسمی شماره (۸۴۲) مورخ ۳۰ قوس سال ۱۳۸۳ چنین آمده است:

تصحیح ضروری در قانون اجراءات جزائی موقت برای محاکم منتشره جریده رسمی (۸۲۰) سال ۱۳۸۲ در صفحه هشتاد و یکم در سطر چهارم متن دري و پشتو کلمه ابد به دوام تصحیح شود.

۵۷- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سرپل!

در قانون مذکور بسی موارد لازمه امور جنائی بیان نشده مثلاً در کشف نعش و جسد مقتول دفن شده و اخراج از قبر طوریکه در تعدیل ماده (۷۷) قانون اجراءات جزائی قبلی بیان شده درین قانون مسکوت عنه بوده محتویات تعدیل شده ماده (۷۷) افزوده شود.

توضیح:

اگر به فقره (۳) ماده (۹۸) قانون اجراءات جزائی موقت مراجعه شود در آن تصریح گردیده که «با انفاذ این قانون هر حکمی از احکام قوانینی که مناقض با حکمی از احکام این قانون باشد ملغی شناخته می شود.» از این صراحت بر می آید که قانون اجراءات جزائی موقت صرف احکام قوانین را ملغی قرار داده که مناقض با حکمی از احکام قانون مذکور باشد پس سایر مواد قانون اجراءات جزائی و تعدیل آن بقوت قانونی خود باقیست و نافذ می باشد.

۵۸- استهدائیه محکم مرافعه ولایت پکتیا:

۱- قانونی که تفکیک جرایم تحت صلاحیت رسیده گی محاکم ابتدائیه عادی و دیوان امنیت عامه محاکم مرافعه که قضایای جنائی را ابتداء رسیده گی مینماید وجود دارد یا خیر؟

۲- رسیده گی قضیه استعمال، کشیدن و خوردن افیون و مواد مخدر از صلاحیت کدام محکمه است.

۳- بعضی از دوسیه ها بحث از خرید و فروش ویزه ممالک عربی بخصوص مملکت عربستان سعودی دارد که ویزه از مملکت عربستان سعودی در مملکت پاکستان به تبعه افغانی به صفت مهاجر طور جعل و فریب پاسپورت پاکستان را ترتیب و به کشور های عربی غرض مزدوری و کارمیروند، اکنون دعاوی خویش را در مورد پول براه انداخته اند قضیه گاهی بدیوان امنیت عامه که فریب و جعل را در بر میگردد و بعضاً بدیوان مدنی منحث موضوع تجارتی محول می شود خرید و فروش ویزه جنبه تجارتی دارد یا چطور؟

توضیح:

۱- در ماده (۶۳) طرح قانون تشکیل و صلاحیت محاکم قوه قضائیه که تحت غور پارلمان قرار دارد صلاحیت های دواوین جزای عمومی، مدنی، حقوق عامه، امنیت عامه و دیوان جرایم ترافیکی محاکم ابتدائیه شهری مراکز ولایات و در مواد (۶۵، ۶۶، ۶۷) بالترتیب صلاحیت های محکمه ابتدائیه تجارتی، محکمه ابتدائیه احوال شخصیه و محکمه اطفال تعیین و تشخیص گردیده و ماده (۶۸) قانون مذکور صلاحیت های محکمه ابتدائیه ولسوالی را مشخص نموده که با نفاذ آن هیچ نوع ابهامی در مورد قضایای شامل صلاحیت دیوان ها و محاکم باقی نمی ماند.

۲- رسیده گی به قضایای استعمال، اعتیاد، و خوردن افیون و چرس شامل صلاحیت محاکم دعاوی ابتدائیه مربوط می باشد.

۳- طبق حکم ماده (۲۴۶) قانون اجراءات جزائی و مواد ما بعد آن شخصیکه از جرم متضرر گردیده، می تواند دعوی حق العبدی را در پیشگاه محکمه ایکه به قضیه جزائی رسیده گی می کند قبل از آنکه رسیده گی بدعوی انجام یابد اقامه نماید هرگاه مدعی حق العبد حین

اقامه دعوی جزائی حاضر به اقامه دعوی حق العبدی نشد می تواند مطابق حکم ماده (۲۵۶) قانون اجراءات جزائی علیه متهم در محکمه حقوقی دعوی خود را تعقیب نماید.

۵۹- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سرپل!

تعیین مرور زمان در جرایم قباحت، جنحه و جنایت بیان نگردیده است و نیز در مورد تلاشی اشخاص و منازل و غیره طوریکه مواد (۳۲) و (۳۸) قانون تعدیل اجراءات جزائی بیان شده در این قانون نیامده باید افزوده شود.

توضیح:

تعیین مرور زمان در جرایم مذکور در ماده (۱۰) تعدیل قانون اجراءات جزائی مسجل گردیده و در مورد تلاشی اشخاص، منازل و غیره احکامیکه که در مواد (۳۲ و ۳۸) تعدیل قانون اجراءات جزائی بیان شده نافذ العمل میباشد حاجت افزودن آن در قانون جدید اجراءات جزائی موقت نیست.

۶۰- برای اینکه عدالت تامین گردد و هیچ مجرم از پنجه قانون فرار نکند و بی گناه مجازات نشود محتویات ماده ششم و هفتم قانون اجراءات جزائی قبلی که در این قانون انعکاس نیافته افزود گردد.

توضیح:

در مواردیکه در قانون اجراءات جزائی موقت حکم یا صراحت وجود نداشته باشد مراجع مربوط میتواند عندالضرورت طبق هدایت فرمان (۱۱۵) مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۴ از قانون اجراءات جزائی و تعدیل آن استفاده نمایند.

۶۱- پرسش ریاست محکمه استیناف مواد مخدر!

در مورد ضمانت سر در قوانین نافذه مملکت کدام مدارک و یا ثبوت در محاکم و خاارنوالی ها بدسترس نیست طوریکه مقامات اطلاع

دارند متهمین و یا محکومین که برائت گرفته اند یا میعاد حبس محکوم بها را در زندان سپری نموده اند ولی بخاطریکه از محاکم بالا دوباره جلب نشود و از جانبی ضمانت سرداده نمیتواند در سلب آزادی بسر می برند. درین مورد رهنمود مقام عالی اشد ضرورت است.

توضیح:

تحت حبس نگهداشتن متهم برائت یافته بدلیل نداشتن ضامن سر با موازین عدالت سازگاری ندارد لهذا شخص بری الذمه شناخته شده از حبس رها گردد و در صورت ضرورت احضار وی در محاکم فوقانی هرگاه با کار برد وسایل و امکانات جلب و احضار حاضر نگردد از احکام مربوط به فیصله غیابی در مورد استفاده به عمل آید.

بخش سوم

توضیح به استهداآت مدنی
، تجارتی
حقوق عامه و احوال شخصیه

نکاح خط و طلاق در محضر محکمه اجراء شود، بدون محضر محکمه طلاق و نکاح خط جواز ندارد که درین صورت اجراءات غیر قانونی و غیر شرعی از بین خواهد رفت عدالت اجتماعی تامین خواهد شد و مشکلات محاکم رفع و عواید محاکم افزون خواهد شد.

توضیح:

در مورد پرسش مذکور صراحت مواد (۶۱-۶۹-۷۰-۷۱-۹۹-۱۰۰-۱۰۱ و ۱۰۲) قانون مدنی موجود است مطابق آن اجراءات صورت گیرد.

۳- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت فاریاب!

در دعوی تفریق به سبب غیابت، زوج، طبق مقررات از جانب غایب وکیل مسخر تعیین و وکیل موصوف صلاحیت قناعت و سایر اقداماتی را که به ضرر غائب باشد حایز نمیشد لزوماً دعوی متذکره قابل تعقیب محاکم ثلاثه تا قطعیت موضوع میباشد اما ماده (۱۹۷) قانون مدنی تفریق را در محاکم طلاق رجعی دانسته و عدت آنرا نیز مثل عدت طلاق رجعی محسوب نموده است پس سوال در اینجا است که آغاز ایام عدت از حکم محکمه ابتدائیه حساب میشود یا از تاریخ قطعیت فیصله یعنی از تاریخ طی محاکم ثلاثه در مورد رهنمائی نموده ممنون سازند.

توضیح:

حسب هدایت ماده (۱۰) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم احکام قطعی محاکم واجب التعمیل است و حکم به تفریق بین زوجین بعد از قطعیت حکم محکمه قابل محاسبه میباشد بناءً طبق هدایت ماده (۲۱۱) قانون مدنی عدت به مجرد وقوع طلاق، وفات، فسخ تفریق

۱. پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت جوزجان!

دختری که سن ۱۶ سالگی را تکمیل کرده باشد طوریکه در عقد نکاح وکیل میگیرد آیا در معاملات نیز میتواند برای دفاع از خود وکیل بگیرد؟

توضیح:

طبق هدایت ماده (۴۶) قانون مدنی تکمیل اهلیت حقوقی و حالت مدنی برای دختر و پسر تکمیل سن ۱۸ سالگی میباشد و تعیین سن ۱۶ سالگی برای دختر در نکاح حالت خاص است که مقصور به مورد خود است و قابل سرایت به سایر موارد نمی باشد.

۲. پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت ارزگان

دین مبین اسلام حقوقی زیادی را برای قشر اناث قابل بوده ولی در جامعه ما فیصد (۵۰) هم از حقوق خود بر خودار نمی باشد و محروم هستند بسیاری ازین زن ها طبق قانون اسلامی بنکاح داده نمی شوند بلکه زن ها در بد، ولور داده میشود.

سن و سال، عمر و رضایت طرفین مراعات نمی شود بلکه از راه جبر و اکراه نکاح صورت می گیرد که در نتیجه دعاوی، جنگ و جدال و مشاجرات قوی به میان می آید.

محاکم ازین رهگذر به مشکلات زیادی مواجه هستند برای حل این مشکل اگر کمیته های اصلاحی ولسی ایجاد گردد و فورمه های خاصی طبع گردد و بدسترس کمیته ها اصلاحی و محاکم قرار گیرد تا

و یا متارکه در نکاح فاسد آغاز می گردد. در تفریق قضائی بین زوجین بعد از قطعیت حکم محکمه آغاز میشود.

۴- پرسش ریاست محکمه ولایت دایکندی:

در جریان بررسی قضائی معلوم میشود که مدعی بها در تصرف هیچ یک از طرفین قضیه نبوده بلکه توسط عمال وقت جبراً و قهراً به بهانه های جلوگیری از تصرفات محلی و منطقوی از تصرف عارض و معروض علیه کشیده شده به شخص ثالث تحویل گردیده که فشرده جریان آن از این قرار است:

زمانی که مدعیون استدعای خود را علیه مدعی علیهم که ظاهراً اسناد قانونی و مدار حکم در اختیار دارند در محکمه مطرح نمودند قبل برین کمیسیون های قضائی که از طرف جبهات فعال دوره انقلاب غرض رسیدگی قضایای مدنی محل تشکل یافته زمین های متنازع فیه را از تصرف مدعی علیهم خارج و به اشخاص مورد نظر شان به عنوان صاحبان حق با صدور فیصله و یا بدون فیصله سپرده اند و پس از اجراءات فوق حکومت طالبان بر اوضاع مسلط می شود اینبار شکایت به پیشگاه هیات قضائی طالبان کشانیده میشود و مسئولین قضائی طالبان برخلاف اجراءات کمیسیون قضائی مدعی بها را از تصرف مدعیون متصرف اجباری خارج و مجدداً در تصرف مدعی علیهم قرار میدهد اما وقتی که حکومت طالبان سقوط میکند همین مدعیون مذکورون که قبلاً زمین های مذکور را براساس اجراءات کمیسیون های قضائی بدست آورده بودند خود را مالک اصلی زمین معرفی نموده ادعا میکنند که ما در زمان طالبان مهاجر شده بودیم اکنون میخواهیم

ملکیت های غضب شده میان طبق هدایت فرمان ریاست جمهوری برای میان تسلیم داده شود البته مسئولین امور هم زمین های متنازع فیه را بر اساس مطالبه برای شان تسلیم داده اند که مدت دو سال در تصرف شان قرار داشته و بعد از تاسیس ولایت دایکندی در سال ۱۳۸۳ در اثر تقاضای دارندگان سند شرعی قضیه محول محکمه مربوطه میگردد ولی قبل ازینکه قضیه ایشان احاله محکمه گردد اولیای امور غرض جلوگیری از تشنجات محلی مدعی بها را از تصرف اشخاص اخیرالذکر کشیده به اشخاص ثالث میسپارد چون ذوالیدی در تصرف هیچ یکی از طرفین قضیه قرار نداشته و قسمتی از همین مدعی بهای مذکور فعلاً بدون اینکه در تصرف یکی از متدعیون قرار داشته باشد حتی در تصرف شخص ثالث میباشد محکمه نسبت فقدان ذوالیدی که حیثیت مدعی علیه را تمثیل کند به مشکل عدیده مواجه بوده توانائی بیرون رفت از این معضله را به خاطر ندارد و اگر احیاناً زمین های مذکور را به منظور تثبیت ذوالیدی بخواهد بگذارد در تصرف چه کسی قرار دهد تا دعوا در مسیر طبیعی آن دوران نماید بناً مراتب استهداء عرض شد چطوریکه هدایت فرمایند تعمیل خواهد شد.

توضیح:

نظر بحکم ماده (۲۲۶۵) قانون مدنی و ماده (۱۶۷۹) مجله الاحکام ذوالید و متصرف در زمین مذکور همان اشخاص دانسته می شود که مدت دو سال و یا بیشتر از آن در زمین فوق الذکر ذوالید و متصرف بوده اند و بعداً روی مصلحت منطقه زمین از تصرف آنها اخراج و در تصرف شخص ثالث قرار داده شده و این عمل که باسناد مصلحت

محل صورت گرفته طبق حکم ماده (۲۲۶) قانون مدنی موجب اخلاف ذوالیدی شان نه شده وانتقال ذوالیدی آنها به شخص ثالث شده نمی تواند لذا اشخاص که جدیداً تبارز کرده ودعوی می نمایند قانوناً خارج ومدعی دانسته می شوند.

۵- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سمنگان!

در ارتباط ماده ۲۳۶ قانون مدنی که از موضوع حضانت بحث نموده مطالب ذیل قابل توضیح دیده میشود زمانیکه بین زن وشوهر طلاق ویا تفریق صورت میگیرد مسئله حضانت وپرورش طفل واضح است که چه کسی حق حضانت را دارد اما بعضی مشکلات عاطفی بعد از طلاق وتفریق بروز مینماید که محکمه از لحاظ قانونی در تطبیق آن به مشکلاتی مواجه میشود اکثر اطفال بین سنین ۷ الی ۹ سالگی که دوره حضانت شان میباشد ومادر مستحق پرورش طفل می باشد اطفال تمایل بارفتن همراهی مادر را نداشته وعلاقه دارند که در آغوش پدر باشند اما مادر از حق خود انصراف نمی نماید وبعد از تکمیل حضانت غالباً بملاحظه میرسد که پدر خواهان تسلیمی اطفال خویش میباشد اما اطفال تمایل ندارند که با پدر زنده گی نمایند در همچو احوال محکمه چه اجراءات را در نظر بگیرد تا طفل از صدمه روانی در امان باشد.

توضیح:

حسب هدایت ماده (۲۴۹) قانون مدنی مدت حضانت دختر و پسر وبارعایت ماده (۲۳۹و۲۴۰و۲۴۱) حق پرورش طفل تنظیم گردیده است ودر این مدت اراده طفل دخیل نمی باشد بخاطریکه قادر به درک منافع خود نیستند بعد از ختم مدت حضانت پرورش طفل الی

تکمیل سن رشد به پدر واقارب وی به ترتیب عصابات تعلق میگیرد وبعد از تکمیل سن رشد حق واختیار دارند که با پدر باشند ویا مادر.

۶- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت میدان وردک:

قراریکه در ماده (۳) فرمان (۸۳) ملاحظه میگردد: کاریزهای مخروبه وغیر مخروبه جوی های میدان وردک تحت آن وسایر املاکی که ملکیت اشخاص در آن قانوناً ثابت نگردیده دولتی شمرده می شود. در حالیکه تمام مردم کشور املاکی را در دست دارند که مطابق قانون دارای اسناد شرعی وبنیادی نبوده وصرفاً ذوالیدی پنجاه ساله واضافه تر از آن را منحث سند عنوان مینمایند که قاضی در تطبیق ماده متذکره به حساسیت های منطقوی ومحلی مواجه گردید، نمیتواند در مورد تصمیم قضائی اتخاذ کند بناءً پیشنهاد میگردد تادر مورد ماده مذکور قید زمانی را ایزاد فرموده وبمرجع آن ارسال دارند تا مشکلات مردم ومحکمه در مورد حل گردد.

توضیح:

مطابق به هدایت ماده (۲۲۷۹) وپارا گراف دوم ماده (۹۶۵) قانون مدنی مدت مرور زمان با رعایت احکام خاص واستثنای آن مدت پانزده سال می باشد، هرگاه شخص در طول مدت مذکور بطور متوالی وبلا انقطاع در عقار یا اشیاء دیگر بدون منازعه ومعارضه تصرف مالکانه داشته باشد دعوی بالای آن قابل سمع نمیشد ومدت مرور زمان در دعوی میراث مطابق بند اول ماده (۲۲۸۰) مدت (۳۳) سال تعیین گردیده باین اساس اگر شخص در طول مدت (۳۳) در عقار ذوالید بوده وبدون منازعه در آن تصرف مالکانه داشته باشد دعوی ارث بر عقار مذکور بدون وجود عذر شرعی شنیده نمی شود

که این یک مورد از استثنای مواد (۲۲۷۹) و (۹۶۵) قانون مدنی می‌باشد اما نظر بحکم بند دوم ماده (۲۲۸۰) تملک اموال دولت، آثار باستانی و املاک موقوفه بر اساس مرور زمان جواز ندارد. با در نظر داشت بند دوم ماده مذکور ذوالید بودن در اموال دولت، آثار باستانی ولو که بیش‌تر از پنجاه سال هم باشد موجب تملک وانتقال ملکیت شده نمی‌تواند.

۷- پرسش ریاست دیوان مدنی حوزه اول

۱- طبق ماده (۴۰) قانون اساسی ملکیت افراد از تعرض مصئون است. مدت مرور زمان در موضوع فوق الذکر با ماده (۴۰) قانون اساسی آیا در تضاد واقع نمی‌گردد؟ در مورد خواهان معلومات هستیم.

توضیح:

ماده (۴۰) قانون اساسی از ملکیت ثابت شخص بحث دارد و ملکیت ثابت شخص را از تعرض غیر مصوون دانسته است و حکم این ماده با مبحث مرور زمان قانون مدنی کدام تضادی ندارد بدین مفهوم که حق ثابت شخص هیچگاه به مرور زمان ساقط نمی‌گردد چنانچه فقره (۱) ماده (۹۶۵) قانون مدنی در زمینه صراحت دارد و آنچه که بمرور زمان قابل اسقاط دانسته می‌شود حق ثابت نبوده بلکه دعوی مطالبه حقی است که هنوز ثابت نیست چنانچه فقره (۲) ماده مذکور در زمینه صراحت دارد.

و هرگاه مدعی علیه به حق مدعی معترف باشد ولی نسبت مرور زمان از ایفای آن خود داری کند واستدلال به مرور زمان نماید، این استدلال قانونی نبوده و ملزم بایفای آن می‌باشد بدلیل اینکه حق ثابت است و حق ثابت به مرور زمان ساقط نمی‌گردد.

۸- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت فاریاب!

مطابق حکم فقره (۲) ماده (۲۷۲) قانون اصول محاکمات مدنی بینه عبارت است از اسناد، شهادت شهود، قرائن قاطعه و مستبطله و نیز ماده (۹۹۲) قانون مدنی چنین حکم میکند که «محتویات اسناد رسمی مندرج ماده (۹۹۱) این قانون حجت شمرده می‌شود، بشرطی که از جعل و تزویریکه قانوناً تصریح شده خالی باشد» و همچنان ماده (۲۸۷) قانون اصول محاکمات مدنی حکم میکند: «فرامین، اسناد رسمی، فیصله‌ها و قرارهای قطعی محکمه در صورتیکه عاری از جعل و تزویر بوده دارای ثبت محفوظ در اداره دولتی یا دیوان قضاء باشد اسناد مثبته شناخته شده دلیل اثبات و الزام است» در حالیکه در قانون اصول محاکمات مدنی و قانون مدنی سند رسمی از جمله مدارک اثباتیه شناخته شده وقتی که یک نفر سند رسمی ملکیت را داشته باشد چه حاجت است که ملکیت خویش را با شهود ثابت بسازد در حالیکه شهود بدرجه دوم مدارک اثباتیه آمده است و سند رسمی بدرجه اول مدارک اثباتیه قرار دارد.

توضیح:

اسناد رسمی دو قسم است.

۱- سند رسمی که مقرر آن خود مدعی، مورث مدعی و یا قائم مقام آن باشد.

۲- سند رسمی که مقرر آن خود و مورث قائم مقام آن نباشد. سند اول الذکر طبق هدایت ماده (۲۸۴) قانون اصول محاکمات مدنی قبل از دوران دعوی قابل اعتبار و دلیل الزام است.

۹- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت میدان وردک:

اکثراً یک تعداد از برادران کوچی مادعاوی علفچر را به عنوان دعوی ملکیت در محاکم راه اندازی نموده در حالیکه مرعی عبارت از زمینه هائی است که دولت یا شخص در آن تصرف مالکانه کرده نمی تواند مگر اینکه دولت بمنافع عامه تأسیساتی را اعمار نماید. در غیر آن هیچ کس حق تصرف مالکانه را از حیث اعمار منازل و غیره ندارد بناءً بمقام محترم پیشنهاد میگردد تا در مورد حق انتفاع و مالکانه در علفچرها مصوبه ای که در روشنائی قانون واحکام شریعت تصویب و غرض توحید مرافق قضائی بمحاکم ارسال فرموده تا مشکلات موجوده حل گردد و از جانب دیگر چون علف چرها بلتدآبه بوده تحت فرمان (۸۳) بحیث ملکیت دولت قرار میگیرد در حالیکه فقره (۱) ماده (۴) قانون مرعی نفی ملکیت را مینماید بناءً غرض رفع این تناقض طالب هدایت می باشیم.

توضیح:

بخاطر توضیح بیشتر بهتر است زمین موات و مرعی را از نظر فقها تعریف نمائیم:

موات و مرعی:

الموات ما لا ینتفع به من الاراضی لا نقطاع الماء عنه اولغلبة الماء علیه او ما اشبه ذلک فماکان منها عادیا لا مالک له اوکان مملوکافی الاسلام لا یعرف له مالک بعینه وهو بعید من القرية بحیث اذا وقف انسان من اقصى العامر فصاح لایسمع الصوت فیه فهو موات. (۴۷۵ ج. ۴) هدایه.

زمینهای که در دار الاسلام قرار دارد نسبت انقطاع آب و یا غلبه آب بر آن قابل تصرف و انتفاع نباشد و از خود مالک معین نداشته و نسبت بعد و دوری از ضروریات قراء و قصبات نباشد آن زمینها موات بوده در نزد امام ابو حنیفه تصرف در آن بدون اجازه امام جواز ندارد. و اگر به قراء و قصبات نزدیک بوده کدام مالک معین نداشته باشد مرعی و از جمله حوائج همان قریه محسوب می شود و هیچ کس حق تصرف مالکانه را در آن ندارد. حتی برای امام مسلمین جایز نیست که برای شخص معین آنرا توزیع نماید.

ولایجوز احیاء ما قرب من العامر و یترک مرعی لاهل القرية و مطرحا لحصادهم ... و علی هذا قالوا لایجوز ان یقطع الامام مالا غنی بالمسلمین عنه (۴۷۸ ج. ۴) هدایه.

بنابر جزئیات فوق زمین های لا مالک برابر است که موات باشد و یا مرعی برای هیچ کس جایز نیست که در آن تصرف مالکانه نمایند صرف حق استفاده و انتفاع را طور دسته جمعی دارند باین فرق که تصرف اشخاص در زمین های موات طور انفرادی به اجازه امام جایز بوده و در مرعی که از جمله حوائج همان قریه است جایز نیست. در مورد مواد (۱۹۹۱) و (۱۹۹۲) قانون مدنی صراحت دارد.

۹- پرسش ریاست محکمه فامیلی شهر کابل:

۱- در قانون مدنی تسلیمی طفل بعد از اکمال سن حضانت تصریح نشده محکمه فامیلی در این رابطه اجراءات خود را بر مبنای اساسات فقه انجام میدهد باید در قانون مدنی ما ده خاص در این خصوص ایزاد شود.

۲- برای دختر و پسر نظر به عدم رشد ذهنی، جسمی و روحی سن حضانت بلند برده شود یعنی برای پسر ده سال و برای دختر ۱۳ سال تعیین گردد.

توضیح:

۱- اجراءات محکمه فامیلی در مطابقت حکم ماده (۱۳۰) قانون اساسی است الی تدوین و تنفیذ ماده خاص کما فی السابق ادامه یابد.

۲- چون احکام قانونی شامل حالات عمومی می باشد سن حضانت برای پسر و دختر در قانون مدنی تعیین گردیده است و تمدید مدت حضانت در صورت ضرورت نیز پیش بینی گردیده است مطابق احکام قانونی محکمه اجراءات نمایند.

۱۰- پرسش ریاست محکمه ولایت دایکندی:

یکی از صلاحیت های رؤسای محاکم استیناف که در فقره (۲ و ۳) ماده (۳۶) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم ذکر شده توظیف موقت عضو یک دیوان به دیوان دیگر توظیف یکی از قضات استیناف به محاکم ابتدائیه در صورت ضرورت. و از توظیف رؤسای یک دیوان به دیوان دیگر و هم رؤسای و اعضاء محاکم ابتدائیه به محاکم ابتدائیه دیگر و یا دیوان های استیناف تذکر نه آمده در مورد طالب هدایت میباشیم به خاطری که چند قاضی که در ولایت دایکندی توظیف هستند به حیث رئیس می باشد اکثریت و لیسوالی ها قاضی ندارد و هم بعضی اوقات درهمه دیوان های استیناف سه قاضی وجود ندارد تا نصاب قضائی تکمیل شود.

توضیح:

در رابطه به پرسش فوق در صورتیکه طبق فقرات (۲، ۳، ۴، ۵) ماده (۳۶) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم اجراءات بعمل آید مشکل عدم تکمیل نصاب قضائی مرفوع می گردد. توظیف رئیس یک دیوان به دیوان دیگر، همچنین توظیف رئیس و یا عضو یک محکمه ابتدائیه به محکمه ابتدائیه دیگر عندالضرورت کدام ممانعت قانونی ندارد. و از توظیف روسا و قضات دیوان ها بمنظور تکمیل نصاب به ستره محکمه نیز خبر داده شود.

۱۱- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت ننگرهار.

ماده (۱۶) قانون اصول محاکمات مدنی حکم می کند که بررسی عریضه عارض بعد از حضور معروض علیه صورت میگیرد ولی ماده (۱۵۸) همین قانون در صورت عدم حضور مدعی علیه در حالیکه عارض یعنی مدعی اصرار دارد اصدار حکم غیابی را تجویز مینماید که علی الظاهر در بین این دو ماده تعارض و تضاد موجود است که در مورد رفع آن طالب هدایت هستیم.

هكذا استهداء مینماید که عده از اشخاص اند که جایداد های مردم را غصب و فعلاً آنرا به کرایه داده اند و خود شان در ممالک خارجی سکونت پذیر گردیده اند. و حاضر نمی گردند و بعضاً حتی محل بود و باش شان هم معلوم نیست آیا می توان در مورد اینگونه عقارات مغضوبه احکام غیابی صادر کرد و یا انتظار کشید تا غاصبین غایب حاضر گردند که درین صورت تلف حقوق مغضوب منته تصور است در باره طالب هدایت میباشیم.

توضیح:

ماده (۱۶) قانون اصول محاکمات مدنی بیانگر حکم حالتی است که معروض علیه حاضر باشد، برعکس ماده (۱۵۸) قانون مذکور بیانگر حکم حالتیست که معروض علیه غائب است لهذا دو ماده مذکور از موارد جداگانه بحث دارد بنابراین در صورتیکه مدعی علیه غائب باشد محاکم حکم ماده (۱۵۸ و ۱۵۹) قانون مذکور را در نظر گرفته در قضایای وارده اجراآت نمایند.

۱۲- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت کاپیسا.

در قانون اصول محاکمات مدنی در رابطه به ابطال قرار محکمه تحتانی توسط محکمه فوقانی کدام احکامی وجود ندارد. زیرا در صورتیکه بنابر فقد ان اهلیت قضاء قرار قضائی توسط محکمه تحتانی صادر گردیده باشد موجب بطلان آن میگردد نه نقض. در زمینه کاستی وجود دارد.

توضیح:

حسب هدایت ماده (۷۹) قانون اصول محاکمات مدنی تمام دعاوی مدنی به جز از مواردیکه قانون به خلاف آن حکم نموده باشد. مرحله ابتدائیه آن در محکمه ابتدائیه حل و فصل میشود زمانیکه فیصله ها و یا قرار های محاکم تحتانی توسط محاکم فوقانی مواجه به بطلان گردد ارجاع آن غرض صدور فیصله جدید به محکمه ابتدائیه طبق فقره اول ماده (۳۹۸) اصول محاکمات مدنی حتمی است زیرا در صورت ابطال اجراآت محاکم تحتانی توسط محاکم فوقانی تصامیم محاکم تحتانی کلاً از بین میرود پس محاکم فوقانی صلاحیت رسیده گی قضایا را ابتداءً ندارد.

همان اسباب بطلان فیصله که در ماده (۳۹۹) قانون اصول محاکمات مدنی ذکر شده موجب بطلان قرار هم شده می تواند.

۱۳- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت فاریاب:

محکمه ابتدائیه مرکز ولایت فاریاب چنین استهداء می کند: اکثر موضوعات که درین محکمه از طرف اصحاب دعوی مطرح بحث و تحت رسیدگی قرار دارد موضوعات املاکی را تشکیل میدهد که مدعی بها املاکی بوده و مربوط ولسوالی پشتونکوت یا مربوط محکمه ولسوالی خواجه سبزپوش و یا شیرین تگاب میباشد اما مدعی علیه از توابع مرکز میمنه میباشد و از نظر این خادم شرع انور باید رسیدگی این قسم منازعات مبیعه در ساحه هر ولسوالی که قرار دارد بآن محکمه راجع گردد.

به دلیل اینکه با اساس مصوبه (۵۸) ۸۶/۲/۲۷ شورایعالی ستره محکمه که مرجع عالی برای تصمیم گیری موضوعات قضائی میباشد صلاحیت ترتیب قبالة املاکی را حوزه قضائی دارا می باشد که مبیعه در ساحه آن قرار دارد از جانب دیگر ماده (۹۲) اصول محاکمات مدنی چنین مشعر است: رسیده گی دعوی تقسیم و ترکه از صلاحیت محاکم شهری ناحیوی ولسوالی و علاقدا ری میباشد که عین مورد تقسیم و ترکه در حوزه آن قرار دارد و ازین ماده قانون اصول محاکمات مدنی و مصوبه (۱۵۸) ۸۶/۲/۲۷ شورایعالی ستره محکمه چنین برداشت میگردد که رسیده گی به موضوعات و منازعات املاکی از صلاحیت محکمه ای میباشد که مدعی بها در ساحه قلمرو آن محکمه قرار دارد و از نظر ما موضوعات املاکی تابع هدایت ماده

(۸۱) قانون اصول محاکمات مدنی میباید امید درین مورد رهنمائی فرمانید.

توضیح:

درمورد صلاحیت محاکم مواد (۷۹ الی ۱۰۰) قانون اصول محاکمات مدنی صراحت کامل دارد: در صورتیکه دعوی املاک در محکمه ذیصلاح غیر محل موقعیت ملکیت صورت گیرد محکمه ذیصلاح راجع به قیدیت ملکیت، تثبیت قیمت و کیفیت مدعی بها از طریق محکمه محل عقار توسط ادارات املاک و اهل خبره محل مدعی بها تحقیقات مورد نظر را قبل از رسیدگی تکمیل و به محکمه ای که دعوی را تحت رسیدگی قرار میدهد اخبار شود بجز مواردیکه قانون مجاز قرار داده در دیگر محلات اقامه دعوی صورت گرفته نمیتواند.

۱۴- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سمنگان!

مطابق هدایت ماده (۱۲۰) قانون اساسی و ماده نهم قانون اصول محاکمات مدنی و هدایت ماده سوم قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوه قضائیه ج.ا.ا در دعاوی بین فرد و دولت بحیث مدعی و مدعی علیه قرار گرفته میتواند اما زمانی که مدعی به در حیات و تصرف دولت باشد بحیث مدعی علیه و اگر مدعی به در تصرف دولت نباشد دولت بحیث مدعی قرار میگیرد اما زمانی که دعوی غرض رسیده گی بمحکمه محول میشود نماینده قضایای دولت خود را مکلف باقامه دعوی ندانسته و استدلال مینماید که دولت همیشه در موقف مدعی علیه قرار دارد و لزوماً باید دعوی را طرف مقابل دولت اقامه نماید ولو که در مدعی بها ذوالید بوده و در موقف مدعی علیه قرار دارد موضوع قابل توضیح میباشد.

توضیح:

قبلاً بتاريخ ۸۲/۸/۱۸ فرمان ریاست دولت انتقالی افغانستان در باره املاک صادر و در فقره دوم ماده هشتم آن چنین تصریح گردیده بود: «زمین های که بین دولت و اشخاص تحت دعوی قرار داشته باشد الی فیصله نهائی محکمه در ذوالیدی دولت باقی می ماند» که در آنوقت استدلال مذکور نماینده قضایای دولت قانونی بود اما بعداً بتاريخ ۸۲/۱۰/۱۴ قانون اساسی افغانستان از طرف لویه جرگه تصویب سپس در روشنی آن قانون تشکیل و صلاحیت محاکم قوه قضائیه نافذ گردیده است که در ماده (۱۲۰) قانون اساسی و ماده سوم قانون تشکیل و صلاحیت محاکم چنین تصریح شده: «صلاحیت های قوه قضائیه شامل رسیده گی به تمام دعاوی است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی به شمول دولت به حیث مدعی یا مدعی علیه در پیشگاه محکمه مطابق با حکام قانون اقامه میگردد».

ازینکه تاریخ قانون اساسی و قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم موخر است لذا فقره دوم ماده هشتم فرمان مذکور ملغی گردیده و استدلال نماینده قضایای دولت بماده هشتم فرمان مذکور بعد از انفاذ قانون های فوق الذکر بی مورد است. در صورتیکه مدعی بها در تصرف دولت باشد مطابق هدایات قوانین نافذه باید اشخاص و افراد اقامه دعوی نمایند اگر مدعی بها تحت تصرف افراد و اشخاص حقیقی و یا حکمی باشد، قضایای دولت خارج بوده مکلف است من حیث مدعی باقامه دعوی پردازد.

۱۵- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت ننگرهار!

در بعضی اوقات اصلاً مدعی علیه حاضر محکمه نمیشود و مدعی به حل موضوع خویش اصرار میکند درین حالت محکمه چه باید کرد؟ آیا قانون به گرفتن وکیل مسخر از طرف مدعی علیه غایب به محکمه اجازه میدهد و یا خیر؟

توضیح:

هرگاه مدعی عریضه اش را به محکمه تقدیم نماید و مدعی علیه اصلاً حاضر محکمه نگردیده و یا اینکه حاضر محکمه شود لیکن قبل از دوران دعوی یا بعد از آن غائب گردد و مدعی به حل و فصل قضیه اصرار داشته باشد محکمه بعد از اجراءات جلب و اعلان بارعایت احکام فصل هشتم باب دوم قانون اصول محاکمات مدنی طبق هدایات مواد (۱۵۸/۱۵۹) قانون اصول محاکمات مدنی بتعین وکیل مسخر اقدام میکند گرچه در بعضی از محاکم چنین رویه اتخاذ گردیده که بعد از یک مرتبه حداقل حضور مدعی علیه به محکمه اقدام بتعین وکیل مسخر می نمایند اما ماده (۱۵۸) قانون اصول محاکمات مدنی در مورد صراحت داشته و تعیین وکیل مسخر در هر دو صورت فوق الذکر قانونی دانسته می شود.

۱۶- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت کاپیسا

در ماده (۱۵۹) ق.ا.م.م. در مورد تعیین وکیل برای غایب تعیین خارنوال مدنی تجویز گردیده حالانکه در تشکیل فعلی خارنوالی ها خارنوال مدنی وجود ندارد اکثر خارنوالی ها از قبول وکالت امتناع و توضیح مینمایند که ما خارنوال مدنی نداریم در مورد مشکل فوق توجه مقام عالی را خواهیم.

توضیح:

به موجب ماده (۱۵۹) قانون اصول محاکمات مدنی اگر از اقارب درجه اول غائب، زوج یا زوجه وی موجود نباشد یا از وکالت امتناع ورزند از اینکه خارنوال مدنی فعلاً از تشکیل خارنوالی حذف گردیده بعوض آن از مساعدت های حقوقی مطابق ماده (۱۵۹ و ۱۶۰) قانون اصول محاکمات مدنی و یا غیر از خارنوال مدنی خارنوال دیگری بحیث وکیل برای غائب تعیین گردد حکم مذکور به نقض مواجه نمیکردد و اداره خارنوالی مربوط مکلف است که حین مطالبه محکمه یکی از خارنوالان آن اداره رابه محکمه معرفی نماید تا جهت دفاع از غائب بحیث وکیل مسخر تعیین گردد.

۱۷- استهدائیه ریاست دیوان مدنی حوزه اول

۲- طبق ماده ۱۷۳ - ۱. م. مدنی ممثل حقوق عامه در برابر حکم صادره محکمه صلاحیت قناعت را ندارد. و بعضی موارد چنین اتفاق می افتد که ممثل حقوق عامه اصلاً و قطعاً اسناد بنیادی که ملکیت دولت رادر مدعابها ثابت نماید ندارد. و مطابق ماده فوق الذکر به حکم صادره محکمه صلاحیت قناعت را ندارد. آیا دوران همچو قضایا باعث ضیاع وقت محکمه و افراد نمی گردد. که در زمینه طالب هدایت و رهنمائی می باشیم.

توضیح:

در دعوی بین شخص حقیقی و حکمی مدعی صرف می تواند دعوی خود را به بینه و مدارک اثباتیه عندالمحکمه باثبات برساند و در همچو دعاوی حلف و تکول مورد ندارد، در صورتیکه مدعی نماینده قضایای دولت و شخص حکمی و مدعی علیه و ذوالید شخص حقیقی باشد، و شخص حکمی از ارائه بینه و مدارک اثباتیه اظهار عجز نماید

محکمه بعدم اثبات دعوی وی اصدار حکم می نماید، مع الوصف نماینده شخص حکمی باید قانوناً استیناف طلب گردد تا دیده شود که در فیصله صادره خطا در تطبیق تأویل و یا بطلان در اجراءات و غیره حالاتی که موجب نقض فیصله می گردد، وجود نداشته باشد و رسیده گی بر همچو شکایت قانونی بوده و به هیچ صورت ضیاع وقت و کارعیث محسوب نمی شود- موضوع باید محاکم ثلاثه را طی نماید.

۱۸- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت دایکندی:

هرگاه جایداد مدعی بها بدفتر املاک مربوط اسمی مدعی یا مدعی علیه یا آباء واجداد آنها قیدیت و ثبت نداشته باشد در اینحال موضوع به قضایای دولت راجع شود آیا محکمه حسب دلایل اثبات طرفین دعوی رسیده گی نمایند اگر به قضایای دولت ارسال شود در رابطه قضا یا ی دولت چه نوع اجراءات را مرعی نمایند.

توضیح:

هرگاه عقار مدعی بها بدفتر املاک دولتی اسمی طرفین یا مورث آنها قید و ثبت نباشد محکمه وفق هدایت فقره (۱) ماده (۱۷۶) ماده (۱۷۷) اصول محاکمات مدنی در رابطه تحقیقات لازمه را توسط اهل خبره و به منظور جلوگیری از تبانی و مواضعه ذات البینی اشخاص، جهت حفظ وصیانت حقوق عامه بعد از حصول اطمینان محکمه مبنی بر اینکه ساحه مدعی بها زمین دولتی نمیباشد موضوع را تحت رسیده گی قرار دهند.

۱۹- پرسش محکمه استیناف ولایت میدان وردک:

بخاطر جلوگیری از تراکم دعاوی و دعوی جلابی ها پیشنهاد مینمائیم تا در لایحه محصول بالای مدعی قبل از دوران دعوی یعنی بمجرد تقدیم استدعا در محکمه قیمت مدعی بها تثبیت و تابع اجراء و تحویلی محصول به دولت گردند. که این امر جلو دعوی دروغین و مردم آزاری ها را در محاکم میتواند بگیرد.

توضیح:

مطابق ماده (۱۹۲) قانون اصول محاکمات مدنی لازم است راجع به کیفیت مدعی بها و قیمت آن قبل از ادخال موضوع به صورتحال معلومات لازم از اهل خبره و دفاتر املاکی تهیه گردد ولی تحویل محصول مستند به قانون محصول و ثایق و اسناد اداری دولتی و تعرفه محصول دولتی حین اقامه دعوی و بعد صدور حکم اخذ میگردد بالاثرتحویل محصول قبل از دوران دعوی صبغهء قانونی ندارد.

۲۰- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت ننگرهار!

دوسیه فسخ نامزدی از آمریت حقوق به محکمه مواصلت میوزد زن ادعا دارد که فلان شخص نامزد است و مدت چندسال میشود که نامزد غایب است و مطالبه فسخ نامزدی را میکند درین مورد چه اجراءات شود آیا صرف به ادعای زن اعتبار داده شود یا چطور؟

توضیح:

اگر طرفین عقد در حال اهلیت کامل حقوقی به جانب مقابل وعده ازدواج را داده باشند و ایجاب و قبول نکاح طبق عرف و عادات مردم صورت نگرفته باشد حسب هدایت ماده (۶۴) قانون مدنی هر یک از طرفین حق انصراف را از آن دارد بخاطریکه در مورد کدام عقدی صورت نگرفته است و اگر این کار توسط اولیای طرفین در حین

صغارت بدون ایجاب و قبول صورت گرفته باشد بازهم حکم همان است.

اگر حین نامزادی مراسم ایجاب و قبول نکاح توسط خود شان و یا اولیای شان اجراء شده باشد محکمه مطابق هدایت ماده (۱۹۴) قانون مدنی به اساس مطالبه زوجه، احکام تفریق علیه غایب را مطابق فصل هشتم قانون اصول محاکمات مدنی رعایت نماید.

۲۱- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سمنگان!

در دعاوی عقاری مطابق هدایت ماده (۲۱۵) ق.ا.م.م بعد از صحت دعوی اقامه شهود ذوالییدی حتمی میباشد اما از اقامه شهود موت مورث حصر وراثت و جرارت در قانون کدام صراحت وجود ندارد و طوریکه دیده میشود در رویه قضائی کشور اقامه شهود حصر وراثت و موت مورث معمول بوده و در صورت عدم تحقق آن فیصله نقض میگردد موضوع قابل توضیح میباشد.

توضیح:

در مورد اقامه شهود ذوالییدی در مدعی بها غیر منقول ماده (۲۱۵) قانون اصول محاکمات مدنی صراحت دارد و اگر مدعی بها ملکیت موروثی باشد اقامه شهود موت مورث و حصر وراثت و جرارت هم نظر بمسائل شرعیه که در صفحه (۳۹۶) فتاوی کاملیه و صفحه (۱۰۱۷) شرح مجله الاحکام سلیم باز^۱ ذکر گردیده برای حمایه از

^۱-(۱) اذا لم یقم البینه المدعی بموت المورث وحصر وراثته وجرارته انتفت الدعوی صفحه (۳۶۹) فتاوی عالم گیری.

حقوق جمیع ورثه ضروری و حتمی میباشد، گرچه در قوانین نافذه ضرورت اقامه شهود حصر وراثت، جرارت و موت مورث ذکر نگردیده لکن مطابق حکم ماده (۱۳۰) قانون اساسی مراجعه باحکام فقه حنفی در داخل حدود ذکر شده در قانون مذکور یکی از مکلفیت محاکم دانسته می شود.

۲۲- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت میدان وردک:

اکثراً در محاکم بخاطر تطبیق ماده (۲۱۵) ۱- م - م در مورد اقامه شهود ذوالییدی نسبت عدم مساعد بودن حالات در منطقه وامثال آن مدعی نمی تواند شهود ذوالییدی خود را به محکمه حاضر نماید و محکمه نیز با صراحت قانونی موضوع را به عدم سمع فیصله مینماید در حالیکه مدعی حق بجانب بوده اما نسبت معاذیر نمی تواند شهود خویش را حاضر نماید که این نوع تصمیم خلاف واقع و عدل بوده احتراماً پیشنهاد میگردد که درین مورد از کلیه فقهی یعنی مواد (۱۷۵۵/۱۷۵۴) مجله الاحکام و سایر کلیه های فقهی استفاده نمایند که اجراءات قضائی در کشور توحید و یکسان گردد و از جانب دیگر مشکل صاحبان حق در چوکات احکام شریعت حل گردد.

توضیح:

لابد فی شهادة الارث من خمسة شروط الاول الجر والثانی بیان سبب الوراثه کالاخوة والعمومة الثالث بیان أنه اخوة لاییه واهمه ألاحدهما نحو ذلك الرابع قول الشاهد لاوارث له أولاً أعلم له وارثاً والخامس أن یدرک الشاهد المیت والا فالشهادة باطله لعدم معاینه السبب شرح مجله الاحکام سلیم باز (صفحه ۱۰۱۷)

مطابق رهنمود توضیحی به ارتباط ذوالیدی در مدعی بها که قواعد روشن دارد و مورد تأیید سیمینار واقع گردیده است، اجراءات بعمل آید.

۲۳- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت فاریاب!

قسمیکه دیده میشود محاکم ابتدائیه یک تعداد از قضایای حقوقی را نسبت نواقص صورت دعوی و یا هم نسبت عدم احضار شهود ذوالیدی در مدعی بها غیر منقول طبق صراحت ماده (۲۱۵) قانون اصول محاکمات مدنی و رهنمائی صفحه (۱۰۷) سیمینار سال ۱۳۸۱ روسای محاکم به عدم سمع دعوی مدعی فیصله مینمایند و فیصله شان روی دلایلی که به آن اتکا شده است صحیح میباشد از اینکه محاکم ابتدائیه در اصل ماهیت موضوع در فیصله شان تماس نگرفته اند پس دیوان مدنی و حقوق عامه محاکم استیناف در قبال همچو فیصله جات چه مکلفیت قانونی دارد؟ رهنمائی نمایند.

توضیح:

تقدم دعوی صحیح از طرف مدعی حق العبد در موضوعات حقوقی شرط صحت سمع دعوی میباشد در حال عدم صحت صورت دعوی مطابق ماده (۲۶) قانون اصول محاکمات مدنی مدعی از طرف محکمه مکلف به تصحیح دعوی ساخته میشود و محکمه در حال صحت صورت دعوی در موضوع رسیده گئی مینماید و در عدم صحت آن با اخذ توضیحات از مدعی، رفع ابهام و تناقض از دعوی مینماید، تا زمینه برای عدم سمع دعوی مساعد نگردد.

اگر همچو قضایا نسبت عدم قناعت محکوم علیه غرض غور استینافی به محاکم فوقانی راجع شود محکمه استیناف در صورت نقض فیصله

محکمه تحتانی طبق فقره (۲) ماده (۳۹۸) قانون اصول محاکمات مدنی صلاحیت اقدام به صدور فیصله جدید و یا ارجاع آن به منظور گردآوری دلایل به محکمه تحتانی را دارد.

در بخش ذوالیدی رهنمود توضیحی به ارتباط تنظیم امور ذوا لیدی در مدعا بها و وضاحت دارد. بملاحظه آن حل مطلب گردد.

۲۴- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت کندهار!

در وقت حکومت طالبان اکثراً موضوعات حقوقی طوری حل و فصل گردیده که اصلاً اجراءات اصولی و قانونی در نظر گرفته نشده یعنی صرف در یک ورق سفید بدون تقدیم دعوی و جواب آن وبدون در نظر داشت تمام مسائل مربوط به فیصله اما در اخیر چنین فیصله تبعاً حکم به ملامتی یکی از جانبین قضیه صادر شده و بالایی فیصله متذکره چند سال سپری شده اکنون محکوم علیه همان وقت عارض و ادعا مینماید که آیا محکمه در این مورد چه نوع اجراءات نماید همان فیصله سابقه را که دارای نواقص فوق بوده اعتبار دهد؟ اگر آنرا اعتبار دهد، همچو فیصله قطعی گردیده یعنی به وقت وزمان آن بالایی آن کدام مرافعه خواهی و یا تمیز خواهی صورت نگرفته و یا اینکه چنین فیصله را اعتبار ندهد موضوع را رسیدگی نماید در این رابطه طالب هدایت هستیم؟

توضیح:

هرگاه محکوم علیه بالای فیصله صادره حکومت طالبان که در وقت وزمانش استیناف طلبی نکرده است بعد از ایجاد حکومت موقت (۱۳۸۱) اعتراض کند و مرافعه طلب شود درین صورت دیده شود که آیا فیصله و قرار مطابق هدایت مواد (۲۶۱ و ۲۷۰) قانون اصول

محاكمات مدنی برای محکوم علیه ابلاغ گردیده است و یا خیر؟ در صورتیکه ابلاغ صورت گرفته باشد و محکوم علیه بعد از ابلاغ استیناف طلب نشده باشد فیصله ولو که دارای نواقص هم باشد قطعی بوده واجب التعمیل می باشد، در صورتیکه ابلاغ نشده باشد طبق هدایت مواد فوق الذکر حالا ابلاغ بعمل آید در صورت عدم قناعتش قضیه قابل رسیده گی در محکمه فوقانی می باشد زیرا حق استیناف طلبی و یا فرجام خواهی محکوم علیه تا زمان ابلاغ باقی بوده و بعد از ابلاغ حکم طبق ماده (۳۶۵) و یا (۴۳۷) ق.ا.م.م محاسبه می گردد.

۲۵- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت هرات!

در فقره (۲) ماده (۳۳۸) قانون اصول محاكمات مدنی چنین آمده است: «هرگاه شخصی تصرفات مالکانه شخص دیگری را مدتی مشاهده نماید و راجع به مالک بودن خود با وجود نبودن اعدار قانونی مانند صغارت، جنون و امثال آن دعوی نکند. بعداً اگر دعوی نماید دعوی ملکیت وی به دلالت قرینه قاطعه منتفی است.» در ماده مذکور فوق مراد از کلمه مدت چقدر وقت است؟ که با سپری شدن آن با دلالت قرینه قاطعه دعوی ملکیت شخص مذکور قابل سمع نیست در تکلمه رد المختار جلد اول ص (۴۵۴) مدت مذکور را زیاده تر از سه سال ذکر کرده است موضوع قابل غور است.

توضیح:

قرینه قاطعه یکی اسباب حکم طبق حکم ماده (۲۷۲) قانون اصول محاكمات مدنی بوده و در ماده (۱۷۴۱) مجله الاحکام چنین تعریف گردیده القرینه القاطعه هی الامارة البالغة حد اليقین .

از تعریف فوق چنین استنباط می گردد که هر آن نشانه و علائم که موجب تیقن محکمه در حکم صادره اش گردد قرینه قاطعه بوده و سبب حکم شده می تواند تعیین مدت برای آن صورت نگرفته طوریکه تکمله رد المختار که اصلاً یک جلد بوده مطالعه گردید در صفحه (۴۵۴) مطلب تحریری فوق ریاست محکمه استیناف هرات بنظر نرسید و مثال های قرینه قاطعه در موضوع حقوقی و مدنی در ماده (۱۶۵۹) مجله الاحکام و شرح آن ذکر گردیده است عندالضرورت می توان با مراجعه بآن حل مطلب نمود.

۲۶- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت جوزجان:

۱- در دفع تعرض درمورد اموال غیرمنقول اگر عقال بنام مدعی علیه باشد طبعاً انتقال صورت می گیرد آیا محصول گرفته شود یا خیر؟
۲- هرگاه در محکمه استیناف بعد از نقض فیصله ابتدائیه حکم به نفع همان محکوم له محکمه بتدائیه صادر گردد محکمه استیناف محصول اخذ نماید یا خیر؟ اگر اخذ نماید کدام محصول از ابتدائیه یا استیناف؟

۳- در ماده (۲۸۴) قانون اصول محاكمات مدنی چنین تصریح بعمل آمده است: اسنادیکه از اقرار مقرر یا قایم مقام مقرر ترتیب گردیده باشد در حصه مقرر و ورثه آن بدون دوران دعوی مدار اعتبار است محاکم در همچو حالت به صدور قرار قضائی موضوع راجع می دهند که این قرارها از جمله قرارهای قطعی پنداشته می شود اما

محاكم فوقانی آن رادرماهیت موضوع تلقی مینماید باستناد ماده (۲۶۷) اصول محاکمات مدنی آن رانقض می نماید.

۴- هرگاه درمحکمه فوقانی در مطابقت حکم ماده (۴۰۱) قانون اصول محاکمات مدنی به تائید فیصله صادره محکمه ابتدائیه قرار صادر شده باشد بعداً قرار صادره محکمه فوقانی دردیوان مدنی ستره محکمه نقض گردد دراینحالت دیوان مدنی مرافعه چگونگی اجراءات رادر رابطه به فیصله ابتدائیه که صراحتاً ازطرف تمیز نقض نگردیده اتخاذ نماید به محکمه ابتدائیه ارسال نماید یاخوددیوان مرافعه ابتدائیه رسیدگی نماید؟

توضیح:

۱- چون در دعوی دفع تعرض درصورت اثبات آن مدعی به دردست مدعی دفع تعرض باقی می ماندواصلاً حکم به اثبات ید مدعی دفع تعرض صادرمی گرددبناءً ایجاب محصول را نمی کند. دعوی دفع تعرض دعوی ذوالیدی بوده ایجاب محصول را اصلاً نمیکند.

۲- چون درنفس الامر فیصله محکمه فوقانی بتائید فیصله ابتدائیه صدور یافته است ایجاب محصول رانمی کند.

۳- برداشت محکمه مذکور از حکم ماده (۲۸۴) اصول محاکمات مدنی درست وسالم بوده است اگر محاکم فوق به نقض آن متکی بماده (۲۶۷) قانون مذکورمبادرت میورزد خلاف حکم ماده (۱۹۸) قانون مذکور می باشد ازآن جلوگیری بعمل آید.

۴- ازاینکه وفق هدایت ماده (۴۱۵) اصول محاکمات مدنی قرار قضائی صادره دیوان مدنی مرافعه مویدفیصله ابتدائیه تحت رسیدگی قرار گرفته است درصورت نقض قرار قضائی دیوان مدنی مرافعه

فیصله ابتدائیه بدون تصریح تصمیم قضائی باقیمانده است دیوان مدنی مرافعه دوحالت را درنظر گیرند:

اول اینکه اگر فیصله ابتدائیه مواجه به بطلان باشدبدیهی است که بعد از صدور قرار قضائی بربطلان آن بمحکمه ابتدائیه ارسال می گردد.

دوم - اینکه در صورت فیصله ابتدائیه مواجه به نقض باشد بعد از صدور قرار قضائی برنقض آن خود دیوان مدنی مرافعه استینا فا رسیده گی نماید.

۲۷- پرسش ریاست محکمه ولایت دایکندی:

از آنجائیکه بنظرمیرسد درسالهای قبل عده از اشخاص به صورت متخاصمین دریک محدوده که اسناد بنیادی وقانونی مطابق ارزش های قانونی تنظیم امور زمینداری وغیره قوانین نافذه کشور در اختیار نداشتند خصومتی را در محکمه آن وقت براه انداختند ومحکمه ذیصلاح وقت هم بدون این که درقسمت داشتن ونداشتن اسناد مدارحکم طرفین تماس بگیرد ابراءخط شرعی ویا فیصله اصلاحی خویشرا به منظور قطع خصومت طرفین قضیه صادر نموده است اما سند صادره محکمه وقت تاکنون در دفتر اساس رسماً به اسم دارنده سند قید نگردیده کماکان دردسترس شان قراردرد روی هم رفته پس از گذشت برهه از زمان مشخص دیگری به صفت مدعی تبارز نموده علیه دارنده همین سند مذکور ادعای ملکیت نموده است ومی نماید وقضیه غرض فیصله شرعی به محاکم مربوطه این ولااحاله میگردد از اینکه همچوسند دارای ثبت محفوظ قضاء و امثال بوده و کدام ملاحظه راجع به ترتیب آن نزد محکمه وجود ندارد اشکال این است

که درحین ترتیب وثیقه مذکور داشتن اسناد قانونی طرفین دعوا مطرح نگردیده و در زمینه اجراآت بعمل آمده است در صورتیکه همچو وثائق بر مبنای اسناد قانونی ترتیب نشده باشد درحین بروز دعوای جدید بالای همچو اسناد محکمه چه نوع طرز العمل قضائی را پیش گیرد تا مشکلات قانونی در روشنی احکام قانون مرفوع گردد.

توضیح:

اسنادی که اشخاص فوق الذکر قبلاً بدست آورده اند نسبت اینکه بوسیله محکمه ذیصلاح ترتیب گردیده اسناد رسمی بوده تا زمانیکه جعل و مشبوهیت آن ثابت نه شده باشد طبق هدایت مواد (۲۸۴ و ۲۸۷) قانون اصول محاکمات مدنی بحیث اسناد مثبته شناخته شده دلیل اثبات اثبات والزام مییابد هرگاه بالای اسناد مذکور دعوی جعل و مشبوهیت صورت گیرد محکمه طبق احکام مواد (۳۰۱ و ۳۰۲) قانون مذکور در مورد اجراآت نماید

۲۸- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت فاریاب!

طبق حکم ماده (۳۲۹) قانون اصول محاکمات مدنی در دعوی دفع تعرض در مدعی بهای غیر منقول بعد از ثبوت ذوالیدی مدعی از مدعی علیه حجت و برهان مطالبه میگردد اما فهمیده نمیشود که منظور از حجت و برهان چی بوده آیا شهود هم از جمله حجت و برهان محسوب میگردد یا خیر؟

توضیح:

شهود از جمله حجت و برهان است در کتب معتبره فقه مثل کنز اخیر وعینی وغیره ذکر است (البینه حجة متعدية لا الاقرار) شاهد از جمله حجت متعدیه است نه اقرار. زیرا اقرار هم حجت است مگر حجت

قاصره ولی شاهد حجت متعدیه است بناءً اگر مدعی علیه دفع تعرض ادعای شراء مدعی بها را می نماید و باقامه شهود می پردازد این اقامه شهود حجت پنداشته شده مجوز تعرضش شده و حکم محکمه بنفع آن انجام می یابد.

۲۹- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت فاریاب!

در ماده (۴۱۹) قانون اصول محاکمات مدنی تصریح گردیده که اگر جانب مقابل معترض حاضر نشود حق اعتراض معترض باقی میمانند. در حالیکه بعضی از کسانی که به محاکم ابتدائیه به نفع شان فیصله میگردد در محاکم استیناف خود را کناره میدارند و به جلب هم حاضر نمیشوند پس معترض تا کدام وقت منتظر باشد و محکمه استیناف در مورد اوراق چه نوع اجراآت نماید؟

توضیح:

هدف ماده (۴۱۹) این است که عدم حضور طرف مقابل معترض به محکمه در میعاد معینه در حصه سقوط حق اعتراض معترض و یا محکوم علیه کدام تاثیر ندارد.

محکمه فوقانی مطابق به حکم ماده (۳۹۳) قانون اصول محاکمات مدنی قانونیت و مدلل بودن فیصله محکمه تحتانی را باثر شکایت جانبی که فیصله محکمه تحتانی به ضررش صادر شده ارزیابی میکند در صورتیکه فیصله صادره قانونی باشد اعتراض متعرض و شاکی را رد نموده و فیصله مذکور را تائید می کند و اگر اعتراض معترض وارد باشد و یا اینکه در فیصله خلا و نواقص موجود باشد ولی معترض بآن تماس نگرفته باشد در هر دو صورت فیصله رانقض نموده و عندالضرورت فیصله را به محکمه تحتانی ارجاع میدارد که تا اینجا

ضرورت بحضور طرفی که فیصله ابتدائیه به نقضش تمام شده دیده نمیشود و اگر خود محکمه فوقانی بعد از نقض، موضوع را تحت رسیده گی قرار دهد درین صورت اگر مدعی حاضر نه شد طبق احکام قانون در حصه غیابت مدعی اجراءات بعمل می آید و اگر مدعی علیه غائب گردید حکم غیابی مطابق فصل نهم باب دوم قانون اصول محاکمات مدنی در مورد واجب التعمیل میباشد و ماده (۴۱۹) قانون مذکور این مطلب را افاده میکند که عدم حضور طرف مقابل یعنی کسیکه فیصله ابتدائیه به نقضش صادر شده در میعاد معینه قانونی در سقوط اعتراض معترض کدام تاثیر نداشته حق اعتراض معترض بحالش باقی بوده و محکمه فوقانی مکلفیت دارد که با اعتراض مذکور ترتیب اثر بدهد.

۳۰- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت بادغیس!

در رابطه به قانون تشکیل و صلاحیت قضائی منتشره سال ۱۳۸۴ اگر دقیق مطالعه شود مواد آن خیلی ها کلي تدوین شده نظر به قوانین سابقه درین راستا ایجاب توضیح و تشریح بیشتری را مینماید و تجدید نظر و همه جانبه را نظر به ایجابات روز و توسعه تشکیلات قضائی بازنگری را مینماید.

۱- در ماده ۲۳ قانون تشکیل و صلاحیت قضائی سال ۱۳۸۴ آماده است محاکم استیناف فیصله ها و قرار های محاکم تحتانی را میتواند طبق احکام قانون تصحیح نقض تعدیل تائید یا لغو نماید.

در صورتیکه فیصله های محاکم ابتدائیه در موضوعات جزائی حق العبدی و حقوقی مدنی و فامیلی یکمرا تبه نقض میشود و ضمن قرار قضائی با توضیح دلائل به محکمه حاکمه اولی که حکم را صادر

نموده غرض فیصله مجدد عادلانه مطابق مقررات و اصول مشروعه و نواقص قانونی مسترد میشود بدلیل تخطی از احکام قانون نقض میشود درین صورت بمرحله سوم محکمه ابتدائیه میتواند فیصله سومی مجدد را صادر نماید یا اینکه در دیوان مدنی و حقوق عامه و یا دیوان جزاء ریاست محکمه استیناف بشکل ابتدائی مورد بررسی قضائی قرار داده شود قانون گذار این موضوع را نادیده گرفته و مسکوت عنه گذاشته تکلیف محاکم استیناف درین خصوص در همین قانون روشن نه شده:

توضیح:

محکمه فوقانی بعد از نقض فیصله محکمه تحتانی طبق هدایت بند دوم ماده (۳۹۸) قانون اصول محاکمات مدنی صرف برای یک مرتبه و آنهم در صورتیکه به گرد آوری دلایل و تحقیقات مزید ضرورت احساس گردد می تواند که قضیه را به محکمه حاکمه جهت رسیده گی مجدد ارجاع نماید در غیر حالت فوق خود محکمه فوقانی اقدام به فیصله مجدد می نماید و محکمه تحتانی «ابتدائیه» صلاحیت فیصله برای بار سوم را ندارد.

۳۱- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت کاپیسا

صلاحیت محاکم مرا فعه در ماده (۳۹۸) ق.ا.م.م ذیلاً تصریح گردیده است.

۱- ارسال قضیه به محکمه ذیصلاح به منظور رسیده گی مجدد در صورت بطلان فسیله.

۲- اقدام به صدور فیصله جدید در صورت نقض فیصله.

محاكم استیناف با استفاده از صلاحیت های قانونی در صورت نقض فیصله محکمه تحتانی باید به صدور فیصله جدید اقدام نماید اما بدون اینکه به این امر مبادرت ورزند تمام دوسیه های نقض شده را حتی دوباره به محکمه تحتانی ارسال مینمایند که این امر واجراآت محکمه تحتانی مخالف حکم بند (۲) ماده مذکور میباشد امید که در جهت سلامت اجراآت در زمینه تجویز مناسب اتخاذ گردد.

توضیح:

راجع به ماده (۳۹۸) قانون اصول محاکمات مدنی در قسمت بند اول کدام اشکالی وجود ندارد که در صورت بطلان فیصله به محکمه ذیصلاح جهت رسیده گی مجدد ارجاع میگردد در قسمت بند دوم که چنین مشعر است: اقدام به صدور فیصله جدید در صورت نقض فیصله محکمه تحتانی یا در صورت ضرورت ارجاع قضیه به محکمه حاکمه به منظور گرد آوری دلائل و تحقیقات مزید جهت رسیده گی مجدد.

در اینجا بند دوم دو قسمت دارد یک قسمت آن اینکه محکمه فوقانی خود به صدور فیصله جدید اقدام کند.

و قسمت دوم اینکه: حکم صادر شده ولی دلیل کافی وجود ندارد و یا قضیه ایجاب تحقیقات مزید را می نماید مگر محکمه از آن اغماض کرده لذا دوسیه دوباره محکمه تحتانی ارسال می گردد تا حکم خود را مستدل صادر نماید و یا تحقیقاتیکه موضوع را بر جسته و روشن میسازد صورت گیرد زیرا محکمه تحتانی داخل منطقه بوده و سروکار آن با مردم قریب تر و اضافه تر نظر به محاکم فوقانی میباشد بناءً دلائل در محکمه ابتدائیه قوی تر میباشد و اگر منظور گردآوری

دلائل و تحقیقات مزید نبوده محکمه فوقانی به صدور فیصله اقدام نماید در این صورت ارجاع قضیه بعد از نقض توسط محکمه فوقانی بدون وجود ضرورت به گردآوری دلائل و تحقیقات مزید به محکمه تحتانی بی مورد بوده محاکم فوقانی باید از آن اجتناب ورزند.

۳۲- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت جوزجان:

۱- در فقره (۲) ماده (۳۳) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم قوه قضائیه محکمه استیناف ف حین رسیده گی قضایای مندرج فقره (۱) این ماده میتواند طبق احکام قانون تصحیح ، نقض ، تعدیل ، تایید یا لغوه نمایند اما فقره (۳) ماده (۳۹۸) اصول محاکمات مدنی چنین بیان مینماید:

فیصله های محاکم تحتانی عاری از موارد بطلان نقض و دارای نقایص یا اشتباهات در اعدادوار قام از طرف محکمه فوقانی نقض نشده صرف جهت استدراک نقصان و اصلاح به محکمه تحتانی اعاده می گردد در بین دوماده تناقض بوده و قابل غور است.

۲- در ماده (۳۵) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم توظیف یکی از قضات محکمه استیناف به محاکم ابتدائیه در صورت ضرورت پیشینی شده آیا رئیس محکمه استیناف قضات محاکم ابتدائیه را به محکمه استیناف توظیف کرده میتواند یا خیر؟

۳- در رابطه به تسعیر دیت شرعی قبلادهر سال از طریق ریاست دارالانشاء مقام عالی ستره محکمه تثبیت می گردید به تمام محاکم طور متحدالمال خبر داده می شد اما در این اواخر کمافی السابق کدام اجراآت صورت نگرفته محاکم از این ناحیه دچار مشکلات می باشند.

۱- هرگاه به نصوص و منطوق هردوما ده مندرج استهاده عطف توجه گردد احواله واعاده فيصله ابتداء بمنتظر استدراك وتصحيح دررفع نواقص وخلاهای شکلی تصریح بعمل آمده است که بغير ازموارد نقض، بطلان وتعديل می باشد بنابراین بین دوماده فوق کدام تناقض وتباين به نظر نمیرسد.

۲- چون صلاحیت رئیس محکمه استیناف درنص ما ده متذکره مقید به توظیف قضات محکمه استیناف به محاکم ابتداء داخل حوزه تحت صلاحیت اومی باشد شامل اطلاق نمی باشد بنا بر این رئیس محکمه استیناف حایز صلاحیت توظیف قضات محاکم ابتداء بدیوان های استیناف نبوده است.

۳- اگرچه عطف به سوابق متحدالمالهای شورای عالی ستره محکمه درسال ۱۳۸۳ یا ۱۳۸۲ درین مواد متحدالمالها صادر گردیده است که حین برخورد محاکم به تعیین تسعیر وجه ومقدار دیت ازاهل خبره که معمولاً به بانک مرکزی (افغانستان بانک) ودر محلاتی که امکان تماس با دافغانستان بانک موجود نباشد، به اتحاده زرگری اطلاق می شود معلوما ت اخذ نمایند مگر خوبتر خواهد بود که ریاست محترم دالانشاء ستره محکمه روحیه قبلی را اعاده نمایند تابحث حجت قوی در فیصله های محاکم به آن اتکاء شود.

۳۳- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت میدان وردک:

قرار های قضائی دیوان های ستره محکمه مبنی بر نقض فیصله های استینافی رهنمودی وقابل رعایت در فیصله وتصمیم قضائی بعدی محاکم میباشد، اما بعضاً به ملاحظه میگردد که قرار های متذکره فاقد

دلایل وهدایات رهنمودی قانونی بوده صرف با ذکر خطاء در تطبیق ویا تاویل قانون مورد نقض قرار میگیرد که این امر باعث مشکلات در محاکم تحتانی گردیده واکثراً باعث نقض دوم میگردد لذا بخاطر جلوگیری از همچو حالات احتراماً پیشنهاد میگردد تا در مورد طبق احکام قانون در مورد تخطی ها اشارات وهدایات صریح را بکار گرفته ومحاکم تحتانی را رهنمائی فرمایند.

توضیح:

به اساس هدایت ماده (۴۰۵) قانون اصول محاکمات مدنی تطبیق قرار قضائی محکمه فوقانی مبنی بر نقض یابطلان فیصله در حصه رسیده گی مجدد حتمی پنداشته شده گرچه ذکر نواقص وخطاهای قانونی موجود در فیصله بطور اجمال در حصه غیر قانونی بودن قرار محکمه فوقانی کفایت میکند اما بهتر است که محاکم فوقانی حین تحریر نقض ویا بطلان به موضوع توجه نموده نکاتی را که باعث نقض یا بطلان گردیده بر جسته ساخته قسمی تحریر بدارند که منحیث رویه قضائی از آن در آینده استفاده شده بتواند.

۳۴- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت هرات!

در موضوعات مدنی. فیصله محکمه ابتدائیه از اثر استیناف خواهی محکوم علیه، در دیوان مدنی محکمه استیناف ولایت تحت غور قرار میگیرد. و دیوان از صلاحیت قانونی کار گرفته حکم محکمه ابتدائیه را باطل، نقض و یا غرض رسیده گی مجدد واپس به محکمه ابتدائیه ارسال میدارد. محکمه ابتدائیه به اساس ماده (۴۰۵) قانون اصول محاکمات مدنی مکلف به رسیده گی مجدد است. باید برای بار دوم موضوع را فیصله نماید. در حالیکه موضوعات جزائی هرگاه در دیوان جزای محکمه استیناف مورد نقض ویا بطلان قرار بگیرد،

دیوان موصوف قضیه را به محکمه ابتدائیه ارسال ننموده و آن را خود فیصله مینماید. آنچه در مورد قضایای مدنی قابل ملاحظه دیده میشود اینست که گاهی دیده شده که فیصله ابتدائیه در محکمه استیناف نقض گردیده و یا بدون اسباب بطلان باطل شده است و یا حکم ابتدائیه ایجاب تائید را مینمود و نقض وارد نیست با وجود آن محکمه ابتدائیه مکلف به فیصله مجدد است. که این خود تراکم موضوعات مدنی را در ابتدائیه به بار می آورد و طرفین دعوی زیاد سرگردان میشوند و باعث میشود تا محکمه مورد شکایت و اعتراض جامعه قرار گیرد. درین مورد تسهیلاتی اگر در نظر گرفته شود خوب خواهد بود.

توضیح:

در مورد پرسش فوق مواد (۴۰۵، ۳۹۸، ۳۹۹ و ۴۰۰) قانون اصول محاکمات مدنی صراحت دارد، محاکم به پیروی از آن مکلف میباشد.

۳۵- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت فاریاب!

اجراآت محاکم استیناف و دیوان ستره محکمه طبق احکام مواد (۴۰۱، ۴۰۲) و (۴۶۸) قانون اصول محاکمات مدنی در رابطه به نقض و یا تائید فیصله های محاکم تحتانی توسط قرار قضائی صورت میگیرد زمانیکه قرار قضائی مؤیده دیوان مدنی و حقوق عامه ریاست محاکم استیناف ولایت از اثر فرجام خواهی نقض میگردد بهتر خواهد بود نقض مذکور به صورتحال فیصله محکمه ابتدائیه معامله گردد و ضمناً قرار های قضائی نیز مانند سایر وثایق مجلد باشد در آینده کنده محفوظ داشته باشد.

توضیح:

دیوان مدنی و حقوق عامه ستره محکمه فیصله ها و قرار های صادره محاکم استیناف را از لحاظ قانونیت و مطابقت با احکام شریعت طبق حکم بند اول ماده (۴۵۱) قانون اصول محاکمات مدنی مورد ارزیابی قرار میدهد هرگاه در اثر غور و دقت ثابت شود که در صدور فیصله ها و قرار های متذکره تخطی قانونی بعمل آمده آنها را نقض و غرض صدور فیصله مجدد به محاکم تحتانی ارجاع می نماید در صورتیکه قرار مؤیده دیوان مدنی و حقوق عامه محکمه استیناف توسط دیوان مربوط ستره محکمه نقض گردد و علت نقض خلاصه و نواقص موجود در فیصله ابتدائیه باشد دیوان مربوط محکمه استیناف مکلف است که فیصله صادره محکمه تحتانی را نقض نموده با ارسال یک مکتوب محکمه مذکور را مطلع بسازد و خودش اقدام به صدور فیصله مجدد نماید در باره مجلد ساختن قرار ها بمانند کتب وثایق مقام با صلاحیت ستره محکمه بادر نظر داشت امکانات محاکم هدایت لازم و مقتضی صادر خواهند فرمود.

۳۶- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت سمنگان!

ماده ۴۹۹ ق.ا.م.م چنین صراحت دارد: «حکم قضاء مستند بر مدارک اثباتیه و علیه یک یا بعضی از وارثین حکم برکل ورثه است» در دعوی میراث اگر از جمله ورثه یکتن دعوی را له وارثیکه در مدعی بها ذوالید است باثبات برساند آیا این حکم حقوق سایر ورثه را هم ثابت میسازد و هر وارثیکه در متروکه سهم دارد بدون استدعا و دعوی و حکم جداگانه محکمه مطابق، همان فیصله و هدایت ماده مذکور سهمیه خویش را از وارث ذوالید به دست آورده میتواند و یا اینکه ماده مذکور مفهومی دیگری دارد که در حکم ماده (۱۶۴۲) مجله الاحکام انعکاس یافته است؟ موضوع قابل توضیح دیده میشود.

هرگاه یکی از ورثه حاضر، بالای شخصی که در عقار ذوالید باشد دعوی ملکیت موروثی را نماید مثلاً: بگوید که این عقار از پدرم بوده برای من و برادرم که فعلاً غائب است بطریق ارث انتقال یافته بعد از بیان موت مورث، تعداد ورثه و جرارث دعوايش را باثبات برساند محکمه نصف مدعی بها را بطور مشاعی برای مدعی حکم میکند و حصه غائب بنزد ذوالید باقی می ماند سپس اگر برادر غایبش حاضر گردید و مطالبه حصه اش را نمود محکمه ذیصلاح بدون اقامه شهود به همان حکم سابق اکتفا کرده حصه و نصیب شخص غائب عندالحکم را در وقت حضورش برایش تسلیم می نماید زیرا نظر به قاعده ، یکی از ورثه در دعوای که علیه میت و یا له میت اقامه میگردد بحیث خصم واقع می شود در حقیقت اثبات ملک برای میت صورت گرفته بعداً بطریق ارث برای ورثه انتقال یافته است بناءً باثبات مجدد و حکم مجدد ضرورت احساس نمیگردد همان حکم که برای یک وارث صورت گرفته در واقع حکم برای تمام وارثین دانسته می شود و محکمه هنگام مراجعه ورثه غائب توسط صدور قرار قضائی در حصه تسلیم حصه اش تصمیم اتخاذ می نماید. تفاوتی که بین حکم ماده (۴۹۹) قانون اصول محاکمات مدنی و محتویات ماده (۱۶۴۲) مجله الاحکام وجود دارد این است که ماده مذکور مجله الاحکام حکم برای یکی از ورثه را وقتی حکم برای سایر ورثه میداند که اثبات حکم بوسیله بینه صورت گرفته باشد ولی ماده (۴۹۹) قانون مذکور در برگیرنده تمام مدارک اثباتیه که عبارت از اسناد، شاهد

وقرینه است، میباشد و طبق هدایت ماده (۱۳۰) قانون اساسی محاکم مکلف اند که موافق هدایت ماده مذکور عمل نمایند.

۳۷- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت جوزجان!

آنچه ملکیت های دولتی که از طرف دولت برای یکتعداد اهالی در بدل مالیه موقت اجازه حق انتفاع برایشان داده شده است که از سالهای متمادی تحت تصرفات و ذوالیدی شان قرار دارد و در آن کشت و زارعت مینمایند و در دفاتر املاک بطور کثمتندی قید و ثبت میباشد، اگر در همچو املاک ادعای غصب صورت گیرد یا از طرف بعضی اشخاص غصب شده باشد چه نوع اجراآت باید نمود.

توضیح:

ماده (۱۶۳۷) شرح مجله الاحکام چنین مشعر است:

حضور هر یک از ودیع و مودع در دعوی ودیعت برودیع مستعیر و معیر در دعوی مستعار بر معیر موجر و مستاجر در دعوی اجاره بر مستاجر و مرتهن و راهن در دعوی رهن بر مرتهن شرط است. اما اگر ودیعت، مستعار ماجور و مرهون مورد غصب قرار گیرد در اینصورت ودیع، مستعیر، مستاجر، مرتهن میتوانند بر غاصب اقامه دعوی نمایند و به حضور مالک این اموال نیازی نیست ولی مالک این اموال بدون حضور این اشخاص دعوی دایر کرده نمیتواند. بناءً بر هدایت ماده فوق مستاجر و مستعیر که زمین های دولتی نزد شان طور اجاره و یا عاریت قرار دارد اگر غصب گردد حق دعوی را بر غاصب دارند.

۳۸- پرسش دیوان تجارتی محکمه استیناف ولایت کابل:

معرفی نماینده شرکت توسط مکتوب غرض انتقال ملکیت صورت می گیرد طور مثال موتر باسم مشتری انتقال میگردد آیا معرفی نماینده مذکور شکل قانونی دارد یا خیر؟

توضیح:

در صورتیکه مهر و امضاء رئیس شرکت و معاون آن نزد محکمه موجود باشد در فروش اموال منقول شرکت مکتوب خاص برای نماینده مذکور داده شده باشد بعد از تطبیق مهر و امضاء اسناد شرعی فروش اموال مذکور امضاء شود.

۳۹- پرسش دیوان تجارتی محکمه استیناف ولایت کابل:

کمپنی های بزرگی در خارج هستند میخواهند در افغانستان بهمان اسم شرکت ثبت و راجستر نمایند طوریکه رئیس شرکت فلان شخص بدون سهم و معاون شرکت فلان شخص بدون سهم و بامعاش ماهوار کار می کنند در مورد ثبت مذکور طالب هدایت می باشیم که آیا ثبت شود یا نه؟

توضیح:

چون شرکت ها معاملات بزرگ تجارتی را در داخل افغانستان انجام می دهند باید شرکت با سرمایه معین در داخل افغانستان راجستر و ثبت باشند و نمایندگی اگر سرمایه معین را ثبت نکرده است بناءً حق فعالیت و راجستر را ندارد.

۴۰- پرسش ریاست محکمه خاص ملکیت ها:

محاکم ابتدائیه و مرافعه در اثر غیابت معروض علیه به جلب و اعلان توسط اطلاعات جمعی اقدام میدارد موصوف بعد از اعلام یک مرتبه حاضر می گردد دولی بازهم در جلسات بعدی غایب می شود آیا

همان حضور مدعی علیه اثرات جلب و اعلان رادیو را خنثی می کند جلب و اعلام رادیویی مجدد ضرورت است و یا چطور؟

توضیح:

هرگاه معروض علیه بعد از جلب های سه گانه و اعلان رادیو بمحکمه حضور یابد و بعداً از محکمه کناره گیری ورزد در این حالت محکمه به منظور رعایت اصل حقوق تساوی طرفین برای یک مرتبه ویرا تحت جلب قرار دهد و در صورت ادامه غیابت بدون عذر موجه محکمه میتواند احکام تعیین وکیل مسخر را در مورد تحت اجراء قرار دهد.

چون کمیته خاص ملکیت ها حالا ملغی می باشد عنوان پرسش قابل تغییر است.

۴۱- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت بلخ:

الف - هزار ها جریب زمین بکر و بایر دولتی ، املاک شخصی در خلال شرایط تنظیمی از طرف اشخاص به عنوان نماینده دولت در حال فقدان صلاحیت بالای افراد بفروش رسیده است اسناد رسمی آن توسط قضات فاقد انسلاک ترتیب شده است الی اکنون چندین مراتب دست به دست قبالة گردیده است.

ب - عده از تعمیرات رهائشی و ادارات دولتی بدون طی مراحل استملاک نمره بندی گردیده به فروش رسیده و اسناد شرعی آن نیز ترتیب شده و چندین بار بین افراد عنوانی خرید و فروش تبادل گردیده است.

ج- موازی سی هزار جریب زمین بکروباير دولتی واقع دوجنا ح سرک حیرتان از طرف اشخاص ذی نفوذ به عنوان کمپ مهاجرین ولسوالی دولت آباد تصرف گردیده که برای توجیه تصرف ایشان اقرارخط های شرعی ذوالیدی در محکمه ابتدائیه ولسوالی حیرتان ترتیب گردیده و بر مبنای همان اقرارخط های ذوالیدی توسط قباله های قطعی بالای افراد فروشات صورت گرفته است. در حالیکه ساحه متذکره مربوط ولسوالی نهر شاهی بوده اسناد ذوالیدی خلاف صلاحیت ترتیب گردیده والی اکنون در ساحه فقط چهار حلقه چاه عمیق حفر گردیده چگونه میتوان جلو تصرفات غیر شرعی گرفته شود در مورد فوق دعوی بالای ذوالید صورت گیرد یا اشخاص حقیقی و حکمی بالای اشخاص متعدد اقامه دعوی نماید آیا محاکم میتوانند همچو قضایا را حل و فصل نمایند.

توضیح:

در هر صورت محکمه صلاحیت دعوی ناشی از هر گونه قضایا را دارا بوده باتفکیک نوعیت و تشخیص صلاحیت میتوانند به حل و فصل چنین دعاوی پردازد از اینکه در موضوع مورد بحث املاک دولتی مطرح است بناءً احکام فرمان (۸۳) ریاست دولت و مصوبات شورای عالی ستره محکمه در رابطه مدنظر گرفته شود در صورت حدوث دعاوی مسئله شرعی مندرج ماده (۱۶۳۵) مجله الاحکام و ماده (۱۲۷)، (۱۲۰) قانون اساسی مرعی گردد. و همچنان طبق متحد المال ۱۳۸۵ دارالانشاء ستره محکمه که بالاثار پیشنهاد ریاست محکمه

استیناف بلخ و حکم تاریخی ۱۳۸۵ مقام ریاست دولت صورت گرفته در مورد اجراءات بعمل آید.

۴۲- پرسش ریاست محکمه ولایت دایکندی:

چون اکثریت ساکنین ولایت دایکندی اهل تشیع است و طبق ماده (۱۳۱) قانون اساسی در مورد مسائل احوال شخصیه فیصله به حکم فقه جعفریه میشود و به نظر علماء اهل تشیع در فقه جعفری تفریق بین زوجین و یا فسخ نکاح و یا اجرای طلاق بدون رضایت زوج نمیشود. لهذا محکمه در مورد مسائل احوال شخصیه دچار مشکل است اکثر فامیل ها که موضوع شان به صلح حل نشود به محکمه رجوع می کند خواهان تفریق می باشد یا به سبب ضرورت و یا غیبت و یا عیب و یا عدم انفاق و زوج بدون اخذ پول زیاد راضی به طلاق نمیشود و زوجة توان اداء آن را ندارد.

و هم در مسائل دیگر احوال شخصیه طرفین دعوی فتوای مختلف از مراجع تقلید به محکمه تقدیم می کند آیا محکمه میتواند تا تصویب قانون احوال شخصیه وفق احکام قانون مدنی اصدار حکم کند و یا اینکه معطل بماند؟

توضیح:

در ماده (۱۳۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان مبنی بر رسیدگی قضایای احوال شخصی بر طبق مذهب اهل تشیع قید مطابق به احکام قانون وجود دارد. چون قانون احوال شخصیه اهل تشیع تا هنوز نافذ نگردیده است، بناءً محاکم الی نفاذ قانون مورد بحث مطابق احکام قانون مدنی مصوب سال ۱۳۵۵ کماکان اجراءات نمایند.

بعضی قضایائی وجود دارد که طرفین هیچگونه اسناد قانونی در اختیار نداشته از عرصه (۴۰ الی ۵۰) سال به این طرف در تصرف و ذوالیدی شان قرار داشته و دولت هم علیه همچو اشخاص کدام ادعای نکرده است محکمه در برابر دعاوی همچو اشخاص واصحاب دعوی از چه نوع رویه قضائی کار بگیرد تا مشکل محکمه و طرفین حل وفصل گردد؟

توضیح

در صورتیکه ملکیت به دولت مربوط نباشد محاکم درین مورد مطابق فقره (۸) ماده (۲۱) قانون اصول محاکمات مدنی به مرور زمان تصمیم اتخاذ نمایند.

بخش چهارم

توضیح به استهداآت امور

وثایق ، محصول

ومصارف محاکم

۱- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت میدان وردک:

چون شخصی که محکوم له قرارگرفت محصول فیصله را دربانک تحویل مینماید و فیصله غرض غور استینافی به دیوان مدنی ارجاع و دیوان متذکره فیصله ابتدائیه را نقض و غرض فیصله مجدد به محکمه ابتدائیه ارسال میدارد موضوع در محکمه ابتدائیه به اصلاح خاتمه می یابد در این صورت اگر دعوی در بدل عقار صلح گردیده باشد و دعوی داخل صورت حال شده باشد از بدله صلح محصول قباله گرفته نمیشود زیرا محصول فیصله محصول قباله بوده است. اگر دعوی داخل صورت حال نشده باشد درین صورت محصول اصلاح خط اخذ گردد یا مبلغی که در فیصله تحویل نموده مجراء داده شود؟

توضیح:

مطابق قانون محصول وثایق و اسناد اداری دولتی در قضایای مدنی و تجارتی محصول از محکوم له اخذ نمیگردد بلکه محصول از محکوم علیه اخذ می گردد ولی در مورد اینکه شخص در محکمه ابتدائیه به تحویل محصول مبادرت نموده و در محکمه استیناف نیز به تحویل محصول مکلف میگردد محصولی را که وی در محکمه ابتدائیه تحویل نموده است، مطابق بند (۵) فقره اول ماده دوم تعرفه محصول دولتی در محاکم ج.ا.ا. برایش مجرا داده میشود. همچنان به تاسی از آن در صورتیکه شخص در جریان محاکمه بعداً به تحویل محصول مجدد مکلف گردد برای وی مجری داده میشود.

۲- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت فاریاب:

ملکیت مربوط یک اداره دولتی در صورتیکه به یک اداره دیگر دولتی داده شود و اداره مذکور از محکمه تقاضا قباله نماید آیا ایجاب اجرای قباله را می نماید؟

اگر ایجاب اجرای قباله را نماید، قانوناً والی ها منحیث نماینده دولت بحیث بایع و مشتری قرار میگیرند در چنین حالت اگر بایع والی ولایت را قبول نمایم بحیث مشتری چی کسی قبول گردد و همچنان اگر بایع شاروالی باشد چگونه اجراءات صورت گیرد؟

توضیح:

۱- هرگاه ملکیت از یک اداره دولتی به اداره دیگر دولتی بعوض و یا بدون عوض انتقال مینماید ضرورت به ترتیب قباله نبوده انتقال ملکیت با اثر پیشنهاد اداره دولتی بعد از منظوری رئیس جمهور صورت میگیرد البته ادارات ذیربط در مورد عقاریکه انتقال میگردد تفصیل نوعیت، موقعیت، مساحت، حدود و سایر مشخصات ملکیت را در پیشنهاد مذکور درج می نماید.

۲- اگر بایع شاروالی باشد در صورتی که ملکیت به اداره دیگر دولتی انتقال می نماید حسب ماده اول اجراءات میشود ولی اگر ملکیت از طرف شاروالی به اشخاص حقیقی انتقال می نماید والی مطابق فقره (۸) ماده (۱۴) قانون ادارات محلی منحیث بایع بالوکاله از طرف دولت در وثیقه قباله قطعی نیابت می نماید.

۳- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت جوزجان:

درج نمبر تذکرہ تابعیت شخص مطابق مادہ ۱۱ تعلیماتنامہ تحریر واثیق ضروری مییاشد وهمچنان مطابق متحدالمال (۱۷۱) ۱۳۴۰/۲/۲۴ دارلانشاء شورایعای ستره محکمه درج نمبر تذکرہ در وثیقه حتمی مییاشد درغیر آن اعتبار ندارد در حالیکه اکثریت مطلق قشر اناثیه از داشتن تذکرہ بی بهره اند این مشکل چگونه حل گردد، قابل توضیح است.

توضیح:

در صورتیکه واثیق از اقراری اناثیه و راجع به التزام اوشان ترتیب میگردد حتی الوسع به اخذ تذکرہ تابعیت مکلف شوند ودر صورتیکه امکان اخذ تذکرہ موجود نبود یکی از اقارب درجه اول اناثیه در وثیقه بحیث شاهد قرار گیرد وبه ترتیب وثیقه مبادرت شود.

۴- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت کاپیسا!

حین اجراء قباله راجع به قیمت گذاری عقار مورد فروش از طرف هیأت قیمت گذاری، محکمه مطمئن نمی باشد احیاناً دیده میشود که بین قیمت گذاری ونرخ روز تفاوت قابل ملاحظه دیده میشود بخاطر محصول دولت اگر یکی از اعضاء محکمه شامل هیئت قیمت گذاری گردد خوب خواهد بود.

توضیح:

مطابق به احکام مندرج مواد (۱۷۶ - ۱۷۷) قانون اصول محاکمات مدنی اهل خبره غیر قضات می باشند اشتراک قضات ومنسویین اداری محاکم در زمره اهل خبره خلاف یادداشت (۶۷۶) ۱۳۸۴/۸/۲۵ شورایعالی می باشد چون معمولاً اهل خبره وکار شناسان مطابق لایحه ومقررہ معینہ قیمت گذاری می نمایند اگر نزد محکمه غبن فاحش

به ملاحظه برسد محکمه می تواند نظریه اهل خبره مجدد را غیر از هیئات قبلی مطالبه نماید البته در صورتی که قیمت معینہ مندرج عریضه بایع که بین متعاقدين مورد موافقه قرار گرفته با قیمت گذاری اهل خبره تفاوت داشته باشد محصول قباله از بلند ترین قیمت اخذ میگردد.

۵- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت میدان وردک:

درمورد ترتیب وثیقه شهداء طبق تعامل به اساس فورمه ش (۱۲) ریاست شهداء ومعلولین، وثیقه اجراء میگردد که این طور اجراءات اسباب اجراء بیش از حد وثیقه شهداء می شود که مرگ ومیرعادی را نیز شامل میگردد، ومحکمه ومراجع عالی قوه اجرائیه متهم به اجراءات غیرقانونی میگردند در حالیکه محکمه درمورد، هیچ نوع صلاحیت کاری مبنی بر تثبیت مرگ شهداء نداشته وندارد لذا به مقام محترم پیشنهاد مینمایم تا صلاحیت اخذ اقرار مردم محل را در وثیقه بداخل محکمه تصویب وبه محاکم ارجاع بفرمایند تا جلو جعل کاری ها وسوء استفاده ها گرفته شود.

توضیح:

درهمچوموارد لازم است تا شهود وثیقه وصایت خط ویا مقرین وثیقه اقرار خط حصروراثت از محل مسکونه شهداء باشند.

۶- پرسش محکمه استیناف ولایت فاریاب:

محصول اثبات فیصله های حقوقی طبق هدایت ماده (۲) تعرفه محصول دولتی در محاکم ج.ا.ا. از محکوم علیه اخذ میگردد اگر فیصله نسبت عدم موجودیت مدعی علیه با تعیین وکیل مسخر غیاباً به ملامتی غائب فیصله وغائب محکوم علیه قرار میگیرد پس درمورد اخذ

محصول از محکوم علیه غائب که اصلاً غائب می‌باشد چه نوع اجراءات گردد؟

توضیح:

وکیل مسخر هیچگاه به تحویل محصول مکلف نمیگردد و از طرفی هم حسب مصوبه شماره (۵۸۹) ۱۳۸۶/۷/۵ شورای عالی ستره محکمه که ذریعه متحد المال شماره (۲۵۳۹) الی (۲۵۹۳) مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸ به محاکم اخبار شده است، رسیده گی استینافی و فرجام رسی به تحویل محصول محکمه تحتانی مشروط نمی باشد و محکوم علیه غائب مدیون دولت بوده و دین مورد نظر قانوناً عندالحضورش قابل تحصیل می باشد.

۷- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت پکتیا:

متحد المال ستره محکمه حاکیست که آن عده اشخاصیکه عمرشان از هجده سال بالا باشد باید برای تغییر و تصحیح اسم وی وثیقه شرعی ترتیب نشود اما از طرف ریاست معارف ولایت پکتیا شاگردانی را برای تصحیح و یا تغییر اسم معرفی می نماید که عمرشان از هجده سال بالا می‌باشد. از این ناحیه دچار مشکلات هستیم لطفاً درمورد رهنمائی نمایند.

توضیح:

مطابق ماده (۷۰) قانون ثبت احوال نفوس تبدیل اسم بعد از تکمیل سن هجده و تصحیح اسم بعد از ظهور جلب مکلفیت عسکری صورت گرفته نمیتواند و اگر قبل از آن صورت میگیرد آنهم برای یکبار ولی تصحیح اسم به ترتیبی که اسم شخص تبدیل نگردد و به اسمی که شهرت داشته و احتمال جعل و تزویر وجود نداشته باشد

تصحیح گردد، مانعی ندارد بطورمثال شخصی در اثنای تعلیم به یک نام داخل مکتب گردیده تذکره بنام اصلی بعداً اخذ می نماید و یا اسم مندرج تذکره وی به دفتر مکتب تصحیح نگردیده درین حال تصدیق اصلیت و شخصیت متعلم مذکور به تائید اسم اصلی مندرج تذکره وی صورت می گیرد.

۸- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت فاریاب:

باساس حکم ماده (۲۸۷) قانون اصول محاکمات مدنی اسناد وقتی مدار اعتبار دانسته می شود که ثبت محفوظ دیوان قضا را دارا باشد. برای تامین مصوونیت ثبت های محفوظ بهتر می بود که علاوه براینکه اسناد درمخزن حفظ میگردد، ثبت کمپیوتر نیز گردد.

توضیح:

پروسه ثبت اسناد در کمپیوتر در مرکز وعده ای از ولایات آغاز گردیده، طرزالعمل ترتیب مثنی توسط کمپیوتر نیز تنظیم و تصویب شده است، این سیستم در سایر ولایات نیز آغاز خواهد گردید.

۹- پرسش ریاست محکمه ولایت دایکندی:

از آنجای که بنظر میرسد در سالهای قبل عده ای از اشخاص به صورت متخاصمین در یک محدودده که اسناد بنیادی و قانونی مطابق ارزش های قانونی تنظیم امور زمینداری و غیره قوانین نافذه کشور در اختیار نداشتند خصومتی را در محکمه آن وقت براه انداختند و محکمه ذیصلاح وقت هم بدون این که در قسمت داشتن و نداشتن اسناد مدار حکم طرفین تماس بگیرد ابراء خط شرعی و یا فیصله اصلاحی خویشرا به منظور قطع خصومت طرفین قضیه صادر نموده است اما سند صادره محکمه وقت تاکنون در دفتر اساس رسماً به اسم

دارنده سند قید نگردیده کماکان در دسترس شان قرار دارد روی هم رفته پس از گذشت زمان شخص دیگری به صفت مدعی تبارز نموده علیه دارنده همین سند مذکور ادعای ملکیت نموده است و می نماید وقضیه غرض فیصله شرعی به محاکم مربوطه این ولا احاله میگردد از اینکه همچوسند دارای ثبت محفوظ قضاء و امثال بوده و کدام ملاحظه راجع به ترتیب آن نزد محکمه وجود ندارد تنها اشکالی که موجود است این است که ترتیب وثیقه مذکور بدون در نظر داشت وملاحظه اسناد قانونی طرفین دعوا صورت گرفته است، هرگاه وثائیکه بر مبنای اسناد قانونی ترتیب نشده باشد در حین بروز دعوای جدید بالای همچو اسناد، محکمه چه نوع طرز العمل قضائی را در پیش گیرد تا مشکلات قانونی در روشنی احکام قانون مرفوع شده باشد.

توضیح:

در صورتیکه وثایق ابراء خط، اصلاح خط وسایر انواع آن ثبت محفوظ داشته باشد ومطابق احکام قانون ترتیب شده باشد محاکم برعایت آن مکلفیت دارند.

۱۰- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت زابل!

یک تعداد اصحاب دعاوی، قباله های قطعی به محکمه ارائه می دارند وقتیکه راجع به سقم وصحت آن از تحویل خانه یا مخزن معلومات اخذ می گردد جواباً تحریر میدارد که کنده قباله مربوط حریق گردیده در همچو حالات محاکم چه نوع اجراءات نمایند .

توضیح:

در صورتیکه مماثل قباله های مورد نظر وجود داشته واحتمال جعل وتزویر آن موجود نباشد محکمه ذی علاقه میتواند وفق هدایت ماده (۹ و ۳۱) تعلیمات نامه تحریر وثایق اجراءات نماید .

۱۱- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت ننگرهار:

در محکمه شهری اکثر اشخاص مراجعه مینمایند ومیخواهند که وثایق شان از قبیل حصر وراثت یا وکالت وغیره جهت اجرای حقوق تقاعد مورث آن ها در محکمه شهری اجراء گردد، حینی که از آنها پرسان میشود و تذکره از آنها میخواهیم تذکره شان مثلاً از خوگانی یا کامه وغیره ولسوالی ها است ومیگویند که ما در شهر جلال آباد بود وباش داریم برای جلوگیری از جعل وتزویر اگر وثایق شان در ولسوالی های مربوطه شان اجراء شود بهتر است زیرا در جای مربوط تعداد ورثه به اهالی معلوم میشود و حجم تراکم کار در محکمه شهری کم میشود، طالب هدایت میباشیم.

توضیح: وثایق حصروراثت در صورت امکان در محل وفات متوفی ترتیب گردد، ودر صورتیکه وثیقه در غیر محل نسبت ضرورت ترتیب میگردد، لازم است شهود وصایت خط ومقرین اقرار خط حصروراثت از محل مسکونه متوفا باشند ولی وثیقه وکالت در محل سکونت موکل ترتیب میگردد.

۱۲- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت پکتیا:

درین اواخر ریاست کاروامور اجتماعی وکالت وثایق سابقه شهداء را به محاکم مسترد میکند که یک وکالت برای سه نفر است از آن اضافه قابل قبول نمیشد در حالیکه یک شهید هفت ویا زیادتیر ورثه داشته باشد پس لازم است که سه وثیقه وکالت برایش ترتیب

گردد که این عمل از یکطرف مخالف شریعت و از جانبی سبب سرگردانی ورثه شهداء میگردد که باین اساس این را خود فساد اداری مینامیم که دریک موضوع طبق احکام شریعت و رفع مشکلات یک خانواده و ازیک نفر ویک وثیقه به سه نفروکیل ورثه و سه اساس تغیر داده میشود که درمورد نیز توجه اولیا امور را معطوف میداریم.

توضیح:

در ترتیب وثیقه وکالت تعداد موکلین ولوبه هر عدد باشد منحصر به تعداد نبوده مانع قانونی ندارد استدلال اداره کار و امور اجتماعی مبنی بر اینکه یک وکالت به سه نفرورثه منحصر است و از آن اضافه قابل قبول نیست، بی مورد میباشد البته دقت قضائی حین ترتیب وثیقه وکالت بمنظور جلوگیری از جعل و تزویر امر ضروری میباشد که موکل از اقارب درجه اول، دوم و سوم وکیل باشد. درمورد، تقرر و تعیین وکیل مدافع مشروط به جواز وکالت می باشد.

۱۳- پرسش ریاست محکمه ولایت کندهار:

یک تعداد وثایق خرید و فروش عراده جات از قبیل موتر و موترسایکل بین شرکت ها و افراد ترتیب و به مراجع مربوط رسماً ارسال میگردد، ولی درمورد محصول کدام لایحه و یا متحدالمال واصل نشده که ایجاب تحویل محصول را مینماید یا خیر، اگر محصول اخذ گردد چند فیصد خواهد بود؟ درمورد عدم تحویل محصول نیز کدام هدایت موجود نیست ازاینکه انتقال ملکیت صورت میگیرد نظربه تعامل باید محصول اخذ گردد، اما تاکنون در طی پنج

سال گذشته در این مورد محصول اخذ نشده و وثایق خرید و فروش آن ترتیب و صرف قیمت وثیقه اخذ شده است. روش بعدی درین مورد چه خواهد بود.

توضیح:

در حین ترتیب وثیقه فروش عراده جات صرف قیمت وثیقه اخذ میگردد، مستند به فقره (پنجم) مقررات مربوط به وثیقه خرید و فروش عراده جات موتری، وثیقه انتقال ملکیت دارای محصول فیصدی در محاکم نمی باشد.

۱۴- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت کاپیسا:

باساس تجویز مقام ستره محکمه ترتیب قبالة های جایداد عقاری از قبیل زمین و ساختمان بدون داشتن اسناد بنیادی منع قرار گرفته نظر به شرایط و اوضاع دوده جنگ در وطن اکثر مخازن و ثبت های محفوظ دیوان قضاء از بین رفته بناءً اکثر پروگرام های بازسازی نسبت عدم ترتیب اسناد انتقال ملکیت به رکود مواجه شده است در زمینه طالب هدایت می باشیم.

توضیح:

درمورد زمین، تصفیه ساحه صورت گیرد و درمورد ساختمانهای قدیمه، در صورتیکه ساختمان در ساحه شاروالی و املاک عامه موقعیت نداشته باشد از اقرار همجواران وثیقه ذوالیدی ترتیب گردد.

۱۵- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت میدان وردک:

قراریکه دیده میشود محاکم استیناف برخی از دوسیه هائی را که بنفع مدعی حکم گردیده به استناد فقره (۳) ماده (۳۸۲) قانون اصول

محاکمات مدنی به نسبت عدم تحویلی محصول دولتی از جانب محکوم علیه تسلیم نمیشوند و از جانبی دیگر محکوم علیه بخاطر اینکه مدعی بها مدتی در دست آن باقی بماند و از طرف دیگر مدعی مذکور خسته شده دعوی را ترک گوید از مقامات محترم با استفاده تسهیلات قانونی خواهان اقساط میگردد لذا بمقام محترم پیشنهاد میگردد تا در مورد رفع این مشکل اقدام عملی قانونی را که حل مشکل مردم و محاکم باشد روی دست گرفته هدایت بفرمایند.

توضیح:

رسیدگی استینافی و فرجام رسی، قضایای مدنی مانند قضایای تجارتي حسب مصوبه (۵۸۹) ۸۶/۷/۵ شورای عالی ستره محکمه که ذریعه متحدالمال شماره (۲۵۳۹) الی (۲۵۹۳) مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸ به محاکم اخبار شده است، به تحویل محصول مشروط نبوده بنابراین در زمینه بارعایت مصوبه فوق شورای عالی ستره محکمه مشکل حل میگردد.

۱۶- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت نگرهار.

وثیقه اخبار مخبرین که در مورد نکاح زوج و زوجه شهادت میدهند و محکمه وثیقه اقرار خط آنها را ترتیب مینماید که به حکم نکاح خط است ولی در صورت ترتیب آن محصول نکاح خط از بین میرود اینگونه وثایق با در نظر داشت وثیقه نکاح خط قابل اجراات است یا خیر؟

توضیح:

وثیقه نکاح خط مستند به قانون محصول وثایق و اسناد اداری دولتی و تعرفه محصول دولتی در محاکم محصول ندارد وثایق اقرار خط

راجع به ازدواج های سابقه که یکی از زوجین حضور نداشته باشد از اقرار مخبرین ترتیب می گردد. نیز محصول ندارد.

۱۷- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت نگرهار.

آیا قبالجات کتابچه ئی، اجراات خرید و فروش آن و سایر اجرااتی که برویت همین قباله ها صورت می گیرد، صحت دارد یا خیر؟
توضیح:

در مورد اراضی زراعتی چون دفتر مالیه دهی سند ملکیت محسوب می گردد در حالیکه تصفیه اراضی صورت گرفته باشد کتابچه مذکور بارعایت احکام قانون صحت دارد.

۱۸- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت کندهار:

بعضی اشخاص اسناد شرعی که از ترتیب آن تخمین یکصدسال یا اضافه از این سپری شده غرض ثبت محفوظ به تحویلخانه مراجعه می نمایند در تحویلخانه ثبت های آن وجود ندارد و امکان دریافت شان و نظایر آن هم غیرممکن است در مورد ثبت آن خلق الله به مشکل مواجه هستند قبلاً در وقت حکومت شاهی مقام عالی ستره محکمه وقت برای رفع مشکلات کتاب مخصوص چاپ وبه محاکم ولایات ارسال کرده بود در رادیو اعلان نمود اگر کدام نفر اسناد قدیمه داشته باشد غرض ثبت به محکمه مراجعه نماید از طرف محکمه هیئت به شمول قاضی تعیین شده بود، اصل وثیقه را در کتاب مخصوص ثبت بعد از مهر رسمی و امضاء قاضی و هیئت مقرر اصل وثیقه بمالک آن داده میشد و ثبت آن در تحویلخانه میبود حالا اگر مقام شما در مورد کدام تجویز اتخاذ نماید مشکلات خلق الله تعالی مرفوع خواهد شد.

توضیح:

قبلاً با اثر متحد المال (۴۷۷۳-۵۰۲۹) ۱۰/۶/۱۳۴۸ دارالانشاء شورایعالی غرض جلوگیری از جعل و تزویر و ساختن اسناد اهالی توسط طرز العمل دعوت شدند تا اسناد دست داشته شان را در کتاب مخصوص همان وقت معامله و ثبت نمایند تا از جعل اسناد جلوگیری بعمل آید و مدتی مدیدی جریان مذکور صورت گرفت، منظور صرف جمع آوری اسناد قدیمی بوده و به هیچ وجه ثبت مذکور حیثیت ثبت محفوظ را نداشته حال از آنجا که اسناد املاکی در پهلوی خود قیدیت املاکی میداشته باشد و از طرفی هم در این اواخر به جعل و تزویر اسناد مبادرت گردیده محاکم در حین رسیدگی منازعات احکام قانون را رعایت نمایند در این زمینه پروسه مشاهده نظایر و امثال خلاف ماده (۹) تعلیماتنامه تحریر و ثایق می باشد.

۱۹- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت ارزگان:

وکالت خط های که در خارج و داخل ترتیب می گردد صلاحیت های مفوضه چون سرپرستی، اجاره و کرایه عندالضرورت دعوی و دفع، و بالاخره به فروش به بیع جایزی و یا قطعی اگر می شود، کفایت می کند.

آیا متضمن تسجیل قباله و اخذ ثمن و دادن قباله به مشتری میشود یا نه؟ طالب هدایت میباشیم.

توضیح:

ذکر صلاحیت اجرای قباله و اخذ ثمن در وکالت باید باصراحت تام صورت گیرد و آنچه در وکالت ذکر نه شده باشد وکیل به آن عمل کرده نمیتواند.

۲۰- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت دایکندی:

کتاب وثایق صحافت درست ندارد جلد آن نازک و کاغذ آنها نازک است زود زود مندرس می شود.

توضیح:

لازم است کاغذ کتب و وثایق از نوع عالی و ستند رد تهیه، طبع و بصورت درست صحافت گردد تا از مندرس شدن آن جلوگیری بعمل آید.

۲۱- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت کندهار:

در مواردیکه مالیه در دفاتر قید نبوده و زمین داری به قلبه، تخمیریز، حقابه و غیره درج باشد در اجرای قباله جات چگونه رفتار شود.

توضیح:

عرف محلات متفاوت است عرف محل در اجرای مراتب قباله جات مدنظر محاکم ذیصلاح باشد. و تحویل معیار های مذکور توسط اهل خبره به جریب که حاوی مساحت دو هزار متر مربع میباشد صورت گرفته میتواند.

۲۲- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت بلخ:

به اساس مالیه دهی قباله داده شود یا خیر؟ اگر مالیه در نظر گرفته شود کدام نوع، مالیه اصل، مازاد، مترقی، و موقت.

توضیح: مالیه اصل رعایت شود.

۲۳- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت بغلان:

از نام وثیقه معلوم میشود که وثیقه بمعنی محکم و اعتبار و وثوق است. بناءً لازم است که محررین خوش خط و من حیث املا و انشاء بطور صحیح تحریر شود پس توجه جدی به محررین شود، خصوصاً در تحریر قباله ها و فیصله ها به صورت جدی به این موضوع توجه شود

و محرر یکه صفات فوق را داشته باشد به اجرای وظیفه تحریر موظف شود.

توضیح:

با آنکه توجه قضات در اجراءات و ظایف حتمی است یکی از شرایط اولی استخدام محررین حسن خط قبول شود و کورسهای محررین ایجاد شود اگر محررین جدید در آینده از طریق کانکور بیایند بهتر خواهد بود.

۲۴- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت ننگرهار.

طبق لایحه جدید محصول از محکوم علیه گرفته شود و عادلانه هم همین است ولی محکوم علیه در موضوع غصب عقار محصول را نمی پردازد و به اخذ منافع مغضوبه دوام میدهد و در موضوعات تجارتی هم وضع به همین منوال است تجویز باید چه باشد؟

توضیح:

قبلاً در موضوعات تجارتی استیناف خواهی و یا فرجام طلبی بدون تحویل محصول طبق هدایت ماده (۳۲۰) قانون اصول محاکمات تجارتی مورد قبول واقع نمیگردید که بالاخر فیصله شماره (۴۹۱) مورخ ۱۳۵۳/۲/۲۴ مجلس وزراء وقت فقره چهارم پره گراف اول ماده مذکور باین قسم تعدیل گردید که محصول فیصله بحیث دین دولت است و از طریق اداره مربوط لازم التحصیل بوده و جریان رسیده گی استینافی یا فرجامی بواسطه عدم تادیه محصول عندالوقت معطل نمی ماند. ازینکه قضایای مدنی در اجراءات مشابه قضایای تجارتی است اخیراً شورایعالی ستره محکمه در مجلس مورخ ۸۶/۷/۵ طی مصوبه (۵۸۹) چنین تصویب نمودند که حکم تعدیل ماده (۳۲۰)

قانون اصول محاکمات تجارتی که به شماره (۲۷۳) مورخ ۱۳۵۳/۲/۳۰ جریده رسمی وزارت عدلیه وقت نشر گردیده است در مورد تحصیل محصول قضایای فیصله شده مدنی و حقوق عامه و رسیده گی استینافی و فرجامی این قضایا در مراحل بعدی محاکم فوقانی تطبیق و اجراء شود که با تطبیق هدایت فوق مقام شورایعالی ستره محکمه مشکل فوق الذکر قابل حل میباشد.

تصویب شماره فوق ذریعه متحد المال شماره (۲۵۳۹) الی (۲۵۹۳) مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸ به محاکم اخبار شده است. بملاحظه آن حل مطلب گردد.

۲۵- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت فاریاب:

از اثر جنگ های داخلی سه دهه اخیر تعمیرات ادارات دولتی بشمول اسناد اداره ولسوالی ها حریق گردیده و در ولایت نقل آن نیز موجود نمی باشد بعد از برقراری حاکمیت دولتی در محلات مدیریت های داخلی مالیه و املاک ولسوالی ها از روی فورمه اظهار نامه مدیریت عمومی اصلاحات داخلی ریاست زراعت ولایت، املاک اشخاصیکه نقل نموده باسناد آن مالیه اخذ می دارد.

فقره (۲۰) ماده دوم قانون زمینداری فورمه اظهارنامه ایرا که سند ملکیت نداشته و در مصوبه (۷۱۹) ۸۵/۹/۱۳ شورایعالی ستره محکمه ج.ا. که طی متحدالمال شماره (۱۶۷۶) ۱۳۸۵ موصلت ورزیده در صورتی که املاک سند بنیادی نداشته باشد، اجرای قباله آن منع قرار داده است.

ضمناً باید خاطرنشان ساخت که در کتب املاک و مالیه سابق زمین مالک و قید موقعیت اندازه نوعیت و حدود اربعه شامل دفتر نشده صرف چند افغانی مالیه دهی قید دفتر داشته است.

در حالیکه در فورمه اظهارنامه موقعیت، اندازه نوعیت و حدود اربعه زمین توضیح شده و از سال ۱۳۵۴ زمیندار مالیه زمین را پرداخته است.

همچنان در صفحه ۱۲۱ پرسش شماره ۴۳ سیمینار روسای محاکم ولایت سال ۱۳۵۰ اجرای قبالة زمین های للمی که مالیه دهی داشته باشد مجاز شمرده شده است.

مشکل اساسی درین جاست که مدیریت های مالیه و املاک به جزء از فورمه اظهارنامه کتب قبلی را نسبت حریق در اختیار ندارند معلومات میدهند و زمیندار نیز در زمین تصرف چندین قرنه دارد و از اجدادش بمیراث رسیده است سمع نگردیدن دعوی اش برای زمینداری مشکل خلق می نماید چرا که زمین اش به هر نوع که شده غضب شده در صورتیکه ادعای غضب نکند دعوی اش تحت مرور زمان قرار میگیرد. و عارض تقاضای سمع دعوی اش را میکند و محاکم مشکل قانونی دارد امید که غرض حل مشکل مردم، ما را هدایت فرمایند.

توضیح:

در صورتیکه دفاتر املاکی و لسوالی با اثر حوادث ازین رفته باشد در مورد از مرکز ولایت و در غیر آن از وزارت زراعت و در مورد اسناد سابقه از وزارت مالیه معلومات می نمایند و در زمینه راجع به معادلت مبلغ مالیه دهی با کمیت اراضی از ادارات املاک مالیه حتی ریاست کادستر معلومات نموده میتوانند.

۲۶- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت پکتیا:

ماده (۲۵۸) اصول محاکمات مدنی که بخش نتیجه فیصله را تشریح نموده در فقره چهار ماده مذکور از مصارف محکمه تذکر بعمل آمده، مصارف محکمه تشریح گردد که مراد از آن محصول فیصله ها است و یا کدام مصارف دیگر؟

توضیح:

مصارف محکمه عبارت است از قیمت وثیقه، صورتحال و فیصله، محصول اقامه دعوی و فیصله و مصارف اهل خبره و آنچه در قانون تصریح گردیده میباشد.

۲۷- پرسش محکمه استیناف ولایت میدان وردک:

بخاطر جلوگیری از تراکم دعاوی و دعوی جلابی ها پیشنهاد مینمائیم تا در لایحه محصول، قبل از دوران دعوی یعنی بمجرد تقدیم استدعا در محکمه، قیمت مدعی بها تثبیت و مدعی تابع تحویلی محصول به دولت گردد. که این امر جلو دعوی دروغین و مردم آزاری ها را در محاکم میتواند بگیرد.

توضیح:

مطابق ماده (۱۹۲) قانون اصول محاکمات مدنی لازم است راجع به کیفیت مدعی بها و قیمت آن قبل از ادخال دعوی به صورتحال معلومات لازم از اهل خبره و دفاتر املاکی تهیه گردد ولی تحویل محصول مستند به قانون محصول و ثایق و اسناد اداری دولتی و تعرفه محصول دولتی حین اقامه دعوی و بعد از صدور حکم اخذ میگردد تحویل محصول قبل از دوران دعوی صیغهء قانونی ندارد.

قبل از صدور لایحه جدید محصولات محصول مدعی بها از کسیکه فیصله به نفع آن صادر میگردید، اخذ میشد. چنینکه فیصله مذکور از طرف محکمه استیناف نقض و بار دیگر به نفع طرف دیگر فیصله صادر میگردید از آن محصول گرفته میشد، و شخص اول که فیصله اولی به نفع آن صادر و محصول را تحویل کرده بود، خواهان استرداد پول تحویلی خود میگردید، درحالیکه پول تحویل شده به حساب واردات دولت بطور قطعی تحویل گردیده و بانک و ماموریت های مالی از استرداد پول مذکور امتناع میورزند و در مورد لایحه جدید نیز این مشکل وجود دارد، ایجاب مینماید با تفاهم وزارت مالیه، حساب بانکی امانت تعیین گردد تا درحالات فوق الذکر و دیگر حالات پول به حساب امانت تحویل و موقع لزوم واپس گرفته شود و حقوق مردم تلف نگردد.

توضیح:

محصولیکه حسب قانون به حساب واردات قطعی دولت تحویل گردیده بازگشت و استرداد آن جواز ندارد ولی حسب مصوبه (۵۸۱) ۱۳۸۶/۷/۱۲ شورایعالی در صورتیکه محکوم علیه با اثر فیصله قطعی محکوم له قرار گیرد میتواند به اقامه دعوی جبران خساره علیه محکوم علیه به شمول محصولی که تادیه نموده است، مبادرت نماید.

بعضی اشخاص به ارتباط وثایق، قباله ها یا غیره اسناد که از سال (۱۳۱۰) الی (۱۳۵۹) ترتیب یافته غرض ثبت محفوظ به تحویلخانه مراجعه می نمایند چون تحویلخانه ریاست محکمه کندهار در اخیر سال (۱۳۵۹) بنا بر شرایط ناگوار آن وقت حریق شده اکثر ثبت های اسناد خلق الله یا در جمله کتب حریق شده میباشد و یا به اثر وقوع

حوادث در ابتداء حکومت فعلی از بین رفته در مورد اگر مقام عالی کدام تجویز اتخاذ نمایند بهتر خواهد بود.

توضیح:

در صورتیکه وثیقه دارای ثبت محفوظ بوده وکنده آن با اثر حوادث از بین رفته باشد محکمه ایکه وثیقه مورد نظر در حوزه قضائی آن ترتیب گردیده است، مستند به ماده (۳۱) تعلیمات نامه تحریر وثایق، در صورت تقاضاء ضمن دعوی و یا دفع دعوی با ذکر جزئیات نظائر و امثال والحق فوتوی رنگه مورد استناد و نظائر آن، با در نظر داشت راپور ربعوار آن در آرشیف ستره محکمه بوده و رعایت ماده (۳۱) تعلیمات نامه تحریر وثایق در فیصله و یا ضمن قرار قضائی به تأیید و قانون بودن وثیقه، تصمیم لازم و مقتضی اتخاذ نماید.^۲

در ساحه شهری مرکزی تخار شاروالی تخار مقدار زیاد از زمینهارا نمره بندی نموده اند و بالای اشخاص و افراد در بدل قیمت های معینه توزیع و بفروش رسانیده اند که مشتریان آن تعمیرات رهائشی اعمار نموده اند می خواهند که آن رابالای دیگری بفروشند از محکمه تقاضای قباله رامی نمایند چون این گونه اشخاص فقط اسناد تحویلی قیمت زمین های خریده شده رابدست دارند دیگر کدام اسناد بنیادی و رسمی از جمله قباله و غیره بدست ندارند و در همچو حالت محکمه

ماده (۳۱) تعلیمات نامه تحریر وثایق فیصله ها چنین مشعر است: ((ثبت وثایق که به ثبت وقوه حوادث و واقعات از بین رفته باشد نظر به رفع مشکلات، محاکم می تواند که امثال وثایق مذکوره را از حیث تحریر وثیقه و یا مهر قاضی مذکور در نظر گرفته در صورتیکه امثال و نظایر آن موجود و به مهر همان قاضی مهوور باشد اعتبار بدهند.))

چگونه اجراءات رامرعی نمایند به ترتیب قباله اقدام ورزند یا از آن خودداری کند.

توضیح:

چون قباله های قطعی بر مبنای اسناد اساسی و بنیادی قابل اجراء می باشند اشخاص و افراد مورد نظر محکمه اولاً از شا روالی قباله قطعی رابدست آرند بعداً به ترتیب قباله های مورد بحث براساس قباله بنیادی اجراءات نمایند تا محصول دولت در مرتبه اول حذف نگردد.

۳۱- پرسش ریاست محکمه استیناف ولایت خوست

در بعضی ولسوالیها و ولایات مردم در دشت ها و کوه ها، میدان ها و بیلها زمین ها را آباد نموده و خانه ها را اعمار ساخته اند و متصرف گردیده اند که مالکین همین طور خانه ها و زمین ها در بعضی اوقات میخواهند این طور زمینها را بفروش برسانند و همین قسم تعمیرات را توسط قباله شرعی بخرند و یا در تضمین بدهند و یا تملیک نمایند چون این قسم آبادی زمین ها بیلها و تعمیرات مذکور فوق در اماکن و اراضی دولتی میباشد و محکمه در این چنین ملکیت ها اجراءات کرده نمیتواند و صاحبان چنین ملکیت ها از محکمه شاکی می باشند. مقامات مربوط محترم این معضله را حل نمایند بهتر خواهد بود.

توضیح:

به مقصد حمایت و صیانت از حقوق دولت و اتباع جمهوری اسلامی افغانستان به منظور جلوگیری از ترتیب قباله و اسناد ملکیت اراضی فاقد اسناد بنیادی شورای عالی طی یادداشت (۷۱۹) مورخ ۸۵/۹/۱۳ در مورد چنین هدایت صادر نمودند:

۱- قباله جایداد ها و عقار را بدون اسناد بنیادی پیشینی شده در قانون اصلاً و قطعاً اجرا ننمایند.

۲- سند اظهار نامه سند املاکی نبوده در انتقال ملکیت قطعاً مورد استناد قرار نگیرد.

۳- اجرای قباله متوازن به اندازه مالیه دهی صورت گیرد و اراضی مازاد از مالیه به صورت قطع داخل مبیعه قرار داده نشود. در کمیت مبیعه مطابقت اراضی با مالیه ضروری میباشد. یادداشت نمره فوق ذریعه متحد المال (۱۶۹۵ الی ۱۷۱۸) مورخ ۸۵/۹/۲۳ به عموم محاکم خبر داده شده است بناءً حسب هدایت فوق محاکم در مورد اقدام نمایند.

۳۲- پرسش ریاست محکمه ولایت دایکندي:

طوریکه اکثر قباله های مرتبه محاکم دیده میشود در آن قید مساحت درج نمی باشد بلکه تنها به ذکر حدود اربعه اکتفا شده است احياناً قید جریب و حدود اربعه هر دو ذکر می باشد اما یک طرف از اصحاب دعوی حدود اربعه را استناد می کند طرف دیگر مساحت مندرجه قباله را اتکاء می نماید در همچو حالت محکمه کدام یکی از این دو حالت را ترجیح دهد مساحت را یا حدود اربعه را. در زمینه طالب هدایت می باشیم.

توضیح:

هرگاه محکمه به صحت قباله مورد بحث مطمئن باشد در صورتیکه مساحت مندرج قباله مورد بحث طوری درج گردیده باشد که در برابر هر واحد قیاس یا سهم قیمت معین گردیده باشد در این حالت به مساحت اعتبار داده شود اما اگر مساحت هیچ ذکر نگردیده باشد

یادرمقابل هر جزء مبیعه قیمت تعیین نشده با شد بحدود اربعه
اعتبار داده شود. این موضوع موافق با ماده (۲۲۲) مجله الاحکام
وشرح سلیم باز میباشد.

بخش پنجم

توضیح به استهداآت بوط به
ئی

۱- استهدا: اتخاذ اقدامات بخاطر تامین امنیت قضات و محاکم:

راه حل: به منظور تامین بهتر امنیت محاکم مرکز و ولایات و قضات مربوط آن که در شرایط فعلی رسیده گی به قضایای املاکی و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی رانیز انجام میدهند تجویز جدی گرفته شود. لازم است تادر زمینه یک پروتوکول مشخص با وزارت امور داخله عقد گردد و بر مبنای آن قوماندانی های امنیه مکلف گردند تا طبق گذشته با تقبل مصارف نیروهای امنیتی خویش در تامین امنیت قضات و محاکم مطابق ماده (۷۳) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم اقدام نمایند بخصوص که در شرایط فعلی موضوع تامین امنیت قضات و محاکم از اهمیت جدی برخوردار میباشد. کمیسیون هماهنگی ارگانهای عدلی و قضایی که بریاست محترم بهاء الدین «بهاء» عضو ستره محکمه فعالیت مینماید، رفع این مشکل رانیز در آجندای جلسات کاری شان شامل خواهند فرمود.

۲- استهدا: رفع کمبودات کادری، رعایت توازن عدالت در تعیین قضات در ولایات، رعایت تعهد و تخصص و ترویج سیستم دورانی در پروسه تعیینات:

راه حل: ریاست امور ذاتیه بر طبق مواد ۶۳ و ۶۵ قانون تشکیل و صلاحیت محاکم اقدامات جدی را بخاطر تکمیل کمبودات قضایی در محاکم ولسوالی و ولایات اتخاذ واز فارغین ستاژ قضایی در زمینه استفاده لازم و معقول بعمل آورده معیار و شرایط تقرر را از قبل دقیقاً در نظر بگیرد. همینطور به منظور اجرای یک استراتیژی سالم و منطقی

در جهت اکمال کادر قضایی که علاقمندی قضات نیز در آن مضمرباشد، باید عدالت در تعین قضات بادر نظر داشت سیستم دورانی جداً رعایت گردد، قضات نباید بخاطر اهمال و غفلت وظیفوی شان در مرکز جزاء به ولایات تبدیل گردند بلکه بادر نظر داشت تعهد شان در خدمتگذاری به مردم و با توجه به تخصص آنها طوری به محاکم توزیف گردند تا در یک محکمه قضات با تجربه و جدید مشترکاً کار نمایند زیرا همین حالا در بسا از محاکم در ولایات تمامی قضات جدید و نو کار اند که نسبت نداشتن تجارب کاری مشکل جدی را در امر ایفای رسالت قضایی به بار آورده است.

ریاست ذاتیه در تقرر و تبدل مسنوبین قضایی قانون تشکیل و صلاحیت قضایی را مراعات نماید و از تغیر و تبدیلی قضات قبل از اکمال دوره معین بپرهیزد مگر اینکه ملاحظه مشهودی مقام ستره محکمه را ناگزیر بدین تغیر و تبدیل نماید. مقام ستره محکمه به قضات وارد و سابقه دار توجه خاص مبذول کرده بادر نظر داشت شایستگی و دلسوزی شان در اجرای وظایف به تمدید دوره خدمت شان مبادرت نماید.

۳- استهدا: شکایات در رابطه به عدم همکاری پولیس در جلب متهمین و اصحاب دعوی که از طریق محاکم کندهار و بادغیس مطرح گردیده:

راه حل: از آنجایی که این شکایات از طریق اکثریت محاکم مرکز و ولایات مواصلت می و رزد بالاخص اینکه عدم همکاری پولیس در جلب اطراف قضیه منجر به فیصله غیابی میگردد و در فیصله غیابی کماکان خطر عدم تامین عدالت واقعی متصور است لذا موضوع بامقام وزارت امور داخله مطرح و امر قاطع آن وزارت به قوماندانی

های امنیه به منظور همکاری در جلب اصحاب دعاوی که از طریق محاکم تقاضا می کردند جداً معطوف گردیده به این معضله پایان داده شود این مشکل در کمیسیون هماهنگی ارگانهای عدلی - قضایی که نماینده وزارت امور داخله جزء آن میباشد و تحت ریاست جناب «بهاء» رئیس دیوان جزای عمومی ستره محکمه فعالیت مینماید نیز مطرح گردد .

بهرتر است این معضله در پروتوکولی که با وزارت محترم امور داخله عقد می گردد، نیز انعکاس یابد.

۴-استهда: رعایت سهم مساویانه اشتراك در سیمینارها و تریننگ ها :

راه حل : بنابراینکه سیمینار ها و تریننگ های قضایی نقش مهم وارزنده در ازدیاد دانش وفهم حقوقی و تبادل تجارب قضایی دارند بناءً ریاست عمومی تدقیق ومطالعات طوری برنامه ریزی نماید تا تمامی قضات محاکم این پروگرام ها را که از طریق پروژه های همکار تدویر می یابند به گونه دورانی فرا بگیرند وهمه به طور یکسان از مفردات این برنامه ها مستفید گردند .

ریاست عمومی تدقیق ومطالعات پروژه های غیر دولتی را که در برگزاری تریننگ های تعلیمی وتربیتی قضات مستقلانه عمل می نمایند، هماهنگ سازد تا این اقدامات تحت اداره واحد قرار گیرد وطبق تصویب شورایعالی ستره محکمه به شکل مناسب ودورانی عمل شود.

۵- استهدا: پیشنهادات در مورد توجه به معاشات ، امتیازات مسلکی و کادری قضات ومنسوبین اداری :

راه حل : گرچه ستره محکمه مطابق به ماده ۱۵۵ قانون اساسی اجرائتی را در مورد ازدیاد معاش قضات بعمل آورده وموضوع پس

ازدرج در قانون معاشات مقامات عالی دولتی مراحل مربوط را طی می نماید با آنهم ایجاب می نماید تا پروسه طی مراحل تسریع گردیده وستره محکمه روند PRR منسوبین اداری را که شامل ازدیاد معاشات قضات نیستند جدی تعقیب نماید تامشکل کارمندان اداری وقضایی مشترکا رفع گردد ضمناً ریاست اداری باوزارت محترم مالیه موضوع تادیه امتیاز مسلکی برای منسوبین را که نظر به درجه تحصیل قابل پرداخت بود ، مطرح نموده به این مشکل رسیده گی نماید زیرا پرداخت فعلی امتیاز مسلکی که ماهوار از بیست افغانی تجاوز نمی نماید یک نوع مضحکه تلقی میگردد. همچنان بخاطر توجه بیشتر به وضعیت اقتصادی منسوبین اداری وقضایی بخصوص در ولایات موضوع تادیه معاش منطقوی واعاشه ۲۴ ساعته به آنان مطالعه گردیده تجویز معقول ومنطقی متناسب به شرایط کاری وامنیتی ولایات اتخاذ گردد .

۶- استهدا: از مداخلات ، فرمایشات و سفارشات در امور قضایی که استقلال قضا را خدشه دار مینمایند جلوگیری شود .

راه حل : از آنجائیکه مداخله در امور محاکم استقلال و بیطرفی قضا را زیر سوال می برد بناءً چنانکه قضات در اجراءات مربوط منهمک به قانون اند بناءً نباید بر سفارشات مطروحه ترتیب اثر دهند وسایر مقامات نیز موظف اند تا از مداخله ، سفارش وفرمایش در امور قضایی جلوگیری نمایند البته هدایات ورهنمود های مقام ستره محکمه مجزا ازین امر است .

۷- استهدا : اگر پرسونل محاکم شامل هیئت مختلط سایر ارگانها نباشند ، این امکان وجود دارد تا واقعیت ها به درستی انعکاس نیابد .

راه حل : درمورد عدم اشتراک پرسونل محکمه درزمره هئیات مختلط طوری که متحد المال شماره ۶۳۱- ۶۷۵ مورخ ۱۳۸۵/۸/۲۵ شورای عالی ستره محکمه صراحت دارد ، کمیسیون نیز به منظور حفظ پرستیژ و بیطرفی قضا بر تطبیق آن تاکید مینماید .

۸- استهدا : حل ضروریات محاکم از لحاظ قوانین ، تعدیلات قوانین، انتشارات قضایی و جراید رسمی .

راه حل : از آنجائیکه پروژه عدلی - قضایی سیت های قوانین و تعدیلات آن را آماده و به اختیار محاکم مرکز وولایات قرار داده است، شاید مشکلات محاکم ازین ناحیه تاحدی مرفوع گردیده باشد. اگر مشکلی بازهم درزمینه وجود داشته باشد دررفع آن کمک پروژه عدلی - قضایی مجدداً جلب گردد وهمچنان بخاطر بدسترس گزاری جراید رسمی به محاکم مرکز وولایات ، ضرورت موجود درزمینه ازطریق ریاست نشرات تشخیص در تماس وتفاهم با مقامات صالحه تهیه وامر توزیع رایگان آن ازطریق وزارت محترم عدلیه حاصل گردد .

ریاست نشرات به نوبه خویش در ارسال انتشارات قضایی به محاکم ولایات الی سطح ولسوالی ها وسایر محاکم مرکز اقدامات مقتضی بعمل آورد . ایجاد کتابخانه ها درسطح محاکم استیناف ولو با امکانات محدود مطالعه گرددو اسناد ومصوبات سیمینار حاضر بعد ازطی مراحل دریک مجلد طبع وبه دسترس محاکم مرکز وولایات قرارداده شود . ریاست اداری مصوبات لوايح وقوانین موجود درتحویلخانه را باحضور نماینده ریاست نشرات ردیف بندی و به

منظور استفاده قضات طبق حواله اصولی به تمامی محاکم ولایات ارسال نماید .

۹- استهدا : درمورد شکایات اشخاص شاکی از فیصله های محاکم که باید به عرایض وشکایات شان پس از معلومات چگونگی حقیقت قضایا از مراجع مربوط رسیده گی بعمل آید .

راه حل : از آنجائیکه دررسیده گی به دعاوی طبیعتاً فیصله به نفع یکی از طرفین دعاوی است بناءً بعضاً طرف دیگرقضیه شکایاتی را درزمینه عدم رعایت عدالت به مقامات عالی ارائه مینماید وسعی میکند تا عرض وادعایش را موجه جلوه دهد بناءً ایجاب میکند تا مراجعی که در رسیده گی به چنین عرایض صاحب صلاحیت اند ، نخست معلومات لازم را پیرامون چگونگی قضیه وادعای مطروحه تکمیل نموده بعداً به اعطای اوامر قانونی بپردازند تاجریان قضیه نزد مقامات مذکور روشن گردیده واجراآت محاکم تحتانی مورد سؤظن قرار نگیرد .

۱۰- استهدا : مشکل وسایط محاکم ولایات حل گردد .

راه حل : ریاست اداری مشکل وسایط ریاست های محاکم ولایات را مطابق تشکیل مرفوع نموده وبدین منظور پروسه خریداری وسایط جدید را تسریع وضمناً موضوع بدسترس گذاری حداقل یکعمراده واسطه اضافی دیگر را به محاکم به منظور اجرای وظایف رسمی وانتقال قضات مطالعه نماید به همین مقصد اگر تدارک واسطه جدیداضافی عجالاً مقدور نباشد بخاطررفع این ضرورت درترمیم اساسی وسایط موجوده محاکم اقدام بعمل آید ووجوه کافی ترمیماتی درتخصیصات سال ۱۳۸۷ محاکم ولایات پیش بینی گردد.

۱۱- استهدا : توجه لازم دررفع ضروریات اداری ولوژستیکی محاکم ولایات صورت گیرد :

راه حل : ریاست اداری حین ترتیب بودجه سال ۱۳۸۷ ستره محکمه ضروریات عینی و معقول محاکم ابتدائیه واستیناف ولایات را از لحاظ لوازم دفتر ، تجهیزات کمپیوتری، قرطاسیه، روغنیات، وسایل سردکن ،وسایل تسخین ،مراسلات وسایر ضروریات لوژستیکی دقیقاً تشخیص ووجوه لازم پولی را دررفع این حوایج پیش بینی نماید . درجریان سیمینار به روسای محترم محاکم خاطر نشان شود تا آنها ظرفیت لازم استفاده ازتخصیصات منظور شده محاکم خویش را ایجاد نمایند تا درختم سال پول تخصیصیه به دوریه نرود . محاکم مکلف گردند تا اسناد مصارفاتی شانرا به موقع طی مراحل و گزارش دهند .

ریاست اداری موظف است رعایت توازن در تخصیص فصول و ابواب محاکم ولایات را باتوجه به وسعت ساختار تشکیلاتی و شرایط اقلیمی آن ها در نظر داشته ودر ارسال تخصیص آن ها در آغاز هر ربع اقدام سریع نماید، واگر مشکل جدی در رابطه به موضوع در سطح وزارت مالیه وجود داشته باشد، مراتب به مقام عالی ستره محکمه گزارش داده شود وهدایت لازم حاصل گردد.

۱۲- استهدا : معادلت امتیازات محاکم ولسوالی واستیناف ولایات باولسوالی ها وولایات درنظر گرفته شود :

راه حل : بخاطر ایجاد توازن وحفظ معادلت موقف ولسوالی ها ومحاکم استیناف ولایات بهتر است در کود (۲۲) تخصیصیه ولایات پیش بینی وجوه کافی بخاطر حل مشکلات آنان در نظر گرفته شود

تا با استفاده از آن معضلات مرفوع گردیده ووقار محاکم در قطار سایر ادارات محلی ولایات حفظ گردد.

۱۳- استهدا : عطف توجه به ترمیم تعمیرات کاری ورهائشی ستره محکمه :

راه حل : آمریت تعمیرات ریاست اداری با استفاده از امکانات بودجه انکشافی ستره محکمه وبا جلب کمک منابع ذیعلاقه خارجی پلان مشخص ترمیم تعمیرات کاری ورهائشی ملکیت ستره محکمه را رویدست گرفته واقدامات عملی را آغاز نماید تا از تخریب وانهدام املاک ستره محکمه جلوگیری بعمل آید .

همچنان ریاست اداری با طرح پلان مشخص ضرورت محاکم به تعمیرات رهائشی وکاری را مرفوع ودر استرداد املاک ستره محکمه از نزد سایر ادارات نیز اقدامات جدی وعملی نماید.

آمریت عمومی اداری قوه قضائیه این پروسه را بصورت جدی کنترل نماید.

۱۴- استهدا : منسوبین قضایی و اداری محاکم ولایات به اذن کدام مرجع میتوانند به مرکز بیابند ؟

راه حل : باتوجه به اصول مرکزیت اداره ، منسوبین قضایی واداری محاکم ولایات میتوانند پس از استیذان مقامات ذیل به مرکز بیابند :

۱- قضات و مامورین اداری محاکم به استیذان رئیس محکمه استیناف .

۲- روسای استیناف به اذن روسای زون های قضائی .

۳- در حالت عاجل با کسب اجازه تلفونی از مقام ستره محکمه یا آمریت عمومی اداری قوه قضائیه.

۱۵- استهда : تحویلخانه های محاکم شرایط لازم جهت حفظ و نگهداشت اسناد را ندارند به وضعیت آنها توجه صورت گیرد .

راه حل : آمریت تعمیرات و ریاست عمومی وثایق و ثبت اسناد ستره محکمه طبق یک پلان معین تحویلخانه ها و مخازن و وثایق محاکم ولایات را سروی نموده وضعیت موجوده آنها را از لحاظ داشتن شرایط نگهداری اسناد به استندرد های قبول شده مطالعه نمایند و بعد در ترمیم ، بازسازی و رفع ضروریات تخنیکی مخازن با استفاده از ذرایع ممکنه که دربرگیرنده امکانات ستره محکمه و امکانات سایر پروژه های همکار باشد اقدامات اساسی بعمل آوردند.

۱۶- استهدا : توجه به رفع موانع تثبیت درجه کادری قضات :

راه حل : در مورد رفع موانع در اجرای تثبیت درجه کادری قضات ، ریاست ذاتیه موظف است با تفاهم بخشهای ذیربط موانعی را که در زمینه وجود دارد با طرح سند تقنینی پیش بینی شده در ماده ۶۶ قانون تشکیل و صلاحیت محاکم حل نماید تا قضات از حقوق کادرقضایی مسجل شده در قانون مستفید گردند .

۱۷- استهدا : بهتر است تا تشکیل مفتیشن قضایی در چوکات محاکم ولایات مدنظر گرفته شود .

راه حل : گرچه پیشنهاد معقول است ولی ایجاد واحد جدید در تشکیل زون های قضائی عجلتاً مقدور نیست لذا بهتر است تا ریاست تفتیش گروپ های تفتیش شانرا به شکل منظم و دورانی کمافی السابق به ولایات اعزام نموده و فعالیت های تفتیشی را به انجام رسانند تا تمامی محاکم از لحاظ تفتیش اجراآت زیر پوشش قرار گیرند.

۱۸- استهدا : تشویش محاکم از مداخله ارگانهای غیر قضایی در امور قضاء

راه حل : طرح حکم مقام محترم ریاست جمهوری در مورد عدم مداخله ارگانهای غیرقضایی به امور قضا به صورت مفصل و مدلل ترتیب و بعد از منظوری آن مقام متحدالماً به تمام ارگانهای دولتی اخبار گردد ، درین حکم به لوی خارنوالی وظیفه داده شود تا موارد مشهود و مستند مداخله در امور قضا را مورد تعقیب قانونی قرار دهند ، همچنان شعبات جنایی به صورت عمومی در قضایای مدنی مداخله نکرده و به رسیده گی اقدام نمایند و نیز ادارات خارنوالی بجز از حالاتی که در قانون صراحت دارد به رسیده گی قضایای مدنی مبادرت نورزند .

۱۹- استهدا : محررین جدید التقرر از لحاظ سواد حقوقی مشکلات زیادی دارند در حالیکه سرو کارشان با اسناد و وثایق شرعی و فیصله ها است .

راه حل : مامورین و کارمندان اداری قبل از آنکه به وظایف محرری توظیف گردند باید کورس قصیرالمدت تریننگ محررین داخل خدمت را تعقیب بدارند. اداره تعلیمات قضائی پلان تدویر کورسهای تریننگ محررین را در همکاری باموسسات ذیعلاقه طرح و در تطبیق آن در مرکز و در سطح زون های قضائی به گونه دورانی اقدام نماید علی العجلاله روسای محاکم محررین مبتدی را بخاطر آشنائی بامور مربوطه کمک دلسوزانه نمایند.

۲۰- استهدا : در جمع آوری و نشر تعديلات قوانين و هدايات سيمينارها و تصاويبي كه در زمانهاى متفاوت بشكل متحدالمال به محاكم صادر گرديده و فعلاً پراكنده اند اقدام شود .

راه حل : تقاضا معقول و مورد تائيد است - سلسله نشر متحدالمالهاى قضائى كه تا اخير سال ۱۳۵۱ انتشار يافته است تا جايى كه نافذ بوده و به توحيد مرافق قضائى ارتباط مى گيرد دنبال گردد تا زمانيكه اين موقع فراهم ميگردد متحدالمالها بطور متناوب از طريق مجله قضاء و جريده ميزان نشر گردد.

۲۱- استهدا: در مورد مشكل تهيه لباس مخصوص به قضات :

راه حل : درين زمينه مطابق به ماده (۷۰) قانون تشكيل و صلاحيت محاكم لايحه لباس مخصوص قضات حين اجراى وظيفه از طرف رياست تدقيق و مطالعات تحت مطالعه مجدد قرار گيرد و بعد از تصويب شورايعالى ، رياست ادارى در تهيه آن اقدام نمايد.

۲۲- استهدا: ضرورت توسعهء تشكيل اداره مساعدت حقوقى :

راه حل : از آنجا كه اداره مساعدت حقوقى يگانه ممثل بند ۳ ماده (۳۱) قانون اساسى جمهورى اسلامى افغانستان مى باشد ولى تشكيل فعلى آن كفايت كارى امور مركز و ولايات رانسبت محدوديت ندارد بنا بر آن هرگاه اداره مساعدت حقوقى در مركز توسعه و نماينده گى هاى آن در ولايات فعال گردد بهتر و موزون خواهد بود .

۲۳- استهدا: در مورد ارسال راپور هاى سالتام محاكم به آرشياف ستره محكمه :

راه حل : به منظور غناى آرشياف ستره محكمه غرض استفاده موثر لازم است تاجميع محاكم و ادارات ثبت اسناد كه به امور وثايق

رسيده گى مينمايند در اخير سال راپور سالتام وثايق را تهيه و به رياست عمومى وثايق و ثبت اسناد ستره محكمه ارسال دارند تا بعد از غور و كنترول و اطمينان از صحت اجراآت، در آرشياف مربوط ارسال و محافظت گردد و روساى محاكم استيناف در مورد توجه فرمايند .

۲۴- از آنجا كه قضات به منظور توسعه آگاهى فقهي ، حقوقى و قضائى به مطالعه آثار در زمينه هاى فوق ضرورت دارند ، يكي از راه هاى تأمين مقصد فوق چاپ آثار و تراجم آنهاست لذا رياست نشرات موظف است تا از نويسنده گان مجرب و متخصص در عرصه هاى علوم قضائى بخواهد تا تاليفات و تراجم شانرا غرض طبع به رياست نشرات بسپارند و رياست نشرات در چاپ آنها پس از طى مراحل مربوط اقدام و به دسترس محاكم قرار دهد .

رياست ادارى مدرك لازم را كه ضرورت هاى نشراتى را تكافو کرده بتواند در بودجه سال ۱۳۸۷ و سالهاى بعد پيش بينى نمايد.

۲۵- كميسيون پيشنهاده مينمايد تا به منظور تحقق مصوبات اين كميسيون كه از جلسه عمومى مى گذرد و مورد تائيد شورايعالى ستره محكمه قرار ميگيرد كميته اى ذىصلاح را به رياست يكي از اعضاى محترم ستره محكمه تعيين نمايند تا چگونگى اجراى مصوبات را در عمل كنترول و مراقبت نمايند .

فهرست :

- ۱- مقررہ نظارت از امور قضائی و اداری محاکم ۲۰۲
- ۲- مقررہ اجرای مثنی وثائق ۲۰۵
- ۳- طرز العمل تعیین وظایف کاری زون های قضائی ۲۰۹
- ۴- طرز العمل توضیح به استیفاءات ۲۱۴
- ۵- طرز العمل ابلاغ حکم به محکوم علیه غایب ۲۲۰
- ۶- قاعده توضیحی در مورد غصب عقار ۲۲۴
- ۷- قاعده توضیحی در مورد حضانت ۲۳۱
- ۸- رهنمود در باره طرز استفاده از مراکز فرهنگی قوه قضائیه ۲۳۵
- ۹- رهنمود در باره آموزش های قضائی داخل خدمت ۲۳۸
- ۱۰- رهنمود توضیحی در مورد تکفل اجتماعی بی سرپرستان ۲۴۱
- ۱۱- رهنمود توضیحی در مورد تحریر فیصله ها ۲۴۵
- ۱۲- رهنمود توضیحی به ارتباط تنظیم امور ذوالبیدی در مدعی بها ۲۵۲
- ۱۳- طرز العمل سیستم اداری محاکم افغانستان ۲۵۷

بخش ششم

مقررہ ها ، طرز العمل ها ورهنمود ها

نظارت از امور قضائی و اداری محاکم

ماده اول:

این مقرره امور مربوط به نظارت سالم و دقیق امور قضائی و اداری محاکم را تنظیم مینماید.

ماده دوم:

هیئات های نظارتی از محاکم ولایات بطور عادی واقتضائی از طریق ریاست تفتیش قضائی به لزوم دید مقام ستره محکمه به محاکم اعزام میگردد.

ماده سوم:

هیئات های اعزامی موظف اند تا در جریان بازدید، وظایف آتی را ایفاء نمایند:

الف- ارزیابی فعالیت محکمه مربوط از فعالیت گذشته از لحاظ کمی و کیفی و تهیه گزارش درین زمینه به مقام ستره محکمه .

ب- رسیدگی به شکایات عارضین با اثر هدایت مقام ستره محکمه غرض غور و اجراءات قانونی. و در صورتیکه ماهیت شکایت علیه رئیس محکمه بوده و یا مطلب سری دیگر را احتواء نماید، درینصورت هیئات موظف است با در نظر داشت اسرار وظیفه به ارتباط آن هدایت مقام ستره محکمه را حاصل نماید.

ج- سهم گیری در انفصال قضایای تحت دوران محکمه، در صورتیکه تعداد قضایا از حیث کمی متراکم باشد و محکمه درمورد رسیدگی آن نسبت کمبود قضات یا تراکم دوسیه ها به مشکل مواجه

باشد، به اساس تفویض صلاحیتی که از جانب ستره محکمه صورت می گیرد.

د- تنظیم جلسه مباحثه و تبادل تجارب با اشتراک هیئات های قضائی محاکم مربوط به ارتباط قوانین و مسایل حقوقی و مشکلات محاکم درین زمینه.

ماده چهارم:

ترکیب هیأت به پیشنهاد ریاست تفتیش و منظوری ستره محکمه صورت می گیرد.

هیئات موظف از امور قضائی و اداری محاکم نظارت می نماید. در امور نظارت محاکم نظامی، مفتش بخش نظامی حتمی است.

ماده پنجم:

ارزیابی وضعیت فزیک محاکم و ارائه گزارش از کمبودات وسایل کاری دفاتر از قبیل میز، چوکی، الماری و وضعیت ظاهری محاکم از وظایف هیئات بشمار می آید.

ماده ششم:

هیئات در ختم کار گزارش مفصل از نتیجه کار را تنظیم و به مراجع ذیل تقدیم می نماید:

الف- گزارش عمومی مبنی بر فعالیت هیئات از کار محکمه را به دفتر تحریرات آمریت عمومی اداری قوه قضائیه.

ب- پیشنهاد بمنظور اکمال نواقص کاری را بریاست تدقیق و مطالعات جهت تنظیم رهنمودها برای جلوگیری از تکرار آن.

ج- راپور فعالیت محاکم که ایجاب تفتیش را بنماید بریاست تفتیش قضائی.

ماده هفتم:

در صورتیکه راپور هیئات مبین تخلفات قضائی واداری باشد، ریاست تفتیش به ارتباط آن اقدام لازم و قانونی را مرعی نماید ونتیجه را بریاست تدقیق ومطالعات محول سازد

ماده هشتم:

ریاست تدقیق ومطالعات، با ملاحظه گزارش هیئات بمنظورجلوگیری از تکرار اشتباهات رهنمود های لازم را تنظیم وبعد از منظوری مقام ذیصلاح ستره محکمه به اختیار محاکم قرار دهد تا درموارد مشابه از آن استفاده لازم صورت گیرد.

ماده نهم:

ریاست تفتیش قضائی حین اعزام هیئات به محاکم مراتب مندرج این مقرر را جداً درنظرگیرد وبخاطر تفویض صلاحیت برای قضاتی که درترکیب هیئات قرار دارند تجویز ستره محکمه را حاصل نماید.

ماده دهم:

این مقرر از تاریخ تصویب شورای عالی ستره محکمه نافذاست.

شماره تصویب (۶۶۵) تاریخ ۱۳۸۶/۸/۲۹

مقررہ

اجرای مثنی وثایق در مخازن

وثایق محاکم استیناف

ماده اول:

این مقررہ امور مربوط به اجرای مثنی وثایق را که از طریق اداره مخزن محاکم استیناف با استفاده از کمپیوتر صورت می گیرد، تنظیم نماید.

ماده دوم:

مواد این مقررہ احکام تعلیمات نامه تحریر وثایق وتعلیمات نامه اشباه وثایق را اخلال نمی کند.

ماده سوم:

امور اجرای مثنی از طریق اداره مخزن محاکم صورت میگیرد.

ماده چهارم:

تمام کنده های وثایق که ثبت محفوظ دیوان قضاء را تشکیل میدهد جزء ارزش های آرشیف ملی وثایق بوده وبایست در مخزن اسناد رسمی محاکم ثبت وراجستر گردد ودر حفاظت آن تدابیر لازم صورت گیرد.

ماده پنجم:

برای هیچ کس مجاز نیست که به مخزن وثایق دسترسی حاصل نماید.موظفین رسمی اداره مخزن طبق تشریفات ومقررات خاص بنابر ضرورت، زیر نظارت وبه استیذان رئیس مخزن در حدود وظیفه، کنده های وثایق را مورد مطالعه وتطبیق قرار می دهند.

ماده ششم:

در اتاقی که کامپیوتر قرار دارد به جز مسئول شعبه کامپیوتر و تجهیزات آن، ورود سایر منسوبین و گذاشتن اشیای دیگر مجاز نیست.

ماده هفتم:

مسئولین و موظفین شعبه کامپیوتر وظایف را در اتاق خاص و مصئون تحت نظر رئیس مخزن اجراء می نمایند. واز رعایت اسرار وظیفه مسئول و مکلف می باشند.

ماده هشتم:

شعبه کامپیوتر موظف است، در طبع اسناد مربوط از کاغذ مقاوم که برای وثیقه مناسب باشد استفاده نماید.

ماده نهم:

کاغذ و سایر ضروریات کامپیوتر به پیشنهاد رئیس مخزن و تأیید ریاست محاکم استیناف از طریق مرجع مربوط تهیه می گردد.

ماده دهم:

مثنی به کسی داده می شود که وثیقه به مفاد مادی یا معنوی آن باشد. در خواست اخذ مثنی، تذکره، وکالت خط به رویت تذکره یا سایر اسناد رسمی ثبت هویت برای درخواست اخذ مثنی شرط می باشد.

ماده یازدهم:

قیمت وثیقه مطابق احکام قانون اخذ می گردد. قیمت وثیقه مانند سایر وثایق از در خواست کننده در بدل رسید حاصل و به حساب واردات دولت تحویل می گردد.

آمر اداره مخزن و رئیس محکمه از وضع عواید مخزن، نظارت مستقیم بعمل می آورند و بخاطر رفع مشکلات و کاستی ها موظفین را رهنمائی می نمایند.

ماده دوازدهم:

اداره مخزن امور اجرای مثنی وثایق را در دفتر خاص ثبت می نماید. در این دفتر که دارای نمبر مسلسل و تاریخ می باشد شهرت درخواست دهنده مثنی یا وکیل قانونی آن، نمبر و تاریخ، موضوع وثیقه درج می باشد.

ماده سیزدهم:

شعبه کامپیوتر مثنی وثیقه را در برابر تعرفه شعبه اجرائیه مخزن بداخل دو نسخه از طبع خارج و طور مصئون به شعبه اجرائیه تسلیم میدهد و رسید اخذ مینماید.

ماده چهاردهم:

شعبه اجرائیه مخزن مثنی را با اصل کننده تطبیق می دهد و بعد از ثبت در کتاب مربوط و مهر و امضاء مسئولین یک نقل را بدفتر قید و نقل دیگر را در بدل رسید به متقاضی تسلیم می دهد.

ماده پانزدهم:

پس از اجرای مثنی و تحریر عبارت (مطابق اصل است) به اساس راپور موظف تطبیق کننده با کننده آن، کامپیوتر کار موظف، کیفیت اجرای مثنی و صورت اطمینان از تطبیق سند را با کننده در صفحه کامپیوتر معامله می نماید و علامت صحت می گذارد. هدف ازین علامت گزاری این است تا در آینده معلوم شده بتواند که از سند مورد نظر مثنی گرفته شده در عین زمان اطمینان از صحت سند از طریق تطبیق با کننده حاصل شده است.

شعبه کمیوتر اداره مخزن در خلال هر ششماه اوراق کمیوتر شده را در خصوص حصول اطمینان از صحت اسناد مورد ملاحظه قرار میدهد و راپور آن را به شعبه اجرائیه مخزن ارائه مینماید تا ضمن تهیه گزارش در راپور اجراآت مد نظر گرفته شود.

اداره مخزن در مورد اجرای مثنی وثایق در هر ربع سال به ستره محکمه گزارش میدهد.

این گزارش شامل دو بخش است.

الف: راپور احصائیوی که معمولاً در هر ربع به اداره احصائییه قضائی ارسال می گردد.

ب: گزارش تفصیلی موضوع که شامل شهرت مکمله در خواست دهند و خلاصه محتویات وثیقه می باشد، به ریاست عمومی ثبت اسناد وثایق ستره محکمه.

۱- این طرز العمل بداخل (۱۸) ماده از تاریخ تصویب شورایعالی ستره محکمه نافذ است.

۲- از تطبیق این طرز العمل آمرین مخازن، روسای محاکم استیناف و ریاست عمومی اسناد و وثایق ستره محکمه نظارت بعمل می آورند.

۳- این مقرر در مجله قضاء نشر می گردد.

بموجب مصوبه شماره (۶۶۵) مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۹ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.به تصویب رسید.

تعیین وظائف کاری زون های قضائی

ماده اول:

مبنی:

این طرز العمل بمنظور تعیین وظائف کاری زونهای قضائی وضع گردیده است.

ماده دوم:

اهداف:

۱- واریسی امور قضائی سرتاسری کشور از طرف هیات رهبری ستره محکمه.

۲- ایجاد اصلاحات در طرز رسیدگی قضایا در محاکم.

۳- بازرسی طرز کار قضات و منسوبین اداری و ایجاد سرعت کاری

۴- تحکیم هرچه بهتر سلسله مراتب اداری در محاکم.

ماده سوم:

بمنظور آسان ساختن زمینه تماس و مفاهمه ستره محکمه با محاکم ولایات و اطراف، تمام ولایات کشور به (۸) حوزه ارتباطی تقسیم گردیده و هر حوزه تحت اداره و بررسی قضائی بیک گروپ کاری بشکل نوبتی قرار می گیرد که در راس آن یک عضو شورای عالی ستره محکمه قرار دارد.

زون های هشت گانه عبارتند از:

۱. حوزه اول (زون کابل): شامل ولایات کابل ، پروان ، کاپیسا و پنجشیر. مرکز آن ولایت کابل ، معاون زون رئیس محکمه استیناف ولایت کابل.
۲. حوزه دوم (زون جنوب): شامل ولایات لوگر، غزنی، پکتیا و خوست. مرکز آن ولایت پکتیا. معاون زون رئیس محکمه استیناف ولایت پکتیا.
۳. حوزه سوم (زون جنوب غرب): شامل ولایات زابل ، ارزگان، کندهار و هلمند. مرکز آن ولایت کندهار، معاون زون رئیس محکمه استیناف ولایت کندهار.
۴. حوزه چهارم (زون غرب) : شامل ولایات نیمروز، فراه ، هرات ، غور و بادغیس. مرکز آن ولایت هرات ، معاون زون رئیس محکمه استیناف ولایت هرات
۵. حوزه پنجم (زون شرق): شامل ولایات ننگرهار ، لغمان ، کنر و نورستان. مرکز آن ولایت ننگرهار. معاون زون رئیس محکمه استیناف ولایت ننگرهار.
۶. حوزه ششم (زون شمال شرق) : شامل ولایات بدخشان ، تخار، کندز و بغلان. مرکز آن ولایت کندز. معاون زون رئیس محکمه استیناف ولایت کندز.
۷. حوزه هفتم (زون شمال): شامل ولایات فاریاب ، بلخ، سمنگان ، شبرغان و سرپل. مرکز آن ولایت بلخ ، معاون زون رئیس محکمه استیناف ولایت بلخ.

۸. حوزه هشتم (زون مرکزی) : شامل ولایات بامیان، دایکندی و میدان وردک. مرکز آن ولایت بامیان ، معاون زون رئیس محکمه استیناف ولایت بامیان.
- ماده چهارم:**
محاکم ابتدائیه نظامی تابع زون های مندرج فوق می باشند.
- ماده پنجم:**
وظائف گروپ های کاری در زون های هشت گانه قرار ذیل است:
- ۱- بررسی دقیق طرز کار و اجراآت محاکم ، معلومات در باره تعداد دوسیه هائی که در هر محکمه تحت دوران قرارداد ، میعاد دوسیه و دلایل عدم اتخاذ تصمیم در مورد فیصله دوسیه ها.
 - ۲- ارزیابی قدرت کاری و شهرت کارکنان قضائی واداری محاکم هر ولایت.
 - ۳- گذاشتن صندوق شکایات به همکاری معاون زون.
 - ۴- تعمیم قوانین و تبلیغ حقوقی به مقصد توضیح فعالیت های محاکم و جلب اعتماد مردم به قوه قضائیه کشور از طریق مطبوعات و رسانه های جمعی.
 - ۵- گروپ کاری مکلفیت دارند تقسیم اوقات و جدول راپوردهی محاکم ابتدائیه را به محکمه استیناف ولایت بصورت هفته وار و همچنان راپوردهی محاکم استیناف زون را طور ماهوار تنظیم و ترتیب و به ستره محکمه ارائه نماید.
- ماده ششم:**
هر گروپ کاری بریاست یکی از اعضای ستره محکمه به اشتراک دونفر مستشاران دیوانهای ستره محکمه و یک نفر عضو تفتیش

تشکیل می گردد و به حوزه های معین هشت گانه به اوقات مختلف مسافرت می نمایند.

ترکیب اعضای گروپ برای یک حوزه یاساحه برای مدت شش ماه می باشد.

ماده هفتم:

گروپ معینه کاری راپور های کاری خودراطور محرمانه ازطریق دارالانشاء شورای عالی ستره محکمه راساً به هیات رهبری ستره محکمه ارائه مینماید. ستره محکمه بعد از مطالعه و بررسی همه جانبه راپور، درموردتصمیم لازم اتخاذو می نماید.

ماده هشتم:

مرکز زون به طور دائم فعال می باشد.

ماده نهم:

وظائف معاونین زونها:

۱. امور اداری زون ازطریق معاون زون بطورمنظم اجراء می گردد ودفاتر مربوط زون رامجزاء از دفاتر اداری ریاست محکمه ، تنظیم می نماید.

۲. معاون زون بطورمتناوب از امورمحاکم ولایات مربوطه بازدید بعمل آورده مشکلات رایادداشت و برای رفع آن هدايات لازم صادر و از موضوع بمرکز نیزگزارش ارائه نماید.

۳. معاون زون در مورد وضعیت فزیکي محاکم به مرکز گزارش ارائه نماید.

۴. معاون زون ورکشاپ ها و سیمینار ها را درمواقع لازم درمرکز زون برای محاکم ولایات مربوطه دایرنموده ودرختم به مرکز گزارش دهد.

۵. معاون زون درغیاب رئیس زون صلاحیت های رئیس زون رباطور قانونی اعمال نموده دراخیر هر ماه درمورد فعالیت خویش گزارش دهد ونیز راپور قضایای اجراء شده رادر ولایات مربوط جمع آوری و ازطریق خویش به مقام ستره محکمه ارسال نماید.

ماده دهم:

این طرزالعمل ازتاریخ تصویب شورایعالی ستره محکمه نافذ است.

شماره تصویب (۶۶۵) مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۹

طرز العمل توضیح به استهدآت

فصل اول

احکام عمومی

ماده اول:

این طرز العمل امور مربوط به استهدآت محاکم و مراجع مربوط را که بارتباط مسائل قضاء و قانون صورت می گیرد، تنظیم می نماید.

ماده دوم:

این طرز العمل، خطوط و اجراآت ستره محکمه را در امر رسیدگی و توضیح به استهدآت ورهنمائی محاکم و مراجع مربوط تنظیم می نماید.

فصل دوم

منابع حکم

ماده سوم:

مطابق حکم ماده (۱۳۰) قانون اساسی ج ۱.ا « محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می کند.

هرگاه برای قضیه یی از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد، محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می نمایند که عدالت را به بهترین وجه تامین نمایند»

و بموجب حکم ماده (۱۲۸) قانون اساسی: « محکمه مکلف است اسباب حکمی را که صادر می نماید، در فیصله ذکر کند».

بتاسی از موا دفع قانون اساسی و مواد (۷) و (۹) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم قوه قضائیه، محاکم موظف اند قضایا را مطابق با احکام قانون اساسی و سایر قوانین و در ساحه ای که حکم قانون موجود نباشد مطابق احکام شریعت به موضوع رسیدگی نموده اسباب حکم خورا در فیصله ذکر نماید.

بنابران لازم است تا قضات طوریکه در مواد (۱۷۹۳) و (۱۷۹۴) مجله الاحکام و در ماده (۴۹۸) قانون اصول محاکمات مدنی نیز مسجل می باشد، اشخاص حکیم، خبیر، دانشمند بوده به مسائل فقهی و احکام قانون وارد باشند. لهذا طبق ایجاب قانون:

۱. حین تقرر قاضی مواصفات فوق در نظر گرفته شود.
۲. برای قاضی لازم است تا با مراجعه به احکام شریعت، قانون اساسی، قوانین، فرامین، مقررات، لوایح، طرز العمل ها، متحد المالها، رهنمودها و سایر مواد مطالعاتی و تحقیقی سطح دانش حقوقی و فقهی خود را شخصاً ارتقا بخشد تا احکام قوانین را بطور مطلوب درک نماید و قدرت تطبیق سالم آن را داشته باشد.

فصل سوم

طرز تنظیم استهداء

ماده چهارم:

هر محکمه در قضایای وارده اولاً به رهنمائی قانون و کتب فقهی غور نموده و حتی المقدور بکوشند در روشنائی احکام قانون و استفاده از منابع فقهی در زمینه رسیدگی و اصدار حکم نمایند. هرگاه در موضوع و یا رده به چنان مشکلاتی مواجه شود که تناقص در مواد قانون و یا ابهام و اشکال مطلق به نظر برسد که احتیاج به تفسیر قانون داشته باشد، درین صورت مراتب استهدائی را در سه بخش ترتیب دهد:

در بخش اول محتویات اصل موضوع را به تفصیل کامل درج نماید.

در بخش دوم نظر خود را که از مطالعه قوانین و منابع فقهی در موضوع مذکور حتی المقدور بدست آورده است، ارائه کند. در بخش سوم موضوع ضرورت به تفسیر و توجیه قانون را بامدارک مورد مطالعه شان با رعایت سلسله مراتب به ستره محکمه ارجاع نماید.

البته موضوعاتی که ایجاب توضیح، توجیه و تفسیر قانون را بنماید بمقام شورای عالی ستره محکمه تقدیم و مطابق به هدایت مقام موصوف نتیجه ابلاغ می گردد.

ماده پنجم:

محاکم در تنظیم استهداء مراتب ذیل را در نظر گیرند:

۱. در موضوعاتی که به اساس قوانین و احکام فقهی حل می گردد، بدون ضرورت جدی از استهداء خود داری ورزیده باعث سرگردانی مراجعین و شعب مربوط نگردند.

۲. در صورتیکه علی رغم مطالعات مقدماتی محکمه، ضرورت به توضیح، توجیه و یا تفسیر موجود باشد با در نظر داشت قواعد مندرج این طرز العمل استهداء شان را ترتیب نمایند.

۳. نظریات تدقیقی و مشورتی که از طریق شعبات ستره محکمه تنظیم میشود جنبه الزامی نداشته اساس حکم محکمه قرار نمی گیرد بلکه محکمه مربوط میتوانند بحث یک نظر مشورتی از آن استفاده نمایند و در اصدار حکم و اتخاذ تجویز آزادی کامل دارد.

ماده ششم:

زمانی که محکمه به مشکل قانونی مواجه می گردد، موضوع را به جلسه هیات قضائی مطرح و مطابق قواعد مندرج این طرز العمل در زمینه غور و از ریاست محکمه استیناف ولایت مربوط استهداء نماید.

محکمه استیناف موضوع را در جلسه مشترک دیوان های خویش مورد غور و بررسی قرار دهد.

هرگاه به راه حل موضوع توفیق حاصل شد محکمه مربوط را رهنمائی مینماید. در صورتیکه موضوع قابل توضیح، توجیه و تفسیر دانسته شود، تفصیل موضوع را بمقام ستره محکمه بنگارند.

ماده هفتم:

محاکم از ارسال دوسیه ها و اوراق قضایای جزائی، مدنی و تجارتی به عنوان استهداء به ریاست محکمه استیناف و یا مقام ستره محکمه

که باعث التوای رسیده گی وانقضای میعاد مقررہ قانونی میگردد ،
جداً اجتناب نمایند ودر مواردی که ضرورت به استهداء باشد،
استهداء را نه در قضیه خاص بلکه به ارتباط قوانین ومسایل فقہی
بمفہوم عام و بدون اینکه اوراق و یادوسیہ ئی رادر ضمیمہ داشته
باشد، تنظیم وارسال دارند.

فصل چهارم رسیدگی به استهداآت

ماده هشتم:

رسیدگی به استهداآت مطابق حکم فقرہ (۹) ماده (۲۴) قانون
تشکیل وصلاحت محاکم قوہ قضائیه ازطریق شورای عالی سترہ
محکمہ صورت میگیرد.

ماده نهم:

ریاست عمومی تدقیق ومطالعات استهداء واصلہ رادر روشنی قوانین
ومسایل فقہی مورد مطالعہ قراردادہ نظرتدقیقی ومشورتی رانتظیم
مینماید.

ماده دهم:

ہرگاہ نظر تدقیقی ومشورتی راتوضیح وتشریح قوانین در روشنی
صراحت قانون تشکیل دہد نظر بعد از منظوری قاضی القضاات
ورئیس سترہ محکمہ بہ مرجع مربوط اخبار میگردد.

ماده یازدہم:

در صورتیکہ نظرتدقیقی ومشورتی متضمن توجیہ وتفسیر قانون باشد
در اینصورت نظر جہت غور بہ شورای عالی سترہ محکمہ تقدیم می
گردد.

ماده دوا زدہم:

ہرگاہ نظرتدقیقی جنبہ عام داشته واز شورای عالی سترہ محکمہ
تائید گردد دارالانشاء شورایعالی موضوع راجہت توحید مرافق
قضائی وتطبیق یکسان قوانین بہ عموم محاکم طور متحدالمآل ابلاغ
می نماید.

ماده سیزدہم:

روسای محاکم استیناف موظف اند تایک نقل متحدالمآل صادرہ
سترہ محکمہ را در اختیار دیوان ہا ومحاکم ابتدائیه مربوط قرار دہند.
ریاست ہای محاکم استیناف ومحاکم ابتدائیه ولایت مربوط
موظف اند تا قوانین، فرامین، کتب فقہی، مقررات، لوایح ومتحدالمال
ہای قضائی را طور منظم در محل کار شان داشته باشند.

ہر محکمہ ای کہ مواد فوق رانداشته باشد در اکمال آن بارعایت
سلسلہ مراتب اقدام نماید.

ماده چہاردہم:

قضات محاکم اعم از روسا واعضاء در مجموع موظف اند تا قوانین
،مقررات لوایح ومتحدالمال ہا رابطور منظم مطالعہ نمایند ودر موضوعی
کہ یک بار استهداء صورت گرفته وتوضیح آن طور متحدالمآل
ابلاغ شدہ است، باردوم بہ عین دلیل وعین موضوع استهداء مجاز
نمی باشد مگر اینکہ تعدیل آن بہ دلایل مقنع پیشنهاد گردد.

ماده پانزدہم:

این طرز العمل از تاریخ تصویب شورایعالی سترہ محکمہ نافذ است.

قوانین مربوط به احکام مفقود و غایب :

مواد ۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-و ۲۰۵۶ قانون مدنی

در مورد صراحت دارد محاکم مربوط مطابق به آن عمل نماید .

طرز رسیدگی به احکام غایبی :

الف : جلب واحضار

موضوع جلب واحضار در فصل هشتم مواد ۱۲۸ - ۱۵۲

اصول محاکمات مدنی بیان گردیده است .

ب : حکم علیه غایب :

فصل نهم قانون اصول محاکمات مدنی در مواد ۱۵۳ الی ۱۷۴

به آن تصریح نموده و نیز سیمینار روسای محاکم سال ۱۳۵۰ تحت عنوان : قواعد مربوط به احکام غایبی در قضایای حقوقی درمورد رهنمود خوبی است که تا فعلاً محاکم در حکم خود به آن استناد مینمایند.

ج : نحوه ابلاغ و اطلاع حکم به محکوم علیه غایب :

ماده : ۱۷۲ قانون اصول محاکمات مدنی چنین مشعر است :

احکام غایبی به وکیل ابلاغ و به محکوم علیه اطلاع داده میشود در صورت عدم امکان ابلاغ به محکوم علیه، اطلاع نامه به یکی از اعضای فامیل غایب تسلیم و در صورت عدم موجودیت اعضای فامیل به اداره محل بود و باش و یا اداره محل کارشان سپرده میشود .

چون میعاد اعتراض علیه فیصله ها و قرار های محاکم تحتانی به محاکم فوقانی بعد از ابلاغ حکم به محکوم علیه حاضر صورت می گیرد و بارتباط محکوم علیه غایب میعاد اعتراض زمانی آغاز

طرزالعمل

ابلاغ حکم به محکوم علیه غایب

در قضایای مدنی حقوق عامه و احوال شخصیه

این طرزالعمل به اساس حکم ماده (۱۲۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان بادر نظر داشت احکام مواد (۱۵۳) الی (۱۷۴) مندرج فصل نهم قانون اصول محاکمات مدنی و بارعایت احکام قواعد احکام غایبی مصوب سیمینار سال ۱۳۵۰ بحیث احکام توضیحی و تفسیری وضع و تنظیم گردیده است .

احکام غایبی و نحوه ابلاغ به محکوم علیه غایب یکی از مواردی است که نسبت عدم توحید در اجراآت به سبب برداشت های متفاوت قضات از قوانین مربوط در این زمینه مشکلات فراوانی را برای طرفین دعوی ببار آورده است که طرزالعمل توضیحی ذیل جهت حل مشکلات موجود تنظیم و تجویز گردید :

عواملی که مدعی علیه جهت رسیدگی و دفاع از حقوق خویش به محکمه حاضر نمی گردد عمدتاً اسباب ذیل را دربر می گیرد :

الف: - به سبب مفقودیت

ب : - به سبب غیابت

ج : - به سبب تمرد مدعی علیه

میگردد که ابلاغ به محل قانونی محکوم علیه غایب ارسال و محکوم علیه غایب از آن اطلاع حاصل نماید.

بهرتر است به نحو آتی در موارد فوق اجراءات صورت گیرد.

الف - اطلاع حکم به محکوم علیه غایب خارج کشور:

- ۱- حکم محکمه بعد از ابلاغ به محل قانونی محکوم علیه غایب خارج کشور از طریق وزارت امور خارجه به نماینده گی های افغانستان در کشور های خارجی کتباً ارسال گردد.
- ۲- در صورتیکه کشور شخص غایب معلوم باشد صرف به همان نماینده گی مقیم کشور خارج اطلاع داده شود.
- ۳- نماینده گی افغانستان مقیم کشور خارج مکلف است از طریق وزارت امور خارجه و وزارت امور مهاجرین همان کشور حکم محکمه را به اطلاع محکمه علیه غایب برساند.
- ۴- در صورت دریافت محکوم علیه غایب استحضاری وی مبنی بر اطلاع محکوم علیه غایب از حکم محکمه کتباً در حضور داشت دو نفر از پرسونل نماینده گی افغانستان در خارج کشور اخذ گردد.
- ۵- در صورت امتناع محکوم علیه از استحضاری، صورت امتناع در حضور داشت دو نفر شاهدان از جمله پرسونل نماینده گی افغانستان تحریر و امضاء آنها اخذ گردد.
- ۶- چگونگی اطلاع دهی به محکوم علیه توسط نماینده گی های افغانستان به وزارت خارجه رسماً ارسال گردد تا به ملاحظه آن اجراءاتی که در نظر است اقدام صورت گیرد.

ب : - اطلاع حکم به محکوم علیه غایب داخل کشور:

- ۱- در صورت امکان، حکم محکمه به محکوم علیه غایب اطلاع و از صورت اطلاع دهی آن کتباً استحضاری اخذ گردد.
- ۲- در صورت امتناع محکوم علیه از استحضاری، صورت امتناع در حضور داشت دو نفر شاهد تحریر شود.
- ۳- در صورت عدم موجودیت شخص غایب حکم محکمه به یکی از اقارب شخص غایب تسلیم و از طریق وی به شخص غایب اطلاع داده شود.
- ۴- در صورت عدم موجودیت اقارب وی و یا امتناع امر از تسلیمی ورق اطلاع به وکیل محل زیست تسلیم و از طریق وی به شخص غایب اطلاع صورت گیرد.
- ۵- در صورتیکه محکوم علیه غایب از جمله کارکن ادارات دولتی، شرکت های شخصی و موسسات داخلی و یا خارجی باشد، حکم محکمه از طریق ادارات محل کار محکوم علیه غایب به وی اطلاع داده شود.
- ۶- مراجع مذکور مکلف است از صورت اطلاع دهی وی عدم آن به شعبات و محلات ابلاغ حکم کتباً معلومات دهند.

محصول محکمه:

- ۱- در صورتیکه محصول محکمه متوجه شخص غایب باشد، موضوع به ادارات تحصیلی اطلاع گردد.
- ۲- رسیده گی استینافی و فرجام رسی تحویل محصول معطل شده نمی تواند.

این طرز العمل از تاریخ تصویب شورای عالی ستره محکمه نافذ است.

شماره تصویب (۶۶۵) مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۹

قاعده توضیحی

در زمینه غصب عقار

مقدمه:

از خلال استهداآت واصله چنین استنباط گردید که برخی محاکم با ذکر مواد قانون مدنی و مسایل شرعی بارتباط غصب عقار چنین استهدا نموده اند که اگر قیمت بناء و اشجاری که بالای زمین مغضوب از طرف غاصب صورت گرفته است نسبت به زمین مغضوب بیشتر باشد و یا عکس آن در موقع رد مال مغضوب چه معامله صورت گیرد؟

متن استهداء:

« در حین بررسی قضایای متنازع فیه بملاحظه میرسد که غاصبین بالای املاک مغضوب هموطنان مهاجر با صرف هزار ها و یا حتی صدها هزار دالر امریکائی عمرانات و آبادی نموده که حین صدور حکم با رعایت دقیق و سالم احکام قانون و مسایل فقهی محکمه را بمشکل مواجه ساخته تا هنوز بدریافت دلائل قانع کننده مبنی به احکام قانون و یا مسایل فقهی مفتی به که بتوانیم قناعت اصحاب دعوی را فراهم و عدالت قضائی را بوجه احسن تامین نمائیم بصورت درست موفق نشده ایم نا گزیر خواستیم که موضوع را از مقام عالی استهداء نمائیم و آن اینکه:

فقره (۱) ماه (۷۶۵) قانون مدنی ذیلاً مشعر است: «غاصب برد آنچه غصب نموده مکلف می باشد» و ماده (۸۰۸) قانون مذکور می گوید:

هرگاه ملک شخص با ملک شخص دیگری طوری متصل گردد که انفصال آن بدون ضرر غیر ممکن باشد، ملکی که قیمت آن کمتر است بعد از تادیه قیمت تابع ملکی شناخته می شود که قیمت آن بیشتر باشد». ولذا فقره دوم ماده (۷۶۹) قانون مذکور تصریح داشته که: «(۲): در صورتیکه غاصب در عقار بناء اعمار نموده باشد و یا اشجار غرس کرده باشد مالک میتواند اشجار و بناء را قطع نماید. و یا قیمت آن را در صورت موافقه غاصب مقلوعاً پردازد». این مسئله در صفحه (۲۰۹) فتاوی کاملیه طور اختلافی ذکر شده. و در فتاوی عالمگیری باب دوم در موضوع چنین آمده است:

«اگر شخصی زمینی را غصب و در آن عمارت ساخت قیمت زمین علیحده و قیمت عمارت علیحده معلوم گردد. اگر قیمت عمارت از قیمت زمین زیاد باشد مالک زمین حق نقض آبادی را ندارد و بر غاصب قیمت زمین برای مغضوب منه لازم می شود. و اگر قضیه برعکس بود حکم نیز بر عکس است چنانچه این موضوع در ماده (۵۹) رهنمای وثایق و سجلات دعاوی محاکم عدلی تالیف مرحوم مولوی عبدالباقی صافی نیز تسجیل یافته که رهنمای مذکور من حیث دستور العمل بدسترس قضات محاکم قرار دارد.

وبهمین منوال ماده (۹۰۶) شرح مجله الاحکام تالیف سلیم رستم بازلبنانی شارح مجله بدین مضمون صراحت دارد:

«ان كان المغضوب الارضاً فبني الغاصب فيها بناءً بغير تراب تلک الارض والا فالبنا لرب الارض لانه لو أمر بنقضه بغير تراباً كما كان - در متقی». او غرس فیها اشجاراً فانه یومر بقلها و رد الارض وان کانت قیمه البناء و الغراس اکثر منه من قیمه الارض خلافاً لکرخی فانه قال

قیاساً علی مسأله الدجاجة الى مرت فی المادة (۹۰۲) انه لوقیمة البناء اکثر یضمن الغاصب قیمة الارض ویتملكها ولا یوءمر بالقلع ولكن فی الحامدیة عن الانقروی انه لا یفتی بقول الكرخی صرح به المولی ابو سعود ثم قال وبالامر بالقلع افتی شیخ الاسلام علی افندی ونعم هذا الجواب فانه سد باب الظلم ویمكن ان یفرق بین هذا المسألة و بین مسأله الدجاجة ونحوها بانه تلك الامر اضطراری صدر بدون قصد معتبر واما الغصب فهو فعل اختیاری مقصود. اهـ ثم اعلم ان هذا الاختلاف فیما اذا كانت الارض ملكاً اما اذا كانت وفقاً فیوءمر الغاصب بالقلع والرد مطلقاً «مجمع الانهر».

بناءً از آنجائیکه از یک طرف قانون مدنی مضطرب بوده در یک جا مطلقاً حکم به قلع بناء بالای ملک مغصوبه نموده ودر جای دیگر ملکی که قیمت آن کمتر است آنرا تابع ملکی دانسته که قیمت آن بیشتر است. واز طرف دیگر مسایل فقهی که فوقاً ذکر شد مفتی به نبوده که محکمه باستفاده آن عدالت قضائی را بوجه احسن تامین نماید لذا محتوای استهداء مارا این مطلب تشکیل میدهد که: اگر شخص زمین هموطن مهاجر خود را پس از ماه ثور ۱۳۵۷ غصب کرده باشد ودر آن عمارت ساخته باشد و قیمت عمارت بمراتب از قیمت زمین زیاد باشد و بر عکس آن، در چنین حالات استناد حکم محاکم بکدام یک از مواد قانون مدنی ویا مسله فقهی مفتی به استوار باشد تا بارعایت احکام قانون عدالت به بهترین وجه ممکن تامین گردد. امید که مقام عالی در زمینه ما را هدایت فرماید».

توضیح:

طوریکه متن استهدائیه ملاحظه می گردد محور استهداء محکمه را این مطلب تشکیل میدهد که اگر غاصب در بالای زمین مغصوب عمارتی ساخته باشد که قیمت آن بمراتب از قیمت زمین بیشتر باشد و برعکس آن، در چنین موارد استناد حکم محاکم بکدام یک از مواد قانون مدنی ویا مسله فقهی مفتی به استوار باشد.

محکمه در آغاز فقره (۱) ماده (۷۶۵) قانون مدنی را تذکر داده است که چنین مشعر است «غاصب برد آنچه غصب نموده مکلف می باشد» و سپس ماده (۸۰۸) قانون مذکور را به عبارت ذیل تذکار داده است: «هرگاه ملک شخص به ملک شخصی دیگر طوری متصل گردد که انفصال آن بدون ضرر غیر ممکن باشد ملکی که قیمت آن کمتر است بعد از تادیه قیمت تابع ملکی شناخته می شود که قیمت آن بیشتر باشد».

همچنان محکمه بدوام استهداء می نگارد: فقره دوم ماده (۷۶۹) قانون مذکور تصریح داشته: در صورتیکه غاصب در عقار بناء آباد نموده باشد ویا اشجار غرس کرده باشد، مالک می تواند اشجار و بناء را قطع نماید ویا قیمت آن را در صورت موافقه غاصب مقلوعاً بپردازد. این مسئله در صفحه (۲۰۹) فتاوی کاملیه طور اختلافی ذکر شده است».

در متن استهداء به مسائل فقهی مندرج در کتب فتاوی کاملیه، عالمگیری، سلیم باز، رهنمای وثایق وسجلات محاکم ورهنمای معاملات (حقانی) استناد شده است.

تا جائیکه متن استهدا مورد ارزیابی قرار میگیرد، محکمه حکم مندرج ماده (۷۶۹) قانون مدنی را در ارتباط مسئله فقهی کتاب کاملیه مقایسه نموده و آن را اختلافی گفته است و همچنان بین ماده (۷۶۵) قانون مدنی که غاصب را برد مغضوب مکلف می نماید و حکم ماده (۸۰۸) قانون مدنی که در املاک مخلوط ملک دارای قیمت نازل که تابع ملکی که قیمت بیشتر دارد دانسته است، در تضاد می بیند.

آنچه در متن استهداء آمده و مسایل مربوط آن طبق شرح ذیل قابل توضیح دانسته می شود:

۱- فقره (۱) ماده (۷۶۵) قانون مدنی صراحت تام دارد و با ماده (۸۰۸) قانون مذکور قابل مقایسه و تطبیق دیده نمی شود زیرا ماده (۸۰۸) اصلاً به بحث غصب ارتباط ندارد و سایر مواردی را در بر می گیرد که املاک اشخاص نه از طریق غصب بلکه بوسیله دیگر با هم طوری مخلوط گردد که بدون ضرر قابل تجزیه نباشد. لذا ماده (۸۰۸) درین مبحث قابل استناد نمی باشد.

۲- با اساس حکم ماده (۷۶۵) قانون مدنی و بادر نظر داشت مواد (۹۰۵) و (۹۰۶) مجله الاحکام العدلیه و شرح مواد مذکور که از جانب (اتاسی) شارح مجله الاحکام صورت گرفته به استناد «مجوزه» مندرج ص (۱۰۳) سمینار سال ۱۳۵۰ روسای محاکم ولایات که به تصویب شورای عالی قوه قضائیه آنزمان رسیده است و تحت عنوان «تجویز در راه توحید و انسجام مسایل مفتی به فقه حنفی از طریق اتکاء به ماخذ» چنین مشعر است: (کتاب الاتاسی (شرح مجله الاحکام) که مسایل راجع فقه حنفی را توحید نموده است به حیث مأخذ و محکمه بآن مراجعه نماید.

هرگاه مسئله در کتب دیگر فقهی نسبت به آن ارجح بود قاضی می تواند در چنین حالت به کتب دیگر نیز مراجعه نماید در چنین حالت بمنظور توحید انسجام و تعمیم قواعد و مسایل مفتی به فقه حنفی، قاضی مکلف است دلایل رحجان قول را با ارائه مأخذ و دلایل حکم به ستره محکمه بفرستد». قاعده توضیحی ذیل به ارتباط موضوع قابل رعایت است:

مطابق حکم فقره (۱) ماده (۷۶۵) قانون مدنی «غاصب» به رد آنچه غصب نموده مکلف می باشد». و «طبق حکم فقره (۱) ماده (۷۶۹) قانون مذکور هرگاه مال مغضوب عقار باشد، غاصب به رد آن بمالک یا اجرت مثل آن مکلف می باشد». و بموجب فقره دوم «در صورتیکه غاصب در عقار بناء آباد نموده باشد و یا اشجار غرس کرده باشد، مالک می تواند اشجار و بناء را قلع نماید و یا قیمت آن ها را در صورت موافقه غاصب مقلوعاً بپردازد» و به اساس فقره سوم «در صورت تلف شدن عقار یا وارد شدن نقصان بر قیمت آن ، گرچه غاصب متعدی نباشد، به ضمان مکلف می گردد.

هرگاه قیمت بناء نسبت به زمین بیشتر باشد، مطابق حکم ماده (۹۰۶) مجله الاحکام این کار را به اساس گمان و سبب شرعی انجام داده باشد درین حال صاحب عمارت و یا درخت قیمت زمین را بمالک بدهد و زمین از آن وی می شود.

در متن ماده فوق مثال توضیحی ذیل آمده است: «بطور مثال: کسی در زمینی که برای وی به ارث مانده بود عمارتی بنا کرد که قیمت تعمیر از اصل زمین زیاد تر شد. بعد از آن برای زمین صاحبی پیدا

شد، صاحب عمارت پول قیمت زمین را به صاحبش بدهد و آن عمارت و زمین را برای خود نگهدارد».

واتاسی شارح مجلة الاحکام در شرح ماده فوق تصریح نموده است که تمسک بقول فوق بدو شرط متکی می باشد: یکی اینکه قیمت بناء از زمین بیشتر باشد و دیگر اینکه گمان وسبب شرعی در میان باشد یعنی غاصب به سوءنیت و بعمل غصب مبادرت نورزیده باشد. و در صورتیکه یکی از دو شرط فوق تحقق نپذیرد، بقول ظاهر الروایه که در اول ماده (۹۰۶) ذکر شده است تمسک می شود که شامل دو نظر است:

یکی اینکه عمارت از تهداب ویران می شود و غاصب مواد تعمیراتی خود را می گیرد و دیگر اینکه مالک به توافق جانب مقابل قیمت مواد تعمیراتی را بطور مقلوع به غاصب می پردازد و عمارت متعلق به مالک زمین می گردد.

در تمام حالات فوق هدف این است که راه ظلم مبنی بر اخذ ملک غیر بطور غصب و بدون اجازه مالک شیوع پیدا نکند و درعین حال مالک زمین حین استرداد ملک مغضوبه از غنای غیر مستحق استفاده نکند.

نظری که در شرح اتاسی بر مجلة الاحکام بقرار فوق توضیح شده است، مطابق مجوز مندرج ص (۱۰۳) سیمینار سال ۱۳۵۰ روسای محاکم ولایات بوده قابل تطبیق است. این رهنمود از تاریخ تصویب نافذ است

شماره تصویب (۶۶۵) مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۹

قاعده توضیحی در مورد حضانت

مقدمه:

در مورد «حضانت» اجراءات محاکم باهم یکسان نمیباشد، برخی محاکم اجرای این امور را مانند مسایل مورد نزاع به شکل فیصله مدنظر می گیرند و چنین عقیده دارند که ماهیت قضیه را تشکیل میدهد. و بعضی هم باین نظر اند که این موضوعات از وظایف محاکم فامیلی می باشد که باید مانند تعیین نفقه از طریق تجویز شرعی توسط قرار قضائی صورت گیرد نه صدور فیصله. و استهداثتی هم درین مورد بمقام ستره محکمه توصل ورزیده است که بحیث نمونه استهداثیه ریاست محکمه فامیلی شهر کابل مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد.

متن استهداث:

به اساس ماده (۲۴۹) قانون مدنی حضانت پسر باسن هفت و از دختر باسن (۹) سالگی خاتمه پیدا میکند که باتوجه به مواد فوق ق م مسلم است که حضانت طفل حق و تکلیف مادر است در برابر فرزند برای مدتیکه قانون تعیین نموده است.

اماعماً بعد از طلاق و یا هم تفریق این حق جبراً توسط پدر از مادر طفل گرفته شده و مادر مجبور به دعوی گردانیده میشود که این دعوی وطی مراحل چه بسا که در جریان دعوی حق حضانت نیز ختم می گردد. زیرا مواد (۲۰۰) و (۲۰۱) قانون اصول

محاکمات مدنی چه در محکمه ابتدائیه ، استیناف و دیوان ستره محکمه (۴) ماه و یا (۵) ماه را که مجموعاً اضافه از یکسال و در صورت نقض فیصله محاکم فوقانی و ارسال و مرسل از مراجع مربوط سالها را احتوا مینماید . برای رفع این مشکل هرگاه به محکمه ابتدائیه صلاحیت اصدار قرار قضائی نهایی مبنی بر تسلیمی طفل به مادر داده شود و آنگاه شخص معترض دعوی خویش را دنبال نماید سبب جلوگیری از اتلاف حقوق اطفال و تامین عدالت خواهد گردید.

بادر نظر داشت مقدمه فوق و متن استهداء و بخاطر رعایت حقوق طفل بمنظور توضیح وظائف و صلاحیت محاکم فامیلی تجویز ذیل من حیث قاعده و توضیحی در مورد حضانت اتخاذ گردید:

تجویز:

اجراآت محاکم در امور فامیلی در مجموع دو بخش را احتوای نماید: یکی اجرای وظائف و اعمال صلاحیت های قانونی بمنظور تجویز شرعی در موارد مربوط مانند تعیین نفقه آباء ، اولاد و اقارب ، اداره اموال ، وصایت ، ولایت ، تجویز شرعی در مورد فروش یا عدم فروش جای داد صغیر بار رعایت مصلحت طفل ، تنظیم امور حضانت طفل و امثال آن که ضرورت به رسیدگی قضائی نداشته ، شرعاً و قانوناً از وظایف قاضی بحساب می آید. و دیگر حل منازعات ناشی از امور خانواده که جزء در حالات اصلاح و ابراء در سایر موارد مستلزم رسیدگی قضائی بوده ایجاب می نماید تا حکم محکمه در ماهیت ذریعه فیصله و در شکل توسط قرار صادر گردد و تابع استیناف و فرجام می باشد.

طوری که توضیح گردید، از جمله امور یک به بدون ایجاب رسیدگی قضائی از طریق تجویز شرعی و قانونی به وسیله محکمه اجراء می گردد ، یکی هم حضانت طفل را تشکیل میدهد.

احکام مربوط به امور حضانت و تسلیمی طفل به شخص مستحق در قانون مدنی و تعدیلات آن بطور مفصل و مصرح موجود است . محکمه بعد از تشخیص شخصی که مسئولیت حضانت را با در نظر داشت درجات و استحقاق شرعی با و تعلق می گیرد ، تجویز شرعی خود را در مورد حضانت اتخاذ و بوسیله قرار قضائی تسجیل می نماید.

این قرار ماهیتاً مبنی بر تجویز شرعی محکمه در مورد سرپرستی طفل می باشد که مطابق قانون و بادر نظر داشت مصلحت قانونی طفل صورت گرفته است و چون تجویز شرعی رسیدگی قضایی نمی باشد لهذا ایجاب استیناف و فرجام رانمیکند.

هرگاه طرف ذی ربط با اجراآت فوق ، معترض واقع گردد محکمه اعتراض را در مورد درجات استحقاق حضانت و مواصفات شخصی که بحیث مسئول حضانت تعیین شده است تحت غور قرار میدهد ، در صورتیکه محکمه باین نتیجه برسد که شخص تعیین شده فاقد درجه استحقاق و عاری از مواصفات قانونی می باشد، میتواند به تجویز قبلی خود تجدیدنظر بعمل آورد و قرار مجدد را بر طبق اقتضاء قانون صادر نماید.

لذا موضوع تعیین شخص مسئول برای حضانت طفل از جمله دعاوی و منازعات نبوده از وظائف محکمه میباشد که بادر نظر داشت مصلحت طفل از طریق تجویز شرعی صورت می گیرد و ضرورت

به صدور فیصله راندارد. بلکه تجویز محکمه درخصوص فوق
مورد استیناف و فرجام قرار نمی گیرد.
هرگاه شخصی به ارتباط موضوع اراده دعوی ومخاصمه داشته
باشد بدون اینکه در تجویز شرعی محکمه اخلاص واقع گردد، میتواند
دعوی خود را طبق قانون در محکمه ذیصلاح دنبال نماید.
قاعدۀ توضیحی فوق از تاریخ تصویب شورای عالی ستره محکمه
نافذ است.

شماره تصاوید (۶۶۵) مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۹

رهنمود در باره:

استفاده از مراکز فرهنگی قوه قضائیه

مقدمه:

ستره محکمه ج.ا.ا پروژه اعمار مراکز فرهنگی قوه قضائیه را در جنب
ریاست های محاکم استیناف ولایات آغاز نموده است که این مامول
در ولایات (بلخ، کندز، پکتیا، ننگرهار ولغمان) اکمال گردیده و به
بهره برداری سپرده شده است و در یک عده دیگر اجرای
کار در مورد اکمال پروسه جریان دارد.

این رهنمود بمنظور استفاده مفید، لازم و حفظ و مراقبت از تعمیر های
مراکز فرهنگی قوه قضائیه تنظیم شده است.

ماده اول:

تعمیر مرکز فرهنگی قوه قضائیه که در جنب تعمیر ریاست محکمه
استیناف اعمار گردیده است از جمله املاک قوه قضائیه بوده،
ریاست محکمه استیناف ولایت به حفظ و مراقبت آن موظف می
باشد و بنابران وظیفه دارند تا:

الف - تعمیر متذکره را در سرجمع املاک قوه قضائیه قید نموده
از موضوع به شعبه تعمیرات ریاست اداری ستره محکمه رسماً اطمینان
دهد.

ب - ریاست استیناف به اداره تحریرات واداری خویش هدایت دهد تا از امور تنظیف تعمیر همواره خبرگیری نمایند و کارکنان اجیر خویش را باین منظور توظیف سازند.

ج - تعمیر مرکز فرهنگی قوه قضائیه که دارای سالن، کتابخانه، و اتاق های مورد ضرورت می باشد در اختیار ریاست محکمه قرار داشته بدون استیذان ریاست محکمه استیناف هیچ مرجع دیگر از آن استفاده کرده نمیتواند.

ماده دوم:

ریاست محکمه استیناف ولایت از تعمیر مرکز فرهنگی قوه قضائیه به مقاصد ذیل میتوانند استفاده نمایند:

الف - بمنظور تدویر سیمینار و کنفرانس های که از جانب ریاست محکمه استیناف و به اشتراک منسوبین آن ریاست و محاکم مربوط آن صورت می گیرد.

ب - بمقصد تدویر برنامه های آموزش قضایی که از جانب موسسات مربوط به توافق ستره محکمه صورت می گیرد.

ج - بمنظور استفاده هیات هایی که از جانب ستره محکمه برای انجام وظایف معین و مشخص در آن ولایت توظیف میگرددند.

د - محاکم نظامی که در چوکات قوه قضائیه طبق قانون اجرای وظیفه می نمایند، می توانند با در نظر داشت شرایط مندرج این ماده به استیذان رئیس محکمه استیناف برای مقاصد و اهداف امور فرهنگی و معارف قضائی استفاده لازم و مقتضی بعمل آرند.

ماده سوم:

هرگونه برنامه های آموزش قضایی سیمینارها و کنفرانس هایی که در مرکز فرهنگی قوه قضائیه دایر می گردد، تحت نظارت مستقیم ریاست محکمه استیناف بوده و ریاست محکمه وظیفه دارد تا راپور مفصل آن را اعم از اینکه برنامه روی چه موضوع دایر گردیده، چه تعداد آموزش دیده اند و برنامه از جانب کدام مرجع و روی چه مضامین تنظیم و تدویر یافته است، برای است عمومی تدقیق و مطالعات ستره محکمه گزارش ارائه نمایند.

ماده چهارم:

ستره محکمه از روسای محاکم استیناف صمیمانه توقع می برد مراتب فوق را دقیقاً رعایت نمایند.

ماده پنجم:

این رهنمود از تاریخ تصویب شورای عالی ستره محکمه نافذ است.

شماره تصویب (۶۶۵) مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۹

رهنمود

در باره آموزش قضائی داخل خدمت

ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان بخاطر ارتقاء سطح دانش حقوقی قضات به همکاری موسسات بین المللی کورس های آموزشی قضائی داخل خدمت را تنظیم نموده است که تاحال تعداد زیاد قضات این کورس ها را سپری نموده اند، بمنظور نظم بهتر درین زمینه رهنمود ذیل صادر می گردد:

۱- آموزش قضائی براساس پروگرام واحد و معین برای قضات در نظر گرفته شده تا قضات طور منظم این کورس ها را فرا گیرند ، لذا معرفی قضاتی که از این کورس ها یعنی کورس های (آیدلو) (چکی)، (سیدا) و امثال آن فارغ می گردند برای با دوم در عین کورس مجاز نمی باشد و تحصیل حاصل است.

۲- در صورتیکه دور اول کورس ها برای تمام قضات خاتمه یابد و دور دوم با تغییر کیفیت دایر گردد، درانصورت تمام قضاتیکه مرحله اول را تکمیل کرده باشند بار دوم بصورت متناوب بادر نظر داشت سهمیه واستحقاقی که از طریق پروژه مربوط باختیار قوه قضائیه قرارداد می شود، برای کسب تحصیلات وتبادل تجا رب در مرحله بالاتر معرفی خواهند شد.

۳- از معرفی قضات ذیل به کورس های آموزش قضائی جداً احتراز بعمل آید:

الف- قضاتی که تازه کورس ستار قضائی را سپری نموده اند تا وقتیکه یک دوره کار عملی را در محاکم سپری نه نمایند.

ب-قضاتی که بامعرفی شان جلسه قضائی از نصاب بیفتدو یا کمبود قاضی عملاً محسوس باشد تا زمان رفع مشکل.

ج- قضاتی که یک بار این کورس ها را سپری نموده باشند.

د- آنعده قضات که به وظایف قضائی تعیین بست می شوند تا زمانیکه اشغال بست نکرده و حد اقل مدت سه ماه به وظیفه جدید اجرای وظیفه نمایند.

۴- بمقصد معرفی قضات به کورس های ارتقای سطح دانش حقوقی ، اعطای موافقه کتبی روسای محاکم وبخصوص محکمه ای که قاضی در آنجا اجرای وظیفه می نماید شرط اساسی معرفی پنداشته میشود.

ادارات مرکزی بدون موافقه روسای محاکم درین زمینه اجراآت بعمل نیاورند.

۵- بمنظور تطبیق این رهنمود ایجاب مینماید تا:

الف - اداره تعلیمات قضائی به همکاری ریاست امور ذاتیه مراتب فوق راجداً رعایت نماید.

ب- اداره تعلیمات قضائی لست قضاتی را که یک بار در کورس های مورد نظر آموزش دیده اند، تهیه وتنظیم نموده در معرفی قضات ازان استفاده لازم نماید.

هرگاه در لست کمبودی موجود باشد در تفاهم وهمکاری باریاست ذاتیه آن را اکمال نماید.

ج- اداره تعلیمات قضائی قبل از معرفی کاندیدان به موسسه مربوط نام قضات تعیین شده را در لست تطبیق نماید، در صورتیکه قبلاً آموزش ندیده باشند به معرفی شان اقدام بعمل آرد.

۶- اداره تعلیمات قضائی در تماس با موسسات بین المللی متعهد به اجرای آموزش قضائی موظف است تا از حضور کاندید در جریان درس و از ارزیابی نهائی شان نظارت و کنترل بعمل آورد.

۷- در صورتیکه قضات در کورس ها غیر حاضری نمایند، چون از جمله مامورین دولت می باشند با او شان برخورد قانونی صورت گیرد.

۸- اداره تعلیمات قضائی گزارش فعالیت خویش را درین زمینه وبخصوص در آغاز و ختم هر کورس بادر نظر داشت سلسله مراتب در مواعید معینه تنظیم و ارائه نماید.

۹- روسای محاکم استیناف ولایات هنگام معرفی قضات به کورسهای آموزش داخل خدمت مراتب این رهنمود را جداً رعایت نمایند.

۱۰- اداره تعلیمات قضائی ضرورت آموزش قضائی داخل خدمت را برای قضات محاکم نظامی بادر نظر داشت امکانات موجود و به تناسب تشکیل بر حسب ضرورت در نظر گیرد.

۱۱- این رهنمود از تاریخ تصویب شورای عالی ستره محکمه نافذ است.

تصویب (۶۶۵) مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۹

رهنمود توضیحی:

درمورد تکافل اجتماعی بی سرپرستان

به اساس فتوی شرعی دارالافتاء ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان و تأیید سیمینار عالی روسای محاکم منعقد ۱۲-۱۷ عقرب سال ۱۳۸۶.

ریاست عمومی افتاء و احتساب از ضمیمه مکتوب نمبر (۹۱۶) مورخه ۱۳۸۶/۶/۲۵ ریاست عمومی تدقیق و مطالعات دوماوضوع ذیل را استنباط مینماید:

۱- تکافل اجتماعی بی سرپرستان جواز دارد و یا خیر؟

۲- وثیقه تکفل اجتماعی بی سرپرست موجود است و یا خیر؟

الجواب والله اعلم بالصواب

علماء ریاست افتاء در روشنائی احکام شرعی موضوع را قرار ذیل توضیح میدهند:

مسئله تبنی در زمان جاهلیت در میان مردم یک امر معمول بود بعداً دین مقدس اسلام حرمت قرابت، میراث و ثبوت نسب و نسبت شخص را به غیر فامیل و پدرش ممنوع و حرام گردانید ولی تکافل اجتماعی را که از ضروریات اجتماعی انسانی است قبول دارد و عبارت ذیل را به منظور توضیح بیشتر این مسئله تقدیم میداریم:

وعن سهل بن سعد - رض - قال قال رسول الله (صلى الله عليه وسلم) انا وكافل اليتيم له و لغيره فى الجنة هكذا و اشار به بالسبابة والوسطى وفرج بينهما شيئاً - رواه البخارى.

ترجمه: سهل بن سعد (رض) روايت ميکند که حضرت رسول اکرم (صلى الله عليه وسلم) فرموده است: ثواب تربيه کننده طفل خواه از (خود تربيه کننده طفل) باشد ويا (اجنبى) باشد در جنت همراه من است همچنين با انگشت سبابه و وسطى خود اشاره نمود و کمى بين انگشتان خود جدائى کرد . (روایت بخاری).

بنأ بر دليل فوق اطفالى که به ممالک ديگر توسط اقارب و خویشان و نشان برده ميشوند مراعات نکات ذيل در مورد شان ضرورى است که در نظر گرفته شود تا از فساد بعدى پيشگيرى شده باشد.

فمن تبني لقيطاً او مجهول النسب دون أن يدعى أنه ولده لم يكن ولده حقيقة فلا يثبت التوارث بينهما ولا تجرى عليه احكام التحريم بالقربة ومن كان له اب معروف نسب الى ابيه ومن جهل ابوه دعى مولى و اخافى الدين منعاً من تغيير الحائق و حفظاً لحقوق الآباء والاولاد من الضياع او الانتقاص وتوفيراً لوحدة الانسجام فى الاسرة فكثيراً ما اساء الولد المبني للزوجين و اقاربهما فى العرض والمال. لكن لم يمنع الاسلام تربية ولداً لقيط وتعليمه ثم يحجب عن الاسوة بعد البلوغ او قبله بقليل. وانما فتح باب الاحسان اليه على اوسع نطاق وعد ذلك انقاذاً للنفس من الهلاك و احياءاً للنفس بشرية ومن احيانا نفساً فكانما احيانا الناس جميعاً. ص ۷۲۴۹ جلد ۱۰ فقه اسلامى و أدلة. ص ۲۲۲ جلد ۵ احكام القرآن جصاص.

از مطالب کتاب معتبر فقه و آیات احكام پيرامون سرپرستى اطفال بى سرپرست نکات ذيل مراعات شود:

- (۱) محافظت عقیده اسلامى و جهت آرامش فردى و اجتماعى حتمى است.
- (۲) به تکليف هاى فردى و اجتماعى اش موظف گردد.
- (۳) ثبوت حرمت نکاح به اين سبب بوجود نمى آيد.
- (۴) قرابت فاميلی (حرمت هاى خانوادگى) مطرح نميگردد.
- (۵) احكام ميراث بدان جارى نميشود.
- (۶) نسب شخصى به اسم پدر اصلى اش محفوظ ميباشد. اما در صورتیکه مجهول النسب باشد صرف برادر دینی خوانده ميشود.
- (۷) حیات مادی و معنوی وی ضمانت گردد.
- (۸) در صورتیکه نام اسلامى نداشته باشد نام نیک برای وی انتخاب گردد.
- (۹) تعليم مسائل ضرورى دينى و دنيوى و اخلاق اسلامى در برنامه هايش گنجانیده شود.
- (۱۰) به يکى از حرفه هاى حلال رهنمائی گردد.
- (۱۱) بعد از بلوغ، استقلال اسلامى اش را در تمام عرصه هاى زندگى دارا ميگردد.
- (۱۲) متوجه رشد، حیات مادی و معنوی وی باشد.
- (۱۳) تکفل شخص بى سرپرست صرف از طرف اقارب اصولی درجه اول تا درجه سوم صورت گرفته ميتواند وبه اشخاص بيگانه

فاقد رابطهء قرابت دادن این حق بخاطر جانب رعایت مصلحت بی سرپرست مجاز نمی باشد .

در صورتیکه جهت حفاظت وسلامت شخص واجتماع نکات متذکره را بصورت احسن مراعات نماید ، تکافل وسرپرستی اشخاص حاجتمند، شرعی و مرعی الاجراء میباشد.

در برابر فقره (۲) چنین تجویز میگردد که تازمانی که باین موضوع وثیقه خاص ومعین مشخص میگردد محاکم امور مربوط به (تکافل اجتماعی بی سرپرستان) را در وثیقه اقرار خط اجراء نمایند. این رهنمود از تاریخ تصویب شورای عالی ستره محکمه نافذ است.

تصویب (۶۶۵) مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۹

رهنمود توضیحی

در مورد تحریر فیصله های مدنی، تجارتي، حقوق

عامه واحوال شخصیه

بخاطر توحید وانسجام اجراءات محاکم ج.ا.ا و به منظور جلو گیری از سرگردانی اصحاب دعاوی ، ضیاع وقت دواير دولتی ، تامین عدالت قضائی و به مقصد اصلاح فیصله های متفرق وپراکنده در قضایای مشابه وایجاد همگونی وتوافق بین احکام صادره وتنظیم امور محوله محاکم، پیروی ورعایت رهنمود ذیل در امور مدنی ،تجارتی، حقوق عامه واحوال شخصیه ضروری میباشد:

۱- طوریکه فیصله ها وقرار های صادره محاکم ملاحظه میگردد اکثر مطالب وموضوعات آن به شکل متفرق وپراکنده تحریر یافته، هر محکمه مطابق به سلیقه وذوق خود به دلایل مختلف توصل می ورزد از آن جمله برخی از محاکم به قوانین ملغی مانند اصولنامه اداری عدلی واصول نامه حقوقی عدلی وامثال آن اتکا نموده حکم خود را صادر می نمایند. ومحکمه دیگری به جزئیة فقهی بدون تمیز مسایل راجح ومرجوح از کتب مختلف فقهی استخراج نموده وباوجود صراحت قانون بدان اتکا می نماید ومحکمه دیگری با ذکر مواد قوانین ملغی ونافذه وذکر مسائل فقهی بطور مختلط استناد مینماید که این اجراءات از یک طرف کار را بدون موجب بدرازا می کشاند وباعث تأخیر در حکم میگردد واز جانب دیگر در موضوعات

وقضایای که باید یکسان اجراءات صورت گیرد و یک قسم حکم صادر گردد احکام مختلف که با هم فرق فاحش دارند صادر می گردد، پس برای رفع این خلاف ورزی و نواقص موجود جهت توحید و انسجام احکام و مرافق قضائی ایجاب می نماید که محاکم در قضایای مورد رسیده گی حکم ماده (۱۳۰) قانون اساسی و سایر قوانین نافذه را تطبیق نمایند اما متأسفانه اکثر محاکم احکام قانون را طوریکه لازم و مقتضی است، مراعات نکرده باوجود اینکه احکام مورد تطبیق در قوانین نافذه موجود است بدون مراجعه به قوانین نافذ به احکام قوانین ملغی و مسائل شرعی و جزئیات فقهی بدون تذکر اینکه مفتی به می باشد یانه! وبدون ذکر ضرورت مراجعه با آنها استناد نموده به اصدار حکم می پردازند گرچه این موضوع در سیمینار های سال (۱۳۶۱) و (۱۳۸۱) برای محاکم خاطر نشان شده اما اکثریت مطلق به آن عمل نمی کنند بناءً لازم است که محاکم رهنمود فوق را در نظر گرفته از اجراءات متفرق، متنوع و خلاف قانون احتراز نمایند وبخاطر عملی شدن مطالب فوق هیأت اعزامی تفتیش حین بررسی فیصله ها وقرار های محاکم، خلاف ورزی های فوق محاکم را تخطی عمدی ازقانون حساب کرده وقابل باز پرس می دانند.

۲- قراریکه دیده می شود دعاوی که به محاکم تقدیم می گردد در شرایط فعلی خیلی طولانی بوده دعوی نویسان دعوی را شاخ وپنجه داده کلمات تکراری وجملات غیر ضروری را درج دعوی می نمایند وگاه دعوی آنقدر طویل ساخته می شود که مطلب اصلی در آن نا معلوم گردیده واحیاناً در ضمن تحریر دعوی، دفع دعوی فرضی را نیز می نویسند درحالیکه اگرجملات وکلمات تکراری و غیر ضروری

حذف گردد دعوی که در ۴ صفحه تحریر گردیده در ۲۰ - ۲۵ سطر می تواند خلاصه گردد واصحاب دعاوی اکثر از سواد کافی برخوردار نبوده مخصوصاً در ساحه حقوق و اصول محاکمات معلومات نداشته ومکرراً نزد دعوی نویسان مراجعه می نمایند پس بخاطر اینکه از عدم سمع دعوی از ناحیه عدم صحت آن جلوگیری صورت گیرد واز جانب دیگر مطلب ومفهوم دعوی هنگام قرائت آن فهمیده شود لازم است که فورمه های دعاوی سیمینار سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ توسط اداره مربوطه ستره محکمه دراختیار محاکم گذاشته شود .

۳- درحال حاضر تحریر فیصله ها وترتیب آن به شکل کهنه وقدیمی اش بوده باین قسم که دعوی وجریانات محاکماتی را در روی وپشت ورق فیصله که چایی وقیمت دار بوده می نویسند وقسمت باقی مانده مطالب دعوی وشهود ذوالیدی ودفاعیه مدعی علیه وغیره جریانات ودلائل محکمه را در ورق های سفید نوشته وبعداً چندین ورق را پی در پی باهم سرش می کنند که گاهی اوراق سرش شده با یکدیگر تقریباً دارای ده متر طول میگردد این نوع اجراءات که فعلاً در محاکم رواج دارد دارای معایب ونواقص ذیل میباشد .

الف - بسا اوقات دیده شده که بعضی از اوراق فیصله ها درجریان ارسال ومرسول دوسیه به محاکم بالائی واسترداد آن به محاکم تحتانی ازبین رفته ویا پاره میگردد .

ب- حفاظت آن در مخزن وتحویل خانه ها خیلی مشکل بوده بسا اوقات ورق های سرش شده از هم جدا گردیده ومفقود می شوند .

ج- مطالعه و بررسی چنین فیصله ها در محاکم بالائی خیلی دشوار بوده و مطالب آن بصورت درست جمع آوری و ذهن نشین نمیگردد.

د- تسلیم نقل فیصله و فوتوکاپی آن برای اصحاب دعاوی خیلی مشکل و جنجال بر انگیز است.

پس بخاطر ترتیب و تنظیم سالم اوراق فیصله ها و قرار ها لازم است که محاکم در مورد توجه نموده و فیصله و قرار را بصورت رساله طور مجلد ترتیب نموده باین قسم که اولاً فیصله رادر ورق چاپی فیصله که باین منظور در اختیار محاکم قرار گرفته داغ نموده بعد از اینکه صفحه تشریحات بطور مکمل تحریر گردید، از تحریر در پشت ورق فیصله خود داری کرده باقی مطالب و جریانات را در ورق حکم که برای تحریر فیصله ها تهیه شده درج نمایند در اخیر دلایل محکمه و نص حکم را نوشته بعد از مهر و امضاء ورق ها را شماره زده و جمع کرده در یک مجلد که دارای وقایه باشد ترتیب نمایند که اگر ترتیب فیصله باین شکل صورت بگیرد بمانند یک رساله شده در نگهداری و حفاظت و تکثیر آن برای مدعی و مدعی علیه سهولت بمیان می آید.

ستره محکمه، اوراق اول فیصله ها را بشکل نیم تخته تهیه و به اختیار محاکم قرار دهد.

۴- ملاحظه و مطالعه دوسیه های واصله بدیوان مدنی ستره محکمه نشان میدهد که در بعضی از محاکم بدون تقدیم و درج دعاوی صحیحه مدعی توسط صدور قرار قضائی در ماهیت دعاوی به حل و فصل موضوع می پردازند که بصورت اتومات بدون چون و چرا در محاکم فوقانی مطابق به حکم بند سوم ماده (۴۰۹) قانون اصول

محاکمات مدنی نقض میگردد بناءً درین مورد توجه قضات محترم و محاکم معطوف میگردد که از صدور قرار قضائی در ماهیت دعاوی بجز حالتی که صراحت قانون باشد خود داری نمایند زیرا صدور قرار در ماهیت دعاوی بعوض اینکه موجب حل و فصل موضوع شود سرگرانی را برای اصحاب دعاوی بار آورده و سبب ضیاع وقت شعبات و دوایر دولتی نیز میگردد.

۵- طوریکه در سیمینار های قبلی هم تذکر رفته وقتی که یک دعاوی حقوقی و عقاری عندالمحکمه مطرح میگردد باید قبل از درج دعاوی بداخل صورت حال تحقیقات املاکی در مورد صورت بگیرد تا فهمیده شود که مدعی بها در کتاب اساس املاکی با اسم کدام یکی از طرفین و یا مورث شان و یا کسی که ادعای خرید از ان شده و بنام مورث شان قیدیت دارد یا خیر ؟ سپس جهت جلوگیری از اختلاف طرفین در حدود بخاطری که بعداً در تنفیذ اشکال واقع نشود باید محکمه ای که ابتداءً موضوع را رسیده گی میکند با توظیف یک هیئت اداره محل و اهل خبره، کروکی مدعی بها را ترسیم، مدعی بها را تعریف، مساحت آنرا تثبیت و به قیمت گذاری آن مبادرت نموده و حدود مشخصات مدعی بها را درج، امضاء و شصت طرفین را بحیث تصدیق اخذ نمایند.

احیاناً اگر بین متداعیین در تثبیت حدود اختلاف به میان آید مثلاً مدعی حدود سابقه را اعتبار بدهد و مدعی علیه حدود حاضر را قبول کند درین صورت چنین تحریر گردد که قبلاً شرقاً متصل بود بزمین ملکیت (A) و حالا متصل است به قلعه ملکیت (B) پس با عملی شدن طرح مذکور بسا از مشکلات که از ناحیه اختلاف در حدود

ایجاد می شود مانند نقض فیصله بخاطر اجراء کشف واشکال در تنفیذ
و غیره از بین می رود .

۶ - در پشت پارچه ابلاغ از قدیم الایام قبل از انفاذ قانون اصول
محاکمات مدنی در فقره چهارم چنین تحریر گردیده : پارچه ابلاغ
که بمنظور تثبیت تاریخ ابلاغ جهت آغاز استیناف یا تمیز طلبی
میباشد از ذکر قناعت و عدم قناعت در پارچه ابلاغ اکیداً خود داری
شود .

این ماده چهارم مقرر مربوطه به ابلاغ با ماده (۳۶۸) قانون اصول
محاکمات مدنی در تضاد قرار داشته و ملغی دانسته می شود بناءً
هرگاه طرف غیر قانع در ذیل ورقه ابلاغ حکم که از طرف محاکم
ابتدائیه و یا دیوان مربوط محکمه استیناف برایش داده می شود عدم
قناعت خود را تذکر دهد این امر حیثیت شکایت داشته و ضرورت به
تقدیم عریضه مبنی بر شکایت دیده نمیشود و مراجع مربوطه حین طبع
ورقه پارچه ابلاغ از درج و تحریر فقره چهارم مقرر مذکور خود
داری نمایند .

۷- احکام غیابی که توسط محاکم مطابق فصل نهم قانون اصول
محاکمات مدنی صادر میگردد ایجاب می نماید که طبق هدایت ماده
(۱۷۲) قانون مذکور بوکیل مسخر ابلاغ و به محکوم علیه اطلاع داده
شود - در صورت عدم امکان ابلاغ به محکوم علیه اطلاع نامه بیکی
از اعضاء فامیل غایب تسلیم و در صورت عدم موجودیت اعضاء
فامیل به اداره محل بود و باش و یا اداره محل کار محکوم علیه سپرده
شود . طوریکه فیصله های غیابی محاکم ملاحظه میگردد مراتب

هدایت ماده مذکور قانون را مراعات نمی نمایند ازینرو جهت تعمیم
حکم ماده مذکور قانون، دوسیه از دیوان مدنی ستره محکمه مسترد
و به محکمه مربوطه ارجاع میگردد . لذا لازم است که حین ابلاغ
حکم غیابی محاکم هدایت ماده (۱۷۲) مذکور را در نظر گرفته
اجراآت نمایند .

۸ - در قانون مدنی که فعلاً نافذ بوده در مورد دعوی شفع هدایاتی
موجود است که محاکم حین رسیده گی دعوی شفع قطعاً آنرا در
نظر نگرفته اجراآت می نمایند از ان جمله حکم ماده (۲۲۳۲)
قانون مذکور است که اعلان رغبت شخص را در گرفتن شفع وقتی
حجت بر غیر میداند که به ثبت رسیده باشد هم چنان مشتری را
مکلف میداند که در ظرف سی روز بعد از اعلان، ثمنی که به آن بیع
صورت گرفته در خزانه بانک طورامانت بگذارد که در حوزه آن
عقار مورد نظر قرار دارد ، والا حق شفیع در اخذ شفع ساقط می شود .
محاکم بصورت عموم به هدایت فوق قانون توجه نکرده بدون ثبت
اعلان شفع وبدون تحویلی ثمن مشفوعه در قریب ترین بانک به
رسیده گی دعوی شفع می پردازند ازینکه شفع یک حق ضعیفه بوده
وبسا اوقات دیده شده که بعد از مرور یکسال وبیشتر از ان شفیع
دعوی شفع را می نماید ولی با آنهم دعوایش شنیده می شود ، لذا
باید محاکم مطابق هدایت ماده فوق عمل نمایند تا در چنین موارد
دعوی بی مورد در جریان قرار نگیرد .

۹- این رهنمود از تاریخ تصویب نافذ است.

شماره تصویب (۶۶۵) مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۹

ترتیب وثیقه ذوالیدی اجتناب بعمل آورند و موضوع ذوالیدی مدعابها طبق احکام شریعت و قانون مورد انفصال قرار گیرد.

گذشته ازان طوریکه استهداآت واصله بریاست عمومی تدقیق و مطالعات نشان میدهد، در اکثر محاکم پیرامون احکام ذوالیدی و طرز اجراآت آن مشکلات وجود داشته که منجر به استهداء و تعطیل در اجراآت شده است. بنابراین بمنظور رفع مشکلات و توضیح جوانب ابهام این رهنمود توضیحی به ارتباط امور ذوالیدی در مدعابها تنظیم گردید:

ماده اول:

هنگام احاله قضیه به محکمه، لازم است، محکمه در بدو امر تشخیص دهد که آیا اختلاف طرفین در مورد ذوالیدی می باشد و یا در ملکیت.

ماده دوم:

در حالیکه منازعه طرفین را موضوع ذوالیدی تشکیل دهد، محکمه طبق احکام شریعت و قانون بخصوص موا د (۱۷۵۴) و (۱۷۵۵) مجله الاحکام راجع به تنازع بالاییدی، موضوع را رسیدگی مینماید. درینصورت تشخیص مدعی از مدعی علیه و تفریق خارج از ذوالید حقیقی طبق حکم ماده (۲۰۳) قانون اصول محاکمات مدنی به قرار قضائی صورت می گیرد.

ماده سوم:

دارنده سند شرعی که سند دست داشته وی دارای ثبت محفوظ دیوان قضاء و عاری از جعل، تحریف و تزویر بوده و مدعابهای غیر منقول در تصرف وی قرار داشته باشد، ذوالید شناخته می شود.

رهنمود توضیحی

به ارتباط تنظیم امور ذوالیدی در مدعی بها

مقدمه:

یکی از وظائف محاکم این است تا حین رسیدگی به دعوی، نخست مدعی را از مدعی علیه تفکیک و ذوالید حقیقی را از خارج تشخیص نماید.

باین منظور سیمینار سال ۱۳۵۰ روسای محاکم ولایات « قواعد مربوط به ارزش اسناد شرعی به تناسب ذوالیدی » را بداخل (۱۰) ماده تنظیم کرد که به اساس آن حایز سند شرعی ذوالید شناخته میشود، و ذوالید فاقد سند شرعی در حالیکه تصرف خود را از اخبار شرعی همجوار و اشخاص معتمد وثقه در حضور قاضی با ثبات برساند، محکمه با صدور وثیقه ذوالیدی، او را ذوالید تشخیص می نماید.

در جریان سالهای بعد معلوم گردید که یکعده عناصر استفاده جو و فرصت طلب با سوء استفاده از قاعده فوق زمینهای دولتی و عامه را غیر حق تصاحب کرده با ترتیب وثیقه ذوالیدی مندرج سیمینار سال ۱۳۵۰ روسای محاکم ولایات، خود را ذوالید و حتی مالک وانمود کرده اند که باعث بروز مشکلات بعدی شده است.

ازینرو شورایعالی ستره محکمه بادر ک حقیقت فوق قبلاً تجویز نمود که محاکم بمنظور جلوگیری از تعدی به حقوق عامه از

رسیده گی به موضوع ذوالیدی و تفریق ذوا لیدازخا رج صرف از وظایف و صلاحیت محکمه ذیصلاح می باشد، مراجع غیرقضا ئی حق مداخله درین مورد راندارند. به همین دلیل تجویز مقامات غیر قضائی و یامداخلات شان مبنی براینکه مدعی بهابدست شخص ثالث گذاشته شود باروحیه ماده (۴۰) قانون اساسی سازگار نیست زیرا طبق حکم مذکورملکیت ازتعرض مصئون است و هیچ کس ازکسب ملکیت و تصرف در آن بدون حکم محکمه ذیصلاح منع شده نمی تواند. ازجانب دیگر اینگونه تجاوزیز ومطالبات درمخالفت بامواد (۱۲۰) و (۱۲۲) قانون اساسی نیز قراردادد زیرا طبق احکام موا دمذکور رسیدگی به تمام دعاوی ازصلاحیت قوه قضائیه بوده و هیچ قانون نمیتواند درهیچ حالت قضیه یاساحه ایرا از دایره صلاحیت قوه قضائیه خارج نماید و بمقام دیگری تفویض کند.

بعد ازاینکه مدعی ازمدعی علیه تشخیص وخارج از ذوالید تفریق گردید محکمه به دوران قانونی اصل دعوی (دعوی ملکیت) مبادرت میورزد.

درینصورت مدعی طبق حکم ماده (۲۱۵) قانون اصول محاکمات مدنی به اقامه شهود ذوالیدی مکلف میگردد زیرا اقامه شهود ذوالیدی برای صحت قضاء برملکیت است وازین سبب درموضوعات عقاری ، اقامه شهود امرحتمی است وبه تصادق طرفین اعتبارداده نمیشود.^(۳)

^۳ - الف : ماده (۲۱۵) قانون اصول محاکمات مدنی: « درمدعی بهای غیرمنقول بعد ازصحت دعوی مدعی اقامه شهود ذوالیدی حتمی است».

درصورتیکه مدعی امکان اقامه شهود ذوالیدی رانداشته باشد، مطابق شرح ماده (۱۶۸۰) مجله الاحکام که ماخوذ ازجامع الفصولین می باشد ، به مدعی علیه حلف راجع می گردد.^(۴)

هرگاه دعوی بین اشخاص ودولت قرارد داشته باشد بارعایت حکم ماده (۱۲۰) قانون اساسی ومطابق به حکم ماده نهم قانون اصول محاکمات مدنی ، اداره قضایای دولت نماینده قانونی دولت بوده درقضایای مدنی که حقوق ووجائب ، نفع وضرر کلی وقسمی دولت مطرح باشد بحیث مدعی یا مدعی علیه قرار می گیرد.

در چنین موارد محکمه ذیصلاح ید و تصرف سابق ولاحق را با دقت درنظر گرفته بادر نظر داشت اینکه ید و تصرف ازدلائل قوی وحتى از مظاهر ملکیت به شمار می رود، ذوالید وخارج را ازهم تفریق نمایند زیرا طبق قانون ذوالید به کسی اطلاق می گردد که در عین مدعابها بالفعل تصرف مالکانه داشته و از منافع آن استفاده نماید برابر است که دولت با شدیافرد.^(۵)

ب : ماده (۱۷۵۴) مجله الاحکام : « يلزم اثبات الید فی العقار المتنازع فيه ولا يحکم بتصادق الطرفين ، یعنی لایحکم یكون المدعی علیه ذوید باقراره عند دعوی المدعی . » یعنی: اثبات وضع ید در عقارمتنازع فيه به موجب بینه لازم میشود وبه تصادق طرفین یعنی به سبب اقرار مدعی علیه مبنی بر ذوالید بودنش هنگام دعوی مدعی حکم نمی شود.

^۴ - سلیم باز در صفحه (۱۱۰) زیر شرح ماده (۱۷۵۴) عبارت جامع الفصولین را چنین نقل نموده است: « لولا نکرالمدعی علیه الید ولم یکن للمدعی بینة یحلف المدعی علیه » یعنی اگر مدعی علیه ید در حال انکار قرارداد داشت ومدعی امکان بینه را نداشت بمدعی علیه حلف راجع می گردد.

^۵ - سلیم باز در شرح ماده (۱۶۸۰) در صفحه (۱۰۰۱) میگوید: « قال فی ترجیح البینات للمرحوم افندی حمزی فذوالید هومن کان المدعی به فی تصرفه بحیث یتنفع به والخارج

ماده هفتم:

اجراآت محاکم به ارتباط تفکیک ذوالید ازخارج موکول به حل
وفصل دعاوی به منظور تشخیص مدعی ازمدعی علیه صورت می
گیرد و رسیده گی به موضوع ذوالیدی جزء رسیده گی قضا ئی
محکمه را دردعوی تشکیل میدهد درغیر موجودیت دعوی مورد
بررسی قرار نمی گیرد.

ماده هشتم:

این رهنمود توضیحی بعد از تصویب شورای عالی ستره محکمه نافذ
است .

شماره تصویب (۶۶۵) مورخ ۸۶/۸/۲۹

سیستم اداری محاکم

مرحوم افندی حمزی گفته است که ذوالید کسی است که مدعی به بالفعل در تصرف او با
شد و ازان منفعت گیرد و خارج برخلاف آن است.

این طرزالعمل به منظور تسهیل، تسریع، معیاری نمودن، موثریت و شفافیت بیشتر سیستم اداری در محاکم افغانستان وضع گردیده است.

فصل اول

محاکم ابتدائیه

دوسیه های مقاوم و جدید

ماده دوم:

به منظور حفظ و نگهداری بهتر اوراق قضایای وارده، دوسیه های مقاوم و جدید در شروع هر سال برای دفاتر تحریرات محاکم ابتدائیه متناسب به حجم قضایای وارده حقوقی و جزایی آنها در یک سال تهیه میگردد. دوسیه های از قبل تهیه شده در الماری و یا سیف های دفتر تحریرات به اساس نمبر مسلسل نگهداری میشود. دوسیه های از قبل تهیه شده دارای خصوصیات و اوصاف ذیل میباشد.

() نمبر دوسیه ها

() رنگ دوسیه ها

() معلومات مختصر در عقب (صفحه چهارم) دوسیه ها

۱. نمبر دوسیه

ماده سوم:

به منظور تفکیک، دریافت معلومات و دسترسی همزمان به دوسیه ها، قضایای وارده جزایی و حقوقی به محاکم ابتدائیه دارای نمبر خاص

فهرست

فصل اول : محاکم ابتدائیه.

فصل دوم : محاکم استیناف.

فصل سوم : ستره محکمه.

فصل چهارم: احکام نهائی.

اند که طبق نمونه ذیل و نمونه مندرج ماده ششم این طرزالعمل درج می گردد.

سال -	نمبر -	نوع قضیه
↓	↓	↓
۱۳۸۶ -	۱ -	حقوقی

سال -	نمبر -	نوع قضیه
↓	↓	↓
۱۳۸۶ -	۱ -	جزایی

توضیح:

(۱) سال: عبارت از سالی است که دوسیه قضیه به یکی از مدیریت های تحریرات دیوانهای محاکم ابتدائیه وارد گردیده باشد.

(۲) نمبر: عبارت از نمبر مسلسلی است که دوسیه ها به اساس آن شماره بندی میگردد.

(۳) نوع قضیه: عبارت است از ذکر اسم وتصنیف عمومی قضایا (جزایی / حقوقی)

(۴) دوسیه قضیه بعد از ورود به تحریرات محاکم ابتدائیه و ثبت آن در کتاب ثبت اجراآت دوسیه های حقوقی یا جزایی به داخل دوسیه های مقاوم و جدید که از قبل نمبر گذاری شده است، گذاشته میشود، و کارت فهرست برای آن ترتیب میگردد.

عرایض حقوقی

ماده چهارم:

عرایض حقوقی مطابق فقره دوم ماده ۱۲ و ماده ۱۸ قانون اصول محاکمات مدنی مستقیماً به محاکم ابتدائیه تقدیم و در دفتر مربوط (کتاب ثبت عرایض) ثبت و به داخل کارتن جداگانه عرایض حقوقی گذاشته میشود. در صورتیکه عریضه متذکره قابلیت دوران در محکمه

را داشته باشد من حیث یک قضیه جداگانه از کارتن عرایض حقوقی خارج و به داخل دوسیه های از قبل نمبر گذاری شده انتقال میآید.

۲. رنگ دوسیه ها

ماده پنجم:

به منظور تفکیک بهتر دوسیه ها از یکدیگر، دوسیه های جزایی (جزائی عمومی، امنیت عامه، اطفال و ترافیکی) و حقوقی (مدنی، احوال شخصیه، حقوق عامه و تجارتنی) در محاکم ابتدائیه با در نظر داشت دیوان های مربوط از رنگ های مشخص، دایمی و مختلف برخوردار میباشد.

۳. معلومات مختصر عقب (صفحه چهارم) دوسیه:

ماده ششم:

به منظور دریافت و ارائه سریع معلومات و پیگیری مراحل مختلف رسیده گی قضیه، فشرده قضیه طبق شرح ذیل درج جدول عقب دوسیه میگردد:

معلومات مختصر عقب دوسیه

خارنوال / مدعی: ----- متهم / مدعی علیه: -----

مرسل: _____

نمبر دوسیه: _____ تاریخ وارده: / /

نمبر مکتوب: _____ / تاریخ: / /

نوع قضیه / موضوع دعوی: -----

اسم قاضی / قضات مؤظف: _____ تاریخ تسلیمی دوسیه:

تاریخ تقدیم صورت دعوی: / / تاریخ تقدیم دفاعیه: / /

جلسات	تعداد	۱	۲	۳	۴	۵	۶
قضایی	تاریخ	/	/	/	/	/	/
		/	/	/	/	/	/

تاریخ تسلیمی دوسیه به تحریرات توسط قاضی مؤظف به منظور یکی از تصامیم ذیل:

الف- استرداد دوسیه:

تاریخ مکتوب مستردی: / /

ب- صدور قرار قضائی

نوع قرار	مستردی	عدم صلاحیت	ترک خصومت	عدم دوران دعوی
نمبر قرار				
تاریخ قرار	/ /	/ /	/ /	/ /

ج- صدور فیصله:

نمبر فیصله	
تاریخ فیصله	/ /

تاریخ صادره: / / مرسل الیه:

کارت فهرست

ماده هفتم:

به منظور دریافت سریع دوسیه ها و ارائه معلومات دقیق، در دفاتر تحریرات محاکم ابتدائیه کارت فهرست به اساس حروف الفبا مطابق

به اسم مدعی در قضایای حقوقی و در قضایای جزایی به اسم متهم طبق جدول ذیل ترتیب میگردد:

کارت فهرست

شهرت مدعی/متهم		شهرت مدعی علیه	
اسم	ولد	اسم	ولد
نمبر دوسیه: -----			
نوع قضیه: ()			

توضیح:

(۱) شهرت مدعی یا متهم عبارت است از اسم و ولد مدعی یا متهم.

(۲) شهرت مدعی علیه عبارت است از اسم و ولد مدعی علیه.

(۳) نمبر دوسیه قضیه عبارت از نمبر دوسیه یی است که اوراق قضیه در آن قرار دارد.

(۴) نوع قضیه عبارت است از موضوع ایکه دعوی مطابق آن اقامه گردیده باشد.

(۵) شهرت مدعی و شهرت مدعی علیه نمبر دوسیه، متهم و نوع قضیه توسط محرر مؤظف تحریر میگردد.

کارت خروج

ماده هشتم:

چنینکه قضات یا مامورین اداری محکمه به دوسیه مربوط ضرورت احساس نمایند، محرر مؤظف کارت خروج را خانه پُری و بجای

دوسیه در الماری مربوط قرار میدهد تا شخص گیرنده دوسیه و تاریخ آن مشخص باشد. این کارت حاوی مطالب ذیل میباشد:

(۱) نمبر دوسیه

(۲) شماره (دفعات اخذ دوسیه)

(۳) اسم شخص گیرنده دوسیه

(۴) وظیفه

(۵) تاریخ اخذ

کارت خروج

نمبر دوسیه: -----

شماره	اسم گیرنده	وظیفه	تاریخ
			/ /
			/ /
			/ /
			/ /
			/ /
			/ /
			/ /
			/ /
			/ /
			/ /

حفظ و نگهداری سوابق

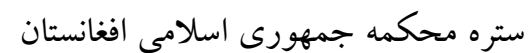
ماده نهم:

حین ارسال قضیه به مرجع مربوط آن، سوابق قضیه بداخل دوسیه های از قبل نمبر گذاری شده باقی مانده و در اخیر هر سال به آرشیف فرستاده میشود.

کتاب ثبت قضایا در محاکم ابتدائیه

ماده دهم:

به منظور توحید اجراآت، جلوگیری از ضیاع وقت ناشی از ثبت عین معلومات در کتب متعدد و درج تمام معلومات در کتاب واحد، و ارائه احصائیه دقیق از قضایا در محاکم ابتدائیه، کتاب ثبت اجراآت دوسیه های حقوقی و جزایی طبق نمونه ذیل در کاغذ نوع A۳ به شکل یک رویه به داخل پنجاه صفحه که هر صفحه دارای ده شماره میباشد، چاپ میگردد.



ریاست محکمہ ابتدائیه ()

() دیوان

کتاب ثبت اجراءات دوسيه های حقوقی

صفحه (۱) سال: ۱۳

[illegible]

صفحه (۲) اجراءآت سال ۱۳

[illegible]

ديوان ()

صفحه () سال: ۱۳

[illegible]

● ولد: در این ستون اسم پدر مدعی تحریر میگردد.

(۳) شهرت مدعی علیه/متهم:

- اسم: در این ستون اسم مدعی علیه/ متهم تحریر میگردد.
- ولد: در این ستون اسم پدر مدعی علیه/ متهم تحریر میگردد.
- (۴) نوع قضیه: در این ستون موضوع که به اساس آن دعوی اقامه گردیده است، تحریر میگردد.
- (۵) ورود قضیه به محکمه:

- مرسل: در این ستون اسم مرجع ای که دوسیه را به محکمه فرستاده است، تحریر میگردد.
- تاریخ ورود: در این ستون تاریخ ای که دوسیه به محکمه وارد گردیده، تحریر میگردد.
- تعداد اوراق: در این ستون تعداد اوراق که در داخل دوسیه میباشد، تحریر میگردد.

(۶) اجرای محکمه:

- نوع: در این ستون نوعیت اجرای محکمه مبنی بر استرداد توسط مکتوب، قرار یا فیصله تحریر میگردد.
- تاریخ: در این ستون تاریخ استرداد توسط مکتوب، قرار یا فیصله تحریر میگردد.

(۷) خروج قضیه:

- مرسل الیه: در این ستون اسم مرجع ای که دوسیه به آنجا فرستاده میشود، تحریر میگردد.
- تاریخ خروج: در این ستون تاریخ ای که دوسیه از محکمه خارج میگردد، تحریر میشود.

• تعداد اوراق: در این ستون تعداد اوراق داخل دوسیه بعد از

اجراآت محکمه، تحریر میگردد.

(۸) ملاحظات: این ستون به منظور تکمیل و اضافت معلومات مورد استفاده قرار میگیرد.

(۹) شماره: در این ستون تعداد قضایائیکه از دیوان طور مکتوبی مسترد شده یا به قرار قضایی و یا فیصله انجام یافته است، درج میگردد.

(۱۰) استرداد مکتوبی: نشان دهنده اجرای محکمه توسط مکتوب میباشد.

(۱۱) نمبر دوسیه: در این ستون نمبر و سالی که دوسیه وارد گردیده است تحریر میگردد.

(۱۲) قرار قضایی: نشان دهنده اجرای محکمه توسط قرار قضایی میباشد.

(۱۳) نمبر دوسیه: در این ستون نمبر و سالی که دوسیه وارد گردیده است تحریر میگردد.

(۱۴) فیصله: نشان دهنده ستون مربوط به اجرای محکمه توسط فیصله میباشد.

(۱۵) نمبر دوسیه: در این ستون نمبر و سالی که دوسیه وارد گردیده است تحریر میگردد.

(۱۶) پشتی کتاب: رنگ پشتی کتاب مطابق به رنگ دوسیه های همان قضیه (جزایی یا حقوقی) بوده و شامل معلومات ذیل میباشد:

- نام کتاب
- نام محکمه

• نام دیوان

• سال

• جلد ()

(۱۷) کتاب وارده و صادره (اندیکاتور) در محاکم ابتدائیه به حیث یک کتاب اداری باقی مانده، مکاتیب اداری، متحد المال ها و مکاتیب مربوط به یک قضیه در آن ثبت میگردد.

(۱۸) کتاب شهریه بخاطر ثبت عواید وثایق در محاکم ابتدائیه باقی مانده قیمت وثیقه و محصول فیصله در قضایای حقوقی در آن درج میگردد. نمبر صورت حال و نمبر فیصله در کتاب شهریه متفاوت میباشد ولی نمبر دوسیه باید در هر دو یکی باشد.

فصل دوم

محاکم استیناف

دوسیه ها

ماده یازدهم:

به منظور حفظ و نگهداری بهتر اوراق قضایای وارده، دوسیه های مقاوم و جدید در شروع هر سال برای دفاتر تحریرات دیوان های محاکم استیناف به اساس حجم قضایای وارده حقوقی و جزایی آنها در یک سال تهیه میگردد. دوسیه های از قبل تهیه شده در الماری و یا سیف های دفاتر تحریرات به اساس نمبر مسلسل نگهداری میشود. دوسیه های از قبل تهیه شده دارای خصوصیات و اوصاف ذیل میباشد.

(۱) نمبر دوسیه ها

(۲) رنگ دوسیه ها

(۳) معلومات مختصر عقب دوسیه ها

۱. نمبر دوسیه

ماده دوازدهم:

به منظور تفکیک، دریافت معلومات و دسترسی همزمان به دوسیه ها، قضایای وارده جزایی و حقوقی به دفاتر تحریرات دیوان های محاکم استیناف از نمبر خاص برخوردار میباشد که طبق نمونه ذیل و نمونه مندرج ماده پانزدهم این طرز العمل درج می گردد.

سال	-	نمبر	-	نام دیوان
↓		↓		↓
۱۳۸	-	۱	-	جزای عمومی

توضیح:

(۱) سال: عبارت از سالی است که دوسیه قضیه به یکی از تحریرات دیوانهای محاکم استیناف وارد گردیده باشد.

(۲) نمبر: عبارت از نمبر مسلسلی است که دوسیه ها به اساس آن شماره بندی میگردد.

(۳) نام دیوان: عبارت است از نام دیوان مربوطه محاکم استیناف که دارای صلاحیت موضوعی و حوزوی در قضیه میباشد.

(۴) دوسیه قضیه بعد از ورود به تحریرات دیوانهای محاکم استیناف و ثبت آن در کتاب ثبت اجراآت دوسیه های قضایی به داخل دوسیه های مقاوم و جدید که از قبل نمبر گذاری شده است، گذاشته میشود، و همزمان کارت فهرست برای آن ترتیب میگردد.

عرایض استیناف طلبی

ماده سیزده هم:

عرایض استیناف طلبی که بالای فیصله محاکم ابتدائیه به دیوانهای محاکم استیناف جهت استیناف طلبی سپرده میشود، بعد از ثبت در دفتر محکمه (کتاب ثبت استیناف طلبی) به داخل کارتن مخصوص عرایض استیناف طلبی گذاشته میشود. تحریرات دیوانها دوسیه را رسماً از مرجع مربوطه خواسته و بعد از وصول دوسیه از مرجع مربوط، عریضه و یا فورم استیناف خواهی از کارتن بیرون شده و ضم اوراق دوسیه مربوط میگردد.

۲. رنگ دوسیه ها

ماده چهاردهم:

به منظور تفکیک بهتر دوسیه ها از یکدیگر، دوسیه ها در محاکم استیناف با در نظر داشت دیوان های مربوط از رنگ های مشخص، دایمی و مختلف برخوردار میباشد.

۳. معلومات مختصر عقب (صفحه چهارم) دوسیه:

ماده پانزدهم:

به منظور دریافت و ارائه سریع معلومات و پیگیری مراحل مختلف رسیده گی قضیه، فشرده موضوع طبق شرح ذیل درج جدول عقب دوسیه میگردد.

معلومات مختصر عقب دوسیه

مستانف: ----- مستانف علیه: -----

مرسل: -----

نمبر دوسیه: -----

نمبر مکتوب: ----- تاریخ وارده: / /

تاریخ: / /

نوع قضیه:

اسم قاضی مؤظف: تاریخ تسلیمی:

تاریخ تقدیم اعتراض: / / تاریخ تقدیم دفعوع: / /

جلسات قضایی	تعداد	۱	۲	۳	۴	۵	۶
	تاریخ	/	/	/	/	/	/

تاریخ تسلیمی دوسیه به تحریرات توسط قاضی مؤظف بعد از اتخاذ یکی از تصامیم ذیل: / /

الف-استرداد دوسیه:

تاریخ مکتوب مستردی: / /

ب- صدور قرار قضائی

نوع قرار	نقض	تائید	باطل	مستردی	عدم صلاحیت	عدم دوران دعوی	ترک خصومت	سقوط حق اعتراض	انقضای میعاد
نمبر قرار									
تاریخ قرار									

ج- صدور فیصله:

نوع فیصله	نقض	تائید	تصحیح	تعدیل	لغو
نمبر فیصله					
تاریخ فیصله					

تاریخ فرجام خواهی: / /

صادره: / / مرسل الیه: -----

کارت فهرست

ماده شانزدهم:

به منظور دریافت سریع دوسیه ها و ارائه معلومات دقیق، در دفاتر تحریرات دیوانهای محاکم استیناف کارت فهرست به اساس حروف الفبا مطابق به اسم مستأنف در قضایای حقوقی و تجارتی و در قضایای جزایی به اسم متهم طبق جدول ذیل ترتیب میگردد:

کارت فهرست

شهرت مستأنف/متهم		شهرت مستأنف علیه	
اسم	ولد	اسم	ولد
نمبر دوسیه: -----			
نوع قضیه: ()			

توضیح:

(۱) شهرت مستأنف/متهم عبارت است از اسم و ولد مستأنف/متهم.

(۲) شهرت مستأنف علیه عبارت است از اسم و ولد مستأنف علیه.

(۳) نمبر دوسیه عبارت است از نمبر دوسیه یی که اوراق قضیه در آن قرار دارد.

(۴) نوع قضیه عبارت است از موضوع ایکه دعوی مطابق آن جریان دارد.

(۵) شهرت مستأنف / متهم، شهرت مستأنف علیه، نمبر دوسیه و نوع قضیه توسط محرر مؤظف تحریر میگردد.

کارت خروج

ماده هفدهم:

حینیکه قضات یا مامورین اداری محکمه به دوسیه ضرورت احساس نمایند، محرر مؤظف کارت خروج را خانه پُری و بجای دوسیه در الماری مربوط قرار میدهد تا شخص گیرنده دوسیه و تاریخ آن مشخص باشد. این کارت حاوی مطالب ذیل میباشد:

(۱) نمبر دوسیه

(۲) شماره (دفعات اخذ دوسیه)

(۳) اسم شخص گیرنده دوسیه

(۴) وظیفه

(۵) تاریخ اخذ



ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان

ریاست محکمه استیناف ولایت ()

ریاست دیوان ()

کتاب ثبت اجراآت دوسیه های قضایی

سال: ۱۳

صفحه ()

ملاحظات	خروج قضیه			اجراآت دیوان		ورود قضیه به دیوان			نوع قضیه	شهرت مستأنف علیه		شهرت مستأنف		نمبر دوسیه
	تعداد اوراق	تاریخ خروج	مرسل الیه	تاریخ	نوع	تعداد اوراق	تاریخ ورود	مرسل		اسم	ولد	اسم	ولد	

کارت خروج

نمبر دوسیه: -----

شماره	اسم گیرنده	وظیفه	تاریخ
			/ /
			/ /
			/ /
			/ /
			/ /

حفظ و نگهداری سوابق

ماده هژدهم:

حین ارسال دوسیه به مرجع مربوط، سوابق قضیه بداخل دوسیه های از قبل نمبر گذاری شده باقی مانده و در اخیر هر سال به آرشیف محکمه فرستاده میشود.

کتاب ثبت قضایا در دیوانهای محاکم استیناف

ماده نژدهم:

به منظور توحید اجراآت، جلوگیری از ضیاع وقت ناشی از ثبت عین معلومات در کتب متعدد و درج تمام معلومات در کتاب واحد، و ارائه احصائیه دقیق از قضایا در محاکم استیناف کتاب ثبت اجراآت دوسیه های قضایی طبق نمونه ذیل در کاغذ A۳ به شکل یک رویه به داخل پنجاه صفحه که هر صفحه دارای ده شماره میباشد، چاپ میگردد.

(۹) شماره: در این ستون تعداد قضایائی که از دیوان طور مکتوبی مسترد شده یا به قرار قضایی و یا فیصله انجام یافته است، درج میگردد.

(۱۰) استرداد مکتوبی: نشان دهنده اجراآت دیوان توسط مکتوب مییاشد.

(۱۱) نمبر دوسیه: در این ستون نمبر و سالی که دوسیه وارد گردیده است تحریر میگردد.

(۱۲) قرار قضایی: نشان دهنده اجراآت دیوان توسط قرار قضایی مییاشد.

(۱۳) نمبر دوسیه: در این ستون نمبر و سالی که دوسیه وارد گردیده است تحریر میگردد.

(۱۴) فیصله: نشان دهنده ستون مربوط به اجراآت دیوان توسط فیصله مییاشد.

(۱۵) نمبر دوسیه: در این ستون نمبر و سالی که دوسیه وارد گردیده است تحریر میگردد.

(۱۶) پشتی کتاب: رنگ پشتی کتاب مطابق به رنگ دوسیه های همان دیوان بوده و شامل معلومات ذیل مییاشد:

- نام کتاب
- نام دیوان
- سال
- جلد

(۱۷) کتاب وارده و صادره (اندیکاتور) در دیوانهای محاکم استیناف به حیث یک کتاب اداری باقی مانده، مکاتیب اداری، متحد المال ها و مکاتیب مربوط به یک قضیه در آن ثبت میگردد.

فصل سوم

ستره محکمه

دوسیه ها

ماده بیستم:

به منظور حفظ و نگهداری بهتر اوراق قضایای وارده، دوسیه های مقاوم و جدید در شروع هر سال برای دفاتر تحریرات دیوانهای ستره محکمه به اساس حجم قضایای وارده حقوقی و جزائی آنها در یک سال تهیه میگردد. دوسیه های از قبل تهیه شده در الماری و یا سیف های دفتر تحریرات به اساس نمبر مسلسل نگهداری میشود. دوسیه های از قبل تهیه شده دارای خصوصیات و اوصاف ذیل مییاشد.

() نمبر مسلسل دوسیه ها

() رنگ دوسیه ها

() معلومات مختصر عقب (صفحه چهارم) دوسیه ها

۱. نمبر دوسیه

ماده بیست و یکم:

به منظور تفکیک، دریافت معلومات و دسترسی همزمان به دوسیه ها، قضایای وارده به دفاتر تحریرات دیوانهای ستره محکمه از نمبر خاص برخوردار مییاشد که طبق نمونه ذیل و نمونه مندرج ماده بیست و چهارم این طرزالعمل درج می گردد.

مخصوص عرایض فرجام خواهی گذاشته میشود. تحریرات دیوان
دوسیه را رسماً از مرجع مربوطه خواسته و بعد از وصول دوسیه،
عریضه از داخل کارتن بیرون شده و ضم اوراق دوسیه مربوط آن
میگردد.

۲. رنگ دوسیه ها

ماده بیست و سوم:

به منظور تفکیک بهتر دوسیه ها از یکدیگر، دوسیه ها با در نظر داشت
دیوان های مربوط ستره محکمه از رنگ مشخص، دائمی و مختلف
برخوردار میباشد.

۳. معلومات مختصر عقب (صفحه چهارم) دوسیه:

ماده بیست و چهارم:

به منظور دریافت و ارائه سریع معلومات و پیگیری مراحل مختلف
رسیده گی قضیه، معلومات مختصر قضیه درج عقب (صفحه چهارم)
دوسیه قضیه میگردد. معلومات مختصر عقب دوسیه در دیوانهای
ستره محکمه قرار ذیل توسط شخص مسوول و موظف در اوقات
مختلف مراحل دوران دوسیه خانه پُری میگردد:

معلومات مختصر عقب دوسیه

فرجام خواه: با) (معترض علیه: -----

مرسل: -----

نمبر دوسیه: _____

نمبر مکتوب: _____

تاریخ: / / تاریخ ورود دوسیه: / /

نوع قضیه: ----- تاریخ تقدیم اعتراض: / /

سال - نمبر - نام دیوان - نوع قضیه
↓ ↓ ↓ ↓
۱۳۸۶ - ۱ - جزا - قتل

توضیح:

(۱) سال: عبارت از سالی است که دوسیه قضیه به دفاتر تحریرات
دیوانهای ستره محکمه وارد گریده باشد.

(۲) نمبر: عبارت از نمبر مسلسل است که دوسیه ها به اساس آن
شماره بندی میگردد.

(۳) نام دیوان: عبارت است از نام دیوان مربوط ستره محکمه که
دارای صلاحیت رسیدگی در قضیه میباشد.

(۴) نوع قضیه: عبارت است از موضوع ایکه دعوی به اساس آن
جریان دارد. این بخش نمبر دوسیه بعد از ورود دوسیه به دیوان
مربوطه، درج حاشیه دوسیه قضیه میگردد.

(۵) دوسیه قضیه بعد از ورود به دفاتر تحریرات دیوانهای ستره
محکمه و ثبت آن در کتاب ثبت اجراآت قضایی به داخل دوسیه
های جدید که از قبل نمبر گذاری شده است، گذاشته میشود، و
کارت فهرست برای آن ترتیب میگردد.

عرایض فرجام خواهی

ماده بیست و دوم:

عرایضی که به دیوانهای ستره محکمه جهت فرجام خواهی سپرده
میشود بعد از ثبت در کتاب ثبت فرجام خواهی به داخل کارتن

اسم مستشار مؤظف: تاریخ تسلیمی دوسیه به مستشار: / /

تاریخ تسلیمی دوسیه به تحریرات تو سط مستشار مؤظف بعداز اتخاذ یکی از تصامیم ذیل: / /

الف- استرداد دوسیه:

تاریخ مکتوب مستردی: _____

ب- صدور قرار قضائی

نوع قرار	تائید	نقض	مستردی
نمبر قرار			
تاریخ قرار	/ /	/ /	/ /

ج - صدور فیصله

فیصله	تصحیح	تعدیل
نمبر فیصله		
تاریخ فیصله	/ /	/ /

تاریخ صادره: / / مرسل الیه: -----

کارت فهرست

ماده بیست و پنجم:

به منظور دریافت سریع دوسیه ها و ارائه معلومات دقیق، در دفاتر تحریرات دیوانهای ستره محکمه، کارت فهرست به اساس حروف الفبا مطابق به اسم فرجام خواه در قضایای حقوقی و در قضایای جزایی به اسم متهم طبق جدول ذیل ترتیب میگردد:

کارت فهرست

شهرت فرجام خواه / متهم		شهرت معترض علیه	
اسم	ولد	اسم	ولد
نمبر دوسیه: -----			
نوع قضیه: ()			

توضیح:

- (۱) شهرت فرجام خواه/متهم عبارت از اسم و ولد فرجام خواه/متهم.
- (۲) شهرت معترض علیه عبارت از اسم و ولد معترض علیه.
- (۳) نمبر دوسیه قضیه عبارت از نمبر دوسیه یی است که اوراق قضیه در آن قرار دارد.
- (۴) نوع قضیه عبارت است از موضوعی که دعوی مطابق آن جریان دارد.
- (۵) شهرت فرجام خواه/متهم، شهرت مدعی علیه، نمبر دوسیه و نوع قضیه توسط شخص مسوول موظف تحریر میگردد.

کارت خروج

ماده بیست و ششم:

چنینکه اعضای ستره محکمه، مستشاران قضائی و یا مامورین اداری دیوان به دوسیه مربوط ضرورت احساس نمایند، مسوول مؤظف کارت خروج را خانه پُری و بجای دوسیه درالماری مربوط قرار میدهد تا شخص گیرنده دوسیه و تاریخ آن مشخص باشد. این کارت حاوی مطالب ذیل میباشد:

(۱) نمبر دوسیه

(۲) شماره (دفعات اخذ دوسیه)

(۳) اسم شخص گیرنده دوسیه

(۴) وظیفه

(۵) تاریخ اخذ

کارت خروج

نمبر دوسیه: -----

شماره	اسم گیرنده	وظیفه	تاریخ
			/ /
			/ /
			/ /
			/ /
			/ /
			/ /
			/ /
			/ /
			/ /

حفظ و نگهداری سوابق

ماده بیست و هفتم:

حین ارسال دوسیه به مرجع مربوط، سوابق بداخل دوسیه های از قبل
نمبر گذاری شده باقی مانده و در اخیر هر سال به آرشیف فرستاده
میشود.

کتاب ثبت قضایا در دیوانهای ستره محکمه:

ماده بیست و هشتم:

به منظور توحید اجراآت، جلوگیری از ضیاع وقت ناشی از ثبت عین
معلومات در کتب متعدد و درج تمام معلومات در کتاب واحد، و
ارائه احصایه دقیق از قضایا در دیوانهای ستره محکمه، کتاب ثبت

اجراآت قضایی طبق نمونه ذیل در کاغذ نوع A۳ به شکل یک رویه
به داخل صد صفحه که هر صفحه دارای ده شماره میباشد، چاپ
میگردد.



ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان

ریاست دیوان ()

آمریت تحریرات

کتاب ثبت اجراآت قضایی

سال: ۱۳

صفحه ()

ملاحظات	خروج قضیه			اجراآت دیوان		ورود قضیه به دیوان			نوع قضیه	شهرت معترض علیه		شهرت فرجام خواه/معارض	
	تعداد اوراق	تاریخ خروج	مرسل الیه	تاریخ	نوع	تعداد اوراق	تاریخ ورود	مرسل		ولد	آ	ولد	آ

(۸) ملاحظات: این ستون به منظور تکمیل و اضافت معلومات مورد استفاده قرار میگیرد.

(۹) شماره: تعداد قضایائی است که در مورد آن اجراءات صورت گرفته است.

(۱۰) استرداد مکتوبی: نشان دهنده ستون مربوط به اجراءات دیوان توسط مکتوب میباشد.

(۱۱) نمبر دوسیه: در این ستون نمبر و سالی که دوسیه وارد گردیده است تحریر میگردد.

(۱۲) قرار قضایی: نشان دهنده ستون مربوط به اجراءات دیوان توسط قرار قضایی میباشد.

(۱۳) نمبر دوسیه: در این ستون نمبر و سالی که دوسیه وارد گردیده است تحریر میگردد.

(۱۴) فیصله: نشان دهنده ستون مربوط به اجراءات دیوان توسط فیصله میباشد.

(۱۵) نمبر دوسیه: در این ستون نمبر و سالی که دوسیه وارد گردیده است تحریر میگردد.

(۱۶) پستی کتاب: رنگ پستی کتاب مطابق به رنگ دوسیه های همان دیوان بوده و شامل معلومات ذیل میباشد:

- نام کتاب
- نام دیوان
- سال
- جلد

(۱۷) کتاب وارده و صادره (اندیکاتور) در دیوانهای ستره محکمه به حیث یک کتاب اداری باقی مانده، مکاتیب اداری، متحد المال ها و مکاتیب مربوط به یک قضیه در آن ثبت میگردد.

فصل چهارم

احکام نهائی

سیستم تقویمی و ترتیب جلسات قضائی:

ماده بیست و نهم:

بمنظور تنظیم بهتر جلسات قضائی، ارائه معلومات دقیق از وقت و ساعت جلسات قضائی برای طرفین دعوی، خارنوال و اداره محبس و عدم مزاحمت مراجعین در کار یومیه قضات و کارمندان اداری محکمه - سیستم تقویمی که یکی از اجزای مهم اداره محاکم بشمار می آید، رعایت می گردد.

مطابق این سیستم قاضی موظف دوسیه، در قضایای جزائی بعد از اخذ دوسیه در خلال مدت یک هفته و در قضایای حقوقی در خلال مدت (۱۰) روز از ساعت و تاریخ اولین جلسه قضائی به دفتر تحریرات محکمه یا دیوان مربوط خبر میدهد.

دفتر تحریرات محکمه یا دیوان مربوط ساعت و تاریخ جلسات قضائی را به ترتیب تاریخ ورود دوسیه بشکل هفته وارد ریک جدول ترتیب نموده و غرض اطلاع مراجعین محکمه آنرا به دیوار محکمه نصب مینماید.

این جریان در تمام محاکمی که به کیفیت و ماهیت موضوع رسیدگی مینمایند مورد تطبیق قرار می گیرد.

ماده سی ام:

دیوانهای ستره محکمه که طبق قانون ضرورت به حضور اصحاب دعوی ندارند، تابع تطبیق موارد مندرج ماده (۲۹) این طرزالعمل نمیشوند.

هردیوان نظم کار خویش را خود تنظیم می نماید و بعد از منظوری رئیس دیوان مورد تطبیق قرار می گیرد.

بقای مصوبات سیمینارهای قبلی محاکم:

ماده سی و یکم:

احکام این طرزالعمل به جز در موارد مصرح، سایر مصوبات سمینار های روسای محاکم و ضمائم آن را اخلاص نمی نماید.

زمان نفاذ:

ماده سی و دوم:

این طرزالعمل از تاریخ تصویب شورایعالی ستره محکمه نافذ و در مجله قضاء نشر می گردد.

قطعه نامه

سیمینار عالی روسای محاکم

(تعمیم قانونیت- تامین عدالت)

۱۷ عقرب سال ۱۳۸۶

سیمینار عالی روسای محاکم که بنابه تجویز شورایعالی ستره محکمه بمنظور غور و رسیدگی بر استهداآت واصله و دریافت راه حل های مناسب و معقول درپرتو احکام شریعت و قوانین نافذه به تاریخ ۱۲ عقرب ۱۳۸۶ با پیام جلالتمآب رئیس جمهوری اسلامی افغانستان و ارائه بیانیه اساسی سیمینارتوسط جلالتمآب پوهاند عبدالسلام عظیمی قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه ج.ا.ا در شهر کابل درهوتل انترکانتیننتال گشایش یافت و الی ۱۷ عقرب ۱۳۸۶ برای شش روز دوام کرد، امور محوله را به ارتباط توضیح قوانین، مسایل فقهی و تنظیم، تدوین و تدقیق مقرر، رهنمود و طرزالعمل های مورد نیاز بخاطر تحقق اهداف متوقعه فوق از طریق فعالیت متمر و مسئولانه کمیسیون های ذیل:

- ۱- کمیسیون جزائی و امنیت عامه شامل (۱۵۰) موضوع.
 - ۲- کمیسیون مدنی، تجارتی، حقوق عامه و احوال شخصیه شامل (۱۰۰) موضوع.
 - ۳- کمیسیون امور وثایق شامل (۴۰) موضوع.
 - ۴- کمیسیون طرزالعمل ها و رهنمودها شامل (۵) رهنمود (۴) طرز العمل، (دو) مقرر و (دو) قاعده توضیحی.
 - ۵- کمیسیون مسائل اداری و متفرق شامل (۲۵) موضوع.
- به نحو مطلوب انجام داد. اعضاء سیمینار با توجه با مساعی و تلاشهاییکه در حل مسایل مطروحه مبذول گردیده، تصاویب آنرا حمایت و پس از غور شورایعالی ستره محکمه قابل تعمیم می داند

و خویشرا نسبت به موارد آتی که باعث تقویت نظام قضائی و ارتقای پرستیژ قوه قضائیه میگردد متعهد و مسئول میپندارد:

۱- طوریکه درپیام جلالتمآب رئیس جمهوری اسلامی افغانستان تصریح شده است، قضاات درواقع ممثل تأمین عدالت دراجتماع اند و باید با دقت و احاطه لازم بر قوانین، منابع و مآخذ شرعی، توانائی صدور احکام بلاانحراف شرعی و قانونی را دررسیدگی قضایا داشته باشند. برمبنای ارشاد فوق ضرورت تدویرسیمینار بمنظور حل غامض ترین مسایل و استهداآت قانونی محاکم مبرهن است. اعضاء سیمینار تدویر این سیمینار و امثال آنرا گامی در راه تعمیم قانونیت و تأمین عدالت تلقی مینماید.

۲- از بیانیه اساسی سیمینار که توسط جلالتمآب محترم پوهاند عبدالسلام عظیمی قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه ارائه گردید و معرف واقعی کارکردها و فعالیت های قوه قضائیه میباشد به طور قاطع حمایت میکند.

۳- اعضاء سیمینار متعهد اند که با درک رسالت خطیر قضائی، درحفظ پرستیژ قوه قضائیه بیشتر از پیش بکوشد و درراه تعمیم قانونیت و تأمین عدالت از هیچگونه مساعی دریغ نرزد و در پهلوی آن طوریکه در متن بیانیه جلالتمآب قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه انعکاس یافته است آرزو داریم تا مقام ستره محکمه در راه سد نظریات و ملاحظات غیرمستدل و بدون مدرک برعلیه قضاء بوسیله هر شخص و یا مرجعیکه صورت میگیرد تدابیر لازم قانونی را بمقصد حفظ استقلال، حرمت و وقار قضاء کماکان اتخاذ نمایند.

۴- از تمام اقدامات قوه قضائیه که تحت پروگرام و برنامه های ریفورم یا اصلاحات قضائی به منصفه اجراء قرار گرفته است و تحولات عمیقی را در عرصه های مختلف کاری، کادری، بسط و توسعه مناسبات بین المللی، تامین هماهنگی با ارگانهای حراست قانون، مبارزه با فساد اداری، توسعه برنامه های آموزش قضائی تامین مرکزیت واحد از طریق ایجاد زون های قضائی و سایر اقدامات در راستای تامین فزیک و لوژستیک قوه قضائیه به بار آورده ،پیشتیانی جدی می نماید.

۵- کوشش های بلاانقطاع رهبری ستره محکمه به منظور ایجاد هماهنگی کاری میان ارگانهای حراست قانون که پیشرفت وموفقیت وظیفوی را تضمین می نماید ، مورد حمایت سیمینار قرار دارد.

۶- تصاویب این سیمینار عالی در جهت دریافت راه حل های قانونی وشرعی در قبال استهدآت پیچیده وغامض واصله پس از تصویب شورایعالی ستره محکمه قابل تعمیم است و آرزو می رود تا این تصاویب با بیانیه اساسی سیمینار در نشریه واحد تدوین، تنظیم وتعمیم یابد تا گره گشای مشکلات محاکم گردد.

۷- مشمولین سیمینار از مقام رهبری ستره محکمه صمیمانه میخواهند تا آنعده از تصاویب سیمینارراکه به مسایل کادری، فزیک، لوژستیک و تجهیزاتی قوه قضائیه رابطه میگيرد و تاجایی منعکس کننده مشکلات و پرابلم های مادی قضات ومنسوبین قضائی میباشد ، مورد توجه جدی قرارداده نسبت به حل مشکلات مطروحه عطف توجه جدی بعمل آورد.

۸- اعضای سیمینار عالی حفظ وقار و پرستیژ قوه قضائیه را با دقت کامل شان درک نموده با صداقت و ایمانداری در اجرای رسالت قضائی شان که میراثی از وظایف انبیاء علیهم السلام است خواهند پرداخت، قضات در تامین عدالت و تطبیق یکسان قوانین خواهند کوشید و با رعایت سلوک قضائی با اصحاب دعوی وعرض برخورد نیک وبا پیشانی بازخواهند داشت. و در احقاق حق آنان قضاوت عادلانه و عالمانه را بکار خواهند بست.

۹- سیمینار طرزالعمل های کاری ، رهنمودهای قضائی و قواعد توضیحی وتفسیری را که ازجانب ستره محکمه طرح و در کمیسیون طرزالعمل ها و رهنمود ها با دقت تام ارزیابی و بعد از تصیح و تعدیلات لازم تائید وبه جلسه عمومی ارائه گردید ، ممد فعالیت های کاری قضات دانسته تصویب و تعمیم آنها را به محاکم، مهم و ضروری می شمارد.

۱۰- طرزالعمل سیستم اداری محاکم افغانستان که ازجانب ستره محکمه تدوین و به سیمینار ارائه گردید، در ایجاد اصلاح امور اداری مفید و موثر می باشد وباعث تسهیل در اجراآت وایجاد نظم می گردد ، لذا مورد تائید قرار گرفت.

و من الله توفیق

اسناد و مصوبات سیمینار عالی روسای محاکم که از تاریخ (۱۲-۱۷) عقرب (۱۳۸۶) از جانب ستره محکمه در هوتل انترکانتی نتال دایر گردید، از نظر کمی و کیفی قابل ملاحظه بوده، دست آوردهای آن در امر تعمیم قانونیت و تامین عدالت نقش مفید و مثبت را در بر دارد.

سیمینار بمنظور غور بیشتر و دقت کامل به توضیح استهدآت و مسایل قابل غور به ترکیب پنج کمیسیون بزرگ و اختصاصی، پرداخت که مرکب بودند از کمیسیون غور به استهدآت جزائی، امنیت عامه، کمیسیون توضیح بر استهدآت مدنی، تجارتی، حقوق عامه و احوال شخصیه، کمیسیون غور به استهدآت مربوط به امور وثایق، کمیسیون مربوط به اداره قضائی و مسایل متفرقه و کمیسیون غور بر مقررہ ها، طرز العمل ها، قواعد و رهنمود های توضیحی.

اسناد و مصوبات کمیسیون های پنج گانه سیمینار پس از تائید جلسه عمومی از طریق دارالانشاء سیمینار بعد از توحید و انسجام جهت غور نهائی و تصویب به شورای عالی ستره محکمه محول گردیده است.

طوریکه اسناد و مصوبات سیمینار عالی رؤسای محاکم مورد غور و دقت قرار گرفت:

- ۱- دسته اول مصوباتی است که به اتفاق مورد تائید قرار گرفته است.
- ۲- دسته دوم استهدآتی را تشکیل می دهد که تکراری و همگون می باشد.

مصوبه

شورای عالی ستره محکمه ج. ا. ا.

در باره تائید و تصویب اسناد و مصوبات

سیمینار عالی روسای محاکم

تعمیم قانونیت - تامین عدالت

منعقدہ (۱۲-۱۷) عقرب (۱۳۸۶)

شماره (۶۶۵)

مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۹

۳- دسته سوم موضوعاتی است که ایجاب غور بیشتر را می نماید. شورایعالی ستره محکمه تجویز کرد تا دسته سوم مصوبات که ایجاب غور مزید را می نماید به ریاست دارالانشاء سپرده شود تا به طور مجزاء از کار سمینار مورد غور قرار گیرد.

دسته دوم استهداآت که مطالب تکراری و همگون را تشکیل می دهد از کار سمینار حذف گردد.

بنابر آن دسته اول اسناد مصوبات سمینار که شامل کار کمیسیون های پنج گانه بوده و به اتفاق آراء کمیسیون ها تنظیم و از جانب جلسه عمومی تائید گردیده است، با در نظر داشت مراتب ذیل تصویب و تائید گردید.

اول - پیام رهنمودی جلالتمآب حامد "کرزی" رئیس جمهوری اسلامی افغانستان و بیانیه اساسی سمینار که توسط جلالتمآب پوهاند عبدالسلام "عظیمی" قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه ج.ا.ا به ارتباط سمینار بیان شده است و شامل توضیح فعالیت و دست آورد های یکساله قوه قضائیه، قواعد و هدایات می باشد. و مورد تائید سمینار واقع گردیده است یکبار دیگر تائید و تصویب می شود، محاکم مراتب آن را تاجائیکه به کار قضاء ارتباط دارد، جداً رعایت نمایند.

دوم - توضیح به استهداآت جزائی و امنیت عامه بعد از حذف مطالب تکراری و موضوعاتی که ایجاب غور بیشتر را می نماید، بداخل (۶۱) توضیح مورد تائید و تصویب قرار گرفت.

سوم - توضیح به استهداآت مدنی، تجارتی، حقوق عامه و احوال شخصیه بعد از حذف مطالب تکراری و آنچه ایجاب غور بیشتر را می نماید، بداخل (۴۳) توضیح مورد تائید و تصویب واقع شد.

چهارم - توضیح به استهداآت مربوط به امور وثایق بعد از حذف (۸) موضوع مدنی والحق آن با توضیحات مربوطه به امور مدنی، بقیه به داخل (۳۲) توضیح تائید و تصویب شد.

پنجم - نظریات کمیسیون مربوط به اداره قضائی و مسایل متفرقه که مورد تائید جلسه عمومی نیز واقع شده است بداخل (۲۵) موضوع تائید و تصویب گردید، ادارات مربوطه ستره محکمه در مورد تحقق و تطبیق آن اقدام جدی و به موقع به عمل آرند.

ششم - مقررہ ها، طرزالعمل ها قواعد و رهنمود های توضیحی که پس از غور کمیسیون مربوطه مورد تائید جلسه عمومی سمینار قرار گرفته است عبارت اند از:

- ۱- مقررہ نظارت از امور قضائی و اداری محاکم به داخل (۱۰) ماده.
- ۲- مقررہ اجرای مثنی وثایق بداخل (۱۸) ماده.
- ۳- طرزالعمل تعیین وظایف کاری زون های قضائی بداخل (۹) ماده.
- ۴- طرزالعمل توضیح به استهداات بداخل (۱۵) ماده.
- ۵- طرزالعمل ابلاغ حکم به محکوم علیه غایب بداخل (۱۵) ماده.
- ۶- طرزالعمل سیستم اداری محاکم افغانستان بداخل (۴) فصل و (۳۲) ماده.
- ۷- قاعده توضیحی در مورد غصب عقار بداخل (۲) ماده تشریحی.
- ۸- قاعده توضیحی در مورد حضانت بداخل (۲) ماده تشریحی.

۹- رهنمود در باره طرزاستفاده از مراکز فرهنگی قوه قضائیه بداخل (۵) ماده.

۱۰- رهنمود در باره آموزش های قضائی داخل خدمت بداخل (۱۱) ماده.

۱۱- رهنمود توضیحی در مورد تکفل اجتماعی بی سرپرستان بداخل (۱۳) ماده.

۱۲- رهنمود توضیحی در مورد تحریر فیصله ها بداخل (۹) ماده.

۱۳- رهنمود توضیحی به ارتباط تنظیم امور ذوالیدی در مدعی بها بداخل (۸) ماده.

تأید و تصویب گردید.

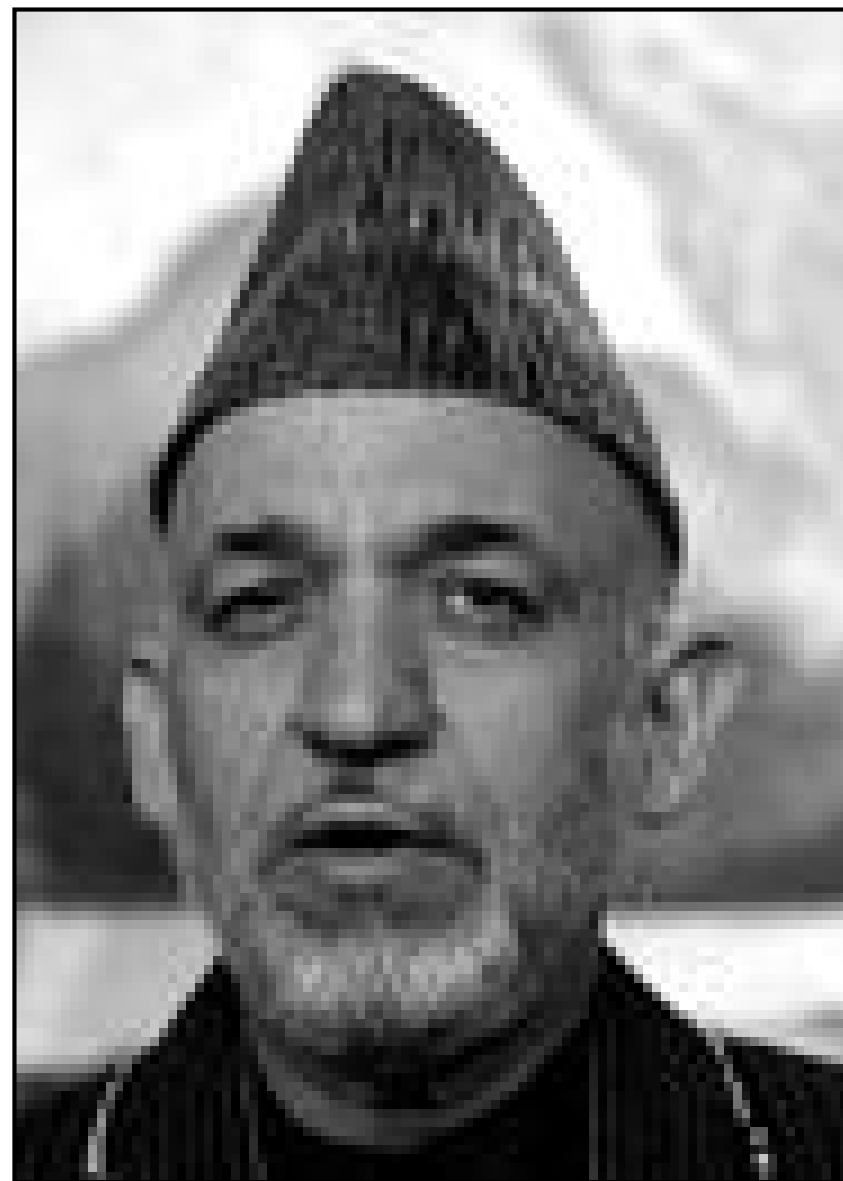
مقرر ها، قواعد، طرزالعمل ها و رهنمودهای توضیحی فوق از تاریخ تصویب نافذ و در مجله قضاء نشر گردد.

هفتم- دارالانشاء سیمینار به همکاری ریاست عمومی تدقیق ومطالعات اسناد و مصوبات فوق را آماده نشر بسازد.

هشتم- در نشر اسناد و مصوبات سیمینار عالی رؤسای محاکم از طریق پروژه عدلی و قضائی اقدام عاجل صورت گیرد.

نهم- به خاطر تعمیم مصوبات و تطبیق محتویات آن رؤسای محاکم ولایات ورکشاپ هایی را در مراکز ولایات مربوط دایر نمایند و منسوبین قضائی خویش را به محتویات سیمینار آشنا سازند.









پوهاند عبدالسلام «عظيمي» قاضي القضاة ورئيس ستره محكمه
جمهوري اسلامي افغانستان